

➤ اهداف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه قرآن کریم با تأکید بر تفسیر «المیزان»

● سلمان رضوان خواه

➤ الزامات قرآنی مقاومت فعال با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای

● محمد ستوده، محمدعلی صادق زاده

➤ راهکارهای تحول‌آفرین در مدیریت فرهنگی نبوی با تأکید بر اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای

● اصغر آیتی، عبدالله توکلی

➤ بررسی تطبیقی کیفیت، زمان و شرایط غلبه دین اسلام از منظر مفسران فریقین و مقایسه آن با اندیشه امام خامنه‌ای (با محوریت آیه ۳۳ توبه)

● محسن خوشفر، لیلا ابراهیمی

➤ دشمن‌شناسی در سیره قرآنی حضرت موسی (ع)، الگویی برای صیانت از انقلاب اسلامی

● محمود کریمی، نبی‌الله سالاری

➤ مناصب سیاسی - اجتماعی زنان از منظر مفسران معاصر

● فرشته ساسانی، محمدحسین توانایی سره دینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه بوعلی سینا

مطالعات اجتماعی قرآن وفصلنامه علمی

شماره ۲، دوره ۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: دانشگاه بوعلی سینا
مدیر مسؤول: محمد جواد هراتی
سردبیر: محمد جواد اسکندرلو



ویراستار ادبی: دکتر الهه وحیدی
مترجم انگلیسی: دکتر بهلول سلمانی
طراحی و صفحه آرایی: محمد فرهمند



اعضای هیأت تحریریه:

محمد جواد اسکندرلو، محمد جواد هراتی، مرتضی قائمی
نیکزاد عیسی زاده، حبیب الله حلیمی جلودار، حسن رحیمی

آدرس مجله: همدان. دانشگاه بوعلی سینا. سازمان مرکزی. دفتر
نشریات فکس و تلفن: +۹۸۸۱۳۱۴۰۱۴۵۴

شیوه نامه نگارش مقالات

۱. شرایط علمی

- مقاله دارای اصالت و نوآوری باشد.
- در نگارش مقاله روش تحقیق علمی رعایت و از منابع معتبر و اصیل استفاده شود.
- هر مقاله شامل چکیده، کلید واژه‌ها، مقدمه، متن اصلی و نتیجه پژوهش باشد.

۲. شیوه نامه نگارش مقاله

* شیوه تنظیم مقاله:

- چکیده حداکثر دارای ۱۵۰ واژه و در بر دارنده مسأله تحقیق، روش تحقیق و مهم ترین نتایج باشد.
- کلیدواژه‌ها: حداکثر تا ۷ واژه از میان کلماتی که نقش نمایه و فهرست را ایفا می‌کنند و کار جست و جوی الکترونیکی را آسان می‌سازند، انتخاب شود.
- مقدمه شامل بیان مسأله، اهمیت و ضرورت، سؤالات، فرضیات، پیشینه، روش و نتایج تحقیق می‌باشد و خواننده را برای ورود به بحث اصلی آماده سازد.
- منابع

* نحوه تنظیم ارجاعات:

- ارجاعات در متن مقاله بین پرانتز به صورت (نام خانوادگی مؤلف، سال انتشار: شماره صفحه یا شماره جلد/ صفحه) نوشته شود.
- اگر ارجاع بعدی بلافاصله به همان مأخذ باشد از (همان: شماره جلد / صفحه) استفاده شود.

* منابع مورد استفاده در متن، در پایان مقاله منابع به شیوه APA آورده شود:

- کتب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار): «نام کتاب»، نام مترجم یا مصحح یا محقق، محل انتشار: نام ناشر، نوبت چاپ.
- مجلات: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار): «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره صفحات مقاله.
- مجموعه مقالات یا دایرةالمعارف‌ها: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار): «عنوان مقاله»، نام کتاب، نام ویراستار، محل انتشار: نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد، شماره صفحات مقاله.

- سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، نام (آخرین تاریخ و زمان تجدیدنظر در پایگاه اینترنتی): «عنوان و موضوع»، نام و آدرس سایت اینترنتی.
- مقاله باید حداکثر ۸۵۰۰ کلمه و بین ۱۵ - ۲۵ صفحه تنظیم گردد.



- عناوین (تیترها) با روش شماره‌گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی مثل حروف از راست به چپ تنظیم شود.

- مقاله در کاغذ A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، در محیط ورد ۲۰۰۷، متن مقاله با قلم BLotus 13 (عربی Badr 13، لاتین TimesNewRoman10 و یادداشت‌ها و منابع BLotus11 حروف چینی شود.

۳. چگونگی پذیرش مقاله

- مقاله باید دارای شرایط علمی مذکور و بر اساس شیوه نگارش مقالات تنظیم گردد و از طریق سامانه ارسال گردد.

- هیئت تحریریه در پذیرش، رد و ویرایش مقالات آزاد است.

۴. محورهای مورد پذیرش

- بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان در حوزه مسائل اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم

- مسائل مربوط به نظریه‌های عدالت اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم

- حقوق اجتماعی زنان با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم

- حقوق اجتماعی اقلیت‌های دینی با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم

- مسائل مربوط به فرهنگ اجتماعی و اجتماع فرهنگی با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم

- ...



فهرست مقالات

اهداف تربیتی همزیستی مسالمت آمیز از دیدگاه قرآن کریم با تأکید بر تفسیر «المیزان»

○ سلمان رضوان خواه ۶

الزامات قرآنی مقاومت فعال با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای

○ محمد ستوده، محمد علی صادق زاده ۲۸

راهکارهای تحول آفرین در مدیریت فرهنگی نبوی با تأکید بر اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای

○ اصغر آیتی، عبدالله توکلی ۵۶

بررسی تطبیقی کیفیت، زمان و شرایط غلبه دین اسلام از منظر مفسران فریقین و مقایسه آن با اندیشه امام خامنه‌ای (با محوریت آیه ۳۳ توبه)

○ محسن خوشفر، لیلا ابراهیمی ۹۰

دشمن شناسی در سیره قرآنی حضرت موسی (ع)، الگویی برای صیانت از انقلاب اسلامی

○ محمود کریمی، نبی الله سالاری ۱۱۰

مناصب سیاسی - اجتماعی زنان از منظر مفسران معاصر

○ فرشته ساسانی، محمد حسین توانایی سره دینی ۱۳۴

The educational goals of peaceful coexistence from the perspective of the Holy Quran with an emphasis on the interpretation of "Al-Mizan"

Salman Rizwan Khah¹

Abstract:

One of the problems that has plagued different societies, including multicultural societies, is the inability of people to co-exist peacefully with each other, which is confirmed by numerous examples of conflict between people and different groups in families and intra-society and inter-society incompatibilities. Islam, as the most perfect religion, has plans to achieve this peaceful coexistence; Based on this, the aim of the current research is to achieve the educational goals of peaceful coexistence from the perspective of the Holy Quran and emphasizing the interpretation of "Al-Mizan". The research method is content analysis, and based on that, the content of "Al-Mizan" commentary has been subjected to qualitative analysis in order to answer the research question. The research results point to six educational goals, which are: acquiring the ability to be present in the crowd, realizing educational justice, realizing free-thinking, cultivating the ability to understand and accept differences, cultivating the spirit of accepting peaceful coexistence, and acquiring the ability to validate values with the criterion of "reason" Based on Sharia".

Keywords: educational goals; Tafsir al-Mizan; Allameh Tabatabaei; Holy Quran; Peaceful coexistence.

مطالعات قرآنی
و ترجمه‌های
مؤلفان

دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Shiraz, Iran. s.kh.yass@gmail.com



اهداف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه قرآن کریم با تأکید بر تفسیر «المیزان»^۱

سلمان رضوان خواه^۲

چکیده:

یکی از مشکلاتی که امروزه دامن‌گیر جوامع مختلف، از جمله جوامع چندفرهنگی، شده است، عدم توانایی افراد در همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر است که نمونه‌های متعدد کشمکش میان افراد و گروه‌های مختلف در خانواده‌ها و ناسازگاری‌های درون جامعه‌ای و میان جامعه‌ای مؤید این اتفاق است. دین اسلام، به عنوان کامل‌ترین دین برای دستیابی به این همزیستی مسالمت‌آمیز، برنامه‌هایی دارد؛ بر این اساس، هدف پژوهش حاضر دستیابی به اهداف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز از منظر قرآن کریم و با تأکید بر تفسیر «المیزان» است. روش پژوهش تحلیل محتوا است و بر آن اساس، محتوای تفسیر «المیزان» در جهت پاسخ به پرسش پژوهش، مورد تحلیل کیفی قرار گرفته است. نتایج پژوهش به شش هدف تربیتی اشاره دارد که عبارت است از: کسب شایستگی حضور در جمع، تحقق عدالت تربیتی، تحقق آزاداندیشی، پرورش سعه صدر و توانایی درک و پذیرش تفاوت‌ها، پرورش روحیه پذیرش همزیستی مسالمت‌آمیز و کسب توانایی اعتبارسنجی ارزش‌ها با معیار «عقل مبتنی بر شرع».

واژه‌های کلیدی: اهداف تربیتی؛ تفسیر المیزان؛ علامه طباطبایی؛ قرآن کریم؛ همزیستی مسالمت‌آمیز.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده است.

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، شیراز، ایران. s.kh.yass@gmail.com

یکی از مشکلاتی که امروزه دامن‌گیر اغلب جوامع شده و دغدغه پژوهشگران این پژوهش نیز در همین راستاست، این است که بسیاری از مردم زیستن در کنار یکدیگر به صورت مسالمت‌آمیز را آموزش ندیده‌اند و بسیار دیده شده که گاهی بر اثر چالش‌های بسیار کوچک، گروه‌هایی به جان یکدیگر افتاده‌اند. زندگی با همزیستی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر می‌تواند در سطوح مختلف مطرح باشد. برای مثال، همزیستی مسالمت‌آمیز بین اقوام مختلف یک جامعه یا چند کشور همسایه، بین معلم و دانش‌آموز، معلم و معلم، دانشجو- و دانشجو، زن و شوهر، اعضای یک خانواده با یکدیگر و... با این توصیف وجود جنگ‌های مختلف بین کشورها، اقوام و مذاهب، آمار بالای طلاق و مشکلاتی که به علت این تعارضات نیز در میان برخی از دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان و اساتید وجود دارد، گواهی بر اهمیت این مسئله است؛ همچنین وجود پرونده‌های مختلف از نزاع‌های خیابانی و خانوادگی دلیل دیگری برای وجود مشکلی به نام عدم همزیستی مسالمت‌آمیز است. منشأ این مشکلات و تعارضات می‌تواند در عدم توجه به این نکته باشد که انسان‌ها برای کامل شدن، به تعاون و همکاری و نهایتاً همزیستی نیاز دارند.

در خصوص ضرورت انجام پژوهش نیز باید گفت، ایران یکی از کشورهایی است که مهد فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف است؛ از یک سو، به گونه‌ای در معرض مشکلاتی است که عدم وجود همزیستی مسالمت‌آمیز می‌تواند موجد آن باشد و از سوی دیگر، مطالعات پژوهشگران نشان از عدم وجود روش‌های مناسب جهت آموزش صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در ایران دارد؛ (فتحی و اجارگاه و دیگران، ۱۳۸۷ و هاشمی، ۱۳۸۸ و حاجی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳ و فلاح نودهی، ۱۳۸۸) بنابراین می‌توان انتظار داشت که استفاده از یافته‌های این پژوهش بتواند در حل مسائلی که در کشور ما ممکن است به علت وجود فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف و یا حتی به علت تفاوت سلیق به وجود بیاید، راهگشا باشد.

یکی از تفکراتی که برای همزیستی مسالمت‌آمیز حرف و ایده دارد، تفکر قرآن کریم است. اسلام و قرآن کریم، انسان را موجودی اجتماعی می‌داند و به همراهی و همزیستی فرد با سایر اعضای جامعه تأکید می‌کند: «انسان در صورتی می‌تواند به کمالات نوعی خود برسد و در زندگی سعادت‌مند شود که با سایر افراد تشکیل اجتماع دهد و در انجام اعمال حیاتی که انواع و اقسام بسیاری دارد و یک فرد به تنهایی نمی‌تواند همه آن‌ها را انجام دهد، با دیگران همکاری نماید. این امر، انسان

اجتماعی را نیازمند به قوانین و مقرراتی می‌سازد که حافظ حقوق افراد باشد و بهره‌هرکسی را از مزایای جامعه مشخص نمایند.» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲/۲۶۵) علامه طباطبایی در این رابطه، معتقدند: «آیین مقدس اسلام یک روش کامل اجتماعی است و بدیهی است که سلامت کامل یک جامعه و بزرگ‌ترین آرزوی افراد، این است که منافع حیاتی آنان تأمین گردد و از کشمکش‌ها و تجاوزهایی که زندگی و صفای آن را تهدید می‌کند، به قدر امکان، جلوگیری شود تا انسان‌ها بتوانند با خیال آرام در شاهراه تکامل به سیر خویش ادامه دهند.» (همان، ۱۳۸۷: ۳۰۲)

یکی از مشکلاتی که در بررسی قرآن کریم وجود دارد، این است که امکان گرفتار شدن در دام تفسیر به رأی وجود دارد؛ لذا تصمیم گرفته شد که به یکی از منابع تفسیری مراجعه شود. در این میان، مشکل دیگر وجود منابع متعدد تفسیری بود؛ بنابراین با توجه به وجود منابع تفسیری متعدد در میان مفسران شیعه و سنی، در این پژوهش به تفسیر «المیزان» علامه طباطبایی تأکید شده و این تفسیر چراغ راه قرار داده شده است. یکی از دلایل انتخاب این تفسیر، از یک سو، نگاه عقلانی و استدلال-محوری است که علامه در تدوین این تفسیر داشته است و از سوی دیگر، توجه ایشان به موضوع صلح و همزیستی در جای جای تفسیر ارزشمند «المیزان» است.

برای یک بررسی علمی و مدون، به یک روش‌شناسی مشخص نیاز است که براساس آن بتوان به یافته‌های دقیقی دست یافت؛ بنابراین در ادامه، به صورت مبسوط به روش‌شناسی پژوهش اشاره می‌شود.

این پژوهش، از زمره پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی و از نوع تحلیل محتوای کیفی و استنباط قیاس نظری و توسعه مفهومی است. تحلیل محتوا عبارت است از شناخت و برجسته کردن محورها و خطوط اصلی یک متن یا متون مکتوب با هدف فراهم آوردن تحلیلی توصیفی. (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۸۲) فیلیپ استون^۱ معتقد است، تحلیل محتوا روشی است که به گونه‌ای عینی و براساس قواعد معین، مشخصات ویژه را از یک پیام کشف می‌کند. (استون، ۱۹۹۶: ۵) براساس این شیوه، ابتدا تمام متن تفسیر «المیزان»، در ارتباط با موضوع پژوهش، بررسی و مطالب مرتبط در فیش‌های جداگانه، ثبت و نهایتاً طبقه‌بندی شد. در این راستا، برخی از ویژگی‌های انسان در قرآن کریم استخراج شد. سپس مبتنی بر این ویژگی‌های انسان‌شناختی، اهداف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز استخراج گردید. هدف در تعلیم و تربیت، به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به طور



آگاهانه و سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد؛ بنابراین، هدف‌های تربیتی دارای سه کارکرد هستند: رهبری فعالیت‌های تربیتی، ایجاد انگیزه در فرد و ارائه معیاری برای ارزیابی فعالیت‌های تربیتی. ویژگی مشترک تمام اهداف تربیتی آن است که این اهداف نتیجه یک یا چند فعالیت تربیتی‌اند. (شکوهی، ۱۳۶۸: ۱۱۵)

ابزار پژوهش نیز به معنای خاص پژوهش‌های میدانی، در پژوهش استفاده نشده؛ ولی از برگه‌های فیش برداری به منظور گردآوری نتایج مطالعات مرتبط، استفاده شده است. باتوجه به اهمیت موضوع، پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

حجتی و سلمان (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «همزیستی پیروان ادیان توحیدی از دیدگاه قرآن و روایات»، به بررسی جایگاه همزیستی مسالمت‌آمیز بین ادیان الهی از منظر قرآن کریم می‌پردازد. این پژوهش که با بررسی آیات قرآن کریم و سایر منابع مرتبط انجام شده است، در پایان، نتیجه می‌گیرد که دین مبین اسلام راهکارهای عملی و اساسی را برای تأمین این همزیستی تعیین نموده است. پژوهشگران، همچنین در نتایج پژوهش اشاره می‌کنند که صلح و دوستی در عمق آموزه‌های اسلام نهفته است و خوی نیکو و محبت از اصولی است که مسلمانان باید به آن آراسته باشند. مدارا کردن با یکدیگر از جلوه‌های تعامل مسلمان با غیرمسلمان در جامعه اسلامی است. در سایه این صلح و دوستی، زمینه رشد و تکامل انسان‌ها و بالطبع جامعه فراهم می‌شود. در نتایج این پژوهش، همچنین، آمده است که قرآن کریم همواره حقوق اهل کتاب را محترم شمرده است. همچنین نحوه زندگی پیروان سایر ادیان در میان جوامع مسلمان را نیز مورد اهمیت قرار داده است.

فتحی و اجارگاه (۱۳۸۷) معتقد است یکی از عواملی که باعث ناسازگاری دانش‌آموزان در مدرسه و نهایتاً عدم همزیستی مسالمت‌آمیز بین آن‌ها می‌شود، مشارکت نکردن موزان در برنامه درسی است. در چنین وضعیتی، دانش‌آموزان فکر می‌کنند که هیچ‌گونه کنترل و اختیاری بر زندگی و تحصیل خود ندارند و نتیجه طبیعی این فرایند، آسیب دیدن عزت نفس و احساس خودارزشمندی آن‌هاست که خود یکی از مؤلفه‌های مهم حقوق بشر است.

حق پناه (۱۳۸۸) در پژوهشی، با عنوان «جنگ و صلح از منظر علامه طباطبایی»، با مراجعه به تفسیر «المیزان» و سایر آثار علامه طباطبایی و بررسی این آثار به روش کیفی به تبیین مفاهیم «جنگ»، «جهاد» و «دفاع» پرداخته و نهایتاً

نتیجه می‌گیرد که هدف اسلام از جهاد، دستیابی به منافع مادی و دنیوی نیست و جنگ را یک اصل برای پیشبرد مقاصد خود قرار نمی‌دهد.

هاشمی (۱۳۸۸) در رسالهٔ دکتری خود، با عنوان «بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابهٔ هدفی تربیتی و بازتاب آن در کتاب‌های درسی مقطع متوسطهٔ آموزش و پرورش ایران»، تأکید دارد که در آموزش همزیستی، طراحان و مجریان برنامه‌ها باید فرایند درونی‌سازی ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهای همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه را مد نظر داشته باشند.

یونسکو (۲۰۰۷) در دومین نشست بین‌دولتی آموزش و پرورش منطقه‌ای در پژوهشی، با عنوان «آموزش و پرورش برای صلح و همزیستی»، طرحی را برای آمریکای لاتین و کارائیب مطرح کرد که آموزش و پرورش باکیفیت برای همه، بدان معناست که یک رویکرد مقایسه‌ای را اتخاذ می‌کند و این رویکرد نهایتاً می‌تواند در حوزهٔ همزیستی صورت گیرد و منجر به مدرسه‌ای بشود که مروج همزیستی مبتنی بر احترام متقابل و حل مناقشه به صورت صلح‌آمیز شود.

مارتینز و دیگران (۲۰۰۹) در پژوهشی، با عنوان «رسانه و هم‌اندیشی فرهنگ‌ها برای همزیستی فرهنگی»، قصد دارند با مطالعه عمیق، دانشی را تولید کنند که بتواند راهبردهایی را برای زندگی با یکدیگر ارائه دهد. آن‌ها قصد دارند نسل‌های آینده را برای استفادهٔ منتقدانه از رسانه تربیت کنند؛ چراکه معتقدند رسانه ابزار و کانالی برای ارتباطات انسانی، جستجوی اطلاعات و ابزاری برای تحقیقات، دارای آسیب‌هایی است که آن‌ها باید از این آسیب‌ها عبور کرده و گرفتار آن‌ها نشوند.

هررا تورس^۲ و آنتونیو^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی، با عنوان «ارزش‌پیش‌بینی‌کنندهٔ مهارت‌های اجتماعی در توانایی باهمزیستن در مدارس ابتدایی. مطالعهٔ تحلیلی در زمینهٔ تنوع فرهنگی»، عواملی چون تعادل شخصیتی^۴ و عزت نفس را سبب همزیستی مسالمت‌آمیز دانسته و از طرفی عواملی چون بی‌نظمی بالینی^۵ را مانع همزیستی میان دانش‌آموزان در مدرسه می‌دانند.

گراو^۶ و گارسایراگا^۷ (۲۰۱۷) در پژوهشی، با عنوان «یادگیری برای زندگی با هم:

1. Martins
2. Herrera Torres
3. Antonio
4. personal adjustment.
5. clinical maladjustment.
6. Grau.
7. Garcia-Raga.



چالشی برای مدارس در معرض زمینه آسیب پذیری اجتماعی»، به اجرای یک برنامه اجتماعی-فرهنگی در شهر والنسیا (اسپانیا) پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، معلمان و دانش‌آموزان تأکید می‌کنند که ادامه کار در این راستا برای سرمایه‌گذاری در ایجاد یک مدرسه دموکراتیک که بر پایه همزیستی و مشارکت استوار باشد، ضروری است.

بامطالعه پیشینه‌های داخلی و خارجی پژوهش، چند نکته لازم به توضیح است که تمایز پژوهش پیش رو را نشان می‌دهد: اول این‌که اغلب پژوهش‌های انجام شده تنها به بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملل مختلف و یا بعضاً فرهنگ‌های مختلف پرداخته‌اند. دوم این‌که به جز رساله دکتری هاشمی (۱۳۸۸) که به بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز در برنامه درسی مدارس متوسطه پرداخته است، پژوهشی یافت نشد که نگاه تربیتی به موضوع همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد. سوم این‌که در پیشینه پژوهش، دیده نشد که پژوهشی به استخراج اهداف همزیستی مسالمت‌آمیز مبتنی بر تفسیر «المیزان» پرداخته باشد. بر این اساس، وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های گذشته مشخص می‌شود. بنابراین سؤال پژوهشی در پژوهش حاضر عبارت است از این‌که: اهداف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز از منظر قرآن کریم با تأکید بر تفسیر «المیزان» کدام‌اند؟

یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا به بررسی مفهوم هدف پرداخته می‌شود و سپس اهداف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز از منظر تفسیر «المیزان» مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ضمن بررسی هر هدف تربیتی، به آن ویژگی از انسان که موجب هدف تربیتی است، اشاره می‌شود که منشأ هر هدف نیز مشخص شود.

مفهوم هدف

در مورد اهداف باید گفت که انسان در فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود از داشتن هدف و غایت‌گریز ندارد. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۸) داشتن هدف به این معنی است که فعل به گونه‌ای باشد که انجام آن مشتمل بر خیر باشد و همان محرک فاعل است در انجام یک فعل و همان باعث می‌شود که فاعل فعل را متقن و بی‌عیب انجام دهد و در نتیجه فاعلش در فعلش حکیم باشد؛ چون اگر هدف نبود، فعل لغو و بی‌اثر می‌شد. (همان، ۱۳۸۸: ۱۵/۵۸) این اهداف که بار تجویزی دارند، نشانگر وضعیت نهایی هستند که باید برای رسیدن به آن‌ها تلاش نمود.

اهداف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز

برای تبیین این اهداف تربیتی، هنگام مطالعه هر هدف، به آن ویژگی از انسان اشاره می‌کنیم که براساس آن ویژگی، هدف مورد نظر استنتاج شده است. این ویژگی‌ها گزاره‌های توصیفی هستی‌شناسی‌ای هستند که در وجود انسان به ماهوی انسان وجود دارد و لازمه دسترسی به اهداف تربیتی، توجه به این ویژگی‌های هستی‌شناسی است؛ یرای مثال، از ویژگی «مدنی بالطبع بودن انسان»، هدف «کسب شایستگی حضور در جمع» استنتاج می‌شود؛ لذا در بررسی این هدف، ابتدا ویژگی مورد نظر تشریح و سپس هدف مرتبط با آن ویژگی استنتاج و تبیین می‌شود.

۱. کسب شایستگی حضور در جمع

این هدف تربیتی، مبتنی بر ویژگی «مدنی بالطبع بودن انسان» است. انسان به دلیل نیازمندی یا کمال‌جویی و به لحاظ ساختار شخصیت، موجودی اجتماعی است و هویت او به حد قابل توجهی (بخصوص در آغاز زندگی) و در عرصه زندگی اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود... البته باید توجه داشت که از منظر اسلام دیدگاه فردگرایانه و جامعه‌گرایانه، مورد تأیید نیست، بلکه دیدگاه معتدل و بینابینی که به فرد و جامعه، هر دو، اهمیت می‌دهد، مورد توجه است. به سخن دیگر، فرد و اجتماع در یکدیگر تأثیر متقابل دارند و سرنوشت این دو به هم گره خورده است. (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۷۰-۷۱)

علامه طباطبایی در این رابطه می‌نویسد: «انسان در میان تمامی جانداران، موجودی است که باید اجتماعی زندگی کند و این مطلب احتیاج به بحث زیاد ندارد؛ چراکه فطرت تمامی افراد انسان چنین است؛ یعنی فطرت تمام انسان‌ها این معنا را درک می‌کند. قرآن کریم هم با بهترین بیان در بسیاری از آیات، از این حقیقت خبر داده است. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴/۱۴۴) بنابراین، این هدف تربیتی که مبتنی بر ویژگی «مدنی بالطبع بودن انسان» است، در واقع، یکی از چشم‌اندازها یا اهداف همزیستی مسالمت‌آمیز را نشان می‌دهد که در فعالیت‌های تربیتی خود، باید آن را مد نظر قرار دهیم. موضوع این هدف کسب شایستگی‌های زندگی در میان جامعه است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به هم‌نوعان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف و مسئولیت اقدام کند. مقصود در هدف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز، آشناساختن فرد با روحیات اجتماعی و آموختن راه و رسم زندگی با دیگران و آنگاه پرورش روحیه تعهد و التزام عملی به انجام وظایف خویش است.



در خصوص اهمیت توجه به هدف مورد نظر، صاحب «المیزان» معتقد است: «اولین ندایی که از بشر برخاست و برای اولین بار بشر را دعوت نمود که به امر اجتماع اعتنا و اهتمام بورزد و آن را از کنج اهمال و زاویۀ تبعیت حکومت‌ها خارج نموده و موضوعی مستقل و قابل بحث حساب کند، ندایی بود که شارع اسلام و خاتم انبیا(ص)، افضل الصلوة والسلام، سر داد و مردم را دعوت کرد به پیروی از آیاتی که از ناحیۀ پروردگار، به منظور سعادت زندگی اجتماعی و پاکی آنان، نازل شده است. (همان: ۱۶۷).

باتوجه به این هدف تربیتی است که علامه تفکر اجتماعی را راه حلی اختلافات بشری می‌داند و معتقد است، افراد جامعه باید همواره به نفع اجتماع فکر کنند و از خودخواهی بپرهیزند؛ یعنی نفع خود را در نفع جامعه و ضرر خود را در ضرر جامعه بدانند و برای اقدام به هر کار یا تصمیمی قبل از نفع خود، مصالح و منافع جامعه را در نظر بگیرند و هرگز به کاری که به ضرر جامعه است، اقدام نکنند؛ حتی اگر برای خودشان سود داشته باشد. با چنین طرز تفکری، جامعه دارای شخصیت واحدی می‌گردد و اختلاف از آن رخت می‌بندد (همان). ایشان در همین رابطه، می‌نویسد: «هیچ چاره‌ای جز این نیست که تک‌تک افراد اجتماع قسمتی از حریت و آزادی خود را فدای قانون و سنت جاری در اجتماع کند و از آزادی مطلق و بی‌قید و شرط خود چشم‌پوشد تا به خاطر این فداکاری و در مقابل این گذشت، از پاره‌ای مشتهیات خود بهره‌مند گردد و بقیه افراد اجتماع نیز به قسمتی از آزادی خود برسند. (همان: ۵۵۰/۱۰)

مرحوم طباطبایی در وصف شایستگی‌های اجتماعی مؤمنان می‌نویسد: «آن‌ها مانند دیدبانانی هستند که اجتماع خود را به سوی خیر سوق می‌دهند؛ یعنی امریه معروف و نهی از منکر نموده، حدود خدائی را حفظ می‌نمایند، نه در حال انفراد نه در حال اجتماع، نه در خلوت و نه در ظاهر از آن حدود تجاوز نمی‌کنند. (همان، ۵۳۹/۹)

بنابراین، می‌توان گفت هدف نامبرده، نشان از تلاش برای اجتماعی شدن متریبان دارد. البته این اجتماعی کردن ضرورتاً به معنای هم‌رنگ شدن فرد با جامعه نیست؛ چراکه از نظر علامه در کنار وظایف اجتماعی عمومی، قابلیت‌ها و ویژگی‌های فردی نیز باید مورد توجه قرار گرفته و به جای فشار آوردن بر افراد برای یکدست کردن ویژگی‌ها، تلاش شود که هرکس در ظرف وجودی خویش رشد کند و به کمال شایسته خود دست یابد. (همان، ۵۷۰/۱)

مرحوم علامه، به طور مشخص در این باره، می‌نویسد: «چیزی که هست، انسان

از آنجائی که موجودی است اجتماعی و طبیعتش او را به سوی زندگی گروهی سوق می‌دهد و لازمه این سوق دادن این است که انسان اراده‌اش را میان اراده همه و فعلش را میان فعل همه قرار دهد و لازمه‌اش این است که در برابر قانونی که اراده‌ها را تعدیل می‌کند و برای اعمال انسان حدود مرز درست می‌کند، خاضع گردد؛ لذا باید بگوییم، همان طبیعتی که آزادی در اراده و عمل را به او داد، دوباره همان طبیعت به عینه اراده و عملش را محدود و آن آزادی را که در اول به او داده بود، مقید نمود. (همان، ۴/۱۸۳) بنابراین در دستیابی به هدف مورد نظر، باید توجه داشته باشیم که کسب شایستگی به این معنا است که از یک سو فرد بتواند با جامعه و اعضای جامعه تعامل و مشارکت فعال داشته باشد و از سوی دیگر، ضمن حفظ ویژگی‌های فردی در رشد فردی خود نیز بکوشد و مانع از استحلال شخصیت فردی‌اش در گروه و جامعه شود. (صادق زاده، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۵) و همچنین با مشارکت فعال در جامعه به رشد و کمال جامعه نیز کمک کند.

۲. تحقق عدالت تربیتی

این هدف تربیتی، از ویژگی برابری انسان‌ها در آفرینش، استنتاج شده است. همه افراد بشر از یک اصل (آدم و حوا) نشئت گرفته‌اند. هیچ انسانی بر انسان دیگر، به لحاظ اصل آفرینش، فزونی و برتری ندارد؛ لذا تفاوت‌های طبیعی (نژادی، قومی، جنسی، وراثتی و غیره)، موجود بین انسان‌ها بر مبنای حکمت الهی و صرفاً برای شناسایی آدمیان است که نمی‌تواند به خودی خود معیار هیچ‌گونه برتری باشد. (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۶۳)

براین اساس، از نظر اسلام، امکان شکل‌گیری یک جامعه اخلاقی جهانی واحد، بر اساس ارزش‌ها، منافع و نهادهای مشترک بشری تحت حاکمیت واحد اسلامی، وجود دارد؛ در حقیقت، اسلام تلاش می‌کند تا وحدت اندیشه و نظر را میان همه انسان‌ها پدید آورد و عوامل واگرایی، مانند طایفه‌گرایی، نژادپرستی و تبعیض طلبی را نفی می‌کند. (سیمبر و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۸۹: ۲۷۲)

اسلام همه تبعیض‌ها و برتری‌جویی‌های ناشی از قدرت، ثروت، ملیت، قومیت، رنگ، نژاد، طبقه و جایگاه اجتماعی را نفی می‌کند و تنها و به شکل انحصاری، ایمان و تقوا را ملاک اصلی برتری انبای بشر از یکدیگر معرفی می‌کند. علامه در این باره می‌فرماید: «در اسلام، افراد اجتماع همه نظیر هم هستند. چنین نیست که بعضی بر بعضی دیگر برتری داشته باشند و یا بخواهند برتری و تفاخر نمایند. تنها تفاوتی که بین مسلمین هست، همان تفاوتی است که قریحه و استعداد، اقتضای آن را دارد و از آن ساکت نیست و آن تنها و تنها تقوا است که



زمام آن به دستِ خدای تعالی است نه به دست مردم و این خدای تعالی است که می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قراردادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست." (حجرات/۱۳) با این حساب در رژیم اجتماعی اسلام، بین حاکم و محکوم، امیر و مأمور، رئیس و مرئوس، حرّ و برده، مرد و زن، غنی و فقیر، صغیر و کبیر و... هیچ فرقی نیست؛ یعنی از نظر جریان قانون دینی در حق‌شان برابرند و همچنین از جهت نبود تفاضل و فاصله طبقاتی در شئون اجتماعی در یک سطح و یک افق‌اند.» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴/۱۹۵) بنابراین، با توجه به این ویژگی، هدف تحقق عدالت تربیتی، معنادارتر می‌شود. این هدف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز، نشان می‌دهد که برای گروه‌ها و اقوام و طبقات مختلف جامعه باید تلاش شود که از فرصت‌های تربیتی عادلانه برخوردار شوند؛ چراکه «عدالت، اساسی‌ترین ارزش اجتماعی است که معیار آن رعایت حقوق افراد، متناسب با وسع و ویژگی‌های آنان است.» (همان: ۴۱) اگر عدالت و برابری میان گروه‌ها برقرار نشود، با اعمال قدرت و فشار گروه قوی‌تر، همزیستی تحمیلی میان گروه‌ها به وقوع می‌پیوندد که در آن گروه ضعیف‌تر، مقهور شده و با اکراه سازش را می‌پذیرد و چون در این سازش احقاق حقوق صورت نگرفته است، احتمال خشونت و کشمکش وجود دارد.

این هدف در دیدگاه علامه با عبارت «ایفاء به قسط» عنوان شده است و منظور از آن، عمل به عدالت، بدون هرگونه اجحاف، است. درضمن، اعتقاد علامه بر این است که «ایفاء به قسط» تکلیفی است که هرکس به اندازه وسع طاقت خویش بر عهده دارد. (همان، ۵۱۸/۷) مرحوم علامه، همچنین در تحقق عدالت، به تربیت «قومین به قسط» نیز توجه داشته و معتقد است، «قومین به قسط» کسانی هستند که در کامل‌ترین معنا، قائم به قسط و عدالت هستند؛ یعنی نهایت مراقبت را به خرج می‌دهند تا تحت تأثیر هوای نفس یا عواطف، از راه وسط (عدالت) منحرف نشوند. از نظر علامه یکی از پیامدهای «قیام به قسط»، پیروزی حق و دوام جامعه است. (همان، ۱۷۵/۵-۱۷۷) بنابراین مرحوم علامه در تحقق هدف تربیتی، به دو سطح توجه دارد؛ در سطح اول، پرورش افرادی مطمح نظر است که در حد وسع خویش، «عامل به عدالت» باشند و در سطح دوم که فراتر از سطح اول است، پرورش افرادی مورد نظر است که «قائم عدالت» باشند. پس با توجه به آنچه گفته شد، برای تحقق عدالت تربیتی در همزیستی مسالمت‌آمیز باید مریبان

در رفتارهای خود متوجه پرهیز از هرگونه تبعیض میان افراد با گروه‌ها و طبقات مختلف باشند و این را به متربیان خود نیز بیاموزند که با توجه به این هدف تربیتی، در رفتارها و تعاملات مرتبط با همزیستی مسالمت‌آمیز، تلاش کنند که به سطوح گفته شده در عدالت تربیتی نائل شوند.

۳. تحقق آزاداندیشی

خداوند انسان را موجودی آزاد و انتخاب‌گر آفریده است و این آزادی در ذات اوست؛ درحقیقت، اگر آزادی از انسان گرفته شود، انسانیت از او گرفته شده است. چگونگی آفرینش حضرت آدم و حضرت حوا و تناولشان از شجره ممنوعه، برخلاف دستور صریح خداوند، گواه این مدعاست؛ «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ»؛ و گفتیم ای آدم! تو و همسرت در این بهشت سکونت گیرید و از هر جای آن که خواستید، فراوان و گوارا بخورید و به این درخت نزدیک نشوید (که اگر نزدیک شوید) از ستمکاران خواهید شد.» (بقره/ ۳۵)

بدیهی است یکی از مهم‌ترین جلوه‌های آزادی و اختیار انسان، آزادی در پذیرش عقیده و ایمان است. گرایش انسان به آزادی عقیده از امتیازات و برتری‌های انسان است که ریشه در فطرت حقیقت‌جویی وی دارد. دین اسلام هیچ‌گاه با رویکرد انحصارگرایی دینی، پیروان ادیان دیگر را مجبور به پذیرش اسلام نکرده، بلکه ادیان، اعتقادات و باورهای آنان را به رسمیت شناخته است. مرتضی مطهری که خود از شاگردان برجسته علامه طباطبایی بود، در این باره، می‌نویسد: «هر مکتبی به ایدئولوژی خود ایمان و اعتقاد و اعتماد داشته باشد، به ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و آزادی تفکر باشد. برعکس، مکتبی که ایمان و اعتقاد به خود ندارد، جلوی آزادی اندیشه و آزادی تفکر را می‌گیرد. این‌گونه مکاتب می‌خواهند مردم را در محدوده خاص فکری نگه‌دارند و از رشد افکارشان جلوگیری کنند.» (مطهری، ۱۳۶۱: ۹) ایشان در ادامه می‌نویسند: «من به همه این دوستان غیرمسلمان اعلام می‌کنم، از نظر اسلام، تفکر آزاد است؛ شما هر طور که می‌خواهید، بیندیشید و هر طور می‌خواهید، عقیده خودتان را ابراز کنید. به شرطی که فکر واقعی خودتان باشد، هر طور که می‌خواهید بنویسید، بنویسید؛ هیچ‌کس مخالفتی نخواهد کرد. (همان، ۱۱)

بنابر آنچه در سطور بالا اشاره شد، می‌توان دریافت که براساس ویژگی «آزادی انسان در اندیشیدن و پذیرش اندیشه‌ها»، می‌توان به اهمیت هدف تحقق آزاداندیشی پی برد. این هدف تربیتی، نشان از آن دارد که متربیان در مواجهه



با دیگران، باید از یک سو، خود در پذیرش آرای دیگران آزادی داشته باشند و از سوی دیگر، به آزادی دیگران در پذیرش آزادانه آرا و اندیشه‌ها توجه داشته باشند.

در خصوص جایگاه آزاداندیشی در اسلام، علامه معتقد است: «می‌بینیم که در سایر رژیم‌ها، زورمندان عقیده و فکر خود را بر نفوس تحمیل می‌کنند و با زور و توسل به شلاق و شمشیر و یا چماق تکفیر و یا قهر کردن و روی گرداندن و ترک آمیزش و... غریزه تفکر را در انسان‌ها می‌میرانند، ولی ساحت مقدس اسلام و یا به عبارت دیگر، ساحت «حق و دین قویم» منزّه از آن است و حتی منزّه از تشریح حکمی است که این روش را تأیید کند. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴/۲۰۷)

علامه معتقد است، اساس دین متکی بر حفظ معارف الهی است و در عین حال در طرز تفکر، به مردم آزادی داده است. (همان، ۱۹۹۹) بنابراین، آزاداندیشی سبب می‌شود، اگر فردی دلیل رفتار یا اندیشه‌ای را بفهمد، آن را می‌پذیرد و اگر نفهمد، فوراً آن را رد نمی‌کند و برای فهمیدن دلیل و فلسفه آن به بحث و تدبر می‌پردازد و پس از فهمیدن، بدون رد و اعتراض، آن را می‌پذیرد. (همان، ۳/۵۷۴).

نکته مهمی که در آزادی اندیشه باید بدان توجه داشت، این است که آزادی اندیشه به این معنا نیست که در ارائه هر آنچه به ذهنمان رسید، آزاد باشیم. علامه در این باره، می‌نویسد: «این قسم آزادی به ما اجازه نمی‌دهد که نظر شخصی خود یا شبهه‌ای که داریم، قبل از عرضه به قرآن و به رسول خدا(ص) و به پیشوایان هدایت، در بین مردم منتشر کنیم؛ برای اینکه انتشار دادنش در چنین زمانی، در حقیقت، دعوت به باطل و ایجاد اختلاف بین مردم است؛ آن هم اختلافی که کار جامعه را به فساد می‌کشانند؛ و این طریقه بهترین طریقه‌ای است که می‌توان به وسیله آن، امور جامعه را تدبیر و اداره کرد؛ چون هم راه تکامل فکری را بر روی جامعه باز می‌گذارد و هم شخصیت جامعه و حیات او را از خطر اختلاف و فساد حفظ می‌کند. (همان، ۴/۲۰۷) بنابراین می‌بینیم، آزادی اندیشه که قرار است در قالب هدف به همزیستی مسالمت‌آمیز منجر شود، به دلیل عدم درک صحیح آن، می‌تواند منجر به اختلاف و فساد در جامعه شود.

۴. پرورش سعه صدر و توانایی درک و پذیرش تفاوت‌ها

خداوند انسان‌ها را با وجود اشتراکات بسیار، در نوع استعدادها و عواطف و علائق طبیعی، فطرت الهی، بهره‌مندی از عقل و اراده و اختیار و برخی خصوصیات (بالفعل و بالقوه) متفاوت (به لحاظ جسمی، فکری، جنسی‌جنسیتی) آفریده است. براساس این تفاوت‌ها، چگونگی و میزان مسئولیت و نیز گستره زمینه‌ها،

امکانات و فرصت‌های تکامل یا تنزل در انسان نیز گوناگون است. (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۶۷)

متأله علامه، در این خصوص، بر این عقیده است که در عالم انسانی، نوعی تفاوت وجود دارد که از آن گریزی نیست و آن تفاوت در طبیعت افراد است که منشأ بنیه‌ها می‌گردد. ترکیبات بدنی در افراد متفاوت است و تفاوت در ترکیبات بدنی، موجب تفاوت در استعداد‌های جسمی و روحی می‌شود و این نوع تفاوت‌ها به علاوه تفاوت‌های ناشی از عوامل محیطی، موجب ظهور اختلاف در سلیقه‌ها و آرزوها و اعمال انسان‌ها می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۸۱/۸۱) بنابراین، اختلاف در طبیعت، از سنت‌های الهی است. اختلاف در بینش و منش انسان‌ها یک امر بدیهی است که از طبیعت اندیشه و عقل بشری و اختلافات موجود در نظام آفرینش نشئت گرفته است. «گویی تضاد و اختلاف، منشأ خیرات قائمه جهان بوده و نظام عالم بر آن استوار شده است.» (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۸۸/۱) این اختلاف می‌تواند در قومیت، نژاد، عقیده یا امثال آن باشد. قرآن کریم در این باره، می‌فرماید: *يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا؛* ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید» (حجرات/ ۱۳)

علامه در تفسیر این آیه می‌نویسد: «اختلافی که در خلقت آنان دیده می‌شود که شعبه شعبه و قبیله قبیله هستند، تنها به این منظور در بین آنان به وجود آمده که یکدیگر را بشناسند تا اجتماعی که در بینشان منعقد شده، نظام پذیرد و ائتلاف در بینشان تمام گردد؛ چون اگر شناسایی نباشد، نه پای تعاون در کار می‌آید و نه ائتلاف. پس غرض از اختلافی که در بشر قرار داده شده، این است نه اینکه به یکدیگر تفاخر کنند؛ یکی به نسب خود ببالد، یکی به سفیدی پوستش فخر بفروشد و یکی به خاطر همین امتیازات موهوم، دیگران را در بند بندگی خود بکشد و یکی دیگری را استخدام کند و یکی بر دیگری استعلا و بزرگی بفروشد و در نتیجه کار بشر به اینجا برسد که فسادش تری و خشکی عالم را پر کند و حرث و نسل را نابود نموده، همان اجتماعی که دواى دردش بود، درد بی درمانش شود. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۸۸/۸۸-۴۸۸-۴۸۹) لذا هدف تربیتی مورد نظر بر برخورد توأم با سعه صدر با اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت دیگران تأکید دارد. بدیهی است در آموزش این هدف، متربی باید بیاموزد که سعه صدر و احترام تا زمانی وجود دارد که آرا و اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت - (و گاه متعارض) آسیبی به ارزش‌های اسلامی وارد نکند.



هدف تربیتی می‌تواند به منظور نزدیک کردن اقوام و خرده فرهنگ‌های متعدد و متنوع در جامعه، استفاده شود تا به شکل‌گیری، تثبیت و ارتقای فرهنگ و ارزش‌های مشترک در جامعه بپردازد؛ بنابراین هدف بیان شده، می‌تواند در جهت بهبود روابط افراد جامعه باشد؛ زیرا افراد تا هنگامی که از یکدیگر فاصله بگیرند و تحمل شنیدن دیدگاهی جز دیدگاه خود را نداشته باشند، قادر نیستند فراتر از چهارچوب اطلاعات و تجارب خود بیندیشند و یا به تجزیه و تحلیل بی طرفانه آرای دیگران بپردازند؛ بنابراین ضمن عدم درک متقابل یکدیگر، نمی‌توانند روابط مسالمت‌آمیز و یکپارچه‌ای داشته باشند.

منظور علامه از سعه صدر در این هدف، همانا پذیرش هرسخن حقی با بصیرت نسبت به آن است؛ یعنی فرد هرسخنی را به خوبی بشنود و اگر حق بود، بپذیرد. (همان، ۳۸۷/۱۷) این مفهوم از سعه صدر، دربرگیرنده این معنا است که فرد در برابر آرای دیگران، قدرت تحمل داشته باشد و نظرات مخالف را بشنود؛ زیرا تا وقتی چنین روحیه‌ای در او نباشد، تحمل کافی برای شنیدن انبوه اندیشه‌ها و رفتارهای موجود در جامعه را ندارد. پس نمی‌تواند حق را از میان آن‌ها بیابد؛ اما اگر بصیرت هم نداشته باشد، شنیدن آرای دیگران نه تنها به او کمکی نمی‌کند، بلکه ممکن است او را تحت تأثیر اندیشه‌های انحرافی قرار دهد و از مسیر حق خارج نماید. با توجه به هدف تربیتی، می‌توان گفت که نظر علامه در این خصوص، همانا هدف پرورش روحیه تحمل آرای مخالف و قدرت تحلیل آگاهانه آن‌ها به منظور کشف حقیقت است. نکته مهم در این رابطه، آن است که سعه صدر به معنای پذیرش نیست و همچنین، آنگاه که ملاحظه شود اصحاب یک اندیشه یا رفتار با اندیشه‌ها و رفتارشان به دنبال آسیب‌رساندن به ارزش‌های اسلامی هستند، دیگر سعه صدر، به معنای شنیدن آرا و احترام به آن‌ها، مورد نظر نبوده و تجویز اسلام در این موقعیت مبارزه با این اندیشه‌ها، عقاید و رفتارهای خصمانه است.

۵. پرورش روحیه پذیرش همزیستی مسالمت‌آمیز

یکی از ویژگی‌های انسان این است که فطرتاً گرایش به همزیستی مسالمت‌آمیز دارد. علامه در خصوص این گرایش فطری انسان، معتقد است: «فطرت اقتضا دارد که تمامی نوع بشر در يك مجتمع گرد هم آیند، زیرا این معنا ضروری و بدیهی است که طبیعت دعوت می‌کند به اینکه قوای جدای از هم، دست به دست هم دهند و با تراکم یافتن تقویت شوند و همه یکی گردند تا زودتر و بهتر به هدف‌های صالح برسند و این امری است که (حاجت به استدلال ندارد و) در نظام طبیعت می‌بینیم که ماده اصلی، در اثر تراکم شدن عنصری با عنصر دیگر، عنصری را

تشکیل می‌دهد و سپس چند عنصر در اثر یکجا جمع شدن، فلان جماد را و سپس نبات و آنگاه حیوان و سرانجام در آخر انسان را تشکیل می‌دهد.» (همان، ۱۹۷/۴) همچنین در رابطه با هماهنگی فطرت انسان با صلح و همزیستی خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ قتال بر شما واجب شده است؛ درحالی که آن را مکروه می‌دارید و چه بسا چیزها که شما از آن کراهت دارید؛ درحالی که خیرتان در آن است و چه بسا چیزها که دوست می‌دارید؛ درحالی که شر شما در آن است و خدا (خیر و شر شما را) می‌داند و خود شما نمی‌دانید.» (بقره/۲۱۶) همان‌طور که از این آیه برمی‌آید، جنگیدن بر مؤمنین سخت بوده و از طرفی، گرایش به همزیستی و صلح داشته‌اند.

علامه طباطبایی در توضیح این آیه می‌نویسد: «تربیت شدگان قرآن، حتی از آزار یک مورچه هم پرهیز دارند و نسبت به همهٔ خلائق رأفت و مهر دارند. چنین کسانی البته از جنگ و خونریزی کراهت دارند؛ هرچند دشمنان‌شان کافر باشند، بلکه دوست دارند با دشمنان هم به مدارا رفتار کنند و آمیزشی دوستانه داشته باشند. وجه اول باتوجه به آیات عتاب مناسب‌تر است؛ علاوه بر این، تعبیر «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ» که به صیغهٔ مجهول آمده، مؤید وجه اول است. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲/۲۴۷)

مفهوم «اصلاح ذات بین» که قرآن کریم در آیهٔ اول سورهٔ مبارکهٔ انفال، صراحتاً به آن توصیه می‌کند، از جمله مفاهیمی است که در تفسیر «المیزان» به آن پرداخته شده است و ناظر بر هدف تربیتی «پرورش روحیهٔ پذیرش همزیستی در جامعهٔ اسلامی» است. به عقیدهٔ علامه، هرگاه روابط بین دو دسته از مسلمانان به تیرگی گرایید، بر دیگر مسلمانان واجب است که به اصلاح این روابط اقدام کرده و صلح را بین آنان برقرار سازند. (همان، ۶/۹ و ۱۸/۴۷۰) پس مسلمانان نه تنها به حسن معاشرت توصیه شده‌اند، بلکه در ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز نیز باید پیش قدم بوده و از این وضعیت استقبال کنند.

علامه در نمونهٔ دیگری از اهمیت پذیرش همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و مسیحیان اهل نجران در سیرهٔ پیامبر اسلام (ص)، به گروهی از مسیحیان اشاره می‌کند که نزد پیامبر اسلام رفتند و گفتند که ما با شما مباحله نمی‌کنیم و توان جنگ با شما را نداریم، اما حاضریم مصالحه کنیم و شما اجازه دهید ما بر دینمان بمانیم و پیامبر (ص) نیز مصالحه با آنان را پذیرفت. (همان، ۳۳۶۵) نمونهٔ دیگری از این مصالحه و استقبال از همزیستی و پرهیز از کشمکش،



زمانی است که رسول خدا(ص) مردم بنی النضیر را محاصره کرد، به طوری که کاملاً در چنگال او قرار گرفتند و به ناچار حاضر شدند هر چه آن جناب خواست، بدهند و در آخر این طور با ایشان مصالحه کرد که جان خود را سالم برگرفته از سرزمین و وطن خود بیرون شوند و ایشان را به اذراعات شام گسیل بدارد؛ و برای هر سه نفر از ایشان یک شتر و یک مشک آب داد. (همان، ۱۹/۳۶۰)

موارد فوق تنها بخشی از نمونه های متعددی است که نشان می دهد مشی اسلام و مسلمانان و هدف آنان همواره گرایش به همزیستی مسالمت آمیز با دیگران و استقبال از این وضعیت بوده است؛ مگر آنکه گروه مقابل ضرر و زیانی برای جامعه مسلمین داشته باشند که در آن صورت، تجویز اسلام دفاع و مبارزه با کسانی است که قصد تجاوز دارند.

۶. کسب توانایی اعتبارسنجی ارزش ها با معیار «عقل مبتنی بر شرع»

منظور از عقل در این مبحث، همان است که امام صادق(ع) در پاسخ به پرسش یکی از صحابه از معنای عقل می فرماید: «مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَأُكْسِبَ بِهِ الْجَنَانُ؛ عقل چیزی است که به وسیله آن خدا پرستش شود و بهشت به دست آید.» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۱/۱) نیز پیامبر اکرم در تعریفی مشابه می فرماید: «يَا عَلِيُّ الْعَقْلُ مَا أُكْسِبَتْ بِهِ الْجَنَّةُ وَطُلِبَ بِهِ رِضَى الرَّحْمَنِ؛ ای علی! عقل چیزی است که با آن بهشت و خشنودی خداوند مهربان به دست می آید.» (ابن بابویه، ۱۳۶۸: ۴/۳۶۹)

علامه نیز در تعریف اصطلاحی واژه عقل می نویسد: «آن قوه ای که به وسیله آن خیر از شر و حق از باطل تمایز می یابد، عقل نامیده می شود.» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲/۳۷۴) از نظر علامه، دأب و رسم قرآن بر ذکر علل و اسباب تعلیماتش است و از اطاعت و تقلید کورکورانه و بدون دلیل نهی می کند و اینکه خدای تعالی امر می کند به یادآوری این نعمت، اساسش رسم و عادت است که قرآن کریم دارد و آن این است که تعلیمات خود را با ذکر علل و اسباب بیان نموده (همان، ۳۵۷۲) علامه معتقد است عقل عامل تمایز انسان از سایر آفریده ها و نیرویی است که به وسیله آن می توان حق و باطل و خوب و بد را از یکدیگر تشخیص داد. به همین دلیل است که اساس همه مفاسد اجتماعی و فردی در تحلیل نهایی اعمالی است که به بطلان حکومت عقل منجر می شوند. (همان، ۲۲۸۳) ایشان با تأکید بر پرهیز از هواهای نفسانی در واقع به همراهی عقل با شرع تأکید کرده و می نویسد چه در انسان و چه در جامعه باید عقل حکومت کند و نه هواهای نفسانی. (همان، ۱۳۸۵: ۱۲) بنابراین در هدف تربیتی، تلاش می شود که متربی هنگام برقراری روابط توأم با همزیستی مسالمت آمیز با دیگران و در برخورد با آرا و اندیشه ها و

نیز رفتارهای متفاوت، منفعل نباشد و به صورت فعال به اعتبارسنجی ارزش‌های آشکار یا پنهان حاکم بر آن اندیشه‌ها و رفتارها بپردازد و در پذیرش یا رد آن رفتارها و اندیشه‌ها از ملاک «عقل مبتنی بر شرع» استفاده کند.

نکته قابل توجه در بررسی هدف تربیتی این است که این عقل‌ورزی چهارچوبی دارد. صاحب تفسیر «المیزان» در ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران می‌نویسد: «خدای تعالی بندگان را امر فرموده که هیچ سخنی را نپذیرند و هیچ امری را اطاعت نکنند؛ مگر بعد از آنکه وجه آن سخن و فلسفه آن اطاعت را فهمیده باشند و آنگاه از این دستور کلی، دو مورد را استثناء نموده و دستور داده که نسبت به خود او تسلیم مطلق باشند و همین دستور خود را هم توجیه می‌فرماید به اینکه خدای تعالی تنها کسی است که مالک علی‌الاطلاق ایشان است. پس ایشان حق ندارند بخواهند؛ مگر چیزی را که او خواسته باشد؛ تنها باید کاری را بکنند که خدا از ایشان خواسته و خلاصه به تصرفات خدا در ایشان تن در دهند.

مورد دوم اینکه به ایشان امر فرموده که آنچه را رسول او ابلاغ می‌کند به طور مطلق اطاعت کنند و همین دستور را نیز این‌طور توجیه می‌فرماید که چون رسول خدا* از پیش خود چیزی نمی‌گوید و دستوری نمی‌دهد، آنچه می‌گوید، ابلاغ دستورات خداست؛ پس درحقیقت، این دو مورد هم استثنا نشده؛ چون خود این دو دستور و یا به عبارت دیگر، آن دو اطاعت بی‌چون و چرا را هم توجیه کرده و برایش دلیل آورده است. (همان، ۱۳۸۸: ۳/ ۵۷۲) بنابراین یکی از اهداف همزیستی مسالمت‌آمیز باید توجه به حاکمیت عقل مبتنی بر شرع برای مواجهه فعالانه در مقابل آرا، اندیشه‌ها، رفتارها و ارزش‌های متفاوت و گاه متناقض باشد.

نتیجه‌گیری

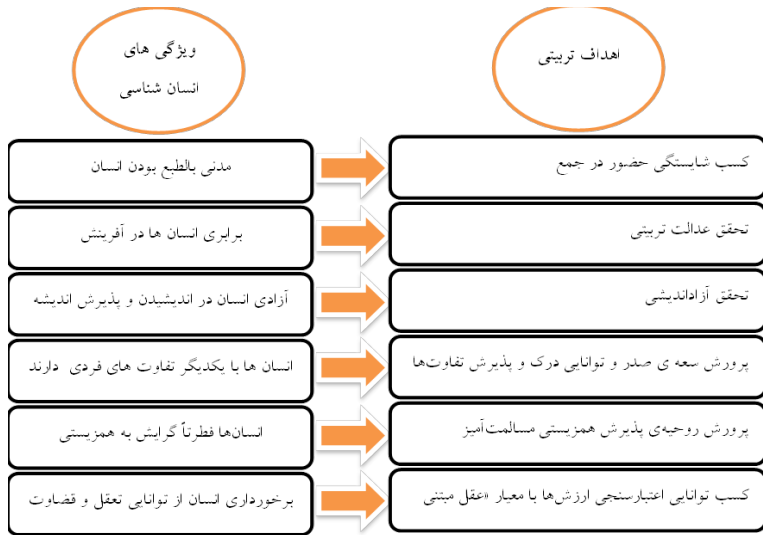
آموزه‌های اسلام و مخصوصاً قرآن کریم و تفسیر «المیزان»، ضمن تحفظ بر اصول و بنیادهای فکری خود، به سبب توجه به انسان و زندگی اجتماعی او، همواره مدافع و بلکه ترویج‌دهنده همزیستی مسالمت‌آمیز بوده است. پژوهش حاضر در این رابطه، تلاش کرده به احصاء و بررسی اهداف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز از منظر قرآن کریم و به ویژه تفسیر «المیزان» به عنوان یک تفسیر جامع که به جنبه اجتماعی زندگی انسان توجه کرده است، بپردازد. هریک از این اهداف تربیتی، از یکی از ویژگی‌های انسان‌شناسی استنتاج شده است که در نمودار ۱ به طور دقیق، ارتباط هرکدام از این اهداف با ویژگی انسان‌شناسی مربوطه نشان داده شده است. نهایتاً اینکه در این رابطه، شش هدف تربیتی استنتاج شده است که عبارت‌اند از: کسب



شایستگی حضور در جمع، تحقق عدالت تربیتی، تحقق آزاداندیشی، پرورش سعه صدر و توانایی درک و پذیرش تفاوت‌ها، پرورش روحیه پذیرش همزیستی مسالمت‌آمیز و کسب توانایی اعتبارسنجی ارزش‌ها با معیار «عقل مبتنی بر شرع» که این اهداف می‌تواند چشم‌انداز همه مربیان امر تعلیم و تربیت برای دستیابی به روش‌های لازم برای برقراری همزیستی مسالمت‌آمیز میان متربیان باشد. بدیهی است این متربیان، علاوه بر دانش آموزان، سایر افراد جامعه نیز که در ارتباط با گروه‌های مختلف هستند، می‌باشد.

در پایان این بخش، به منظور باهم‌نگری، ارتباط بین ویژگی‌های انسان‌شناسی و اهداف تربیتی مترتب بر آن‌ها در شکل ۱ نشان داده می‌شود.

نمودار ۱. ویژگی‌های انسان‌شناسی و اهداف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز



منابع فارسی

۱. قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن بابویه، محمد بن یعقوب (۱۳۶۸). «من لایحضره الفقیه»، ترجمه محمد جواد غفاری. تهران: نشر صدوق.
۳. حاجی زاده، هانیه و مرتضی کریمی (۱۳۹۳). «تحلیل برنامه درسی قصد شده و اجرا شده دوره راهنمایی بر اساس مؤلفه های آموزش صلح یونسکو»، پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۱(۱۵)، ۹۲-۱۰۹.
۴. حجتی، محمد باقر و بلال سلمان (۱۳۸۵). «همزیستی پیروان ادیان توحیدی از دیدگاه قرآن و روایات»، پژوهش دینی، ۵(۱۳)، ۲۹-۵۰.
۵. حق پناه، رضا (۱۳۸۸). «جنگ و صلح از منظر علامه طباطبایی». اندیشه، سال ۱۵(۱)، ۷۷-۱۲۰.
۶. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران». تهران: انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۷۸). «روش های تحقیق در علوم اجتماعی». تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. سیمبر، رضا و ارسلان قربانی شیخ نشین (۱۳۸۹). «اسلام گرایی در نظام بین الملل: رهیافت ها و رویکردها». تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۹. شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۸). «مبانی و اصول آموزش و پرورش». مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. صادق زاده، علیرضا (۱۳۸۸). «طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، گزارش تلفیق نتایج نظری (فلسفه تربیت). ویراست ۱۱». تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۱). «اندیشه های بنیادین اسلام». تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۲). «اسلام و انسان معاصر». قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷). «تعالیم اسلام». قم: بوستان کتاب.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸). «المیزان فی تفسیر القرآن». ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. فتحی و اجارگاه، کوروش و معصومه اسلامی (۱۳۸۷). «بررسی میزان توجه به آموزش صلح در برنامه درسی دوره ابتدایی از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، کارشناسان برنامه ریزی درسی و معلمان دوره ابتدایی شهر تهران». نوآوری های پژوهشی، ۷(۲۵)، ۴۹-۷۶.
۱۶. فلاح نودهی، معصومه (۱۳۸۸). «بررسی مؤلفه های آموزش صلح یونسکو در اسناد و مدارک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۸۵)». سند چشم انداز بیست ساله ایران، اهداف کلی آموزش و پرورش ایران، اهداف دوره متوسطه. دانشور رفتار، ۱۶(۳۶)، ۵۵-۶۸.
۱۷. کلینی، یعقوب (۱۳۸۸). «اصول کافی». ترجمه علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتاب اسلامی.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). «بیرامون انقلاب اسلامی». قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). «مجموعه آثار». تهران: صدرا.
۲۰. هاشمی، سید جلال (۱۳۸۸). «بررسی همزیستی مسالمت آمیز به مثابه هدفی تربیتی و بازتاب آن در کتاب های درسی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران». پایان نامه دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
21. Grau, R; García-Raga, L. (2017). Learning to Live Together: A Challenge for Schools Located in Contexts of Social Vulnerability, Journal of Peace Education, v14 n2 p137-154.
22. Herrera-Torres, L; Bravo Antonio, I. (2012). Predictive Value of Social Skills in Living Together at Primary School. Analysis in a Cultural Diversity Context, Journal of New Approaches in Educational Research, v1 n1 p13-21.
23. Martins-S. (2009). The media and the meeting of Cultures in pro of Cultural Coexistence. Comunicar, vol 32 p 223-230.
24. Stone, P. (1996). The General Inquirer: Acomputer Approach to Content Analysis. Cambridge: Viking.

References

1. Holy Quran. Translated by Mohammad Mehdi Fouladvand.
2. Ibn Babouyeh, Muhammad bin Yaqub (1368). "Man Laihzara Al-Faqih", translated by Mohammad Javad Ghafari. Tehran: Sadouq Publishing.
3. Hajizadeh, Haniyeh and Morteza Karmi (2013). "Analysis of the planned and implemented middle school curriculum based on the components of UNESCO peace education", Curriculum Research, 11(15), 109-92.
4. Hojjati, Mohammad Baqer and Bilal Salman (2015). "Coexistence of followers of monotheistic religions from the perspective of the Qur'an and hadiths", Religious Research, 5(13). 29-50.
5. Haqqanah, Reza (2008). "War and peace from the perspective of Allameh Tabatabai". Andisheh, year 15(1), 77-120.
6. Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution (2013). "Theoretical foundations of the fundamental transformation in the formal public education system of the Islamic Republic of Iran". Tehran: Publications of the Ministry of Education.
7. Sarukhani, Bagher (1378). "Research methods in social sciences". Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
8. Simbar, Reza and Arslan Ghorbani Sheikhneshin (1389). "Islamism in the international system: approaches and approaches". Tehran: Imam Sadegh University Press.
9. Shokohi, Gholamhossein (1368). "Basics and principles of education". Mashhad: Astan Quds Razavi.
10. Sadeghzadeh, Alireza (1388). "Plan for compilation of the national document of education and training, report on the synthesis of theoretical results (philosophy of education). Edition 11". Tehran: Ministry of Education.
11. Tabatabai, Mohammad Hossein (1361). "Fundamental Thoughts of Islam". Tehran: Academic Publishing Center.
12. Tabatabai, Mohammad Hossein (1382). "Islam and contemporary man". Qom: The Islamic Publications Office of the Qom Seminary Community of Teachers.
13. Tabatabai, Mohammad Hossein (1387). "Teachings of Islam". Qom: Boştan Kitab.
14. Tabatabai, Mohammad Hossein (1388). "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an". Translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani. Qom: Islamic Publications Office.
15. Fathi Vajargah, Korosh and Masoumeh Eslami (1387). "Investigating the amount of attention paid to peace education in the primary school curriculum from the perspective of education experts, curriculum planning experts and primary school teachers in Tehran". Research innovations. 7(25). 49-76.
16. Fallah Nodehi, Masoumeh (2008). "Investigating the components of UNESCO peace education in the documents of the Islamic Republic of Iran (1383-1985): Iran's 20-year vision document, the general goals of Iran's education, the goals of secondary education". behavior scholar 16(36). 55-68.
17. Kliny, Jacob (2008). "Usul al-Kafi". Translated by Ali Akbar Ghaffari. Tehran: Islamic Library.
18. Motahari, Morteza (1361). "About the Islamic Revolution". Qom: Islamic Publications Office.
19. Motahari, Morteza (1383). "Collection of Works". Tehran: Sadra.
20. Hashemi, Seyed Jalal (2008). "Investigation of peaceful coexistence as an educational goal and its reflection in Iran's high school textbooks". PhD thesis, Department of Philosophy of Education, School of Educational Sciences, Shahid Chamran

University of Ahvaz.

21. Grau, R; García-Raga, L. (2017). Learning to Live Together: A Challenge for Schools Located in Contexts of Social Vulnerability, *Journal of Peace Education*, v14 n2 p137-154.

22. Herrera-Torres, L; Bravo Antonio, I. (2012). Predictive Value of Social Skills in Living Together at Primary School. Analysis in a Cultural Diversity Context, *Journal of New Approaches in Educational Research*, v1 n1 p13-21.

23. Martins-S. (2009). The media and the meeting of Cultures in pro of Cultural Coexistence. *Comunicar*, vol 32 p 223-230.

24. Stone, P. (1996). *The General Inquirer: Acomputer Approach to Content Analysis*. Cambridge:Viking.

Quranic requirements of active resistance with emphasis on Imam Khamenei's point of view

Mohammad Sotoudeh¹, Mohammad Ali Sadeghzadeh²

Abstract

In this research, the Quranic requirements of active resistance in Imam Khamenei's thought were explained. Based on this, the main goal of this research is to achieve the Quranic requirements of active resistance in order to realize the goals of the Islamic nation of Iran and its application among the Islamic Ummah. For this purpose, by using the theme analysis method and extracting the basic, organizing and comprehensive themes and defining the network of themes, active resistance with a Quranic approach was investigated in Imam Khamenei's thought. According to the overarching themes extracted from the organizing and basic themes; The requirements of Qiyam-Allah, faith in divine help, seeking the honor of Muslims, effective deterrence, intelligent resistance, convergence and knowing the enemy were identified as the Quranic requirements of active resistance. Clarifying the connection between the comprehensive themes and active resistance and its comprehensive understanding can be the Quranic requirements of the action plan of the resistance forces in order to influence the power equations in the region and secure the interests of the Islamic Ummah against foreign intervening powers.

Keywords: Quranic requirements, active resistance, Imam Khamenei, basic and inclusive themes, Islamic Ummah

مطالعات
فلسفه و
فکر اسلامی

دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

1. Associate Professor, Department of International Relations, Bagheral Uloom University, Qom, Iran. msotode@yahoo.com

2. Ph.D. in Islamic Revolution Studies, Farhangian University, Mazandaran, Iran (Corresponding author) tm.sadeghzadeh@yahoo.com



الزامات قرآنی مقاومت فعال با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای

محمد ستوده^۱

محمدعلی صادق زاده^۲

چکیده

در این پژوهش، الزامات قرآنی مقاومت فعال در اندیشه امام خامنه‌ای، تبیین شد. براین اساس، هدف اصلی این تحقیق دستیابی به بایسته‌های قرآنی مقاومت فعال جهت تحقق بخشیدن به اهداف ملت ایران اسلامی و کاربست آن در میان امت اسلامی است. بدین منظور، با استفاده از روش تحلیل مضمون و استخراج مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر و مشخص کردن شبکه مضامین، مقاومت فعال با رویکرد قرآنی در اندیشه امام خامنه‌ای بررسی شد. باتوجه به مضامین فراگیر مستخرج از مضامین سازمان دهنده و پایه، الزامات قیام‌الله، ایمان به نصرت الهی، عزت‌طلبی مسلمین، بازدارندگی مؤثر، مقاومت هوشمندانه، همگرا شدن و دشمن‌شناسی باعنوان الزامات قرآنی مقاومت فعال مشخص گردید. تبیین ارتباط میان مضامین فراگیر و مقاومت فعال و فهم همه‌جانبه آن می‌تواند باعنوان الزامات قرآنی، نقشه راه کنشگری نیروهای مقاومت جهت تأثیرگذاری بر معادلات قدرت در منطقه و تأمین منافع امت اسلامی در برابر قدرت‌های مداخله‌گر خارجی باشد.

کلیدواژه‌ها: الزامات قرآنی؛ امام خامنه‌ای؛ امت اسلامی؛ مضامین پایه و فراگیر؛ مقاومت فعال.

۱. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. msotode@yahoo.com

۲. دانش آموخته دکترای تخصصی رشته مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، مازندران، ایران.

(نویسنده مسئول) tm.sadeghzadeh@yahoo.com





مقدمه

گفتمان مقاومت از مباحثی است که در قرآن کریم و اندیشه رهبران انقلاب، براساس آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، مورد تأکید قرار گرفته است. در این گفتمان، اولویت با صلح پایدار و عزتمند است و تدوین و تنظیم دکترین دفاعی، استراتژی نظامی و همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی با متحدان و هم‌پیمانان در راستای ارتقاء توان ملی، موازنه قوا و ایجاد نظم‌های منطقه‌ای لازم و ضروری است. شناخت الزامات قرآنی مقاومت فعال با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای، نقش مؤثری در تبیین الگوی مقاومت اسلامی، تقویت راهبردهای دفاعی و همگرایی جهان اسلام در برابر تهدیدات مشترک دارد. قدرت یافتن محور مقاومت می‌تواند توازن استراتژیک در منطقه غرب آسیا را به نفع ملل مسلمان رقم بزند. این محور دو پایه اصلی دارد که مشخصاً عبارت‌اند از اهداف منطقه‌ای مشترک، حمایت و پشتیبانی مشترک. (مسلمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲) تحقیق حاضر در پی آن است تا با توجه به اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای در خط‌مشی‌گذاری‌ها و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، به بایسته‌های مقاومت فعال بپردازد.

با سیری در رهنمودهای معظم‌له این نکته مهم به دست می‌آید که کلیدواژه «مقاومت» و «محور مقاومت» از جایگاه راهبردی برخوردار بوده و براساس آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^۱، درک صحیح و محاسبه عقلانی از اقتدار دفاعی کشور در جهت تأمین منافع ملی، موجودیت ملی، هویت ملی و مصالح اسلامی، برطبق نظر ایشان، مشروط به راهبرد مقاومت فعال و دستیابی به یک الگوی دفاعی مشخص و کارآمد است.^۲ ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «نظریه‌ی مقاومت، یک نظریه اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل؛ از لحاظ نظری و از لحاظ عملی (از هر دو جهت) باید ترویج و تبیین شود.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

پیشینه پژوهش

در زمینه الگوی مقاومت، منابعی وجود دارد که می‌تواند به انجام تحقیق حاضر کمک نماید؛ اما اثر مستقلی در این موضوع، یافت نشد. برخی از منابع به صورت زیر است:

زاهدی تیر (۱۴۰۰) در کتاب «مقاومت در قرآن با تأکید بر رویکرد اجتماعی»، به

مطالعات اجتماعی و فرهنگی
دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱



۱. انفال/۶۰.

۲. برگرفته از سخنان رهبری در تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۱: <http://farsi.khamenei.ir>

عوامل فطری شکل‌گیری مقاومت با استناد به آیات قرآن پرداخته که رویکرد تمدنی دارد و جلوه‌ایی از توحید نظری و توحید اجتماعی است. افتخاری (۱۴۰۰) نیز در کتاب «مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو»، با مبنا قرار دادن نظریه و الگوی قرآنی و همچنین تجربه جهان اسلام در این حوزه، به بررسی جریان‌های فکری و چشم‌انداز الگوهای انفعالی و فعال از مقاومت پرداخته است. قادری‌کنگاوری (۱۳۹۸) در کتاب «مقاومت و دیپلماسی نهضتی؛ تحولات، فرصت‌ها و چالش‌ها»، با بیان عناصر و مؤلفه‌های مقاومت، آن را به بعد سلبی و ایجابی تقسیم نموده است که براساس آن، گفتمان مقاومت در مقابل گفتمان سلطه قرار می‌گیرد. یوسفی‌راد (۱۳۹۹) در مقاله «دولت اسلامی و ضرورت مقاومت با تأکید بر آموزه‌های قرآنی»، مقاومت را یکی از عناصر معنوی قدرت دانسته که ظرفیتی مناسب در بازدارندگی از انحراف و دفع تهدیدات دارد. اعرابی (۱۳۹۹) در مقاله «مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری»، راه برون‌رفت از مشکلات موجود در جهان اسلام و همچنین برای حفظ داشته‌های معنوی و مادی، وجود مقاومت و ایستادگی را ضروری می‌داند. قاسمی (۱۳۹۹) در مقاله «الگوی مقاومت اسلامی؛ مطالعه بیانات مقام معظم رهبری»، با تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری به بررسی عناصر و شاخصه‌های مقاومت اسلامی و کارکرد هر یک از آنان پرداخته است.

چهارچوب مفهومی: ادبیات نظری مقاومت

باتوجه به منابع و آثار اندیشمندان در قلمرو مقاومت، مفاهیم زیر را می‌توان تبیین نمود:

مقاومت: مقاومت بر وزن مفاعله، به معنای مشارکت، باهم برخاستن یا به جای کسی برخاستن و با کسی ضدیت و مخالفت کردن است. مقاومت در فرهنگ قرآنی، به معنای راست و درست ایستادن و عدم افراط و تفریط است که فقط برای حق و عدل قابلیت دارد. (زاهدی تیر، ۱۴۰۰: ۲۲) مقاومت وقتی به واژه اسلامی اضافه شود، به معنای پایداری در دین و مسیر حق در برابر هرگونه ناحق و کژی و بی‌عدالتی است؛ چنانچه استقامت در مفهوم قرآنی آن نیز به معنای ثبات در دین و پایداری در مسیر حق در برابر کژی‌ها است. (محمدی، ۱۳۹۹: ۹۳) نتیجه آنکه مقاومت از حیث لغوی بر محور مفهوم «ایستادگی» قرار دارد و از حیث اصطلاحی، مقاومت بر مفهوم «انصراف» قرار دارد؛ بدین معنا که مقاومت



به سیاست یا مجموعه‌ای از سیاست‌ها اطلاق می‌شود که در پی انصافِ بازیگرِ مقابل از ادامهٔ تهاجم و یا استمرار آن است. (افتخاری، ۱۴۰۰: ۹۶)

گفتمان مقاومت: گفتمان مقاومت زیرمجموعه‌ای از کلان‌گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمانی اصیل و ریشه‌دار و مبتنی بر مبانی محکم اسلامی است که براساس تجربهٔ چهل سالهٔ جمهوری اسلامی، به مثابهٔ راهبردی مطلوب برای مقابله با نظام سلطه در عرصهٔ بین‌الملل در شرایط هجمهٔ همه‌جانبه برای رسیدن به چشم‌اندازهای ترسیمی نظام و جلوگیری از توفیق پروژهٔ نفوذ و فریب دشمن، مطرح می‌شود. (افتخاری و حکیمی، ۱۳۹۹: ۲۰۲) مهم‌ترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت نفی سلطه و سلطه‌ستیزی و نفی استکبار و استبدادستیزی است و همچنین مهم‌ترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت اسلام خواهی، عدالت خواهی و حق طلبی و اقتدار و استقلال طلبی است. (رنجبرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۴)

عناصر مقاومت: منظور شناخت عناصر اصلی است که مقاومت را معنادار می‌سازد: ۱. عامل (اعمال‌کنندهٔ قدرت): منبع صادرکنندهٔ نیرو که در بردارندهٔ ضرر یا آسیب برای بازیگر مقابل است؛ ۲. بازیگر هدف (عنصری که اعمال قدرت متوجه آن است)؛ ۳. اقدام (هجوم، تهدید): رفتار هجومی و یا تهدیدآمیزی است که از سوی عامل شکل گرفته و مقاومت در برابر آن تعریف می‌شود؛ ۴. محیط: گسترهٔ فضایی که یک اقدام شکل گرفته و فعال می‌گردد. (رک، افتخاری، ۱۴۰۰: ۹۲-۸۱)

مقاومت فعال: مقاومت فعال، ایستادگی به همراه کنش‌گری در عرصهٔ منطقه‌ای است که ذیل گفتمان مقاومت اسلامی تعریف می‌شود. (صباحی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۵) که در آن راهبرد پایداری هوشمندانه بر مبنای شناخت استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها، توانمندی‌های بالقوه و بالفعل، شیوه‌های تهاجم و اهداف دشمن از یک سو و از سوی دیگر به‌کارگیری همهٔ توانایی‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضرورت می‌یابد. (انصاری بارده و جاودانی مقدم، ۱۴۰۰: ۱۰۷)

بنابراین اقتدار جبههٔ مقاومت می‌تواند پایه و اساس برای حفظ و بقای امت اسلامی از تهدید نظام سلطه باشد و همچنین در مقابل تهدیدات دشمن، اعم از جنگ و تحریم و انزوا و تهدید، حرکتِ روبه‌جلو را دنبال نماید و توسعهٔ قدرت فراملی را فراهم آورد. (اکبری، ۱۳۹۶: ۵۹) بدین ترتیب، مقاومت فعال در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای از یک سو، در تقابل با انفعال و سلطه‌پذیری جهان اسلام و امت اسلامی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، با تکیه بر وعده‌های الهی و فرهنگ جهادی. عاشورایی، همواره مولد قدرت متعالیه، بیداری اسلامی و عزت مسلمین خواهد بود. این مقاومت با استناد به آیات کلام‌الله مجید، سطح مقاومت ملی

کشورهای اسلامی را به سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارتقاء بخشیده است و در حوزه بین‌المللی نیز در دفاع از حقوق مسلمانان و مستضعفان تجلی یافته است. **محور مقاومت:** جبهه مقاومت، یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای و مرکب از مجموعه بازیگران دولتی و غیردولتی است که دارای منافع مشترک ملی، ایدئولوژیک و هستی‌شناسی هستند. این کشورها و گروه‌ها به دنبال احقاق حقوق مستضعفان، تأمین مصالح امت اسلامی، تأمین منافع و تضمین امنیت جمعی مسلمین است؛ در واقع محور مقاومت یک جبهه استکبارستیز و نفی سلطه است که تکیه بر منابع درونی و بازیگران غیردولتی دارد. هدف غایی مقاومت، استقلال و برپایی نظام اسلامی با تکیه بر جهان بینی دینی بوده که هسته مرکزی مقاومت انقلاب اسلامی است. (قاسمی، ۱۳۹۹: ۱۷۸)

باتوجه به مطالب فوق، می‌توان ادبیات نظری مقاومت فعال را در جدول زیر ترسیم نمود:

ادبیات نظری مقاومت فعال

مؤلفه‌ها	فکت‌های سنجش
مبانی و چیستی	توحید باور، آخرت‌گرایی / پایداری در مسیر حق و دین
اهداف و غایت	عزت و اقتدار مسلمین، سلطه‌ستیزی / قرب الهی
جغرافیای محیطی	مجموعه عاملان دولتی و غیردولتی / سطوح ملی تا جهانی
راهبردها و راهکارها	پایداری هوشمندانه، بازدارندگی مؤثر / تدوین برنامه و اقدام

روش شناسی

در این تحقیق از روش «تحلیل مضمون ۱» برای تبیین الزامات قرآنی استفاده می‌شود. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳) مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهم، تکراری و متمایز در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با پرسش تحقیق است. شبکه مضامین نظام‌دهنده عبارتند از: مضامین پایه (نکات کلیدی)، مضامین سازمان‌دهنده (مقولات به دست آمده و



تلخیص شده مضامین پایه)، مضامین فراگیر (مضامین دربرگیرنده اصول حاکم بر متن، به عنوان یک کل). (فتحی، ۱۴۰۱: ۱۴۵) براین اساس، تحلیل مضمون روشی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایند طبقه‌بندی نظام‌مند کدها و شناسایی مضامین و الگوها است. هدف این روش فراهم آوردن شناخت، بینشی نو و تصویری از واقعیت است. (فاضلی، ۱۴۰۱: ۲۹۹)

الف: مضامین پایه‌ای الزامات قرآنی در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای
در گام اول، بیانات قرآنی و آیات استنادی که رهبر معظم انقلاب در حوزه الزامات قرآنی مقاومت بیان فرموده‌اند، در قالب کدهای اولیه، سازماندهی می‌شوند.

جدول ۱: آیات استنادی و مضامین پایه

مضامین پایه	آیات قرآن	ردیف
تأکید بر عزت مؤمنین و امت اسلامی. بیان قدرت ایمان، جهاد و توکل.	وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ. (منافقون / ۸) الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَد جَعَلُوا كُفْرًا فَآخَسُوا لَهُمْ فِرَادِهِمْ إِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ* فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ. (آل عمران ۱۷۳-۱۷۴) (http://farsi.khamenei.ir , 17/04/1401)	۱
تأکید بر جهاد و انذار. اقامه قسط و عدل و دفاع از دین و برپایی دین.	قُمْ فَأَنْذِرْ. (مدثر / ۲) لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ. (حدید / ۲۵) أَقِيمُوا الدِّينَ. (شوری / ۱۳) (http://farsi.khamenei.ir , 14/03/1401)	۲
وعده صادق الهی، نصرت مجاهدان راه خدا است.	إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ. (محمد / ۷) (http://farsi.khamenei.ir , 28/04/1400)	۳
توصیه بر صبر و استقامت و تداوم پایداری، رمز پیروزی در جریان مقاومت است.	وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ. (عصر / ۳) (http://farsi.khamenei.ir , 22/04/1399)	۴

ردیف	آیات قرآن	مضامین پایه
۵	فَلذَلِكَ فَادُعْ وَاسْتَقِمِّم. (شوری / ۱۵) ان يَبْضُرْكُمُ اللهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ. (آل عمران / ۱۶۰) (http://farsi.khamenei.ir ,06/09/1398)	مقاومت، یعنی لزوم دعوت و لزوم استقامت. دنبال کردن اهداف الهی؛ نصرت خدا و پیروزی را به همراه خواهد داشت.
۶	وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَعَدُوَّكُمْ. (انفال / ۶۰) (http://farsi.khamenei.ir ,21/07/1398)	تقویت بنیهٔ دفاعی و آمادگی کامل در تمامی بخش‌ها و عرصه‌ها.
۷	فَلذَلِكَ فَادُعْ وَاسْتَقِمِّم كَمَا مَرَّتْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ. (شوری / ۱۵) (http://farsi.khamenei.ir ,14/03/1398)	توحیدباوری و تداوم استقامت، الگوی مقاومت فعال است.
۸	وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئُوا الْأَدْيَارِ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * سَنَّةُ اللهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللهِ تَبْدِيلًا. (فتح / ۲۲-۲۳) (http://farsi.khamenei.ir ,04/09/1397)	مجاهدت و ایستادگی، شرط غلبه بر دشمنان اسلام است.
۹	أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَرُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (فتح / ۲۹) (http://farsi.khamenei.ir ,26/01/1398)	رحمت و مهربانی بر خودی و استحکام و نفوذناپذیر بودن در برابر دشمنان. برائت از کافران و تفاهم با مسلمین.
۱۰	هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللهُ عَلِيمًا حَكِيمًا. (فتح / ۴) (http://farsi.khamenei.ir ,12/06/1394)	آرامش در قلوب مؤمنین. قدرت از آن خداست.
۱۱	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا. (آل عمران / ۱۰۳) (http://farsi.khamenei.ir ,27/04/1394)	اعتصام به حبل الهی، قرآن.
۱۲	لَا يَتَّبِعْكُمْ اللهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنْ اللهُ يَجِبُ الْمُقْسِطِينَ. إِنَّمَا تَنْهَكُمُ اللهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُواكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تُولَّوْهُمْ. (ممتحنه / ۸-۹) (http://farsi.khamenei.ir ,04/09/1393)	همزیستی مسالمت‌آمیز با دولت‌های غیرمحراب و غیرمستکبر. جهاد در اسلام؛ جنگ با ستمگران و ظالمان است نه ملت‌ها.



ردیف	آیات قرآن	مضامین پایه
۱۳	أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. (حج / ۳۹) الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقِّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا إِنْ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ. (حج / ۴۰)	دفع ظلم و ستم و توجه به نصرت الهی. نصرت الهی برای تلاش گران راه خدا. شامل شدن نصرت الهی بر یاری کنندگان دینش.
۱۴	كَمْ مِنْ قَبْطَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ قِبْطَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ. (بقره / ۲۴۹)	با تکیه بر ایمان و غیرت دینی، گروهی اندک بر جبهه وسیع دشمن پیروز می شود.
۱۵	لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيَبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ. (انفال / ۸)	تأکید بر احقاق جریان حق و ابطال جریان باطل.
۱۶	إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا. (حج / ۳۸)	وعدۀ الهی مبنی بر دفاع از مؤمنان و مجاهدان در راهش.
۱۷	وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا. (نساء / ۷۵)	جهاد و مقابله با ظالمان در جهت نجات مستضعفان. بصیرت و لزوم مرزبندی با دشمنان اسلام و مسلمین.
۱۸	وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. (آل عمران / ۱۶۹)	جنگ و شهادت برای ارزش‌ها، عامل دستیابی به زندگی جاوید است. حیات جاودانه.
۱۹	إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ. (انبیاء / ۹۲)	حفظ، تداوم و تعمیق اتحاد مسلمین. نفی سبیل، راهبرد مقاومت فعال است.
	وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا. (نساء / ۱۴۱)	

ب: مضامین سازمان دهنده و فراگیر الزامات قرآنی

پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای از طریق آیات استنادی، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر شناسایی می‌شود. در این مرحله از تحلیل مضمونی، سعی می‌شود با سازمان دهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه‌ای به مضامین انتزاعی تری دست یابیم که ما را به مضمون‌های اصلی‌تر و فراگیرتر رهنمون سازد.

جدول شماره ۲: تبدیل مضامین پایه‌ای به مضامین سازمان دهنده و فراگیر

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱	اقامة قسط و عدل و دفاع از دین و برپایی دین از اهداف قیام‌الله است. (حدید/ ۲۵) و (شوری / ۱۳) جهاد در اسلام؛ جنگ با ستمگران و ظالمان است نه ملت‌ها. (ممتحنه/ ۸-۹) از اهداف جهاد اسلامی، دفع ظلم و ستم است. (حج / ۳۹)	حاکمیت الهی در تقابل با نظام‌های طاغوتی و ظالمانه جهاد در راه خدا در حفظ کیان اسلامی و اقامة قسط و عدل	قیام‌الله
۲	وعدة صادق الهی، نصرت مجاهدان راه خدا است. (محمد/ ۷) دنبال کردن اهداف الهی، نصرت خدا و پیروزی را به همراه خواهد داشت. (آل عمران / ۱۶۰) نصرت الهی برای تلاش‌گران راه خدا؛ شامل شدن نصرت الهی بر یاری‌کنندگان دینش. (حج / ۴۰) وعدة الهی مبنی بر دفاع از مؤمنان و مجاهدان در راهش. (حج / ۳۸) جنگ و شهادت برای ارزش‌ها عامل دستیابی به زندگی جاوید است. (آل عمران / ۱۶۹)	ایمان به وعده‌های الهی امیدآفرین است. اعتماد به خداوند قطعاً نتیجه‌بخش است. عزم و اراده جدی با نصرت الهی همراه است. جنگ و شهادت برای ارزش‌ها.	ایمان به نصرت الهی و پیروزی حتمی



ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۳	تأکید بر جهاد تبیین و تبشیر. (مدثر / ۲) بروز قدرت ایمان، جهاد و توکل. (عمران / ۱۷۳-۱۷۴) توصیه بر صبر و استقامت و تداوم پایداری. (عصر / ۳) مقاومت یعنی لزوم دعوت و لزوم استقامت. (شوری / ۱۵) توحیدباوری و تداوم استقامت (شوری / ۱۵) آرامش در قلوب مؤمنین. (فتح / ۴)	آگاهی بخشی ملتها و دولت‌های اسلامی با جهاد تبیین و تبشیر. صبر و استقامت؛ توکل. آرامش در قلوب مؤمنین.	پایداری هوشمندانه
۴	حفظ، تداوم و تعمیق اتحاد امت اسلامی. (انبیاء / ۹۲) وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا. (عمران / ۱۰۳) http://farsi.khamenei.ir/27/04/1394 أَسِدَاءٌ عَلَى الْكُفَّارِ وَ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ. (فتح / ۲۹) http://farsi.khamenei.ir/26/01/1398 khamenei.ir	همبستگی راه رشد، تفاهم و تعامل امت اسلامی. امت واحده، اعتصام به حبل الهی. مهربانی میان امت.	همگرا شدن امت اسلامی
۵	رحمت و مهربانی بر خودی و استحکام و نفوذناپذیر بودن در برابر دشمنان، برائت از کافران و تفاهم با مسلمین. (فتح / ۲۹) پیروزی گروهی اندک بر جبهه وسیع دشمن. (بقره / ۲۴۹) جهاد در اسلام به معنای نجات مستضعفین است. (نساء / ۷۵) بصیرت و لزوم مرزبندی با دشمنان اسلام و مسلمین. (ممتحنه / ۱)	مقاومت در برابر دشمن، راهبرد مقابله، حمایت از مستضعفین. برائت از کافران. پیروزی گروه اندک مؤمنین. مرزبندی با دشمن.	دشمن شناسی

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۶	تقویت بنیهٔ دفاعی و آمادگی کامل در تمامی بخش‌ها و عرصه‌ها. (انفال / ۶۰) همزیستی مسالمت‌آمیز با دولت‌های غیرمحارب و غیرمستکبر. (ممتحنه / ۸-۹) نفی سبیل راهبرد مقاومت فعال است. (نساء / ۱۴۱)	افزایش توان دفاعی و قدرت مقابله با مستکبران، آمادگی همه‌جانبه. نفی سبیل، ترس مستمر دشمنان.	بازدارندگی مؤثر
۷	تأکید بر عزت امت اسلامی و جوامع اسلامی. (منافقون / ۸) مجاهدت و ایستادگی شرط غلبه بر دشمنان اسلام است. (فتح / ۲۲-۲۳) احقاق جریان حق و ابطال جریان باطل است. (انفال / ۸)	تأکید بر عزت مؤمنین، عزت و پایداری. مجاهدت و احقاق جریان حق.	عزت طلبی مسلمین

در این پژوهش به الزامات قرآنی مقاومت فعال با تأکید بر دیدگاه امام خاتمه‌ای پرداخته شد که طی سه مرحله فرایند تحلیل مضمون انجام گردید. ابتدا از میان آیات استنادی، مضامین پایه، احصا و پس از ترکیب و تلخیص مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و نهایی به دست آمد.

تحلیل شبکهٔ مضامین

با بررسی و تحلیل مضامین قرآنی مرتبط با مقاومت، به هفت مضمون فراگیر می‌رسیم که در ادامه توضیح داده خواهد شد:

۱. قیام‌الله

در گفتمان اسلام سیاسی، زیربنای مکتب مبارزهٔ رهبران انقلاب، در «قیام‌الله» بوده است که با تمسک بر حاکمیت الهی در تقابل با نمودهای الحاد، ظلم، ستم، استعمار و استکبار قرار می‌گیرد. این گفتمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با ماهیت مکتبی و اسلامی بودن، راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) که در راستای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، گشود. در



مکتب اسلام، مقاومت نشأت گرفته از فطرت انسانی برای دفاع از حقوق انسانی و دینی با انگیزه جهادی و در جهت ادای تکلیف دینی است. (اکبری، ۱۳۹۶: ۵۷) از این منظر؛ مفهوم مقاومت به معنای تلاش برای حفظ، توسعه و تعمیق عناصر و مفاهیمی مانند جهاد، مبارزه، قیام، استقامت و شهادت، برجسته سازی و مفصل بندی می گردد. امام خامنه ای با استناد به آیه «قُلْ أَمَّا عِظْكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى»^۱، می فرماید که تنها راه اصلاح بشر و جهان «قیام لله» است و انقلاب اسلامی نیز با چنین نگاهی از سوی امام خمینی (ره)، رهبری و هدایت شد و توانست به دور از امیال نفسانی و منافع گروهی، به پیروزی برسد. همچنین براساس این آیه، باید در نظر داشت که در این حرکت و قیام خدایی، حرکت انفرادی انسان منشأ تکامل وی نخواهد بود، بلکه این تکاپو هنگامی به برتری نفسانی وی منتهی می شود که با حفظ هویت فردی خویش، خود را با دیگران و همفکر و دلسوز آنان بداند و از همین روی است که آیه بر «مثنی و فرادی» تأکید می کند تا بسیج مردمی به مثابه سرمایه اجتماعی شکل گیرد و موجب ارتباط و مشارکت بهینه امت اسلامی را فراهم سازد. (خامنه ای، ۱۴۰۱/۳/۱۴) بر این اساس، «الهیات رهایی بخش» تفسیری از الهیات دینی است که بر آزادسازی ملل مستضعف، مظلوم و تحت ستم سراسر جهان تأکید می کند. (قادری کنگاوری، ۱۳۹۸: ۲۴) بنابراین، جهادی که از سوی مسلمانان صورت می گیرد، درحقیقت، برای از بین بردن ظلم و برپایی عدل است: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ»^۲، امام خامنه ای با راهبرد وحدت در عین کثرت، هدف «قیام لله» را اقامه حق، عدل و قسط و ترویج معنویت دانسته که از طریق شیوه ها و ابزارهای مختلف، برحسب مقتضیات زمان و مکان، به دست می آید. ایشان همچنین به نقش محوری امام خمینی (ره) در تحقق و تجسم عینی مفهوم مقاومت، اشاره دارند که توانست درس ایستادگی، شجاعت و شهادت را به ملت ایران و امت اسلامی تعلیم دهد که امروز یکی از واژه های برجسته در ادبیات سیاسی دنیا است؛ بنابراین، وجود دال «اسلام ناب» به مثابه دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی و دین الهی بودن آن، بیانگر رویکرد توحیدی و یکتاپرستی از سوی چنین گفتمانی است. (آجیلی، ۱۳۸۹: ۲۵۶) که براساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان، حمایت می کند. چنانچه معظم له در

۱. سیاه بخشی از آیه ۴۶.

۲. بقره/۱۳۹.

سخنرانی تلویزیونی به مناسبتِ روز جهانی قدس می‌فرمایند: «شکل‌گیری مقاومت در منطقه غرب آسیا در دهه‌های اخیر، پُربرکت‌ترین پدیده این منطقه بوده است. کیان مقاومت بود که بخش‌های اشغال‌شده لبنان را از لوث وجود صهیونیست‌ها پاک کرد؛ عراق را از حلقوم آمریکا بیرون کشید؛ عراق را از شر داعش نجات داد و به مدافعان سوری در برابر نقشه‌های آمریکا، مدد رسانید. کیان مقاومت با تروریسم بین‌المللی مبارزه می‌کند؛ به مردم مقاوم یمن در جنگی که به آن‌ها تحمیل شده است، یاری می‌رساند؛ با موجودیت غاصبان صهیونیست در فلسطین، پنجه می‌افکند و به توفیق الهی، آن‌ها را به زانو درمی‌آورد و با تلاش مجاهدانه، مسئله قدس و فلسطین را در افکار عمومی جهان، روزبه‌روز برجسته‌تر می‌کند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران مبتکر، حامی و طرف‌دار جبهه مقاومت است. (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۲/۰۹)

۲. ایمان به نصرت الهی و پیروزی حتمی

با بررسی دیدگاه‌ها و مواضع امام خامنه‌ای در قبال پدیده‌ها و رویدادهای اجتماعی-سیاسی ایران و جهان اسلام، شاخص‌ترین اصل قرآنی معظم‌له اعتقاد و اعتماد به وعده و نصرت الهی است. کلمه «اعتقاد» از ریشه «عقد» بوده و به معنای گره، پیمان و عهد است. هرچیزی که نوعی پیوند قلبی با انسان داشته و فرد آن را باور داشته باشد، اعتقاد می‌نامند. (رئوفی نژاد، ۱۳۹۴: ۸۷) وعده و نصرت الهی که از راه‌های گوناگون، با اراده خداوند نسبت به مؤمنان و مجاهدان راستین، صورت می‌گیرد، بر چند پایه استوار است که در قرآن به آن‌ها اشاره شده است: ایمان به خدا، عمل به دستورات الهی، اتکا و توکل به خدا، اعتماد به وقوع حتمی وعده‌های الهی و عزم بر استمرار اراده جدی که رهبر انقلاب در بیانات و دیدارهای خود با برشمردن این مؤلفه‌های راستین و امیدبخش، آن را جریان‌ساز دیپلماسی نهضتی و انقلابی دانستند. از این رو، خداوند در قرآن کریم، یادآوری می‌کند: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ یعنی اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری می‌کند و گام‌های شما را استوار می‌سازد. این یکی از مصادیق وعده و نصرت الهی است. همه چیز از خداست و به خواست او است. و در اینجا، منظور از یاری خدا، یاری بندگان خداست؛ یعنی خدا کمک به بندگان خویش را کمک به خود به حساب آورده و یاری رسانی را یاری خواهد داد. (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۴/۲۸)

و اینکه ما می‌گوییم «نیروهای مقاومت، جریان مقاومت، جبهه مقاومت»،



یعنی یک حقیقتی به نام اسلام در دوران معاصر، سر بلند کرده است که این حرکت عظیم اسلامی، صد سال پیش، پنجاه سال پیش نبود؛ امروز وجود دارد که گریبان نظام سلطه را محکم می‌گیرد و برای آزادی و عدالت، اقدام می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۹/۰۶) بنابراین «فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاسْتَقِمَّ»^۱، هم دعوت لازم است، هم استقامت لازم است؛ مقاومت یعنی این. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۳/۱۴) بنابراین، لازمه مقاومت بر توحید به معنای آن است که انسان در نظر و عمل الوهیت، خالقیت و ربوبیت خدا را بپذیرد، تنها از او اطلاعات کند و بر طاغوت خط بطلان بکشد. (زاهدی تیر، ۱۴۰۰: ۵۲) در این صورت، «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»^۲ تحقق خواهد یافت. بدین ترتیب، اعتقاد به توحید در تضاد و تنافی با زور، ظلم و ظالم است؛ بنابراین، جمهوری اسلامی اعلام می‌کند که هر جا مظلومی هست و نصرتی لازم است، ما آنجا حاضریم. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵) و افتخار جمهوری اسلامی، امروز، این است که ما در مجاورت مرزهای رژیم صهیونیستی نیرو داریم؛ [حالا] یا نیروهای خودمان یا نیروهای حزب الله یا نیروهای مقاومت یا نیروهای امل. و این ثمره خون شهدای مدافع حرم است که در دفاع از مرزهای عقیدتی و مرزهای حساس، به شهادت رسیده‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۲/۲۲) و براساس ایمان به نصرت الهی، پیروزی جبهه مقاومت حتمی است.

۳. پایداری هوشمندانه

پایداری هوشمندانه، مهم‌ترین راهبرد مقاومت فعال است که امام خامنه‌ای با استناد به آیات قرآن، شناخت و تبیین آن را برای امروز دنیای اسلام و ملت مسلمان، لازم و ضروری می‌داند. بصیرت بخشی، روشن کردن فضا و عمق دادن به ایمان و اندیشه هسته‌های مقاومت نیازمند توحیدباوری و لزوم تقویت مبانی شناختی و معرفتی اسلام اصیل است؛ چنانچه معظم له در بیانات مختلف به آن اشاره فرمودند: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۳. در یک آیه دیگر: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ»^۴، در یک آیه دیگر: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۵، یعنی این پرچم توحید و اسلام و ایمان، این پرچم



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

۱. شوری/ بخشی از آیه ۱۵.

۲. حج/ ۳۸.

۳. انبیاء/ ۱۰۵.

۴. اعراف/ ۱۲۸.

۵. صف/ ۹.



ایستادگی در مقابل ظلم و جور از هرکس و هر جای عالم، این پرچم استقلال ملت‌ها در مقابل قدرت‌های زورگوی عالم، باید در سرتاسر جهان و به عنوان مرکز امید همه مستضعفان عالم، به اهتزاز دربیاید.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۶/۲۶) در این میان، شهید سلیمانی نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد و با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود، اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۹/۲۶) در این میان تصویرسازی واحد و ایجاد پیام‌های واحد از طریق دیپلماسی عمومی، موجب تقویت روابط موج‌آفرینی در عرصه مقاومت و زمینه اتحاد محور مقاومت می‌گردد. (مهدوی‌اطهر و امامی‌فر، ۱۴۰۱: ۲۹)

این موضوع برای اثربخشی و عمق بخشی به پایداری هوشمندانه در میان امت اسلامی، با تبیین الزامات قرآنی مقاومت فعال در حوزه نظر و عمل، میسر خواهد بود؛ بنابراین پایداری هوشمندانه، پیام اسلام و قرآن به جبهه مقاومت و کشورهای محور مقاومت است تا با دفاع از وحدت و حرکت امت بزرگ اسلامی و فایق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان، بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی و نظم نوین در حال شکل‌گیری در منطقه غرب آسیا در پرتو بیداری اسلامی، تأثیرگذار باشند. بدین ترتیب، این خودآگاهی اسلامی، پدیده‌ای شگرف و معجزه‌آسا در قلب دنیای اسلام آفریده است که قدرت‌های استکباری در برابر آن، به شدت، دچار مشکلند؛ نام این پدیده «مقاومت» و حقیقت آن، بروز قدرت ایمان و جهاد و توکل است. این پدیده همان است که درباره نمونه‌ای از آن در صدر اسلام، این آیه شریفه نازل شد: **الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَد جَعَوْا لَكُمْ فَأَخَشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ دِيَارِهِمْ فَأَتَىٰ خِزَامَةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي يَوْمِ إِسْتِزَارِ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ. ۱** صحنه فلسطين يكي از جلوه‌گاه‌های این پدیده شگفت‌انگیز است که توانسته رژیم طغیانگر صهیونیست را از حالت تهاجمی و عربده‌کشی به وضعیّت دفاع و انفعال بکشانند و مشکلات سیاسی و امنیتی و اقتصادی آشکار کنونی را بر آن تحمیل کند. نمونه‌های درخشان دیگر مقاومت را می‌توان در لبنان و عراق و یمن و برخی نقاط دیگر، به وضوح، مشاهده کرد. (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۴/۱۷)

و در پیام تبریک به حجت‌الاسلام والمسلمین «سیدحسن نصرالله»، به مناسبت پیروزی مقاومت اسلامی در جنگ ۳۳ روزه می‌فرماید: «آنچه ائتفاق افتاد، حجتی از سوی خداوند بر همه دولت‌ها و ملت‌های اسلامی و به ویژه در منطقه خاورمیانه است. شما بار دیگر مصداق این کلام نورانی قرآن شدید: **فَدَكَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنِیۡنَ التَّقَاتِۃِ تَقَاتِلُ فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ وَآخِرٰی كَافِرَةٌ یَّرَوْنَهُمْ مِّثْلِهِم رَأٰی الْعِیۡنِ وَاللّٰهُ یُوۡتِیۡدُبۡرَہِم مِّنۡ یَّشَآءُ**



إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ،^۱ این اولوالأبصار، امروز توده‌های میلیونی و جوانان غیور و مؤمن در کشورهای منطقه و سیاسیون سالم و زمامداران و رهبران مستقل و خردمندانند. (۲۶ خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۵) بدین ترتیب، نظریه مقاومت نظریه‌ای رهایی‌بخش در قالب پارادایم برخورد با نظام سلطه و مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از متن اسلام ناب محمدی است و با هدف غرب‌زدگی‌زدایی از نظام بین‌الملل در ادبیات سیاسی و علوم جدید قابل تئوری‌پردازی است. (اکبری، ۱۳۹۶: ۱) که رهبر معظم انقلاب با مبانی محکم اعتقادی و عقلانی و تدابیر مهم و راهبردی بر عمق استراتژیک آن می‌افزاید و به آن معنا و جهت می‌بخشد. و براین اساس، سیاست و رهنامه دفاعی جمهوری اسلامی ایران با رویکردی ارزش‌محور و باور به توان و قدرت «دفاع همه‌جانبه مردمی»، سازماندهی شده است. (مطلبی، ۱۴۰۰: ۹۰) که با شناخت فرصت‌ها، به‌دنبال ارتقای توان نظامی - دفاعی کشور و وزن و منزلت ژئوپلیتیک ایران، یعنی قلمرو نفوذ و حوزه اثرگذاری ایران در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اقدام می‌نماید. دراین‌میان، نقش سپاه قدس با عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه‌های بزرگ و روشن انسانی، حیاتی و راهبردی است که با سعه صدر به همه جا و همه کس نگاه می‌کند. رزمندگان بدون مرزند، کرامت مستضعفان را حفظ می‌کنند و خود را بلاگردان مقدّسات و حریم‌های مقدّس می‌کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷)

۴. همگرا شدن امت اسلامی

در اندیشه و گفتمان امام خامنه‌ای، حفظ وحدت و تحکیم آن، ضرورت راهبردی امت اسلامی است که براساس کلام الله مجید در انسجام بخشی به جبهه اسلام ناب و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مؤثر است؛ چنانچه معظم‌له، وحدت را یک اصل اسلامی می‌دانند. (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۷/۱۱) که به صد دلیل واجب و به صد دلیل ممکن است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۲/۱۳) و تنها نسخه شفاف‌بخش برای علاج دردهای جهان اسلام است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۴/۲۷) بنابراین در اسلام توصیه می‌شود: «واعتصموا بحبلِ اللهِ جميعاً»^۲ که نقطه مقابل تفرقه است: «وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ»^۳. و سبب می‌گردد قدرت جهان اسلام به تحلیل و ضعف سوق یابد؛ چنانچه تسلط و سیطره دشمنان بر کشورهای اسلامی هم از نتایج تفرقه بین ملت‌های مسلمان است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۵/۱۷) بنابراین، وحدت امت هدفی



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

۱. آل عمران / ۱۳.
۲. آل عمران / ۱۰۳.
۳. انفال / ۴۶.

حاکم بر روابط بین مسلمانان در جامعه اسلامی محسوب می‌شود. اعتقاد به امت واحدبودن همه مسلمانان برای دولت اسلامی، از اصولی است که آن دولت را در سیاست خارجی از دولت‌های ملی ممتاز می‌کند. (حقیقت، ۱۳۸۶: ۲۱۳) از این رو، امروز، دنیای اسلام بیش از همه به اتحاد و یکدلی و تمسک به قرآن نیازمند است. از سویی ظرفیت‌های جهان اسلام برای توسعه و عزت و اقتدار، امروز، بیش از گذشته آشکار شده و بازیابی مجد و عظمت امت اسلامی، امروز در سراسر جهان اسلام، انگیزه و فراست جوانان و فرزندان شده است. (خاتمی، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹) و پیام آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» تشکیل امت واحده‌ای که ناصیه عبودیت بر درگاه ربوبیت و وحدانیت می‌ساید، همان آرزوی بزرگ اسلام است و همان است که در سایه آن، نیل به همه کمالات فردی و جمعی مسلمین میسر می‌گردد و همان هدفی است که جهاد اسلامی برای تحقق آن تشریح شده و هریک از عبادات و فرایض اسلامی، بخشی از آن را زمینه‌سازی و تأمین می‌کند. (خاتمی، ۱۳۷۰/۰۳/۲۶) براین اساس، زبان سیاسی مقاومت می‌تواند در کشورهایی ظهور کند که از قابلیت‌های فرهنگی خاصی برخوردار باشند و اندیشه مقاومت و واکنش نسبت به فضای اجتماعی نابرابر را در برخورد با فرایندهای تهدید، مورد استفاده قرار دهند. (پوستین چی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۰۵) در این میان، شبکه‌سازی یکی از مصادیق بارز نظریه بازدارندگی است. سیستم بازدارندگی شبکه‌ای بر شکل‌گیری و گسترش ارتباطات درون شبکه‌ای و بین شبکه‌ای، از جمله ارتباط بین حلقه‌ای و محور متمرکز است. (فتحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۷۰) این راهبرد برای تجمیع قدرت در اهداف مشترک برای کنترل دشمن و خنثی‌سازی اقدامات آن‌ها، استفاده می‌شود. از دیدگاه امام خاتمی، حرکت جامعه اسلامی به سوی وحدت آگاهانه، نقش مهمی در تقویت جبهه مقاومت در مبارزه و تقابل با دشمنان اسلام دارد.

۵. دشمن‌شناسی

امام خاتمی با استناد به آیات قرآن، تعیین و تدوین سیاست دفاعی در جهت حفظ کیان اسلام، شناسایی دشمن و تهدیدهایی که از ناحیه او موجودیت جهان اسلام و امت اسلامی را تهدید می‌کند، امری واجب دانسته است؛ بنابراین تبیین دشمن که لازمه آن دشمن‌شناسی است، در زمره پیروی از دستورات الهی، کسب بصیرت، بصیرت‌زایی و بصیرت‌افزایی است. مقاومت با همه انواع آن در مقابل دشمن معنا



پیدا می‌کند؛ چه دشمن درونی باشد و چه برونی؛ بنابراین فرهنگ‌سازی جهادی در جامعه اسلامی و حرکت به سوی این نوع از فرهنگ، بدون شناخت دشمن، ممکن نیست. (محمدی، ۱۳۹۹: ۹۳) چنانچه معظم‌له در این باره می‌فرماید: «جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمنی انجام می‌گیرد؛ هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از طرف مقابل صورت می‌گیرد؛ این جهاد است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۴/۱۱) بدین ترتیب، مقوم اصلی مفهوم جهاد (یعنی در مقابل دشمن بودن) و مقوم اصلی مفهوم دفاع (یعنی دفع هجمه دشمن)، هر دو، در مفهوم جهاد تبیین وجود دارد. (حیاتی، ۱۴۰۱: ۱۹) که در تقابل با گزاره جنگ‌شناختی دشمن، از طریق نفوذ تدریجی در اصول ارزش‌ها، بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های رفتاری قرار می‌گیرد و با تولید توان بازدارندگی به مثابه مفهوم راهبردی در ارتقای ضریب امنیت، مؤثر است. ایشان در کلامی به موارد عمل نکردن به قرآن در بعضی از کشورهای اسلامی، اشاره می‌نمایند که آنان «أَشْدَاءَ عَلَى الْكُفَّارِ» را فراموش نمودند و با آمریکا و صهیونیست‌ها ساختند و حق فلسطینی‌ها را ضایع کردند و نوکر، دنباله‌رو و امربر کفار شدند. و یک دسته دیگر هم «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» را فراموش کرده‌اند و اختلافات بین مسلمان‌ها را به وجود می‌آورند و به مسلمان رحم نمی‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۱/۲۶) اما جمهوری اسلامی ایران از ملت‌های مظلوم مسلمان حمایت می‌کند؛ چون قرآن صریحاً حمایت از مستضعفان را لازم شمرده است: «وَمَا لَكُمْ لَأَتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِّنْ لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِّنْ لَّدُنكَ نَصِيرًا»^۱ و باسلطه آمریکا و نفوذ و دخالت آن در کشورهای اسلامی و همه کشورهای مظلوم، مخالفت می‌کند؛ چون قرآن فرموده است: «... لَا تَخْذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْأَوْدَةِ»^۲ (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۲) در جریان دشمن‌شناسی، اندیشه مقاومت در امتزاج دین و سیاست و با شعار جهان‌وطنی، پیوند قدرت فراملی را علیه نظام سلطه به وجود می‌آورد. (اکبری، ۱۳۹۶: ۶۰) چنانچه شهید سلیمانی یک روح تازه‌ای در این مجموعه مقاومت دمید و راه تازه‌ای در مقابل آن باز کرد و آن را، هم از لحاظ معنوی و هم از لحاظ مادی، مجهز کرد. (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۱۰/۱۱) تا بستری برای تبلیغ و توسعه اندیشه خادمحوری در راستای توسعه قدرت جبهه مقاومت در مقابل هرکنش ظالمانه باشد و مقوم امت اسلامی و جوامع اسلامی گردد.

۶. بازدارندگی مؤثر

انقلاب اسلامی ایران با توجه به رسالت و اهداف فراملی با طرح گفتمان اسلام سیاسی، فقهاتی، به فرایند غیریت‌سازی از گفتمان‌های غرب و شرق اقدام نموده است و بر اساس اصل ۱۵۲ قانون اساسی، بر نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است. در فرایند غیریت‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی، دو مفهوم ظلم و استکبار که بروز ناامنی و عدم تحقق صلح جهانی از آن نشئت می‌گیرد، نفی می‌گردد. (آجیلی، ۱۳۸۹: ۳۴۷) بر این اساس، اتخاذ راهبرد مقابله به مثل با دشمن لازم است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما پیکار می‌کنند، بجنگید؛ و [از حد] تجاوز نکنید که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد. «وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ»؛ و از جایی که شما را بیرون راندند، آنان را بیرون کنید.»

در بیانات رهبر معظم انقلاب، مفهوم بازدارندگی، این‌گونه تعریف شده است: «رصد دائمی تهدیدها، آمادگی دفاعی و بازدارندگی از طریق ترکیب نیروی حرفه‌ای زمینی و بسیج، گسترش برد موشکی و افزایش توان دفاعی و تهاجمی در دریا، ... جمهوری اسلامی را به بازدارندگی دفاعی راهبردی می‌رساند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۱) در نتیجه، راه‌های تثبیت قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی، طبق فرمایشات معظم‌له، عبارتند از کلیدواژه‌های راهبردی «نگاه وسیع به جغرافیای مقاومت»، «نگاه وسیع فرامرزی»، «فناخت نکردن به منطقه خودمان» و «امتداد عمق راهبردی». از این‌رو؛ تقویت کامل بنیه دفاع ملی، از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور در تقابل با معاندین نظام و مداخله‌های کشورهای قدرت‌طلب، لازم و ضروری است. همان‌گونه که خاطر نشان فرمودند، مبنای اقتدار در جمهوری اسلامی، یک مبنای «عقلانی» است؛ از این‌رو، «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ هر چه می‌توانید اعداد کنید.»^۳ امکانات خود را اعداد نکنند و توان تهدید دشمن را هم ببینند؛ این قطعاً منافع ملی را تأمین خواهد کرد و موجودیت ملی را حفظ خواهد کرد؛ هویت ملی را محفوظ



خواهد داشت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۷/۲۱) در اسلام، دفاع و بازدارندگی اصالت دارد نه جنگ؛ چراکه آیه فوق علت و هدف آمادگی را ترساندن دشمن می‌داند؛ ترسی مستمر، دلیل‌کننده و مانع از اقدام گروه مقابل. (نگارش و جمالی زواره، ۱۳۹۵: ۱۱۷) همان‌گونه که در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه شش بهمن فرمودند: «اگر بخواهیم مسلمان زندگی کنیم، باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از خودمان و از هدف و عقایدمان در مقابل دشمن دفاع کنیم. باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از حقوق کشورمان، از حقوق ملتمان (به عنوان یک ملت)، از حقوق خودمان دفاع کنیم؛ ما دنبال این هستیم.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۰۶) چنانچه براساس این آیه شریفه، وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا^۱، قطع دست سلطه‌گران از غارت و چپاول به مال و ناموس از این طریق ممکن است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۳/۲۶) آیاتی که از اتخاذ ولایت کافران نهی می‌کرد و بیانگر حکم تکلیفی بر مسلمین بود، به طریق اولی، پذیرش سلطه و نفوذ که می‌تواند از آثار منفی پذیرش ولایت آنان باشد را نفی می‌کند و این حکم تکلیفی منشأ حکم وضعی قاعده نفی سبیل خواهد بود. (رک: حقیقت، ۱۳۸۶: ۱۰۵) براین اساس، در مراسم دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، فرمودند: «خودتان را مجهز و آماده کنید؛ هم از لحاظ آمادگی علمی و فنی، هم از لحاظ آمادگی سازمانی و انضباطی و هم از لحاظ آمادگی ایمانی و عقیدتی و روحی که این پشتوانه همه آنها است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۷/۰۷) ایشان همچنین در تبیین دیپلماسی عزت و قدرت، به اقدام ناگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران اشاره نموده و آن را از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مصداق آیه، وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ، دانسته که با حضور امنیت‌ساز در دریاهای آزاد، توانایی‌های جمهوری اسلامی ایران را به رخ کشیدند. (خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۰۵/۱۵) و در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، می‌فرمایند که نظام سیاسی اسلام با ظلم و ظالم مخالف است و دستور دارد به، كُونَاللظَّالِمِ خَصْمًاوَللْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ لذا با عملیاتی کردن این آیه از قرآن که می‌فرماید: تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ^۲ تهدید دشمن که گزینه نظامی روی میز است، بی‌ارزش و بی‌معنا شده است و دیگر تکرار نمی‌شود. (خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۰۵/۲۶) در نتیجه دور کردن سایه جنگ از کشور و ثمربخشی مذاکرات دیپلماتیک، نتیجه منطقی توسعه عمق استراتژیک منطقه‌ای، کاربست سیاست دفاع روبه جلو، تقویت محور مقاومت و افزایش توان بازدارندگی است. (قادری کنگاوری، ۱۳۹۸: ۱۹۴)

۷. عزّت طلبی مسلمان

در مکتب اسلام، توجه به عزّت مسلمان و جوامع اسلامی با عنوان یک اصل، تأکید شده است که تقویت آن موجب اقتدار و تضعیف آن موجب استعمار و ذلت است. میان عزت اسلامی و بیداری اسلامی ارتباطی دوسویه وجود دارد. در حقیقت، بیداری اسلامی به مفهوم احیای اسلامی است که با آن استقلال، عدالت، عزت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی زنده می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در صدد است تا با تأکید بر هویت اسلامی خود و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، به ویژه محور مقاومت، به عنوان ی‌گفتمان اسلامی فراگیر علیه اشغالگری آمریکا و متحدان منطقه‌اش، به حفظ منافع و مصالح اسلامی در چارچوب ایدئولوژی انقلاب اسلامی، اقدام نماید. (عباسی و محمودزاده، ۱۴۰۱: ۱۳۱) در نگاه امام خامنه‌ای، قرآن بزرگ‌ترین معلم بیداری اسلامی در جهت حفظ موجودیت و عزت اسلامی است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۶/۲۳) ایشان یکی از راه‌های کسب عزت اسلامی را عمل به این آیات شریفه می‌دانند: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»؛ «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»؛ «إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ»^۲. شما خدا را نصرت کنید؛ دین خدا را نصرت کنید و برای خدا قیام کنید؛ خدا شما را نصرت خواهد کرد. خدا که نصرت کرد، دیگر همه قدرت‌ها پوچ‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۰۸) بر این اساس، در منطق قرآن کریم، عزت واقعی متعلق به خدا و رهروان راستین جبهه حق است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۳؛ و در مقابل، عدم ایمان و عمل به دستورات قرآن، می‌تواند وضع اسف‌باری را برای جامعه اسلامی و امت اسلامی به وجود آورد. اسلام ثابت کرده است، ظرفیت آن را دارد که امت خود را به اعتلای مدنی و علمی و عزت و قدرت سیاسی برساند. ایمان و مجاهدت و پرهیز از تفرقه، تنها شرط‌های تحقق این هدف بزرگ است و قرآن به ما می‌آموزد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۴؛ «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّا اللَّهُ لَعَ الْحَسِينِ»^۵؛ «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَعَشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۶. (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۹/۱۸) بنابراین امروز، دشمن اسلام، یعنی سردمداران استکبار و صهیونیسم، تفرقه‌افکنی میان مسلمان

۱. محمد / ۷.

۲. حج / ۴۰.

۳. آل عمران / ۱۶۰.

۴. منافقون / ۸.

۵. آل عمران / ۱۳۹.

۶. عنکبوت / ۶۹.

۷. انفال / ۴۶.



و غوغاگری در عرصه تبلیغات را برضد هرکشور و دولت و جمعیتی که از بیداری اسلامی و حاکمیت قرآن دم زدند و داعیه عزت مسلمین را داشته باشند، مهم ترین کار خود می داند؛ چون اسلام به جوانان پایداری و استقامت می دهد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۲۸) براین اساس، مهم ترین هدف نهی و نفی دائمی و همیشگی تسلط کفار بر جوامع اسلامی، حفظ عزت و احترام مسلمانان است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۳۱) چنانچه در نظام جهانی، هر هژمونی همزاد ضد هژمونی است. بی تردید نام محور مقاومت با نفی سلطه و مقابله با امپریالیسم آمریکا و اسرائیل درهم آمیخته است. (محمودی رجا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷) از این رو، امام خامنه‌ای می فرماید: «جهاد مایه عزت است و هر ملتی که سربلند می شود، عزت پیدا می کند، قدرت پیدا می کند، به برکت مجاهدت فرزندان خودش است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۲/۲۲) براین اساس، نفی استکبار و سلطه جهانی، در واقع، انعکاس اصول و اهداف اسلام سیاسی در کالبد مقاومت اسلامی است.

نتیجه

مقاومت فعال که همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری است، مستندات و الزامات قرآنی دارد که در این تحقیق به روش تحلیل مضمون به آن پرداخته شد. در ابتدا، با بهره گیری از ادبیات نظری مقاومت، مبانی، چیستی، اهداف و غایت، جغرافیای محیطی و راهبردهای مقاومت فعال بیان شد. سپس تحلیل مضمونی پیام ها و بیانات امام خامنه‌ای با آیات قرآنی بیان شده از سوی ایشان، مورد مطالعه قرار گرفت. تحلیل مضمونی نشان داد که اساس مقاومت اسلامی مبتنی بر نگاه خداپاورانه و توحیدی است که با عنوان دال مرکزی، دیگر نشانه ها در پیوند با آن معنا می یابند و همه بر مبنای قیام لله است. معظم له رمز پیروزی، تداوم، تعمیق و بالندگی الگوی مقاومت اسلامی را اطاعت از خداوند متعال و یاری دین او می داند: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ*، (و با گسترش محور مقاومت، امت اسلامی را به پیروی از دستورات اسلامی، وحدت و انسجام و ایستادگی و مبارزه در برابر نظام سلطه، استکبار و رژیم صهیونیستی دعوت می نماید. از این منظر، در اندیشه امام خامنه‌ای، مقاومت منبع و نمایش قدرت امت اسلامی است که در زمینه بازدارندگی دفاعی در مقابله با تهدیدات دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اسلامی به کار گرفته می شود. در این میان، راهبرد دفاع همه جانبه و هوشمند با بهره گیری از همه ظرفیت های



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱



موجود در امت اسلامی، مورد تأکید قرآن بوده و پرداختن به آن در اقصی نقاط کشورهای اسلامی دنیا، یک مسئله ضروری و اجتناب ناپذیر است؛ بنابراین در اندیشه معظم‌له برای حمایت و دفاع از مسلمانان و مستضعفان، عزت طلبی و عدالت خواهی، حفظ کیان اسلام و وحدت جهان اسلام، لازم است که نسبت به تولید و تقویت سامانه‌های دفاعی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، به تناسب نوع و ماهیت تهدیدات احتمالی، اهتمام ورزیده و با رعایت حدود و ثغور شرعی، با فراهم نمودن امکانات و تجهیزات نظامی، هرگونه تهدیدی که منجر به تضعیف نظام اسلامی می‌گردد را پاسخگو باشند. بدین ترتیب، براساس مضامین فراگیر احصاشده از بیانات قرآنی امام خامنه‌ای، قیام‌الله، ایمان به نصرت الهی و پیروزی حتمی، پایداری هوشمندانه، همگراشدن امت اسلامی، دشمن شناسی، بازدارندگی مؤثر و عزت طلبی مسلمین هسته‌های اصلی در تحقق مقاومت فعال می‌باشند که هریک از این الزامات، مستندات قرآنی دارد.



کتابنامه

قرآن کریم.

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. آجیلی، هادی (۱۳۸۹). «صورت‌بندی گفتمان اسلامی در روابط بین‌الملل»، چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳. افتخاری، اصغر (۱۴۰۰). «مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو»، چاپ دوم. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۴. افتخاری، اصغر و حکیمی، محمد (۱۳۹۹). «مختصات الگوی مقاومت اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری»، فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال هشتم، شماره هیجدهم، صص ۲۰۱-۲۳۴.
۵. انصاری بارده، رضا و مهدی جاودانی مقدم (۱۴۰۰). «مفهوم راهبرد مقاومت فعال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال ۳۰، شماره ۹۸، صص ۱۰۱-۱۲۷.
۶. اکبری، حسین (۱۳۹۶). «تقابل گفتمان مقاومت و گفتمان نظام سلطه»، جلد یکم. تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۷. پوستین چی، زهره و ابراهیم متقی (۱۳۹۰). «زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره یکم، صص ۹۷-۱۲۹.
۸. حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۶). «مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی»، چاپ دوم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. حیاتی، طاهره و محمدحسین حیاتی (۱۴۰۱). «گستره جهاد تبیین در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای»، فصلنامه معرفت سیاسی، سال چهاردهم، شماره اول، پیاپی ۲۷، صص ۷-۲۰.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۲). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، چاپ پنجم. تهران: سمت.
۱۱. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: <http://farsi.khamenei.ir>.
۱۲. ربوفی نژاد، محمد (۱۳۹۴). «نقش آموزه‌های اعتقادی و نظامی اسلام در دکترین عملیاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در هشت سال دفاع مقدس»، چاپ اول. تهران: انتشارات نیلوفران.
۱۳. رنجبرمحمدی، مصطفی و زاهد غفاری هاشجین و محمدرحیم عیوضی (۱۳۹۹). «مؤلفه‌های قدرت هوشمند آیت‌الله خامنه‌ای در قبال دشمنان محور مقاومت اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۵، صص ۱۵۱-۱۷۱.
۱۴. زاهدی تیر، اصغر (۱۴۰۰). «مقاومت در قرآن با تأکید بر رویکرد اجتماعی»، چاپ اول. قم: دفتر نشر معارف.
۱۵. صباحی، مجتبی و داود محمدی و احسان جعفری‌فر (۱۴۰۱). «بررسی مبانی فکری راهبرد دفاعی از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، دوره ۸، شماره ۱، شماره پیاپی (۲۸)، صص ۱۱۱-۱۳۲.
۱۶. عابدی جعفری، حسن و محمدسعید تسلیمی و ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.
۱۷. عباسی، مجید و فاطمه محمودزاده (۱۴۰۱). «تحلیلی بر حمایت ایدئولوژیک ایران از محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۸، شماره ۲، شماره پیاپی (۳۰)، صص ۱۱۵-۱۳۴.
۱۸. فتحی، محمدجواد و محمدرحیم عیوضی و شهره پیرانی (۱۳۹۹). «جایگاه راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی در منظومه دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای جنوب غربی»، فصلنامه سیاست

مطالعات راهبردی
فصلنامه علمی پژوهشی

دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

جهانی، دوره نهم، شماره دوم، پیاپی ۳۲، صص ۲۶۵-۳۰۳.

۱۹. فاضلی، محمدرضا (۱۴۰۱). "تبیین الگوی جوان انقلابی در گام دوم انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری"، فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال دهم، شماره دوره (پیاپی ۲۲)، صص ۲۹۳-۳۱۳.

۲۰. فتحی، یوسف (۱۴۰۱). "حج به مثابه سرمایه اجتماعی با تأکید بر پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای به حجاج (۱۳۶۸-۱۴۰۰)، به روش تحلیل مضمون"، پژوهشنامه حج و زیارت، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۱۷، صص ۱۴۱-۱۷۷.

۲۱. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۹). "الگوی مقاومت اسلامی؛ مطالعه بیانات مقام معظم رهبری"، دوفصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی دانشکده علوم انسانی اسلامی و قدرت نرم دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، سال دهم، شماره ۲۱، صص ۱۷۱-۲۰۲.

۲۲. قادری کنگاوری، روح‌اله (۱۳۹۸). "مقاومت و دیپلماسی نهضتی؛ تحولات، فرصت‌ها و چالش‌ها"، چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۲۳. مسلمی، حسین و افشین بکائی و عمار رضائی و عباس کوچکیان و عباس علی بخشی (۱۴۰۱). "بررسی اهمیت راهبردی محور مقاومت در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)"، در مجموعه مقالات پذیرفته شده اولین همایش بین‌المللی و پنجمین همایش ملی تبیین اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، صص ۱-۲۲.

۲۴. مطلبی، مسعود (۱۴۰۰). "دیپلماسی دفاعی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی؛ اهداف، راهبردها و الزامات"، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۷، شماره ۲، شماره پیاپی (۲۶)، صص ۷۵-۹۸.

۲۵. مهدوی اطهر، مهدی و حمید امامی‌فر (۱۴۰۱). "کاربست دیپلماسی عمومی در عرصه مقاومت اسلامی از منظر امام خامنه‌ای"، فصلنامه معرفت سیاسی، سال چهاردهم، شماره اول، پیاپی ۲۷، صص ۲۱-۴۰.

۲۶. محمدی، محمدعلی (۱۳۹۹). "مؤلفه‌های نقش‌آفرین فرهنگ جهادی در تقویت مقاومت اسلامی در سپهر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای"، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره پیاپی ۳۳، صص ۹۱-۱۱۱.

۲۷. محمودی رجا، سیدزکریا و علی باقری دولت‌آبادی و بهنام راوش (۱۳۹۷). "بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی"، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال هفتم، شماره چهاردهم، صص ۷-۲۸.

۲۸. نگارش، حمید و زهره جمالی‌زواره (۱۳۹۵). "راهبرد آمادگی در برابر دشمن در خوانش آیه شصت سوره انفال"، فصلنامه علوم سیاسی، سال نوزدهم، شماره هفتاد و پنج، صص ۱۰۳-۱۲۱.

References

The Holy Quran

1. The Constitution of the Islamic Republic of Iran
2. Ajili, Hadi (1389). "Formulation of Islamic discourse in international relations", first edition. Tehran: Imam Sadeq University Press
3. Eftekhari, Asghar (1400). "Resistance in Islam; Theory and model", second edition. Tehran: Publications of the Institute of Andisheh Sazan Noor Studies
4. Eftekhari, Asghar and Hakimi, Mohammad (2019). "Coordinates of the model of Islamic resistance in the intellectual system of the Supreme Leader", Islamic Politics Research Quarterly, 8th year, 18th issue, pp. 201-234
5. Ansari-Bardeh, Reza and Mehdi Javadani-Moghadam (1400). "The concept of active resistance strategy in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran", Strategy Quarterly, year 30, number 98, pp. 101-127
6. Akbari, Hossein (2016). "Confrontation of the Discourse of Resistance and the Discourse of Supremacy", Volume 1. Tehran: Imam Hossein University Press
7. Pouštin-Chi, Zohra and Ebrahim Motaghi (2010). "Political language of Islamic resistance in international politics", International Relations Research Quarterly, first period, number 1, pp. 129-97
8. The truth, Seyyed Sadeq (2006). "Fundamentals, principles and objectives of the foreign policy of the Islamic State", second edition. Qom: Islamic Science and Culture Research Institute
9. Hayati, Tahira and Mohammad Hossein Hayati (1401). "The Extent of Explanation Jihad in the Defensive Thought of Imam Khamenei", Political Knowledge Quarterly, Year 14, Issue 1, Series 27, pp. 20-7.
10. Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal (2012). "Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran", fifth edition. Tehran: Side
11. Office of Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei: <http://farsi.khamenei.ir>
12. Reofinejad, Mohammad (2014). "The role of religious and military teachings of Islam in the operational doctrine of the Islamic Revolutionary Guard Corps during the eight years of holy defense", first edition. Tehran: Nilofaran Publications
13. Ranjbarmohammadi, Mustafa and Zahid Ghafari Hashjin and Mohammad Rahim Ayouzi (2019). "Components of the intelligent power of Ayatollah Khamenei against the enemies of the axis of Islamic resistance", scientific quarterly of the Islamic Revolution Research Journal, 10th year, number 35, pp. 151-171
14. Zahedi-Tir, Asghar (1400). "Resistance in the Qur'an with an emphasis on the social approach", first edition. Qom: Education publishing office
15. Sabahi, Mojtabi, Daud Mohammadi and Ehsan Jafar Far (1401). "Investigation of the intellectual foundations of defense strategy from the perspective of Imam Khamenei", Holy Defense Studies Quarterly, Volume 8, Number 1, Serial Number (28), pp. 111-132
16. Abedi-Jaafari, Hassan and Mohammad Saeed Taslimi and Abolhasan Faqihi and Mohammad Sheikhzadeh (2013). "Thematic analysis and network of themes: a simple and efficient method to explain the patterns in qualitative data", Strategic Management Thought Quarterly, 5th year, 2nd issue, serial number 10, pp. 151-198
17. Abbasi, Majid and Fatemeh Mahmudzadeh (1401). "An analysis of Iran's ideological support of the axis of Islamic resistance in West Asia", Scientific Quarterly of Sacred Defense Studies, Volume 8, Number 2, Serial Number (30), pp. 115-134
18. Fathi, Mohammad Javad, Mohammad Rahim Ayouzi, and Shahreh Pirani (2019). "The position of the cross-border deterrence strategy in the defense-security system of the Islamic Republic of Iran in South West Asia", World Politics Quarterly,

9th period, 2nd issue, serial 32, pp. 265-303

19. Fazli, Mohammad Reza (1401). "Explaining the model of the revolutionary youth in the second step of the revolution from the perspective of the Supreme Leader", Iranian Islamic Progress Model Studies Quarterly, 10th year, period number (22 consecutive), pp. 293-313

20. Fathi, Yusuf (1401). "Hajj as social capital with an emphasis on Ayatollah Khamenei's messages to pilgrims (1368-1400), by thematic analysis method", Hajj and Pilgrimage Research Journal, 7th year, 2nd issue, series 17, pp. 141- 177

21. Ghasemi, Behzad (2019). "Pattern of Islamic resistance; study of the statements of the Supreme Leader", two-quarter magazine of the Cultural Guard of the Islamic Revolution, School of Islamic Humanities and Soft Power, Imam Hussein (AS) Officer Training and Guard Training University, 10th year, number 21, pp. 171-202

22. Qadri Kangavari, Ruholah (2018). "Resistance and movement diplomacy; Developments, opportunities and challenges", first edition. Tehran: Imam Hossein University Press

23. Muslimi, Hossein, Afshin Bekai, Ammar Rezaei, Abbas Kouchian, and Abbas Alibakshi (1401). "Investigation of the strategic importance of the axis of resistance in the defense thought of Imam Khamenei (Madzaleh al-Ali)", in the collection of accepted articles of the first international conference and the fifth national conference on explaining the defense thought of Imam Khamenei (Madazleh al-Ali), pp. 1-22

24. Melabi, Masoud (1400). "Iran's Defense Diplomacy in the Second Step of the Islamic Revolution; Objectives, Strategies and Requirements", Scientific Quarterly of Sacred Defense Studies, Volume 7, Number 2, Serial Number (26), pp. 75-98

25. Mahdavi Athar, Mehdi and Hamid Emamifar (1401). "The application of public diplomacy in the field of Islamic resistance from the perspective of Imam Khamenei", political knowledge quarterly, year 14, number 1, series 27, pp. 21-40.

26. Mohammadi, Mohammad Ali (2019). "The role-playing components of jihadi culture in strengthening Islamic resistance in the sphere of thought of Ayatollah Khamenei", Islamic Revolution Research Quarterly, 9th year, serial number, 33, pp. 91-111

27. Mahmoudi-Raja, Seydzakaria and Ali Bagheri Dolat-Abadi and Behnam Rawesh (2017). "Examination of the axis of resistance and the future of the domination system using the world system theory", Islamic Awakening Studies Quarterly, 7th year, 14th issue, pp. 28-7

28. Written by Hamid and Zohra Jamali Zavareh (2015). "Strategy of preparation against the enemy in reading verse 60 of Surah Anfal", Political Science Quarterly, 19th year, 75th issue, pp. 103-121

Transformational solutions in prophetic cultural management with an emphasis on the Quranic thought of Imam Khamenei

Asghar Ayati¹, Abdullah Tavakoli²

Abstract

One of the sciences related to human behavior is management, and cultural management has priority and importance in terms of its relationship with religious, moral and civilizational parts. In order to achieve a comprehensive map and model of cultural management, in addition to examining the indicators, dimensions, obstacles and damages, it is necessary to identify and apply transformative solutions in cultural management, as well as the transformative solutions of prophetic cultural management due to the superiority of this model over other models. And it will have double value; Therefore, the present article was looking for transformative solutions in prophetic cultural management from the perspective of the Holy Quran, emphasizing the Quranic thoughts of Imam Khamenei, which was carried out with the meta-composite research method, which is one of the types of meta-study methods. It has been tried to extract solutions by studying related articles, books of interpretation and history and presenting and comparing it with the Quranic thoughts of Ayatollah Khamenei. The most important findings of this research are: thought formation, humanization, moral orientation, government formation, creation of space and creation of cultural and spiritual atmosphere, creation of a single nation, which by applying these solutions, we can draw an important step for the elevation of civilization and Islamic government of dear Iran and other governments and rulers of Islamic societies. to be And if this goal is achieved, it can be the origin and source of inspiration and modeling for other human societies.

Keywords: strategies for transformation in culture; cultural management; Prophet of God (peace be upon him), Imam Khamenei.

1. Ph.D student in the field of Quran and Management, Al-Samatafi Al-Alamiya Community, Qom, Iran. (Responsible author) a.amaf@chmail.ir

2. Associate Professor, Department of Management, Research Institute and University, Qom. Iran. atavakkoli@rihu.ac.ir

مطالعات
فقه و حقوق
دوره اول

دوره اول

شماره دوم

پیاپی: ۲

پاییز و زمستان

۱۴۰۱

۵۶



راهکارهای تحول آفرین در مدیریت فرهنگی نبوی با تأکید بر اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای

اصغر آیتی^۱

عبدالله توکلی^۲

چکیده

یکی از علوم مرتبط با رفتارهای انسانی مدیریت است و مدیریت فرهنگی، به لحاظ ارتباط آن با بخش‌های دینی، اخلاقی و تمدنی، اولویت و اهمیت دارد. برای دستیابی به نقشه و الگوی جامعی از مدیریت فرهنگی در کنار بررسی شاخصه‌ها، ابعاد، موانع و آسیب‌ها، شناسایی و کاربست راهکارهای تحول آفرین در مدیریت فرهنگی ضرورت دارد و همچنین راهکارهای تحول آفرین مدیریت فرهنگی نبوی به دلیل برتری این الگو نسبت به الگوهای دیگر از اهمیت و ارزش دوچندانی برخوردار خواهد بود؛ لذا مقاله حاضر به دنبال راهکارهای تحول آفرین در مدیریت فرهنگی نبوی از منظر قرآن کریم با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای بوده که با روش پژوهش فراترکیب که یکی از انواع روش‌های فرامطالعه است انجام گرفت. سعی شده با مطالعه مقالات مرتبط، کتب تفسیر و تاریخ و عرضه و مقایسه آن با اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای، راهکارهایی استخراج شود. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش عبارتند از: اندیشه‌سازی، انسان‌سازی، اخلاق‌مداری، تشکیل حکومت، فضا سازی و ایجاد جو فرهنگی و معنوی، ایجاد امت واحد که با کاربست این راهکارها گامی مهم برای اعتلای تمدن و حکومت اسلامی ایران عزیز و دیگر حکومت‌ها و حکمرانان جوامع اسلامی ترسیم شود. و اگر این مهم محقق شود، خاستگاه و منبع الهام و الگوگیری دیگر جوامع بشری نیز می‌تواند باشد.

واژگان کلیدی: راهکارهای تحول در فرهنگ؛ مدیریت فرهنگی؛ پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، امام خامنه‌ای.

۱. دانش‌آموخته دکترای رشته قرآن و مدیریت، جامعه الصمطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

a.amaf@chmail.ir

۲. دانشیار گروه مدیریت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. atavakkoli@rihu.ac.ir

نقش فرهنگ در پیشرفت‌های مادی و معنوی کشورها و حکومت‌ها بر کسی پوشیده نیست و حتی در بسیاری از مواقع فرهنگ‌ها هستند که سرنوشت کشورها را تغییر می‌دهند. امام خامنه‌ای در اهمیت نقش فرهنگ فرموده: «عزیزان من! فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. چرا؟ چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید؛ چه بخواهید چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳) لذا رسالت دولت‌ها در برابر فرهنگ و مدیریت فرهنگی و برنامه‌ریزی در خصوص آن، به‌ویژه نظام مقدس جمهوری اسلامی که نظامی برخاسته از آموزه‌های شرع مقدس است و اساساً خود را انقلاب فرهنگی می‌داند، می‌طلبد که توجه خاص و ویژه‌ای بر این مهم داشته باشند. و از آنجاکه قرآن سیره پیامبر (ص) را الگو معرفی می‌کند (احزاب/۲۱) و حکومت ایشان، به فرموده امام خامنه‌ای، درخشان‌ترین حکومت تاریخ بشر است (۲۸/۲/۱۳۸۰)؛ پس مطالعه حکومت بی‌نظیر ایشان در مدینه، می‌تواند یکی از مهم‌ترین الگوهای کامل در این زمینه باشد که با بررسی تاریخ و سیره حکومتی پیامبر خدا با این هدف، پاسخ درخوری به این نیاز معرفتی مدیریتی فراهم می‌آورد.

مطلب دیگر اینکه پیامبر اسلام (ص) در ایجاد حکومت اسلامی و استقرار عدل و قسط در آن با استفاده از وحی الهی، خلق عظیم (قلم/۴) و مدیریتی بی‌نظیر، توانستند از مردم بدوی با خوی‌های بسیار زشت و ناپسند، در مدتی کوتاه، انسان‌های مخلص و فداکار بسازند. اخلاق انسانی، صفات عالیّه آن حضرت و مدیریت الهی ایشان در زمانی کوتاه، آن‌چنان گسترش یافت و در دل مسلمین ریشه دواند که تمدنی عظیم تأسیس کرد (تقوی، ۱۰۶:۱۳۹۶)؛ و مسلم است که فرهنگ علاوه بر اینکه زیر بنای تمدن است، تمدن‌ساز نیز می‌باشد و اصلاً ساختمان تمدن در زمین فرهنگ بنا شده است. (مظفری، ۱۳۸۵: ۹۸)

باتوجه به این نکات، در بررسی مدیریت فرهنگی نبوی، به این نتیجه می‌رسیم که آن حضرت با استفاده از راهکارهایی، توانستند جامعه را دچار تحولی عظیم نمایند؛ تحولی که نه تنها باعث شد مردم در آن دوره از عقاید، گرایش و رفتارهای ناپسند خود دست بکشند، بلکه به عالی‌ترین صفات نیز آراسته شدند. راهکارهایی مانند اندیشه‌سازی و انسان‌سازی که از مهم‌ترین اقدامات ابتدایی حضرت بود که با تشکیل حکومت اسلامی و ایجاد جو فرهنگی و معنوی که در آن به وجود آوردند، این مهم را به خوبی و با سرعت فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

در پیشینه عام این موضوع می‌توان به مقالات ذیل اشاره داشت:

آقداغی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش «واکاوی و فهم اصول اسلامی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مبتنی بر سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص)» به این نتیجه رسید که هدایت‌گری، جامعیت فرهنگی، تدریج، تقویت وحدت و انسجام اجتماعی، مسجد محوری، تقویت جایگاه خانواده و زنان و رشد دانش و آگاهی، اصول هفت‌گانه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی بر اساس سیره پیامبر مکرم اسلام (ص) است.

باقری فرد و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «سازوکارهای تأثیرگذاری دین در فرآیند سیاست‌گذاری فرهنگی (با تأکید بر مرحله تدوین)» این نتایج را مطرح می‌کنند که پیگیری، درمان و رفع معضلات فرهنگی جامعه، پیشگیری از بروز مشکلات فرهنگی و پیش‌برندگی جامعه به سوی تعالی، سه سازکار دین در فرآیند سیاست‌گذاری فرهنگی است.

هاشمیان و کارگران (۱۴۰۰) در مقاله «راهبردهای مدیریت فرهنگی-اجتماعی پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با یهودیان مدینه»، دستیابی به استقلال فرهنگی و خنثی‌سازی و مقاوم‌سازی مسلمانان در مقابله با جنگ فرهنگی را دو راهبرد اساسی پیامبر در رابطه با موضوع پژوهش دانسته‌اند.

جان احمدی (۱۳۸۵) در پژوهش مبانی و سازوکارهای دگرگونی فرهنگی در عصر نبوی (ص)، اعتمادسازی عمومی، تصحیح ارتباطات فردی و تغییر رفتار جمعی و مجموعه احکام قرآنی رامبانی و سازوکار دگرگونی‌های فرهنگی در عصر نبوی می‌شمارد. در مقالات مطالعه شده، مقاله‌ای با عنوان مقاله حاضر یافت نشد؛ علاوه بر آن، اکثر مقالات مورد مطالعه یا به صورت موردی (مدیریت فرهنگی پیامبر گرامی اسلام (ص) از نگاه قرآن کریم با محوریت صبر و استقامت) یا با پیشوندهای سیره فرهنگی و سیره مدیریت فرهنگی پیامبر موضوع مدیریت فرهنگی را مورد بررسی قرار داده‌اند. وجه تمایز این پژوهش، با توجه به نبودن مقاله‌ای با این موضوع و نیز بررسی‌های موردی و جزئی به موضوع پژوهش و نیز مقالاتی در سیره و نه مدیریت فرهنگی، این است که تلاش شده است، علاوه بر استخراج راهکارهای تحول‌آفرین مدیریت فرهنگی نبوی (ص)، روش‌های عملیاتی کردن آنها نیز استخراج و تبیین شود؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر راهکارهای تحول‌آفرین در مدیریت فرهنگی نبوی با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای است.

با این توضیح در این پژوهش، تلاش شده است با مطالعه سیره پیامبر اکرم (ص) در دوران حکومت ایشان در مدینه و با توجه به آیات مدنی و با بررسی و تحلیل



اقدامات آن حضرت در حوزه فرهنگ و مدیریت فرهنگی، راهکارهایی اساسی را در قالب راهکارهای تحول آفرین در مدیریت ایشان استخراج و در قالب روش‌های عملیاتی کردن این راهکارها به واسطه حضرتش، تدوین و تحلیل کند؛ به عبارت دیگر، پرسش اصلی مقاله، راهکارهای تحول آفرین در مدیریت فرهنگی به دست ایشان است که علاوه بر چپستی این راهکارها، به دنبال روش‌های عملیاتی شدن نیز هستیم. نتایج این پژوهش می‌تواند برای حاکمان و مدیران کشورهای اسلامی، به منظور تدوین دقیق و کاربردی آن در جامعه، کارگشا باشد.

روش پژوهش

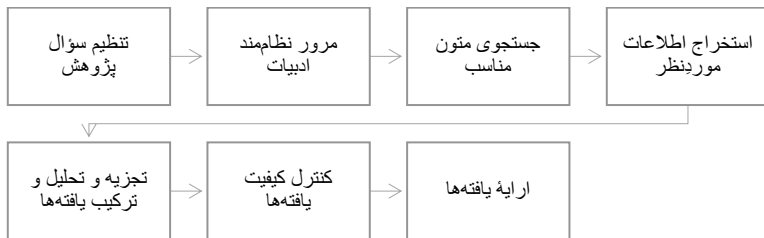
در این مقاله، برای تبیین دقیق وضعیت تحقیقات و مطالعات انجام شده در خصوص مدیریت فرهنگی نبوی، مقالاتی که به طور مشخص به این مفهوم پرداخته‌اند، شناسایی شده و در کنار آن تفاسیر و کتاب‌های تاریخی که به این موضوع اشاره دارند، به روش فراترکیب، مورد مطالعه قرار گرفته است. فراترکیب یکی از انواع روش‌های فرامطالعه^۱ است که در آن یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی تحقیقات مختلف در یک حوزه مشخص، به صورت نظام‌مند، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. هدف اصلی پژوهش‌های فرامطالعه، ترکیب و تحلیل کارهای پژوهشی انجام شده در یک حوزه خاص است که به چهار دسته فرانظریه^۲، فراروش^۳، فراتحلیل^۴ و فراترکیب تقسیم می‌شود. (بنچ و دی، ۲۰۱۰) در شکل (۱) انواع روش‌های فرامطالعه نمایش داده شده است.



شکل ۱. انواع روش‌های فرامطالعه

1. Meta-Study
2. Meta-Theory
3. Meta- Method
4. Meta-Analysis
5. Bench & Day

فرا ترکیب روشی کیفی برای ایجاد و تفسیر دانش حاصل از بررسی تحقیقات گذشته است. (پترسون و دیگران^۱، ۲۰۰۱) هدف از روش فرا ترکیب، استخراج نگاهی جامع تر به حوزه دانشی مربوطه با هدف بررسی نقاط ضعف و قوت و آسیب شناسی آنها و شناسایی حوزه های توسعه دانش مورد نظر و زمینه های اصلی و فرعی آن است. (زیمر^۲، ۲۰۰۶) در این مقاله برای انجام فرا ترکیب، از روش پیشنهادی سندلوسکی و باروس^۳ (۲۰۰۷) استفاده می شود که در شکل (۲) فرآیند آن نمایش داده شده است.



شکل ۲. روش فرا ترکیب (سندلوسکی و باروس)

این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش اصلی «راهکارهای تحول آفرین در مدیریت فرهنگی نبوی با تأکید بر اندیشه قرآنی امام خاندانی» به روش فرا ترکیب، انجام شده است. بدین منظور، برای گردآوری داده های پژوهش، از کلیه مقالات علمی و پژوهشی که در زمینه مدیریت فرهنگی نبوی به صورت کلی و زیرشاخه های آن است، استفاده شده است. علاوه بر آن، از تفاسیری که در آنها به نحوی به این موضوع پرداخته اند یا در ذیل آیات مربوط به مدیریت فرهنگی نبوی مطالبی بیان داشته اند و نیز کتاب های تاریخی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، علاوه بر کتب تفسیری، روایی و تاریخی، شامل کلیه مقالات علمی و پژوهشی است که با جستجو در پایگاه داده های «مگ ایران»، «علم نت»، «نور مگز»، «جهاد دانشگاهی» و «پرتال جامع علوم انسانی» استخراج شده است که در نتیجه آن، در نهایت ۷۵ پژوهش به دست آمد. سپس با توجه به هدف تحقیق، تحقیقاتی که با هدف تناسب کافی داشتند و یا از کیفیت لازم برخوردار نبودند، حذف و در نهایت پس از غربالگری مقالات، ۳۰ مقاله برای بررسی و تحلیل انتخاب گردید. برای استخراج و تحلیل



داده‌ها، به دلیل ماهیت کیفی آنها که متن است، از روش کدگذاری باز که یکی از معروفترین روش‌های مورد استفاده در روش تحقیق کیفی است، استفاده شده است. در این روش ابتدا کدها از متون مقالات استخراج می‌شوند (کدگذاری مرتبه اول) و سپس با کدگذاری مجدد، مفاهیم شکل گرفته (کدگذاری مرتبه دوم) و در نهایت روی مفاهیم نیز کدگذاری دیگری صورت می‌گیرد تا مقولات حاصل شود (متن، کد، مفهوم، مقوله).

مهم‌ترین کلیدواژه‌های منتخب برای جستجوی مقالات، مدیریت فرهنگی پیامبر، مدیریت فرهنگی نبوی، راهکارهای مدیریت فرهنگی نبوی، راهبردهای مدیریت فرهنگی پیامبر، اصول مدیریت فرهنگی نبوی، سیره فرهنگی پیامبر، سیره مدیریتی پیامبر، اصول مدیریت فرهنگی در قرآن، مدیریت فرهنگی در قرآن، راهکارهای مدیریت فرهنگی در قرآن است.

مفهوم‌شناسی

در بررسی موضوع پژوهش، ابتدا برخی واژگان که نیاز به تعریف و توضیح دارد بررسی می‌شود:

الف. فرهنگ

واژه فرهنگ از واژه‌هایی است که تقریباً اتفاق نظری روی آن وجود ندارد و هر پژوهشگر یا متفکری بر اساس مطالعات و گرایش‌های خود به تعریف آن پرداخته است. با توجه به تأکید مقاله حاضر بر اندیشه جامعه‌شناس و اسلام‌شناس خبره، یعنی امام خامنه‌ای و صاحب نظر بودن ایشان در فرهنگ و مدیریت فرهنگی، طبعاً نظر ایشان در مقام دانشمندی تراز، برای ما مهم است.

ایشان فرهنگ را هویت يك ملت دانسته (خامنه‌ای، ۱۳۹۲) و آن را از اقتصاد هم مهم‌تر می‌داند؛ چراکه فرهنگ، به معنای هوایی است که انسان تنفس می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۳) و در تعریفی کامل و جامع فرموده‌اند: «فرهنگ عبارت است از آن درک، برداشت، فهم، معتقد و باور انسان‌ها و روحیات و خلیقات آنها در زندگی؛ آنها است که انسان را به کار وادار می‌کند... ایثارگری، وجدان کاری، انضباط، تعاون اجتماعی، سازگاری اجتماعی، پرهیز از اسراف، اصلاح الگوی مصرف، روحیه قناعت، استحکام در آنچه که تولید می‌کنیم؛ اینها فرهنگ است.» (۲۵/۰۶/۱۳۸۹)

نکته دیگری که در بحث فرهنگ باید بدان توجه داشت، این است که دو نوع نگاه و نگرش به فرهنگ وجود دارد: نگرش بخشی و خرد و نگرش بُعدی و کلان. در نگرش بخشی و خرد، فرهنگ، تنها به بخشی از آداب و اخلاقیات و ارزش‌های

جامعه اطلاق می‌شود. براساس این دیدگاه، فرهنگ و مسائل و موضوعات آن جدای از مسائل و موضوعات حوزه‌های سیاست و اقتصاد جامعه بوده و هم‌عرض یکدیگرند که به آنها خدمات فرهنگی نیز می‌توان اطلاق کرد. (باقری فرد، ۱۳۹۴: ۷) اما در نگاه کلان، تمام حوزه‌های اجتماعی مدنظر است و فرهنگ جزء جدایی‌ناپذیر از سیاست، اقتصاد، اجتماع و... است. امام خاتمی با توجه به همین نکته فرمودند: «همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست؛ حاشیه و ذیل سیاست نیست؛ اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگند.» (خاتمی، ۱۳۹۲)

ب. مدیریت فرهنگی

مدیریت را اینگونه تعریف می‌کنند: «فرایند برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل و استفادهٔ بهینه از منابع به منظور انجام اهداف عملکردی.» (شرمهورن، ۲۰۰۲: ۲۰) یا فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی برای دستیابی به اهداف سازمانی براساس نظام ارزشی مورد قبول است. (رضائیان، ۱۳۷۹: ۶) اما شاید تعریف «هنر یا دانش کارکردن با افراد (مانند جنگ احد که پیامبر (ص) با افراد در جنگ، حاضر بود و مدیریت می‌کرد) یا از طریق افراد است (مانند جنگ تبوک که پیامبر (ص) از طریق افراد، جنگ را مدیریت و راهبری کرد)» که برخی نیز به آن اشاره دارند، تعریف خوبی باشد. (شفیعی، ۱۳۹۷: ۷)

مدیریت فرهنگی را می‌توان فرایند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل و رهبری بر مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی دانست که در راستای انتقال، تثبیت و ترویج و تکامل فرهنگی مشخص با تمامی اجزا و عناصر آن، دنبال می‌شود. (حبیبی، ۱۳۷۹: ۳۷) یا علم و هنر به‌کارگیری منابع و نیروها از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع، هدایت و کنترل آنها برای دستیابی به اهداف تعریف شده در عرصه فرهنگ. (صالحی امیری و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۴)

امام خاتمی دربارهٔ ضرورت مدیریت فرهنگی و برنامه‌ریزی برای آن فرموده‌اند: «رهاسازی فرهنگ اصلاً جایز نیست. مدیریت فرهنگ یک کار بسیار لازم است.» (خاتمی، ۱۳۹۴) «نه بی‌برنامه‌گی و ولنگاری فرهنگی نه جزم‌اندیشی و تحجر و استبداد فرهنگی؛ هیچ‌کدام از این دو طرف قضیه را بنده قبول ندارم. راه صحیح این است که برنامه‌ریزی کنیم؛ هدایت کنیم؛ کمک کنیم به روش‌های خوب و جلوی ضربه‌ها و حملات و مانند اینها را بگیریم.» (خاتمی، ۱۳۹۵)



ج. راهکارهای تحول آفرین

راهکار، واژه‌ای ترکیبی است از راه + کار و این واژه به مفهوم راه‌حل، پاسخ، شیوه‌نامه و روش حلّ مسائل است. (پارسی ویکی) معادل دیگر این واژه، تکنیک^۱، به معنای شیوه انجام کار است (فرهنگ فارسی عمید، ذیل واژه تکنیک). واژه راهکار در این مقاله، به معنای راه‌حل‌های کلی و اساسی است که برای اجرا و عملیاتی شدن آنها از روش استفاده می‌کنیم. روش^۲ در لغت، اسلوب، سبک، طریق و گونه است (دهخدا، ۱۳۷۷) و در اصطلاح، «تعیین راه انجام یک فعالیت یا امر» است.

برنز^۳ (۱۹۷۸) رهبری تحول آفرین را چنین تعریف می‌کند: «رهبری تحول آفرین فرایندی است که در آن، رهبران و پیروان یکدیگر را به سطح بالاتری از اخلاق و انگیزه ترقی می‌دهند.» (یوکل، ۱۳۸۲: ۴۹۷) رهبری تحول آفرین، فرایند نفوذ آگاهانه در افراد و گروه‌ها، به منظور ایجاد تغییر و تحول در وضعیت موجود و کارکردهای سازمان و به منظور بالا بردن توانایی پیروان در جهت اهداف و مأموریت سازمان، مناسب با شرایط محیطی، ارزش‌ها، خصیصه‌های اخلاقی، وجدان و انگیزه کاری است. (باس^۴، هوی و میسکل^۵، ۲۰۰۰ و لیبان و زالاف^۶، ۲۰۰۳ و هامفرز و انیشتین، ۲۰۰۳ و وندرورف^۷، ۲۰۰۷: به نقل از توکلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۱)

منظور ما از تحول در اینجا، تغییر و انقلابی است که با توجه به فضا و جو حاکم بر مدینه و ویژگی‌ها و ناهجاری‌های مرسوم بین مردم مدینه، قبل از ورود رسول رحمت (ص) به آنجا، وجود داشت و پیامبر با اتخاذ راهکارهایی توانست آن مردم را در مدتی بسیار کوتاه، دچار تغییر و انقلابی عظیم کند. به فرموده رهبر انقلاب، پیامبر با ورود به مدینه، توفانی در دل‌های مردم ایجاد و دل‌ها را عوض کرد و این زمان بود که احساس کردند عقاید و عواطف و تعصبات آنها در رفتار و سخن این مرد محو شده و با دروازه جدیدی به حقایق عالم آفرینش و معارف اخلاقی آشنا شده‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

1. Teknik
2. Method
3. James Mc Gregore Burns
4. Bass
5. Hoy & Miskle
6. Leban & Zulauf
7. Wendroff

یافته‌ها و تحلیل قرآنی راهکارهای تحول آفرین

مدیریت استراتژیک هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیم‌های وظیفه‌ای چندگانه‌ای است که سازمان را قادر می‌سازد به اهداف بلندمدت خود دست یابد. (شفیعی، ۱۴۰۰: ۲۸) باتوجه به این تعریف، می‌توان ادعا کرد که رسول خدا(ص) در پیشبرد اهداف خود همین برنامه‌ریزی را داشتند. رهبر انقلاب فرموده: «برای اینکه کار حکومت اسلامی و فرهنگ دینی به سامان برسد، سه مرحله وجود داشت؛ مرحله شالوده‌ریزی نظام؛ مرحله حراست از نظام و مرحله تکمیل و سازندگی است؛ این سه کار در عرض هم انجام می‌گیرد. شالوده‌ریزی در درجه اول است؛ اما در همین شالوده‌ریزی ملاحظه دشمنان شده است و بعد از این هم حراست ادامه پیدا خواهد کرد. در همین شالوده‌ریزی، به بنای اشخاص و بنیان‌های اجتماعی نیز توجه شده است و بعد از این هم ادامه پیدا خواهد کرد.» (۱۳۸۰)

ما در ادامه، راهکارهای اصلی که پیامبر(ص) برای تحول فرهنگی در جامعه، به‌کار بستند و روش‌هایی که حضرت ایشان برای عملیاتی کردن آن راهکار نیز اتخاذ کردند را تبیین می‌کنیم.

۱. اندیشه‌سازی

تبیین دقیق و به‌موقع اعتقادات، به‌ویژه توحید و صفات دیگر خدای سبحان را می‌توان از اولین اقدامات رسول رحمت(ص) برشمرد. ایشان با چند روش این مهم را محقق کردند:

الف. توحید باوری

قرآن کریم اساس دعوت تمام پیامبران و نخستین تلاش آنها را اقامه توحید دانسته: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/ ۳۶) چراکه اگر پایه‌های توحید محکم نشود و طاغوت‌ها از جوامع انسانی و محیط افکار طرد نگردند، هیچ برنامه اصلاحی قابل پیاده کردن نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲۱/۱۱) لذا می‌بینیم که رسول خدا(ص) نه تنها در مکه، بلکه در تمام ده سال بعد از هجرت نیز به اقامه کلمه توحید پرداخت و برای تحقق این کار، سه گام اساسی برداشت:

یک. تبیین توحید با راه‌هایی مانند راه آفاقی، (نور/ ۴۳ و حج/ ۲) راه انفسی (حج/ ۶۲ و نور/ ۳۹) و سیر در حقیقت هستی (حدید/ ۳ و آل عمران/ ۱۸)؛

دو. بیان مراتب توحید مانند توحید ذات، توحید اسماء و صفات و توحید افعالی با



استفاده از بیان‌های گوناگون و برای انواع مخاطبان (حشر/۲۲، ۲۴ و بقره/۲۵۵)؛ سه. تبیین شرک، ریشه‌ها، انواع و مصادیق شرک و مشرکان (توبه/۳۰ و ۳۱ و نساء/۱۳۶). (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۷۰۰-۵۸)

رهبری معظم اولین قدم در این زمینه را عقاید و اندیشه‌های صحیحی می‌داند که پیغمبر این اندیشه‌ها و افکار را در قالب کلمه توحید و عزت انسان و بقیه معارف اسلامی، علاوه بر دوران مکه، در مدینه و در تمام آنات و لحظات تا دم مرگ، دائماً به این‌وآن تفهیم کرد و تعلیم داد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

ب. تقویت اعتقاد و ایمان به پیامبری ایشان

گام اساسی در اندیشه‌سازی، اثبات وجود انسانی الهی و پیامبری از سوی خداست؛ لذا خدای متعال در آیات بسیار زیادی حضرت محمد(ص) را باعنوان فرستاده خود برای هدایت و سعادت بشر، معرفی می‌کند و برای تثبیت رسالت ایشان، اطاعت و تبعیت از ایشان را نشانه ایمان و محبت به خدا (آل عمران/۳۱) و سرپیچی و روی‌گردانی از ایشان را نشانه کفر (مائده/۶۸) و فسق (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲، ۶۳۹) می‌داند (سوره حجرات)؛

برای نمونه در آیه ۴۳ سوره رعد، خدا خود را ولی امر رسالت دانسته و به پیامبرش دلداری داده و از او دفاع می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۳۸۳) و منکران رسالتش را به کفر معرفی می‌کند؛ خود پیامبر نیز موظف به معرفی خود با معجزات گوناگون، خبرهای غیبی و بیان‌های متعدد است. یکی از بارزترین آنها قضیه مباحله با مسیحیان نجران (آل عمران/۶۱) برای اثبات رسالت حضرت از ناحیه خدا و حقانیت دین اسلام است.

رهبر انقلاب در اهمیت این جریان فرموده: هیچ سابقه نداشته است که در راه تبلیغ دین و بیان حقیقت، پیغمبر دست عزیزان خود را بگیرد و وسط میدان بیاورد؛ استثنائی بودن روز مباحله به این شکل است؛ یعنی نشان‌دهنده این است که بیان و ابلاغ حقیقت چقدر مهم است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸) همه این جریان‌ها برای تثبیت رسالت حضرت و در دفاع از ایشان صورت گرفته است.

ج. تقویت معادباوری

از اقدامات دیگری که حضرت برای معرفت‌افزایی، تکمیل و تثبیت اندیشه‌های مخاطبان برمی‌داشت، تقویت معادباوری بود و برای همین منظور است که قریب به يك سوّم آیات قرآن به همین موضوع می‌پردازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۷/۵) و نبی مکرم اسلام(ص) در سخن‌ها، استدلال‌ها و برخوردها، چه در جنگ

و چه در صلح، در مسجد و غیر آن، همواره معاد را مطرح و مردم را به یاد معاد و قیامت متذکر می‌کرد. در سیره پیامبر (ص)، هر رخداد بزرگ یا کوچکی که به وقت می‌پیوست و نشانه زوال و نفاذ بود، پیامبر آیة مبارکه «إِنَّ اللَّهَ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶) را بر لب جاری می‌کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۳۷) لذا امام خامنه‌ای، با توجه به کارکردهای این مسئله، فرمودند: «مسئله دومی که [در باب محتوای اسلامی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت] مسئله اساسی است، قضیه معاد، قضیه محاسبه، قضیه تمام نشدن قضایا با مرگ است؛ اینکه حساب و کتابی در کار است: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (زلزله/۷). وقتی ما معتقدیم که هیچ عملی از بین نخواهد رفت و ما در آن زندگی واقعی که حیوان است (إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ هِيَ الْخَيْرُ). (عنکبوت/۶۴))، این اعمال را در مقابل چشممان خواهیم دید، آن وقت اگر برای انجام تکلیف، چیزی را از دست دادیم، احساس خسارت نمی‌کنیم. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹) و پرواضح است که جامعه و افرادی که مرتب به یاد معاد و روز واپسین باشند، از نظر فرهنگی در رشد و سعادت خواهند بود.

د. معرفت و بصیرت‌افزایی

اصل معرفت و بصیرت‌افزایی یکی از اصول اساسی اسلام و اهداف رسالت انبیاء است: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي.» (یوسف/۱۰۸) که قرآن کریم با واژه‌های متعددی مانند تفکر، تعقل، تعلم این مهم را دنبال می‌کند. قرآن مجید در کنار دعوت به تفکر و تعقل، با طرح سؤالات و استدلالاتی، مخاطب را به تفکر وامی‌دارد. (دیاری بیگدلی و خیراندیش، ۱۳۹۷: ۱۳۱) لذا پیامبر (ص) برای ارتقای سطح دانش و آگاهی عمومی جامعه، این مهم را دنبال می‌کرد. (آقداغی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۷)

رهبر انقلاب در بیان مدیریت بی‌نظیر پیامبر اعظم (ص)، یکی از کارهای مهم را افزایش علم و معرفت شمرده و فرمودند: «در نظام نبوی، پایه همه چیز دانستن و شناختن و آگاهی و بیداری است. کسی را کورکورانه به سمتی حرکت نمی‌دهند؛ مردم را با آگاهی و معرفت و قدرت تشخیص به نیروی فعال (نه نیروی منفعل) بدل می‌کنند.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰) ایشان با اشاره به آیات ۸ تا ۱۰ سوره ملک فرمودند: «این یک تصویر قرآنی از روز قیامت است؛ اما اشاره رسایی است به یکی از اصول اساسی اسلام که آن عبارت است از اصل تعقل و تدبیر.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۰) تبلیغ آموزه‌های دین به دست رسول رحمت (ص) و ارسال مبلغ نیز در راستای افزایش معرفت و بصیرت و اندیشه‌سازی بوده است.



۲. انسان‌سازی

راهکار دیگری که پیامبر خدا(ص) در طول رسالت خویش، دنبال می‌کرد، انسان‌سازی بود که برای این مهم از روش‌هایی بهره بردند:

الف. عزت‌بخشی

در جامعه مدنی صدر اسلام از بی‌ارزش‌ترین چیزها انسان، حیثیت و شخصیت او بود که به راحتی مورد حمله قرار می‌گرفت، کشته می‌شد و با مقداری پول معاوضه می‌شد. هم‌وغم چنین انسانی شهوت مال و مقام و... بود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۲/۴) انسان در آن جامعه، افق دیدی برای خود نداشت؛ نهایت افق دیدش حمایت از عشیره و عزت‌های پوشالی مانند رئیس قبیله، پول و ثروت بود. (علیانسب، ۱۳۹۴: ۷۲) اما پیامبر اسلام با تعریف جدیدی که از انسان و دنیا و متافیزیک در طول تاریخ و جامعه مدنی صدر اسلام، به انسان ارائه داد، توانست تحولی عظیم در افکار، روحیات و رفتار آنها ایجاد کند.

مقام معظم رهبری بنای مدیریت فرهنگی پیامبر را انسان‌سازی و اصلاح اخلاق و رفتار دانسته و فرمودند: «[پیامبر] انسان‌ها را تزکیه و از مفسد و رذائل اخلاقی پیراسته و پاک می‌کند؛ انسان با اخلاق و مزگی می‌سازد؛ "يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ" (آل عمران/ ۱۶۴) تزکیه یکی از آن پایه‌های اصلی است؛ یعنی پیغمبر روی یکایک افراد کار تربیتی و انسان‌سازی می‌کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

نکته قابل توجه در انسان‌سازی حضرت، این بود که ایشان با توجه به فطریات انسان، مانند عزت‌خواهی و کرامت‌طلبی، هدف‌گذاری خود را تنظیم کرد و توانست با توجه به همین روحیات فطری و روان‌شناختی (علیانسب، ۱۳۹۴: ۵۹)، علاوه بر اینکه عزت را فقط و فقط اختصاص به خدا بداند (نساء/ ۱۳۹)، انسان متصل به خدا را نیز دارای چنین عزتی (منافقون/ ۸) معرفی کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱) و ارزشی بی‌نظیر برایش قائل شود (بقره/ ۳۰ و ۳۱). نتیجه چنین تربیتی این شد که انسان جاهلی که تمام حیاتش در نزاع و درگیری با خودی‌ها و طایفه‌های اطراف و هم‌کیش خود بود، به جایی رسید که در مقابل دشمنان، استوار شده و با برادران ایمانی‌اش مهربان شود.

امام خامنه‌ای با اشاره به آیه ۲۹ سوره فتح فرمودند: «توکل، توجه به خدا، تذکر، خضوع در مقابل پروردگار و در یک کلام، معنویتی بی‌نظیر حاصل تربیت اسلامی است؛ انسانی که با برادران ایمانی رابطه از روی رحمت دارد، اما در مقابل مستکبران، در مقابل ظالمان، مثل کوه استوار می‌ایستد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)

مطالعات علمی و پژوهشی
مؤسسه پژوهشی و فرهنگی
پایان نامه

دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

ب. توجه به دو بال ایمان و عمل

مهم‌ترین مشکل تمدن کنونی غرب، نگاه تک‌ساحتی به انسان است و همین نقیصه آن را به ورطه سقوط سوق داده است. اضمحلال مارکسیسم که خود بخشی از تمدن غرب به‌شمار می‌آید، محصول همین نگاه تک‌ساحتی به انسان بود. همین عامل در لیبرالیسم نیز به‌گونه‌ای دیگر وجود دارد و آثار مخرب آن، امروزه، کاملاً نمایان شده است. (وحیدی منش، ۱۳۸۶: ۳۵) اما انسان‌شناسی اسلامی یا باور و نگرش دین اسلام درباره انسان، مبنای توجه نظام سیاسی اسلام به نیازهای انسانی است؛ زیرا انسان‌شناسی و جهان‌شناسی یا نگرش هر مکتب به انسان و جهان، پایه برنامه‌ها و بایدها و نبایدهای آن را شکل می‌دهد. (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۲/۶۶۳) لذا رسول رحمت (ص) برای انسان‌سازی، به دو بال ایمان و عمل، به صورت هم‌زمان، توجه داشت و قرآن کریم نیز به عدل هم بودن این دو برای رشد و سعادت، تأکید دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱/۱۴۲) و چه زیبا رهبر فرزانه انقلاب با اشاره به آیه ۵۵ سوره نور، به این مهم اشاره کرده‌اند: «هر قوم، هر ملتی و هر جمعیتی که ایمان و عمل صالح داشته باشد، خلیفه خدا در زمین خواهد شد؛ یعنی قدرت را در زمین در دست خواهد گرفت... اگر ایمان باشد، ولی عمل صالح نباشد، خلیفه خدا در زمین نخواهند شد. ایمان خشک و خالی و ایمان بی عمل، نتیجه [چندانی] ندارد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷: ۱) امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره فرمود: «فَالْإِيمَانُ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶)

ج. توجه به ویژگی‌های روانشناختی

یکی دیگر از مهم‌ترین روش‌هایی که قرآن کریم و به تبع آن، رسول گرامی اسلام (ص) برای انسان‌سازی، پیشه خود قرار داده، رشد و بالندگی افراد با زمینه‌سازی برای جوشش درونی آن‌ها است که ثمره آن رشد و تحولی باشد که انسان‌ها از درون، خود را موظف به اجرای آن آموزه‌ها بدانند. (علیانسب، ۱۳۹۴: ۵۹) و به عبارت دیگر، استفاده از اهرم‌های دستور، اجبار، اکراه و... به حداقل تنزل یابد؛ قرآن با طرح داشتن فطرت پاک، اختیار، اشرف مخلوقات و خلیفه الهی بودن انسان، جایگاه و مقام او را گوشزد می‌کند تا قدر خود را دانسته و خود را به هیچ و پوچ نفروشد؛ تذکر به کنترل از درون، یعنی تقوا، یکی از آموزه‌هایی است که مکرر، پیامبر خدا (ص) متذکر آن است. (حشر/۱۷) نتیجه چنین تربیتی این می‌شود که نه تنها انسان‌ها ساخته می‌شوند، بلکه قیام به عدالت می‌کنند («يُقِيمُونَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ»؛ حدید/۲۵) و به یاری پیامبران می‌شتابند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۹/۴۷۲)



رهبری معظم، با توجه به ظرفیت انسان و توجه به ویژگی‌های او، فرموده‌اند: «بعثت [پیامبر] متعلق به انسان و برای انسان است؛ انسان هم لایتناهی است و ابعاد عظیمی دارد و محدود در جسم و در ماده و در زندگی چندروزه دنیا نیست... بعثت برای این انسان و برای سرنوشت این انسان و برای هدایت این انسان است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷)

د. تعیین حقوق شهروندی

در صدر اسلام و دوران جاهلی، نه تنها افراد، به‌ویژه زنان و فقرا و یتیمان، از کم‌ترین حق برخوردار بودند، بلکه همه افراد قبیله تابع رئیس قبیله بوده و روابط و پیوندهای مستحکم خونی و قبیله‌ای در فرهنگ عرب جاهلی، یک اصل غیرقابل خدشه بود. (آقداغی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۱) در حوزه خانواده و اجتماع، همواره تبعیض و نابرابری برقرار بود؛ زیرا سنت‌های قومی و نیاکانی، معیار اصلی روابط به‌شمار می‌رفت. مردم روزگار جاهلیت فرزند پسر را بر دختر ترجیح می‌دادند؛ زیرا دختر را مایه ننگ می‌دانستند. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۳۲۳/۱) پدر بر همه امور خانه سلطه داشت و ارث بردن فقط حق مرد بود و زنان و کودکان از ارث محروم می‌شدند. (برو، ۱۴۲۲: ۲۶۸)

رهبر انقلاب جاهلیت قبل از اسلام را مسئله‌ای برای همه دنیا دانسته و فرموده‌اند: «برده‌داری به بدترین شکلش، معامله با ضعفا به بدترین شکل، مسئله زن و حضور زنان در جامعه و معامله با زنان در زشت‌ترین و تحقیرآمیزترین شکل، همه، جاهلیت بود.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸) یکی از بهترین تصاویری که قرآن مجید از دوران جاهلی عرضه کرده در آیات ۱۵۲ و ۱۵۳ سوره انعام وجود دارد که در آن دستور به پایمال نشدن حقوق، مانند فرزندکشی، قتل، دستبرد به مال یتیم، عدالت در خرید و فروش و وفای به عهد، وارد شده است. پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با چنین جامعه‌ای، نه تنها برای آحاد جامعه اسلامی، حقوقی باعنوان حقوق شهروندی، همچون حق عدالت (نساء/۱۳۵)، حق حیات (بقره/۱۷۹) و مائده/۳۲) و حق رفاه و امنیت (نور/۵۵ و اعراف/۳۲) معین کرد، بلکه حضرت برای اقلیت‌های مذهبی نیز حق شهروندی قائل شدند (هاشمی خانعباسی، ۱۳۹۵: ۹۲۰) و همه آحاد جامعه را در قبال یکدیگر مسئول معرفی کرد. (آل عمران/۱۱۰) (ورام‌بن‌آبی فراس، ۱۴۱۰: ۶/۱)

امام خامنه‌ای توجه به حقوق شهروندان در اسلام را یک اصل اساسی دانسته و برای نمونه فرمودند: «اسلام در خصوص ایتمام، دستوراتی دارد که اگر به آنها عمل شود، این مسئله حل خواهد شد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳)

۳. اخلاق مداری

پیامبر اسلام (ص) نه تنها خود اخلاق مدار بود، بلکه یکی از اهداف والای رسالتش تکمیل مکارم اخلاقی است: «بُعِثْتُ لِأَتُمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸) و آنچه فرد و جامعه را به مقامات عالی انسانی و هدف‌های والای بعثت پیامبر می‌رساند، اخلاق نیکوست. (خامنه‌ای، ۱۳۸۵) رسول خدا (ص) در ترویج اخلاق مداری از روش‌هایی بهره می‌بردند:

الف. عطوفت و مهربانی

بی‌شک یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های برجسته رسول رحمت (ص) اخلاق نیک و ستودنی ایشان است؛ خداوند پیامبر خود را به عظمت اخلاقی می‌ستاید. (قلم/ ۲) و وقتی خدای سبحان از چیزی به عظمت یاد کند، معلوم می‌شود که از عظمت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۵۸/۸) نرم‌دلی (آل عمران/ ۱۵۹) و مهربانی و عطوفت پیامبر رحمت (ص) (توبه/ ۱۲۸)، ویژگی‌ای است که حتی از آن می‌توان تعبیر به معجزه کرد؛ چراکه ایمان اهل مدینه نه از ترس شمشیر و جنگ بود و نه به خاطر طمع، بلکه یکی از مهم‌ترین دلایل آن آوازه اخلاق و رفتار نیک حضرتش بود که سبب شد اهل مدینه اشتیاق حضور حضرتش را داشته باشند و پروانه‌وار گردش حلقه‌زندان و در یک جمله، راز موفقیت او در تألیف قلب‌ها، محبت و ملایمت او بود که از صد لشکر قوی‌تر است. (جلیلی/ ۱۳۸۸)

آیت‌الله خامنه‌ای اخلاق و رفتار نیک پیامبر (ص) را موجب متحول شدن مردم دانسته و فرمودند: «وقتی پیغمبر ما حکومت تشکیل داد، مردم به او عشق می‌ورزیدند. وقتی ابوسفیان در شب قبل از فتح مکه، به وسیله عباس (عموی پیغمبر)، آهسته و مخفیانه، در اردوگاه مسلمین گردش کرد و هنگام صبح دید که مردم آب وضوی پیغمبر را از یکدیگر می‌ربایند و به سر و صورتشان می‌ریزند، به عباس گفت: "عجبا! من کسری و قیصر، پادشاه ایران و امپراطور روم را دیدم؛ اما شوکتی را که برادرزاده تو دارد، در هیچ‌کدام از آنها ندیدم. آنها به زور و با سرنیزه بر مردم حکومت می‌کردند؛ اما پیامبر، بر دل‌های مردم حکومت می‌کند." چنین حکومتی با چنان پایه و قاعده مردمی است که می‌تواند اصلاحات کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱)

ب. دلسوزی

رسول رحمت (ص) در هدایت مردم، سرازپا نمی‌شناخت و غم‌خوار و دوستدار مؤمنان بود و خدای متعال با تعبیر «پیامبر از خودتان است» (توبه/ ۱۲۸)، گویی



به این نکته اشاره دارد که پیامبر پاره‌ای از جان مردم و روح جامعه است که در شکل فرستاده خدا ظاهر گردیده و از این رو با دردها و مشکلات آنان آشنا و شریک غم‌های آنان است. (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۵۲/۸) لذا در راه هدایت آنها، خود را به هر زحمت و مشقتی می‌انداخت؛ بنابراین، خدای متعال فرمود: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (طه/۲)؛ علامه طباطبایی در معنای آیه، فرمود: «ما قرآن را نازل نکردیم برای اینکه خود را به تعب اندازی و در راه تبلیغ آن و دعوت مردم به ستوه آیی.» (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۱۱۹/۱۴)

یکی از ویژگی‌های مهم رهبر و مدیر، آن هم در مقیاس جهانی، دلسوزی است؛ نه فقط دلسوزی برای سرنوشت قوم خود، بلکه برای آحاد بشر. امام خامنه‌ای با اشاره به آیه ۱۲۸ سوره توبه فرمودند: «این دو جمله اول آیه مربوط به همه آحاد بشر است...: «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»؛ رنج شما آحاد بشر بر پیامبر اعظم گران می‌آید و او از رنج شما رنج می‌برد؛ «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ»؛ دلسوز شما است، مشتاق شما است، علاقه مند به سرنوشت شما است؛ این خطاب به همه آحاد بشر است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹)

ج. مدارا و گذشت در کنار صلابت و قاطعیت

قلب پیامبر دارای دو صفت ممتاز نرمی و صلابت است؛ نرمی دل رسول اکرم (ص) از آیه ۱۵۹ آل عمران و صلابت آن از مقایسه با کوه فهمید می‌شود؛ زیرا کوه با همه صلابت در برابر وحی، توان مقاومت ندارد (حشر/۲۱)، ولی قلب رسول اکرم آن را تحمل می‌کند (مزمّل/۵). (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۴۳/۸) و چنین ویژگی‌ای یکی از راهبردهای مهم در مدیریت فرهنگی است؛ یعنی استفاده از دو شیوه مدارا و قاطعیت یا صلابت و نرمش. (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۱۵۵/۴) همان‌که نبی مکرم (ص) در برخورد با برخی از رفتارها و عقاید جاهلی، از این دو استفاده می‌کرد؛ جایی که نمی‌شد با مدارا و نرمش کار را پیش برد، با رد و ابطال قاطع آن، فرهنگ یا افراد را ریشه‌کن یا طرد می‌کرد (انفال/۵۷ و توبه/۵۳ و ۵۴). (دیاری بیگدلی و خیراندیش، ۱۳۹۷: ۱۳۴)

آیت‌الله خامنه‌ای با عنایت به این مطلب فرمودند: «اسلام دین جامعی است؛ دین یک بعدی نیست. آن جایی که حکومت اسلام در مقابل زور و تجاوز و اغتشاش و تعدی از قانون قرار می‌گیرد، بایستی با قدرت، با قاطعیت، با خشونت (از اسم خشونت که نباید ترسید) رفتار کند؛ اما آنجایی که در مقابل آحاد مردم و برای کمک به مردم است، نه؛ آنجا رفتار عمومی حکومت اسلامی با مردم خود، با رفق و مدارا است (توبه، ۱۲۸).» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹) و اخلاق حکومتی



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

پیامبر چنین است: «در مقابل وسوسه‌های دشمن، هوشیار؛ در مقابل مؤمنین، خاکسار.» (خاتمه‌ای، ۱۳۷۹)

د. مردمی و دردسترس بودن

مدیر موفق کسی است که از مردم، با مردم و در بین مردم باشد. (فرقان/ ۷ و ۲۰) حضرت نه تنها حاجب و دربانی نداشت، بلکه آن قدر با مردم گرم می‌گرفت و در بین آنها حضور می‌یافت که مورد طعن و کنایه مشرکین نیز قرار گرفت و گفتند: «چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟! نه سنت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!» (فرقان/ ۷) وقتی بنا شد مسجد بسازند، پیغمبر جزو اولین کسانی بود که بیل به دست گرفت؛ نه در مقام یک کار تشریفاتی، بلکه واقعاً شروع به کار کرد. پیغمبر نشان داد که هیچ حق اختصاصی برای خودش قائل نیست؛ اگر بناست کاری انجام گیرد، او هم باید در آن سهمی داشته باشد. (خاتمه‌ای، ۱۳۸۰) این روش، حلقه مفقوده مدیران و مراجعه‌کنندگان است که مشکلات بسیار زیادی را در سازمان‌ها ایجاد کرده است.

۴. تشکیل حکومت اسلامی

استقرار حکومت اولین تکلیف همه انبیای الهی محسوب می‌شود. (خاتمه‌ای، ۱۳۷۷) و بر همین اساس، تشکیل حکومت اسلامی آرزوی همه اولیاءالله در طول تاریخ بوده است. (خاتمه‌ای، ۱۳۷۴) پیامبر رحمت (ص) نیز پس از ورود به مدینه، نخستین پایه‌های حکومت اسلامی را بنا نهاد و پس از پیروزی در جنگ بدر، این مسئله آشکارتر گشت؛ یعنی رسماً حکومت و دولتی کوچک، اما قابل رشد، تشکیل گردید. (مکارم، ۱۳۷۱: ۹۸/۱) تلاش پیامبر این بود که حکومتی کامل ایجاد کند تا آن را برای ابد در تاریخ، الگو قرار دهد تا هرکسی در هر جای تاریخ (از بعد از زمان خودش تا قیامت) توانست، مثل آن را به وجود آورد و در دل‌ها، شوق ایجاد کند تا انسان‌ها به سوی چنان جامعه‌ای بروند. (خاتمه‌ای، ۱۳۸۰) پیامبر اعظم (ص) با روش‌هایی، این حکومت را تشکیل و تثبیت کرد:

الف. رهبری و مدیریت

مدیریت و رهبری از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در موفقیت و تعالی جوامع و سازمان‌ها است (عارف‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۶۰) و رضایی (۱۴۰۱) به نقل از مورهدا و گریفین ۲ در تعریف رهبری آورده: «رهبری به عنوان یک فرایند، عبارت است از

1. Morhed
2. Griffin



قدرت استفاده از نفوذ بدون اجبار برای هدایت و هماهنگ کردن فعالیت‌های اعضای گروه، به منظور دستیابی به هدف،» (مورهد و گریفین، ۲۰۰۱) و اسلام که دینی کامل و جامع است، تنها به مسائل فردی یا خانوادگی ورود نکرده و چون مسائل اجتماعی و وظایف مهم جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در اسلام وجود دارد، به مسئله حاکمیت هم اهتمام دارد. نمی‌توان فرض کرد که اسلام نظم اجتماعی را به یک شکلی مطالبه کند، اما مسئله حاکمیت و ریاست دین و دنیا را در آنجا مشخص نکند؛ بنابراین لازم است که مشخص کند در رأس این جامعه، چه کسی باشد، چه باشد و امام را معین کند. (خامنه‌ای، ۱۴۰۰) به همین دلیل، قرآن کریم از پیامبر، تعبیر به امام و رهبر (مائده/۹۲) می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۱۲۵/۶) و هنگامی که پیامبر اکرم به مدینه وارد شد، اول کاری که کرد، تشکیل قدرت سیاسی و اجتماعی بود؛ یعنی تشکیل حکومت داد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹)

ب. قانونی جامع و اجرای درست آن

«اسلام با تشکیل حکومت در مدینه و تشکیل جامعه مدنی نبوی، نشان داد و ثابت کرد که اسلام فقط نصیحت کردن، موعظه کردن و دعوت کردن به زبان نیست. اسلام می‌خواهد حقایق احکام الهی در جامعه، تحقق پیدا کند؛ این جز با ایجاد قدرت الهی امکان پذیر نیست.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹) و حکومت، بدون داشتن قانون و برنامه‌ای جامع، سرنوشتی جز فنا و نیستی نخواهد داشت. و اصلاً «جامعه مدنی، به معنای جامعه مردم‌سالار، جامعه‌ای است که در آن مقررات و قانون حاکم است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷) لذا می‌بینیم که «قرآن کریم» همراه با «رهبر و مدیری شایسته»، دو بازوی موفق برای گسترش اسلام بودند. قرآن مجید، قانون اساسی اسلام، نه تنها کتاب بزرگ تعلیم و تربیت و زیربنای همه برنامه‌های اسلامی و عقاید و اعتقادات است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱/۱)، بلکه به تمام نیازهای معرفتی (حدید/۴)، گرایشی (آل عمران/۱۸۰)، رفتاری (احزاب/۲۱)، مادی (روم/۲۱)، معنوی (بقره/۱۵۳) و حتی فوق مادی (انفال/۲۹) توجه داشته و برای پاسخ‌گویی به آنها برنامه ارائه می‌دهد و به پیامبرش نیز دستور می‌دهد که قرآن برای این نازل شده که شما برای مردم تبیین کنی (نحل/۴۴) و اصلاً مهم‌ترین تعلیمات پیامبران (علیهم السلام) پس از خداشناسی، رسالت‌شناسی و معادشناسی، دنیاشناسی، انسان‌شناسی و شیطان‌شناسی است و فراگیری این امور، بسیاری از مشکلات را می‌گشاید. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۳/۴۸۱)

پیامبر خدا (ص) نه تنها خود محکوم و مطیع قوانین قرآن بود، بلکه اصحاب را به گونه‌ای تربیت کرده بود که تعصب شدیدی نسبت به آیات و احکام قرآن داشتند.

(طباطبایی، ۱۴۱۹: ۲۵۶/۹) بنابراین پیامبر(ص) حافظ و نگهدارنده ضابطه و قانون بود و نمی‌گذاشت قانون (چه به دست خودش و چه به دست دیگران) نقض شود. خودش هم محکوم قوانین بود. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹)

ج. تثبیت ولایت رسول الله و محوریت ایشان

پیامبر در آغاز ورود به مدینه، پیمان نامه‌ای صادر کرده و طرح کلی تشکیلات اداری و سیاست‌های اصلی حاکم بر اداره جامعه نوپای مدینه را ترسیم نموده است. (هاشمی خانعباسی، ۱۳۹۵: ۹۲۰) یکی از مهم‌ترین مواد آن تأکید بر محوریت رسول خدا در مرجعیت و زعامت جامعه نوپای مدینه و امت نوظهور اسلامی است. (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۱۱۵/۲-۱۱۸) قرآن در آیات فراوانی به این مهم تأکید کرده است؛ گاهی با لزوم اطاعت (آل عمران/۱۳۲)، گاهی با رجوع به ایشان در منازعات (نساء/۵۹) و گاهی با حق ولایت و سرپرستی ایشان بر مؤمنان. (احزاب/۶) و علت این همه تأکید خدای متعال این است که حاکمیت و ولایت رسول خدا(ص) چیزی است که موجب می‌شود، اطاعت و تائسی به وجود مقدس آن حضرت عملی شود. (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۱۴/۱۹۰) اما پیامبر عزیز خدا(ص) شخصی نبود که بخواهد مانند پادشاهان، محور جامعه بوده و با قوه قهریه بر آنها حکومت کند، بلکه ولایت به معنای یک نظام ارزشی است که همراه با محبت و عاطفه نسبت به آحاد مردم بوده و تنها فرمانروایی و حکمرانی تلقی نمی‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۷۷)

د. تربیت جانشین، معرفی و تثبیت آن

مدیر موفق کسی است که کادرسازی داشته باشد و برای مواقع لزوم و بعد از خودش، جانشین تربیت کرده باشد؛ پیامبر(ص) اهل دوراندیشی بود و از همان روزهای اول رسالت خویش، به دنبال تربیت جانشین، معرفی و تثبیت او بود و از هر فرصت و موقعیتی برای این کار استفاده می‌کرد که برای نمونه، می‌توان به اولین مورد آن در قضیه و آخرین مورد آن اشاره کرد. چراکه معرفی جانشین برای استمرار نظام توحیدی و فرهنگ ناب اسلامی امری لازم است.

امام خامنه‌ای می‌فرماید: «یک جامعه، یا زیر سرپرستی امام عادل است یا در اختیار انسان‌هایی است که از حق بیگانه‌اند و در موارد بسیاری با حق عناد می‌ورزند. اسلام با تشکیل حکومت در مدینه و تشکیل جامعه مدنی نبوی، نشان داد و ثابت کرد که اسلام فقط نصیحت کردن، موعظه کردن و دعوت کردن به زبان نیست. اسلام می‌خواهد حقایق احکام الهی در جامعه، تحقق پیدا کند؛ این جز با ایجاد قدرت الهی امکان‌پذیر نیست. بعد هم، پیغمبر اکرم در پایان عمر



مبارکش، به دستور الهی، به الهام الهی، نفر بعد را خودش معین کرد. این مضمون غدیر است؛ بنابراین مسئله غدیر، فقط مسئله شیعه نیست؛ مسئله مسلمانان، بلکه مسئله همه انسانهاست.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)

۵. فضاسازی و ایجاد جو فرهنگی و معنوی

از مسائل پیش‌ران فرهنگ و تربیت، قرارگرفتن و قراردادن مردم در فضایی مملو از معنویت است که نمونه آن در ایام دفاع مقدس و اربعین، قابل مشاهده است. پیغمبر اسلام (ص) برای اینکه ارزش‌های اسلامی و اخلاق اسلامی در جامعه، کاملاً جا بیفتد و با روح، عقاید و زندگی مردم مخلوط شود، فضای زندگی را در محیط نظام اسلامی با ارزش‌های اسلامی آغشته می‌کرد. یک وقت کسی به مردم دستور می‌دهد یا توصیه می‌کند، اما یک وقت آن کاری می‌کند؛ رفتاری در پیش می‌گیرد که این اخلاق و وظیفه اسلامی در جامعه به شکل و رنگ ثابت درمی‌آید... کاری می‌کند که فضای جامعه محیط زندگی مردم، با این صفت، با این اخلاق، با این روش خوب، کاملاً ممزوج می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۶۸)

الف. رواج خوش بینی و پرهیز از بدگویی و بدبینی

قرآن کریم هدف بعثت انبیا را تزکیه و تعلیم بیان می‌کند و در چهار مورد، مسئله تعلیم و تربیت با عنوان هدف انبیا، با هم ذکر شده است. در سه مورد، تزکیه و تربیت بر تعلیم مقدم شده (بقره/۱۵۱ و آل عمران/۱۶۴ و جمعه/۲) و تنها در یک مورد، تعلیم بر تربیت مقدم شده است؛ این تعبیر ضمن اینکه نشان می‌دهد این دو امر در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، اصالت تربیت را مشخص می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۰۷/۲۴)

رهبری، مراد از تزکیه که در قرآن مقدم بر تعلیم شده را فضاسازی و ترویج اخلاق درست در سطح جامعه، بیان می‌کند و در تبیین اولین روش عملیاتی شدن این راهکار می‌فرمایند: «اعراب جاهلی دوران رسول اکرم (ص) بین خودشان حقه‌ها و سوءظن‌های زیادی داشتند و پیغمبر اکرم باید اینها را از دل‌های مؤمنان بیرون می‌کشید و دل‌های آنها را نسبت به یکدیگر پاک و صاف و روشن می‌کرد؛ لذا می‌فرمود: «لَا يَلْبِغُنِي أَحَدٌ مِنْكُمْ عَنْ أَصْحَابِي شَيْئًا فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ أُخْرَجَ إِلَيْكُمْ وَأَنَا سَلِيمٌ الصَّدْرُ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۷).» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸)

نهی از نجوا و درگوشی صحبت کردن با پیامبر (مجادله/۱۱.۸)، حادثه افک و توییح شدید خدای متعال (نور، ۲۱.۱۱) نیز برای پیاده شدن همین جو در جامعه، بوده است. امام خامنه‌ای با اشاره به این روش و آیات سوره نور فرمودند: «یکی

از کارهای رسول اکرم (ص) این بود که فضای جامعه را به شکل فضایی مهربان و سرشار از مهر و محبت که همه مردم در آن، نسبت به یکدیگر محبت می‌ورزند و به چشم حسن ظن و خوش بینی به یکدیگر نگاه می‌کنند، بسازد و به وجود بیاورد.» (خاتمی، ۱۳۶۸)

ب. ایجاد و گسترش احساس مسئولیت مسلمانان به یکدیگر

مورد دیگر از تلاش فضا سازی پیغمبر، خارج کردن مسلمانان در جامعه اسلامی از حالت بی تفاوتی نسبت به یکدیگر و تبدیل آن به فضای محبت، همکاری، برادری و ایجاد یک مجموعه همکار با یکدیگر است. پیامبر نمی‌گذاشت در جامعه اسلامی (تا آنجایی که آن بزرگوار حضور داشت و در سعه وجود آن بزرگوار بود)، حتی یک مورد هم، مسلمان‌ها بغض و کینه و عداوتی نسبت به کسی داشته باشند؛ یعنی پیغمبر با حکمت و حلم خود، حقیقتاً، یک محیط شیرین و سالم و فضای آغشته به محبت را به وجود می‌آورد. (خاتمی، ۱۳۶۸) ایجاد عقد اخوت با آن شیوه‌ای که حضرت اجرا کرد نیز می‌توان در راستای احساس برادری و دوری از بی تفاوتی تحلیل کرد.

ج. نمادسازی با مسجد، اذان، نماز جمعه و جماعت

وقتی فرهنگی گسترش پیدا کرده و فراگیر می‌شود که با روش‌هایی از کهنه شدن و فراموش شدنش جلوگیری شود و پیامبر اعظم (ص) با توجه به همین نکته، دست به ابتکاراتی زدند که این مهم، به خوبی، محقق شود. یکی از این نوآوری‌ها که برای انسجام و تجمع مسلمانان نیز بود، مسجد است. (تقوی، ۱۳۹۶: ۱۱۷) «پدید آوردن هویتی به نام مسجد، نخست در قبا و سپس در مدینه، در شمار زیباترین و پرمغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه اسلامی است؛ خانه خدا و خانه مردم؛ خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان دیگر را نمایان می‌سازد. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم درهم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می‌کند.» (خاتمی، ۱۳۸۹) بنابراین پیامبر رحمت (ص) با ساخت نماد مسجد و در کنار آن استفاده از اذان، نماز جماعت، نماز جمعه، کاری کرد که یاد خدا در جامعه همیشگی باشد. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲۱۴/۱) عبادت خدای متعال به صورت آشکار انجام گیرد و آثار آن مشهود



د. علاوه بر اینکه، **فِيهِ مِنَ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَالْتِقْوَى وَالزَّجْرَ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ..** (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸۷/۸) «مسجد فقط پایگاه مسائل اجتماعی نیست، بلکه پایگاهی است برای همه مسائل نیک، مانند انسان سازی، خودسازی، مقابله با دشمن، تمدن سازی و بصیرت افزایی... و پایگاه بزرگ بسیج فرهنگی و حرکت فرهنگی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵)

د. ایثار و گذشت و ترویج روحیه جهاد و شهادت

پیامبر عزیز اسلام (ص) توانست در مدتی کوتاه، آن چنان عشق و علاقه به دین و فرهنگ دینی در امت خود، ایجاد و درونی کند که فرهنگ جهاد و شهادت طلبی (جریان لیلۃ المبیت (بقره/۲۰۷) به عنوان ارزش در سطح جامعه، ترویج شود؛ به گونه‌ای که اگر کسی قدرت بر شرکت نداشت، از شدت ناراحتی گریه می‌کرد. (توبه/۹۲) و همینان وقتی در مقابل دشمنان قرار می‌گرفتند، منتظر یکی از دو چشم‌روشنی و افتخار بودند. (إِحْدَى الْمُحْسِنِينَ (توبه، ۵۲)). سفر مقدس جهاد و یا صحنه رویارویی با دشمن و یا فتح و حتی شکست، زمان مناسبی بود تا اصول اخلاقی و ارزشی، طرح و آموزش داده شود. (جان احمدی، ۱۳۸۵: ۳۶). مقام معظم رهبری فرمودند: «یکی از ابزارهای مهم ادیان، مسئله جهاد است. جهاد باید همراه با ایثار باشد؛ و الا جهاد نخواهد شد. ایثار یعنی از خودگذشتگی. در منطق عقل ابزاری، از خودگذشتگی یک امر بی‌منطقی است. این اعتقاد به معاد، از بین نرفتن اعمال و وجود زندگی واقعی «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ خَيْرٌ لِمَنِ الْحَيَاةُ» (عنکبوت، ۶۴) است که این را منطقی و عقلانی می‌کند. وقتی ما چنین اعتقادی داشته باشیم دیگر با از دست دادن چیزی، احساس خسارت نمی‌کنیم؛ ولو آن چیز جانمان باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)

۶. ایجاد امت واحد

وحدت و ایجاد امت واحده از چنان اهمیتی برخوردار است که از نظر دانشمندان و مورخان، حتی دانشمندان و مورخان غیرمسلمان، مخفی نمانده و همگی با اعجاب فراوان از آن یاد کرده‌اند؛ برای نمونه، «جان دیون پورت»، دانشمند معروف انگلیسی، می‌نویسد: «محمد، یک نفر عرب ساده، قبائل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه کشور خودش را مبدل به یک جامعه فشرده و با انضباط نمود و در میان ملل روی زمین، آنها را با صفات و اخلاق تازه‌ای معرفی کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۰/۳) رسول رحمت (ص)، با توجه به کارکردهای این راهکار اساسی، با استفاده از روش‌هایی، آن را اجرایی کرد:

الف. طرح اخوت

اولین گام عملیاتی برای رسیدن به این مهم، به دست پیامبر خدا (ص)، به اقتضای شرایط آن زمان و دستور خدای متعال: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران / ۱۰۳)، برقراری طرح برادری بود. (آیتی، ۱۳۹۰: ۲۱۱) در سایه این سیاست، به زودی، مردم یثرب و مهاجرین، علاوه بر فرهنگ پذیری و همگرایی اسلامی، به وفاقی مبتنی بر اصول برادرانه، نائل آمدند. (جان احمدی، ۱۳۸۵: ۳۴) رهبر انقلاب در خلال بیان اقدامات رسول رحمت (ص) در مدینه، ایجاد اخوت را قدم بسیار مهمی شمرده و فرمودند: «اشرافی‌گری و تعصب‌های خرافی و غرور قبیله‌ای و جدایی قشرهای گوناگون مردم از یکدیگر، مهمترین بلای جوامع متعصب و جاهلی آن روز عرب بود. پیغمبر با ایجاد اخوت، اینها را زیر پای خودش له کرد... و با این کار، همه موانع وحدت اجتماعی را از بین برد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰) و چه زیبا امیرالمؤمنین علیه السلام نتیجه چنین اقدام پیامبر (ص) را به تصویر کشیده: «دَفَنَ اللَّهُ بِالصَّغَائِنِ وَأَطْفَاءِ بِهِ التَّوَائِرِ أَلْفَ إِخْوَانًا وَفَرَّقَ بِهِ أَقْرَانًا عَزَّ بِهِ الدَّلَّةَ وَأَذَلَّ بِهِ الْعَزَّةَ.» (نهج البلاغه، خطبه ۹۶)

ب. صدور پیمان نامه و گرفتن بیعت

جامعه مدنی آن زمان، دچار مشکلات (فتح/ ۴۸)، ناهنجاری‌ها (انعام/ ۵۱) و بحران‌های فراوانی بود. (دیاری بیگدلی و خیراندیش، ۱۳۹۷: ۱۳۱) پیامبر خدا (ص) برای حل این معضلات و برداشتن گام دیگری برای ایجاد امت واحده، پیمان نامه و منشوری را همان ابتدای حضور در مدینه، نوشتند و همه با آن هم عهد شده و با حضرت بیعت کردند. این کار علاوه بر انسجام درونی و تألیف قلوب، اتحاد بیرونی در مقابل دشمنان داخلی و خارجی را نیز به دنبال داشت. (کارگران، و هاشمیان، ۱۴۰۱: ۲۳) در این پیمان نامه که علاوه بر اوس و خزرج، یهودیان مدینه نیز آن را امضا کردند، طرح کلی تشکیلات اداری و سیاست‌های اصلی حاکم بر اداره جامعه نوپای مدینه ترسیم شده بود. موادی مانند: اعلام تشکیل امت اسلامی مبتنی بر اخوت و ایمان به خدا و رسول خدا و الغای سایر ملاک‌ها، تأکید بر محوریت رسول خدا، معین شدن سازوکارهای امنیت داخلی مدینه. (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۱۱۵/۲-۱۱۸)

امام خامنه‌ای، با توجه به مشکلات جامعه مدنی، از جمله یهودیان و نوع تعامل آنها با اهل مدینه، به تدبیر پیامبر اعظم (ص) و میثاق دسته جمعی عمومی اشاره کرده و فرموده: «پیغمبر میثاقی نوشت که مورد قبول همه قرار گرفت. این میثاق درباره



تعامل اجتماعی، معاملات، منازعات، دیه، روابط پیغمبر با مخالفان، با یهودی ها و با غیرمسلمان ها بود. همه این ها نوشته و ثبت شد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

ج. وجوب هجرت مسلمانان به مدینه

یکی از اقدامات اساسی و پیشران در ترویج فرهنگ اسلام و ایجاد امت واحده، هجرت بود: «هدف پیغمبر از هجرت به مدینه این بود که با محیط ظالمانه و طاغوتی و فاسد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که آن روز در سرتاسر دنیا حاکم بود، مبارزه کند و هدف فقط مبارزه با کفار مکه نبود؛ مسئله، مسئله جهانی بود.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰) از همین روی، یثرب که با حضور پیامبر اعظم (ص)، مدینه‌النبی نام گرفت (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۸۲) و شهری کوچک و تشکیل شده از چند طایفه با جمعیتی اندک بود که تعدادی قبیله نیز در اطراف آن زندگی می‌کردند (همان، ۱۷۶)، با ابتکار رسول خدا (ص) در این مرحله حساس، هجرت واجب شد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا أَمْوَالَهُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا.» (انفال/ ۷۲)

تدبیر دیگر پیامبر (ص) برای زیاد شدن مسلمانان، تقویت جبهه حق (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۱۵/۱۵) و شکل‌گیری حکومتی قدرتمند در مدینه، قرار دادن شرط هجرت به مدینه و سکونت در آن برای مسلمان شدن بود که بر آن تأکید داشت: «أَيُّهَا النَّاسُ، هَاجِرُوا وَتَمَسَّكُوا بِالْإِسْلَامِ؛ فَإِنَّ الْهَجْرَةَ لَا تَنْقُطُ مَا دَامَ الْجِهَادُ، (محمدی ری شهری، ۱۳۷۸: ۵۶۴/۱۴). امام خامنه‌ای در اهمیت هجرت در مواقع لزوم و تبیین آیه مذکور، می‌فرماید: «پیوند افراد جامعه اسلامی، با هجرت حاصل می‌شود نه فقط با ایمان؛ ایمان کافی نیست. پیوند ولایت که یک پدیده سیاسی، اجتماعی و یک حادثه تعیین‌کننده برای زندگی است، با تلاش، با حرکت، با هجرت، با در کنار هم بودن و با هم کارکردن حاصل می‌شود؛ لذا این است که در نظام اسلامی، «ولئ» از مردم جدا نیست.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷)

پیامبر اکرم (ص) هرگز از نقش تعیین‌کننده مهاجرت برای مهمترین رکن دگرگونی و انتقال فرهنگ، غافل نماند. (عقیلی، ۱۴۰۰: ۱۲۱) شاید متناسب با همین رویکرد در احادیث بسیاری با تأکید بر اهمیت هجرت، صحه نهاده: «إِنَّ الْجَنَّةَ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ هَاجَرَ.» (ابن سعد، ۴۰۴/۱) و نکته جالب اینکه توصیه پیامبر (ص) به امر هجرت در این مورد، خلاصه نشد و ایشان مکرراً به عدم هجرت، بعد از توطن و شهرنشینی، اشاره و تأکید داشتند. مذمت بازگشت به حیات جاهلی و یا صحراگزینی بعد از شهرنشینی (ابن شبه، ۱۹۹۰: ۴۸۲/۲)، موضوعی است که در سخنان حضرت مورد تأکید است. (جان احمدی، ۱۳۸۵: ۳۲) از این رو بود

که مسلمانان الزاماً باید گرد پیامبر جمع می‌شدند تا هم با اسلام و آداب آن آشنا شده و هم موجب تقویت حکومت نبوی شوند. (غراوی و اسلامی، ۱۳۷۶) حکم و جوب هجرت به مدینه همچنان باقی بود، تا زمانی که پیامبر (ص) مکه را فتح و خدا او را بر دشمنانش پیروز کرد و دیگر برای هجرت سببی باقی نماند. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۹۹/۲) لذا تا وقتی پایه‌های حکومت نبوی مستحکم شد، و جوب هجرت برداشته شد و برخی قبایل اطراف مدینه که مسلمان می‌شدند، با اجازه رسول خدا (ص) در سرزمین خود می‌مانند. (میرشفیعی، ۱۳۸۹: ۱۳۳/۱)

نکته آخر و سرنوشت‌ساز در زمینه هجرت، با توجه به مسئله جری و تطبیق موضوعات و اوضاع کنونی ایران عزیز اسلامی، خطاب به نخبگانی است که از ایران می‌روند و بر نمی‌گردند: «[برخی نخبگان] در اینجا رشد می‌کنند؛ وقتی نوبت ثمردهی می‌رسد، می‌روند میوه‌شان را به دیگری می‌دهند؛ گاهی هم آن دیگری دشمن است؛ به دشمن می‌دهند؛ گاهی می‌روند می‌شوند پیچ و مهره استکبار جهانی برای تصرف ملت‌ها و دشمنی با ملت‌ها؛ بعضی این جوری هستند. خب این‌ها ناشکری می‌کنند؛ و البته خیر هم نمی‌بینند در آخر.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱)

د. اجرای عدالت

یکی از مهم‌ترین اهداف رسالت انبیا علیهم السلام که در ایجاد امت واحده، دل‌گرمی، ترویج امید در جامعه و پذیرش حاکمان و فرهنگ مورد تأکید آنها، اثر بسیار زیادی دارد، مقوله عدالت و عدالت‌گستری است. (حدید/۲۵) و در جای دیگر، حضرت خود را مأمور به برقراری عدالت می‌داند: «أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ.» (شوری/۱۵) عدالت ایجادکننده و مایه بقا و سلامت ارزش‌های انسانی در جامعه است. ارزش‌ها در زمین عدالت، شکوفا می‌شوند و ریشه می‌کنند و بقا می‌یابند (جوکار، ۱۳۹۹: ۱۳۴) و رعایت اعتدال، مدارا و مساوات در توسعه فرهنگ ارزشی اسلام، نقش بسزایی ایفا نموده است. شاید به همین خاطر است که پیامبر اعظم (ص) در ماه‌های ابتدایی ورود به مدینه، پیمان‌نامه‌ای با اهالی مدینه نوشتند و چندین بار در آن، بر عدالت تأکید کرده‌اند. (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۱۱۵/۲-۱۱۸)

امام خمینه‌ای قسط و عدل را از شاخصه‌های مهم حکومت نبوی برشمرده و فرمودند: «اساس کار بر عدالت و قسط و رساندن هر حقی به حقدار (بدون هیچ ملاحظه) است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰) «[پیامبر] هرگز خلق و خوی مردمی و محبت و رفق به مردم و سعی در استقرار عدالت در میان مردم را فراموش نکرد؛ مانند خود مردم و متن مردم زندگی کرد؛ با آن‌ها نشست و برخاست کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰)



نتیجه‌گیری

با وجود مشکلات فراوان سخت‌افزاری و نرم‌افزاری که در تبلیغ رسالت، پیش روی پیامبر خدا(ص) بود، حضرت به موفقیت‌های بسیار چشم‌گیر و اثرگذاری در طول تاریخ، دست یافت. باتوجه به اینکه فرهنگ به مثابه فضایی برای حیات فرد و جامعه است که در آن حیات و فعالیت همگان جریان داشته و در واقع در جایگاه هدایت‌گر اصلی مادی و معنوی فرد و جامعه ایفای نقش می‌کند، یکی از مهم‌ترین محورهای فعالیت پیامبر اعظم(ص)، اگر نگوئیم مهم‌ترین محور فعالیت ایشان پی‌ریزی و مستحکم نمودن بنیان‌های فرهنگ اصیل اسلام بوده است، بخش مهمی از فعالیت ایشان صرف فرهنگ‌سازی، تثبیت و گسترش فرهنگ ناب محمدی(ص) شده است.

در این مقاله با رویکردی روشمند و عمل‌گرایانه، تلاش کردیم راهکارها و روش‌های عملیاتی کردن آن راهکارها را از قرآن کریم با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، استخراج و تبیین کنیم که به راهکار اصلی و ۲۴ روش فرعی برای عملیاتی کردن این راهکارها رسیدیم؛ البته خاطر نشان می‌کنیم که همه این راهکارها با برنامه‌ریزی دقیق و جامع و با تدبیر و محاسبه پیامبر صورت گرفته است.

امام خامنه‌ای باتوجه به همین نکته، فرمودند: «پیامبر بعد از انجام کارهای مقدماتی ضروری، تدبیر و سیاست اداره آن نظام را طراح کرد. وقتی انسان نگاه می‌کند و می‌بیند، قدم به قدم، مدبرانه و هوشیارانه پیش رفته است، می‌فهمد که پشت سر آن عزم و تصمیم قوی و قاطع، چه اندیشه و فکر و محاسبه دقیقی قرار گرفته است که علی‌الظاهر جز با وحی الهی ممکن نیست.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

در پایان چند نکته یا پیشنهاد ذکر می‌شود: باتوجه به تعریف فرهنگ از نظر رهبری، راهکارها و روش‌ها را می‌توان در طیف بسیار وسیع‌تری دنبال کرد که مجال آن در یک مقاله چندصفحه‌ای نیست؛ یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که دیگران یا به آن نپرداخته یا کمتر به آن توجه کرده‌اند، فضا سازی و ایجاد جو معنوی و فرهنگی است که رهبر انقلاب به تفصیل به این راهکار و روش‌های عملیاتی که رسول رحمت(ص) از آن بهره گرفته‌اند پرداخته است؛

باتوجه به اینکه درخشان‌ترین حکومت تاریخ به دست متنفذترین انسان در طول تاریخ، تشکیل شده، «زندگی پیغمبر را میلیمتری باید مطالعه کرد. هر لحظه این زندگی



یک حادثه است. یک درس است. یک جلوه عظیم انسانی است؛ تمام این ۲۳ سال همین طور است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷)؛
دلیل مغفول توجه و مطالعه زندگی و حکومت پیامبر رحمت (ص)، توجه کم و محدود به آیات قرآن مجید است که درد بسیار بزرگی است.



منابع

- قرآن مجید.
 نهج البلاغه.
 صحیفه سجادیه.
۱. آقداغی، میثم و حسین خنیفر، و حسن دانایی فرد، و مصطفی دلشاد تهرانی (۱۳۹۷). «واکاوی و فهم اصول اسلامی خط مشی گذاری فرهنگی مبتنی بر سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص)»، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره ۱.
 ۲. آیتی، محمدابراهیم (۱۳۹۰). «تاریخ پیامبر اسلام». قم: اندیشه مولانا، چاپ اول.
 ۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴). «شرح نهج البلاغه». قم: بی نا، چاپ اول.
 ۴. ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۹). «اسد الغابه». بیروت: دار الفکر.
 ۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). «من لا یحضره الفقیه». قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
 ۶. ابن سعد (بی تا). «الطبقات الكبرى». بیروت: دار صادر.
 ۷. ابن شبه (۱۹۹۰). «تاریخ المدینه المنوره». بیروت: دارالتراث.
 ۸. ابن هشام (۱۳۸۳). «السیره النبویه». مصر: مکتبه محمد علی صبیح.
 ۹. باقری فرد، محمدحسین و عبدالله توکلی و مهدی الوانی (۱۳۹۵). «سازوکارهای تأثیرگذاری دین در فرآیند سیاست گذاری فرهنگی (با تأکید بر مرحله تدوین)»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات، شماره ۵۰.
 ۱۰. باقری فرد، محمدحسین و عبدالله توکلی، و مهدی الوانی (۱۳۹۴). «سیاست گذاری فرهنگی در دولت دینی»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۷۵.
 ۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). «المحاسن». قم: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
 ۱۲. برو، توفیق (۱۴۲۲). «تاریخ العرب القديم». بیروت: دار الفکر.
 ۱۳. پیشابیی، مهدی (۱۳۸۶). «تاریخ اسلام». قم: دفتر نشر معارف، چاپ ششم.
 ۱۴. تقوی، حسین (۱۳۹۶). «شاخصه های نظام مندی حکومت رسول گرامی اسلام (ص)»، حکومت اسلامی، شماره ۴.
 ۱۵. توکلی، عبدالله و علیرضا محمدی و ارشیا خدایی (۱۳۹۶). «رهبری کوانتومی: چرایی، چیستی و چگونگی»، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، شماره ۲۱.
 ۱۶. توکلی، عبدالله و تقی موسوی و محمدتقی نوروزی (۱۴۰۰). «ارائه و تحلیل الگوی رهبری تحول آفرین از منظر قرآن کریم»، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، شماره ۴.
 ۱۷. جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۵). «مبانی و سازوکارهای دگرگونی فرهنگی در عصر نبوی (ص)»، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۲۸.
 ۱۸. جعفریان، رسول (۱۳۸۶). «آثار اسلامی مکه و مدینه». تهران: نشر مشعر، چاپ ششم.
 ۱۹. جلیلی، ابوالحسن (۱۳۸۸). «سیره پیامبر (ص) در برخورد با ناهنجاری ها (۱)»، فرهنگ کوثر، شماره ۷۸.
 ۲۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). «تسنیم». قم: اسراء، چاپ هشتم.
 ۲۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). «توحید در قرآن». قم: اسراء، چاپ اول.
 ۲۲. _____ (۱۳۷۹). «سیره رسول اکرم در قرآن». قم: اسراء، چاپ دوم.
 ۲۳. _____ (۱۳۸۰). «معاد در قرآن». قم: اسراء، چاپ اول.
 ۲۴. جوکار، حامد (۱۴۰۰). «روش حکومتی پیامبر (ص) در مدیریت سرمایه اجتماعی»، فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، تهران پردیس فارابی، شماره ۱.
 ۲۵. حاجی احمدی، محمود (۱۳۸۵). «پیامبر اسلام و تغییر ساختار فرهنگی جامعه جاهلی»، مجله

علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۴۴.

۲۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). «وسایل الشیعه». قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول.
۲۷. حسینی خامنه‌ای، علی (۱۳۹۰). «انسان ۲۵۰ ساله». تهران: مؤسسه ایمان جهادی، چاپ اول.
۲۸. _____ (۱۳۹۹). «درس‌های پیامبر اعظم (ص)». تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ شش.
۲۹. _____ (۱۳۹۲). «شعاعی از نیر اعظم (رهیافتی به منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، درباره حضرت محمد مصطفی (ص))». تهران: سروش، چاپ اول.
۳۰. _____ (۱۳۹۲). «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن». تهران: مؤسسه ایمان جهادی، چاپ اول.
۳۱. دهخدا، علی‌اکبر و جعفر شهیدی و حسن احمدی‌گیوی و محمد معین (۱۳۷۷). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۳۲. دیاری بیگدلی، محمدتقی و ابوذر خیراندیش (۱۳۹۷). «راهبردهای حل بحران فرهنگی اجتماعی جاهلیت از منظر قرآن و حدیث»، نشریه مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲۳.
۳۳. رضایی، حسن (۱۴۰۰). «قرآن و مدیریت». قم: بی‌نا، چاپ اول.
۳۴. رضائیان، علی (۱۳۷۹). «اصول مدیریت». تهران: سمت، چاپ ۲۵.
۳۵. رضائی اصفهانی (۱۳۸۷). «تفسیر قرآن مهر». قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول.
۳۶. سبحانی، جعفر (۱۳۹۵). «فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام». تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، چاپ ۳۸.
۳۷. شفیعی، عباس (۱۳۹۷). «رهبری و تحول سازمانی در اسلام». قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۳۸. شفیعی، عباس (۱۴۰۰). «مدیریت راهبردی با رویکرد اسلامی». قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۳۹. صالحی امیری، رضا و امیر عظیمی دولت‌آبادی (۱۳۸۷). «مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی». تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ اول.
۴۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). «المیزان فی تفسیر القرآن». قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۴۱. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). «مکارم الأخلاق». قم: الشریف‌الرضی، چاپ چهارم.
۴۲. عارف نژاد، محسن (۱۳۹۶). «شناسایی و اولیت‌بندی مؤلفه‌های شایستگی‌های مدیران مدارس با تأکید بر مدیریت اسلامی»، فصلنامه مدیریت مدرسه، شماره ۱.
۴۳. علی احمدی، علیرضا و محمد سعید جبل‌عاملی و شهاب جنابی (۱۳۹۷). «نظریه مبنای «رهبری تحول» در اجتماعات انسانی بر اساس تدبر موضوعی در آیات قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۱۱.
۴۴. عبدالمحمدی، حسین و محمد علی توحیدی و علی غضنفری (۱۴۰۰). «بررسی رابطه فرهنگ و توسعه سیاسی با تحلیلی بر چگونگی تحولات سیاسی حجاز در عصر پیامبر اکرم (ص)»، فصلنامه علمی سخن تاریخ، شماره ۳۳.
۴۵. علیاناسب، حسین (۱۳۹۴). «شیوه پیامبر اکرم (ص) در مدیریت روانی جامعه اسلامی»، مطالعات اسلام و روانشناسی، شماره ۱۶.
۴۶. عقیلی، احمد (۱۴۰۰). «مدیریت فرهنگی بر مبنای آموزه‌های فرهنگی و سیره اهل بیت علیهم السلام (گامی در اعتلای فرهنگ اسلامی)»، قرآن، فرهنگ و تمدن، شماره ۵.
۴۷. عمید، حسن (۱۳۷۵). «فرهنگ عمید». تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۸. غراوی، محمد و حسین اسلامی (۱۳۷۶). «سازمان حکومتی در صدر اسلام»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۴.



۴۹. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). «مفاتیح الغیب». بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۵۰. کارگران، ابراهیم (۱۳۹۸). "راهبردهای فرهنگی حکومت نبوی در مدینه (۱)", مدیریت در اسلام، شماره ۳۸.
۵۱. کارگران، ابراهیم (۱۳۹۸). "راهبردهای فرهنگی حکومت نبوی در مدینه (۲)", مدیریت در اسلام، شماره ۳۹.
۵۲. کارگران، ابراهیم و محمدحسین هاشمیان (۱۴۰۱). «راهبردهای مدیریت فرهنگی- اجتماعی پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با یهودیان مدینه»، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۵۰.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). «کافی». قم: دارالحدیث، چاپ اول.
۵۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۸). «حکمت نامه پیامبر اعظم (ص)». قم: دارالحدیث، چاپ اول.
۵۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). «مجموعه آثار». تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهارم.
۵۶. مظفری، آیت (۱۳۸۵). «شاخصه های تمدن اسلامی در نگاه پیامبر اعظم (ص)»، مریبان، شماره ۲۱.
۵۷. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). «التفسیر الکاشف». قم: دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول.
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). «پیام قرآن». تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). «تفسیر نمونه». تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
۶۰. میرشفیعی، علی (۱۳۸۹). «آشنایی با تاریخ اسلام». تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، چاپ اول.
۶۱. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). «المغازی». بیروت: مؤسسة الأعلمی، ط الثالثة.
۶۲. وحیدی منش، حمزه علی (۱۳۸۶). «عناصر تمدن ساز دین اسلام»، معرفت، شماره ۱۲۳.
۶۳. ورام بن ابي فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰). «مجموعه ورام». بی جا: مکتبه فقیه، چاپ اول.
۶۴. هاشمی خانباسی، علی (۱۳۹۵). "الگوی مدیریتی پیامبر اسلام"، کنفرانس بین المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی.
۶۵. یوکل، گری (۱۳۸۲). «مدیریت و رهبری در سازمانها، ترجمه محمد ازگی و قاسم قنبری». تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

English websites and Sources

1. Bench, S., & Day, T. (2010). The user experience of critical care discharge: a meta-synthesis of qualitative research. *International journal of nursing studies*, 47(4), 487-499.
2. Paterson, B. L. (2001). *Meta-study of qualitative health research: A practical guide to meta-analysis and meta-synthesis (Vol. 3)*. Sage.
3. Zimmer, L. (2006). Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts. *Journal of advanced nursing*, 53(3), 311-318..
4. Sandelowski, M., Barroso, (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*. New York: Springer
5. Schermerhan, John R., (2002), *Management*, New York: Wiley.
6. <https://khamenei.ir>
7. <https://www.leader.ir/fa>
8. <https://lib.eshia.ir>
9. <https://fa.wikifeqh.ir>
10. <https://www.parsi.wiki>

References

The Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

Safiha Sajjadiyeh.

1. Aghadaghi, Maitham and Hossein Khanifar, Hassan Danaei Fard, and Moštafa Delshad Tehrani (2017). "Reading and understanding the Islamic principles of cultural policy based on the government of the Holy Prophet (PBUH)", Islamic Management Scientific Research Quarterly, No. 1.
2. Aiti, Mohammad Ibrahim (2010). "History of the Prophet of Islam". Qom: Andisheh Molana, first edition.
3. Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hibatullah (1404). "Description of Nahj al-Balagha". Qom: bi-na, cha: first.
4. Ibn Athir, Izz al-Din (1409). "Assad al-Ghaba". Beirut: Dar al-Fakr.
5. Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali (1413). "I don't know Yahdrah al-Faqih". Qom: Islamic Publications Office, second edition.
6. Ibn Sa'd (Bita). "Al Taqabat Al-Kubara". Beirut: Dar Sader.
7. Ibn Shuba (1990). "History of al-Madinah al-Munaura". Beirut: Dar Altrath.
8. Ibn Hisham (1383). "Al-Sirah al-Nabiyah". Egypt: Muhammad Ali Sabih School.
9. Bagheri Fard, Mohammad Hossein, Abdullah Tawakli and Mehdi Alwani (2015). "Mechanisms of influence of religion in the process of cultural policy-making (with an emphasis on the formulation stage)", practical-research journal of religion and communication, number 50.
10. Bagheri Fard, Mohammad Hossein and Abdullah Tawakli, and Mehdi Alwani (2014). "Cultural politics in religious government", Islamic Government Quarterly, No. 75.
11. Barqi, Ahmad bin Muhammad bin Khalid (1371). "Al-Mahasen". Qom: Dar al-Katb al-Islamiya, second edition.
12. Go, Tawfiq (1422). "Al-Qadim Arab History". Beirut: Dar al-Fakr.
13. Peshwai, Mehdi (2016). "history of Islam". Qom: Maarif Publishing House, 6th edition.
14. Tagwi, Hossein (2016). "Systematic indicators of the government of the beloved Messenger of Islam (PBUH)", Islamic Government, No. 4.
15. Tavakoli, Abdullah, Alireza Mohammadi, and Arshiya Khodayi (2016). "Quantum Leadership: Why, What and How", Journal of Organizational Behavior Studies, No. 21.
16. Tawakli, Abdullah, Taghi Mousavi, and Mohammad Taghi Norouzi (1400). "Presenting and analyzing the transformational leadership model from the perspective of the Holy Quran", Imam Hossein University, number 4.
17. Jan Ahmadi, Fatima (2015). "Foundations and Mechanisms of Cultural Transformation in the Age of the Prophet (PBUH)", Islamic History Quarterly, No. 28.
18. Jafarian, Rasool (2016). "Islamic works of Mecca and Medina". Tehran: Mashaar Publishing House, 6th edition.
19. Jalili, Abolhasan (2008). "The life of the Prophet (PBUH) in dealing with anomalies (1)", Farhang Kausar, No. 78.
20. Javadi Amoli, Abdullah (1388). "Tasnim". Qom: Isra, 8th edition.
21. Javadi Amoli, Abdullah (1383). "Tawheed in the Qur'an". Qom: Isra, first edition.
22. _____ (1379). "The biography of the Holy Prophet in the Qur'an". Qom: Isra, second edition.
23. _____ (1380). "Resurrection in the Qur'an". Qom: Isra, first edition.
24. Jokar, Hamed (1400). "Prophet's (PBUH) government method in social capital management", Social Capital Management Quarterly, Farabi Campus Tehran, No. 1.
25. Haji Ahmadi, Mahmoud (1385). "Prophet of Islam and the change of the cul-

tural structure of the Jahili society", the scientific magazine of Isfahan University Faculty of Literature and Humanities, No. 44.

26. Har Aamili, Muhammad bin Hassan (1409). "Wasail al-Shia". Qom: Al Al-Bayt Institute, first edition.

27. Hosseini Khamenei, Ali (1390). "250-year-old man". Tehran: Iman Jihadi Institute, first edition.

28. _____ (2019). "Lessons of the Great Prophet (PBUH)". Tehran: Islamic Revolution Publishing House, sixth edition.

29. _____ (1392). "A beam from Nir Azam (an approach to the intellectual system of the Supreme Leader of the Islamic Revolution, Ayatollah Khamenei, about Hazrat Muhammad Mustafa (PBUH))". Tehran: Soroush, first edition.

30. _____ (1392). "Outline of Islamic thought in the Qur'an". Tehran: Iman Jihadi Institute, first edition.

31. Dekhoda, Ali Akbar, Jafar Shahidi, Hassan Ahmadi Givi, and Mohammad Moin (1377). Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute.

32. Diari Begdali, Mohammad Taghi and Abuzar Khairandish (2017). "Strategies to solve the cultural-social crisis of ignorance from the perspective of the Qur'an and Hadith", Journal of Qur'an and Hadith Studies, No. 23.

33. Rezaei, Hassan (1400). "Qur'an and Management". Qom: Bina, first edition.

34. Rezaian, Ali (1379). "Principles of Management". Tehran: Samit, 25th edition.

35. Rezaei Esfahani (1387). "Tafsir Quran Mehr". Qom: Researches on Qur'an interpretation and sciences, first edition.

36. Sobhani, Jafar (2015). "Parts from the history of the Prophet of Islam". Tehran: Mashaar Cultural Institute, 38th edition.

37. Shafiei, Abbas (2017). "Leadership and Organizational Transformation in Islam". Qom: Hoza and University Research Institute, first edition.

38. Shafi'i, Abbas (1400). "Strategic management with an Islamic approach". Qom: Hoza and University Research Institute, first edition.

39. Salehi Amiri, Reza and Amir Azimi Dolatabadi (1387). "Fundamentals of policy-making and cultural planning". Tehran: Institute of Strategic Research, Expediency Analysis Forum, first edition.

40. Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hossein (1417). "Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an". Qom: Publications of the Society of Scholars, 5th edition.

41. Tabarsi, Hassan bin Fazl (1370). "Makaram al-Akhlaq". Qom: Al-Sharif Al-Razi, 4th edition.

42. Arefnejad, Mohsen (2016). "Identification and prioritization of school principals' competence components with an emphasis on Islamic management", School Management Quarterly, No. 1.

43. Ali Ahmadi, Alireza and Mohammad Saeed Jabal Ameli and Shahab Janabi (2017). "The theory of the basis of "transformational leadership" in human societies based on thematic thinking in the verses of the Holy Quran", two scientific-research quarterly studies of Iranian Islamic development model, number 11.

44. Abdulmohammadi, Hossein and Mohammad Ali Tawhidi and Ali Ghazanfari (1400). "Investigating the relationship between culture and political development with an analysis of the political developments of Hejaz during the era of the Holy Prophet (PBUH), Sokhn Tarikh Scientific Quarterly, No. 33.

45. Aliansab, Hossein (2014). "The method of the Holy Prophet (PBUH) in psychological management of the Islamic society", Islamic Studies and Psychology, No. 16.

46. Aghili, Ahmed (1400). "Cultural management based on cultural teachings and the way of the Ahl al-Bayt (a step in the upliftment of Islamic culture)", Qur'an, Culture and Civilization, No. 5.

47. Omid, Hassan (1375). "Amid dictionary". Tehran: Amir Kabir Publications.

48. Gharavi, Mohammad and Hossein Eslami (1376). "Government Organization

- at the Head of Islam", Islamic Government Quarterly, No. 4.
49. Fakhr Razi, Muhammad bin Omar (1420). "Mofatih A "Lagheeb". Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, third edition.
50. Kargaran, Ibrahim (2018). "Cultural Strategies of Prophetic Government in Me-dina (1)", Management in Islam, No. 38.
51. Kargaran, Ibrahim (2018). "Cultural Strategies of Prophetic Government in Me-dina (2)", Management in Islam, No. 39.
52. Kargaran, Ibrahim and Mohammad Hossein Hashemian (1401). "Social-Cultural Management Strategies of the Holy Prophet (PBUH) in Facing the Jews of Madinah", Marafet Social Cultural Knowledge, No. 50.
53. Kalini, Muhammad bin Yaqoob (1429). "enough". Qom: Dar al-Hadith, first edition.
54. Mohammadi Ray Shahri, Mohammad (1378). "The Wisdom of the Great Prophet (PBUH)". Qom: Dar al-Hadith, first edition.
55. Motahari, Morteza (1387). "collection". Tehran: Sadra Publications, 4th edition.
56. Mozafari, Ayat (1385). "Islamic Civilization Indicators in the Eyes of the Great Prophet (PBUH)", Morbiran, No. 21.
57. Mughniyeh, Mohammad Javad (1424). "Al-Tafsir al-Kashif". Qom: Dar al-Kitab al-Islami, first edition.
58. Makarem Shirazi, Nasser (1386). "The Message of the Qur'an". Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya, 9th edition.
59. Makarem Shirazi, Nasser (1371). "Sample Interpretation". Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya, 10th edition.
60. Mirshfiei, Ali (1389). "Acquaintance with the history of Islam". Tehran: Mashaar Cultural and Artistic Institute, first edition.
61. Waqidi, Muhammad bin Omar (1409). "Al-Maghazi". Beirut: Al-Alami Institute, III.
62. Vahidi Manesh, Hamza Ali (2016). "Civilizing Elements of Islamic Religion", Marafet, No. 123.
63. Varam bin Abi Firas, Masoud bin Isa (1410). "Swelling group". Bija: Muqat al-Faqih, first edition.
64. Hashemi Khan Abbasi, Ali (2015). "Management Model of the Prophet of Islam", International Conference on Innovation in Science and Technology.
65. Yukel, Gary (2012). "Management and leadership in organizations, translated by Mohammad Azgholi and Qasem Ghanbari". Tehran: Institute of Printing and Publishing of Imam Hossein (AS) University.
- English Sources and websites
1. Bench, S., & Day, T. (2010). The user experience of critical care discharge: a meta-synthesis of qualitative research. International journal of nursing studies, 47(4), 487-499.
2. Paterson, B. L. (2001). Meta-study of qualitative health research: A practical guide to meta-analysis and meta-synthesis (Vol. 3). Sage.
3. Zimmer, L. (2006). Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts. Journal of advanced nursing, 53(3), 311-318..
4. Sandelowski, M., Barroso,(2007). Handbook for synthesizing qualitative research..NewYork:Springer
5. Schermerhan, John R., (2002), Management, New York: Wiley.
6. <https://khamenei.ir>
7. <https://www.leader.ir/fa>
8. <https://lib.eshia.ir>
9. <https://fa.wikifeqh.ir>
10. <https://www.parsi.wiki>

A comparative study of the quality, time and conditions of the domination of Islam, from the point of view of foreign commentators and its comparison with the thought of Imam Khamenei (with the focus on verse 33 of Repentance Surah)

Mohsen Khoshfar¹, Leila Ebrahimi²

Abstract

Statement of the problem: The promise of the victory of the Islamic religion's values in the history of humanity over pseudo-values and anti-values is explicitly stated in the Quran. The phrase "It will be revealed to the entire religion" is repeated in three verses, including verse 33 of Surah Towbah. now

Questions such as how will Islam prevail? When is this promise? What conditions are necessary for such a victory? arises.

Method: In response to these questions, the present research aims to do a descriptive-analytical investigation of the viewpoints of Fariqin commentators by using commentary books and comparing it with Imam Khamenei's thought

Conclusion: There is a difference between the commentators on how Islam prevailed. Some have seen it as objective victory with Jihad and others as victory with logic and reason. At the time of the fulfillment of this divine promise, there are many opinions; including at the beginning of Islam or according to many narrations from the Fariqin, it will be at the time of emergence; But Imam Khamenei believes that this approach that one day Islam will prevail and we should wait for such a day is from a correct direction and from a direction to isolate Islam and its goals and isolate it to individual life, but whenever Islam is isolated And if the isolation is removed, like the Islamic Revolution, it will implement its logic and justice, and its followers will be bound to it with faith, belief and struggle, the victory of Islam over all disbelief and atheism will be realized, and the perfect example of that is the time of the appearance Imam Mahdi (Ajl Allah Ta'ala Al-Sharif).

Keyword: Quran; Verse 33 Repentance Surah; conquering Islam; social justice

1. Assistant Professor of the Department of Hadith, Al-Muštafa Al-Alamiya Jamia, Qom. Iran. (Author). mohsenkhoshfar@imam.miu.ac.ir

2. fourth level student of comparative interpretation, research center for interdisciplinary humanities-Islamic studies, Fatemeh Al-Zahra Institute of Higher Education (S), Isfahan, Iran.



بررسی تطبیقی کیفیت، زمان و شرایط غلبه دین اسلام از منظر مفسران فریقین و مقایسه آن با اندیشه امام خامنه‌ای (با محوریت آیه ۳۳ توبه)

محسن خوشفرا^۱

لیلا ابراهیمی^۲

چکیده

بیان مسأله: وعده فایق آمدن سلسله ارزش‌های دین اسلام در تاریخ بشریت بر شبه ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در قرآن صریحاً بیان شده است. عبارت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» در سه آیه از جمله آیه ۳۳ سوره توبه تکرار شده است. حال پرسش‌هایی نظیر چگونه اسلام غلبه می‌کند؟ این وعده چه زمانی است؟ چه شرایطی برای چنین غلبه‌ای لازم است؟ مطرح می‌شود. روش: پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش‌ها، درصدد است به بررسی توصیفی-تحلیلی دیدگاه مفسران فریقین با استفاده از کتب تفسیری و مقایسه آن با اندیشه امام خامنه‌ای بپردازد.

نتیجه: در چگونگی غلبه دین اسلام، بین مفسران، اختلاف وجود دارد. بعضی آن را غلبه عینی با جهاد و بعضی غلبه با منطق و دلیل دانسته‌اند. در زمان تحقق این وعده الهی نیز نظرات متعدد وجود دارد؛ از جمله در صدر اسلام یا طبق روایات فروان از فریقین، در زمان ظهور خواهد بود؛ اما امام خامنه‌ای معتقد است این رویکرد که روزی اسلام غلبه خواهد کرد و منتظر چنین روزی باید بود از جهتی صحیح و از جهتی منزوی کردن اسلام و اهداف آن و به عزلت بردن آن به زندگی فردی است، بلکه هر زمانی که اسلام از عزلت و انزوا خارج شود، همچون انقلاب اسلامی و منطق و عدالت خود را عملی کند و نیز پیروان آن با ایمان، اعتقاد و مجاهده ملزم به آن شوند، پیروزی اسلام بر همه کفر و الحاد، تحقق خواهد یافت و مصداق تام آن زمان ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود.

کلید واژه: قرآن؛ آیه ۳۳ توبه؛ اسلام غلبه‌کننده؛ عدالت اجتماعی.

۱. استاد یار گروه حدیث جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

mohsenkhoshfar@imam.miu.ac.ir

۲. طلبه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی، مرکز پژوهشی مطالعات بین رشته ای علوم انسانی-اسلامی، مؤسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا (س) اصفهان، ایران.

تحقق وعده الهی بر پیروزی دین اسلام بر همه ادیان الهی و غیر الهی، پیروزی بر همه کفر و الحاد و پیروزی ارزش های الهی بر همه مادیگری های کوته بینانه، به طور صریح در سه آیه تکرار شده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند). «(توبه/ ۳۳ و صف/ ۹ و فتح/ ۲۸) همچنین قرآن صریحاً فرجام و عاقبت کار را برای مؤمنان و پرهیزکاران بیان کرده است: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص/ ۸۳)

ذیل این آیات، بین مفسران فریقین، نظرات مختلفی در کیفیت این پیروزی و زمان آن بیان شده است. بعضی این وعده را با توجه به جنگ های متفاوتی که پیامبر اکرم با مشرکین و کفار داشته اند در زمان صدر اسلام و در معیت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) محقق شده می دانند و بعضی دیگر پیروزی همیشگی اسلام از نظر منطق و مضامین را منظور آیه شمرده اند. عده زیادی نیز بر اساس روایات فراوان در منابع فریقین که ادعای تواتر هم شده است، زمان آن را با حضور آخرین حجت الهی و ظهور دانسته اند.

بررسی تاریخی نشان می دهد اسلام در دورانی طولانی در فعالیت های اساسی عالم فقط نامی را به دنبال داشته و حتی حکومت ها و سلطنت های به ظاهر اسلامی، مانند ایران و عثمانی و هند که ظاهراً مسلمان بود، به حقیقت آن عمل نمی کردند و اسلام منزوی بود. در قرون اخیر نیز که دوران پیشرفت غرب و اروپا نامیده شده و ارزش های مادی به شکل های مختلف بر دنیا حاکم شده است، اسلام و مسلمانی کاملاً در غربت و انزوا افتاده؛ حتی سعی می کردند که نام اسلام را هم به دست فراموشی بسپارند؛ و کشورهای مسلمان را نیز با تفکرات لایبکی و غیر اسلامی، حتی از صورت اسلام، جدا کنند. اسلام گرایی فقط در حد تشریفاتی و مسلمان زیستن به صورت واقعی ننگ یا محال شمرده می شد.

حال پرسش این گونه مطرح می شود که اسلام چگونه بر همه این تفکرات بی ارزش و پوشالی غلبه می کند؟ آیا اسلام در کنج انزوا و عزلت، می تواند بر تفکرات تحمیلی و ضد ارزش های تحمیل شده بر بشریت فایق آید؟ با وجود این شرایط، وعده «لیظهره علی الدین کله»، چگونه می توانست عملی شود؟ آیا بنابر آنچه در اکثر تفاسیر در ذیل این آیه، بیان شده، باید منتظر زمان خاص بود تا به دست ولی خدا و با حکومت واحد جهانی، این غلبه صورت بگیرد یا اینکه می توان با عمل به شرایطی در هر زمان، شیرینی غلبه دین اسلام را چشید؟

اما با ظهور انقلاب اسلامی در قرن اخیر و دیدگاه امامان انقلاب اسلامی، مشخص

شده که لازمه تحقق این وعده الهی این است که باید اسلام در عرصه زندگی بشر، خودش را مطرح می‌کرد؛ و خدای متعال چنین مقدر کرد که این کار به دست یکی از شایسته‌ترین و برترین بندگان، به نام امام خمینی (رحمة الله علیه) عملی و محقق شد. آن عبد صالح، این توفیق و این نعمت و این لطف بزرگ را از خدای متعال دریافت کرد که پیش قراول و مبشر این راه و دست توانای اسلام و قرآن در این دوران غربت و انزوا باشد. در ادامه نیز عبد صالح دیگری به نام امام خامنه‌ای (مُدظَّلّه)، با تبیین راه و پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی، در مقابل تمام قدرت‌های مادی و پوشالی عالم ایستاده است و ان شاء الله، تحقق کامل و عملی این وعده با دادن پرچم این انقلاب به دستان قطب عالم امکان، حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، اتفاق خواهد افتاد. همان‌گونه که روایات فراوانی بر این وعده، ذیل این آیات، از مفسران شیعه و سنی آورده شده است.

۲- پیشینه

از آنجاکه روش این پژوهش تفسیر تطبیقی است، تفاسیر فریقین، پیشینه عام این نوشتار است که بیش از ۱۰۰ تفسیر ملاحظه شده است. منبع خاصی که این‌گونه مقایسه انجام دهد، یافت نشد، اما مقالاتی با محوریت آیه ۳۳ توبه مورد بررسی قرار گرفته است، از جمله:

رضایی کهنویی مقاله‌ای با عنوان «غلبه نهایی اسلام بر ادیان» را در مجله پژوهشی مشرق موعود، به چاپ رسانده است و در این پژوهش، با توجه به آیه شریفه که با تعبیری مشترک از اراده الهی، مبنی بر غلبه اسلام بر سایر ادیان خبر می‌دهند و با توجه به سیاق آیات، وعده مزبور را به طور ویژه، ناظر بر مغلوبیت نهایی بر دو دین منحرف یهود و مسیحیت می‌داند و بنابر روایات فریقین، تحقق این وعده الهی به دست مبارک امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و حضرت مسیح (علیه السلام) خواهد بود.

علوی مهر و شیرفصیحی در مقاله «اندیشه حکومت جهانی در آیات اظهار و غلبه از منظر مفسرین فریقین»، سعی کرده است، حکومت جهانی را با توجه به آیات اظهار و غلبه، به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار دهد و بیان کرده که دانشمندان فریقین، ضمن اشتراک در اصل حکومت جهانی و در عین پذیرش کبرای مسئله، از حیث صغری، اتفاق نظر ندارند و نتیجه گرفته که با توجه به آیات اظهار و غلبه و روایات تفسیری، افزون بر ضرورت تحقق حکومت جهانی، تحقق پذیری آن به دست منجی عالم، حضرت مهدی (عج) امکان پذیر است.

هادی منصوری و گوهری بهاری مقاله‌ای با عنوانی «آموزه‌های مهدوی در تفسیر



تطبیقی آیه ۳۲ توبه با تأکید بر آراء سدی» به چاپ رساندند که در این مقاله، با توجه به روایت سدی، ذیل آیه ۳۳ توبه که از تابعان است و آراء نزدیک به شیعه دارد، سعی شده با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن تبیین کیستی سدی، به تفسیر تطبیقی آیه ۳۳ سوره توبه با محوریت آراء وی بپردازد و از این رهگذر، گامی در همگرایی و تقریب مبانی اعتقادی فریقین در عرصه مهدویت، بردارد.

در تمام این تحقیقات، رویکرد بررسی، فرضیه حکومت واحد جهانی و چگونگی زمان تحقق آن بوده است؛ ولی در این پژوهش با رویکرد جدید، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مفسران و مقایسه آن با اندیشه امام خامنه‌ای و نتیجه‌ای متفاوت انجام شده است.

۳- روش تحقیق

روش این تحقیق، بررسی تحلیلی نظرات اکثر مفسران فریقین، ذیل آیه ۳۳ توبه، در تحقق وعده غلبه نهایی دین اسلام و زمان و شرایط آن است؛ به طوری که نظرات جمع بندی و مطرح گردیده است. در نهایت مقایسه با تفکرات و اندیشه‌های اندیشمند معاصر، آیت الله خامنه‌ای صورت گرفته است. همچنین شرایط تحقق این وعده از منظر امام خامنه‌ای، بررسی شده است؛ موضوعی که اکثر مفسران به آن پرداخته‌اند.

۴- مفهوم شناسی

اظهار: ریشه واژه «اظهار»، «ظَهَرَ» است که به سه معنا در متون لغوی آمده است. ۱- آشکار ساختن ۲- کمک و یاری رساندن ۳- غلبه و چیره ساختن. اظهار در عبارت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» که با حرف جر «علی» استعمال شده است، به دو معنا در آیات الهی به کار رفته است: ۱- «ظَاهِرَ عَلَيْهِ» «أَعَانَ» به معنای کمک کردن و یاری رساندن ۲- «غَالِبٌ عَلَيْهِ» به معنای غلبه و برتری یافتن. (ابن منظور، ۶۳۰: ۵۲۰/۴ و الطریحی، بی تا: ۳۸۷/۳)

استعمال این ماده در آیات قرآن، بیشتر در غلبه و به معنی غلبه جسمانی و قدرت ظاهری آمده است. چنان که در داستان «اصحاب کهف» آمده است: «إِنَّمَا أَنْزَلْنَا لِیُظْهِرُوا عَلَیْكُمْ یَرْجُوكُمْ» (اگر آنها بر شما غالب شوند سنگسارتان می‌کنند). (کهف/ ۲) (ابن منظور، ۶۳۰: ۵۲۶/۴) و درباره مشرکان نیز در آیه‌ای دیگر آمده: «كَيْفَ وَ إِنَّا نُظْهِرُوا عَلَیْكُمْ لَا یَرْقُبُوا فِیْكُمْ إِلَّا وِلَادَةَ» (هرگاه آنها بر شما چیره شوند، نه ملاحظه خویشاوندی و قرابت را می‌کنند و نه عهد و پیمان را). (توبه/ ۸)

اظهار در این تحقیق نیز به معنای غلبه کردن و پیروزی است. دراینکه این غلبه

کردن چگونه است؛ آیا با استدلال و منطق یا قدرت جسمانی است، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد و هر کدام دلایلی برای نظر خود بیان نموده‌اند.

۵- غلبه دین و کیفیت آن از دیدگاه مفسران فریقین و امام خامنهای

با بررسی تفاسیر فریقین در مورد وعده الهی، یعنی غلبه دین اسلام بر تمام دین‌ها، نظرات مختلف ذیل آیه ۳۳ توبه و آیات مشابه آن بیان شده که در این پژوهش به صورت دسته‌بندی ارائه می‌شود:

۱-۵- غلبه مطلق

کلمه «اظهار» وقتی در مورد چیزی بر ضد چیز دیگر استعمال می‌شود، معنای غلبه را می‌دهد. بنابراین در آیه ۳۳، این‌گونه معنا می‌دهد که «اسلام را بر سایر ادیان غلبه داد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۳۱/۱۹) نکته دیگر آن است که با توجه به مطلق بودن لفظ «اظهار» در ظاهر آیه، غلبه از همه جهات فرض می‌شود؛ چه از نظر غلبه با «دلیل و حجت» چه از جهت غلبه «ظاهری و مادی». به این معنا که روزی می‌آید که اسلام در آن روز، پیروز منطقی و ظاهری خواهد بود و حکومت و نفوذ مطلق جهانی خواهد داشت؛ به طوری که بر همه ادیان غلبه خواهد کرد. (کریمی حویزی، ۱۴۰۲: ۸۱/۴ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۲/۷)

۲-۵- غلبه مقید با حجت، دلیل و مضامین عالی

منظور از غلبه و پیروزی، غلبه استدلالی و منطقی است و این موضوع، هم‌اکنون نیز حاصل شده است؛ زیرا اسلام از نظر منطق و دلایل متقن با هیچ دینی قابل مقایسه نیست. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸/۵) و دلیل دیگر اینکه تأثیر روحی، عقلی، اجتماعی و سیاسی و محتوا و مضامین عالی اسلام کاملاً مشهود است و به همین علت، بر سایر دین‌ها برتری دارد. (مراغی، بی تا: ۱۰/۱۰ و طنطاوی، بی تا: ۲۶۴/۶)

از طرفی، اساس کار انبیاء، ظهور علمی است و اینکه با برهان و حجت، حقانیت اسلام را روشن می‌کنند؛ بنابراین درجه اول مبارزه برهان است. سپس اگر کسی از آن به بعد، بخواد «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ» (۳۲/ توبه) با هر وسیله‌ای باشد، دفاع، بر مسلمین واجب است؛ بنابراین پیروزی علمی منظور آیه است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰) البته بعضی این قول را ضعیف شمرده‌اند؛ به این دلیل که ذات دین این‌گونه است و خداوند دینش را از همان ابتدا با حجت و برهان تقویت کرده است و اگر ضعفی هم مشاهده می‌شود، به دلیل عملکرد خود مسلمانان است؛ بنابراین در این آیه، غلبه به واسطه قدرت و جهاد است. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۲/۱۶)



۵-۳- غلبه مقید و با ادله و براهین روشن مذهب خاص

مراد از «اظهار» در آیه ۳۳ یا به ادله روشن و براهین و دلایل آشکار است که عقاید شیعه در بردارنده چنین دلایل محکمی است که مثل آفتاب روشن است یا اگر مراد از بین رفتن مذاهب فاسد و عقائد باطل باشد، به دست ید الهی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر خواهد شد. (طیب، ۱۳۷۸: ۶/۲۱۱) بنابراین منظور غلبه مقید به واسطه مذهب شیعه است. به نظر می‌رسد در این احتمال و تمام احتمالاتی که غلبه را مقید می‌دانند، برداشت یک نوع «اظهار»، بدون قرینه و مقید کردن آن، است. چه قرینه‌ای وجود دارد که این نوع غلبه فهمیده شود و از ظهور آیه در معنای مطلق، دست برداشت؟ در صورتی که چنین دلیل قانع کننده‌ای وجود ندارد؛ بنابراین می‌توان گفت، غلبه به معنای مطلق در آیه ظهور دارد.

۵-۴- غلبه مقید به واسطه قدرت ظاهری و عینی در منطقه خاص

معنای آیه این است که خداوند، دین اسلام را با حکومت و تسلط و به اطاعت آوردن همه ادیان برتری دهد و این امر در صدر اسلام اتفاق افتاد؛ به این دلیل که مسلمانان به همه مذاهب حمله کردند و آنها را از بین بردند یا اسیر کردند یا تحت سلطه خود جزیه گرفتند. و این آیه، خود، دلیل صدق نبوت و معجزه او است. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۶/۳۴ و طوسی، ۱۴۰۹: ۵/۲۰۹) با توجه به سیاق و آیات پیش از این آیه، دلیل دیگر آن است که خداوند تعالی، مسلمانان را تحریض بر قتال با اهل کتاب کرده و وجوب و ضرورت آن را مشخص نموده است؛ بنابراین خواسته است، دین اسلام در عالم بشریت انتشار یابد و چنین امری به سعی و مجاهده نیازمند است و چون اهل کتاب، سد راه پیشرفت اسلام شده و می‌خواستند این نور را با دهان شان خاموش کنند، لذا هیچ چاره‌ای جز قتال با آنان نبود؛ بنابراین یا باید از بین بروند یا زیر دست حکومت مسلمین باشند و جزیه دهند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۲۴۷)

مؤید دیگر معنای لغوی آن است و با توجه به ریشه و ماده «اظهار» که غالباً در قدرت ظاهری و غلبه مادی در آیات دیگر، مانند آیه ۲۰ سوره کهف نیز استعمال شده است، غلبه منطقی منظور نیست، بلکه غلبه عینی و فعلی است و این که ظهور شیء بر غیرش به واسطه سه امر محقق است ۱- یا به حجت و دلیل ۲- یا به کثرت و وفور ۳- یا به غلبه و استیلاء و بنا بر اینکه در آیه ۳۳، بشارت الهی به ظهور دین اسلام آمده است و بشارت به چیزی که امر آن حاصل نباشد و در آینده به دست آید، صحیح نیست و از طرفی، ظهور دین اسلام به حجت و برهان، معلوم است؛ بنابراین اظهار به معنای غلبه عینی است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶/۳۳)

۵-۵- غلبه عینی فراگیر و جهانی

منظور از **يُظْهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ**، در آیه ۳۳، پیروزی و غلبه خارجی و عملی در سطح جهان و تشکیل حکومت واحد است که شامل پیروزی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. در تفاسیر بسیاری، هنگام حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و خروج حضرت عیسی (علیه السلام) براساس روایات، به این موضوع اشاره شده است. (طبری، ۱۴۱۲: ۸۲/۱۰ و رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱: ۱۲۰/۴؛ سیدقطب، ۱۴۱۲: ۱۶۴۵/۳) حتی در تفاسیر اهل سنت بر وجود حضرت مهدی (علیه السلام) که از خاندان حضرت رسول است، ادعای تواتر شده است و روایات خروج حضرت، صحیح دانسته شده است. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۸/۱۲۲)

دلایلی که این نظریه را تأیید می‌کند نخست آنکه غلبه و پیروزی که از کلمه «ظهور» در سایر آیات استفاده می‌شود، ظاهر در غلبه حسی و عینی و خارجی است نه غلبه ذهنی و فکری. دوم، ذکر کلمه «کله» برای تأکید، روشن می‌کند که غلبه جنبه منطقه‌ای و محدود ندارد، بلکه شامل عموم ادیان و مذاهب جهان می‌شود و این جز از طریق فراگیری و شمول اسلام نسبت به جهان، ممکن نیست. سوم، روایاتی که در ذیل این آیه در اکثریت تفاسیر فریقین آمده است، از جمله از امام باقر (علیه السلام) آمده است: **أَنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فَلَا يَبْقَى أَحَدًا إِلَّا أَقْرَبُ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله)**، (این پیروزی به هنگام قیام مهدی (عج) از آل محمد (صلى الله عليه وآله) خواهد بود، آن چنان که هیچ‌کس در جهان باقی نمی‌ماند؛ مگر اینکه اقرار به محمد (صلى الله عليه وآله) خواهد کرد). (عیاشی، ۱۳۸۰: ۸۷/۲)

این روایات در تفاسیر اهل سنت نیز فراوان آمده است: **عَنِ الْمُقَدَّادِ بْنِ الْأَسْوَدِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ: "يَقُولُ لَا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ"**، (مقداد بن اسود چنین می‌گوید: «بر سراسر روی زمین خانه‌ای از خشت و گل و خیمه‌ای (در بیابان باقی نمی‌ماند)؛ مگر اینکه آئین اسلام در آن ورود خواهد کرد»). (بغوی، ۱۴۲۰: ۳۴۱/۲)

۵-۶- غلبه به معنای بی‌ثمر بودن تلاش در مقابل نشر دین اسلام و غلبه بر

مصادیق غیرحقیقی (بدون از بین رفتن ادیان)

دعوت جهانی اسلام بنا بر آیات و دلایل روشن است و برحسب نظام آزمایش، پیوسته در حال مبارزه با اهل عناد و کافران خواهد بود و لیکن تلاش و مبارزه آن‌ها مانع از انتشار دین اسلام نمی‌شود و غلبه نهایی با اسلام خواهد بود؛ برای همین، در پایان آیه، خداوند به کراهت مشرکان تعبیر کرده است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴:



۵۲۳/۷) مؤید این نظر این است که غلبه دین اسلام در کل عالم، حاصل شده است و مردم جهان از دین استقبال نموده‌اند؛ هرچند حاکمان و بزرگان شان از این امر کراهت داشته‌اند و در مقابل توسعه دین به هر ترفندی چنگ زده‌اند و اما دین غلبه و رشد یافته و بر دین‌های دیگر برتری پیدا کرده است. بنابراین لازمه غلبه دین، این نیست که دین‌های دیگر منقرض شود. (ابن عاشور، بی تا: ۷۴/۱۰)

۷-۵- غلبه منطقی با اجرای عملی دین و عدالت اجتماعی

در واقع، آیه ۳۳ بیان‌کننده راه مقابله و شکست توطئه‌های دشمنان است و آن در صورتی است که اسلام با منطق و استدلال و اجرای عدالت اجتماعی در تمام شئون زندگی بشریت، نقش داشته باشد. اما اسلامی که فقط مربوط به زندگی فردی می‌شود و به عبادت و اجرای دستورات الهی در عزلت می‌پردازد، قدرت چنین غلبه‌ای را ندارد. امام خامنه‌ای به این نظریه معتقد است و در بیانی می‌فرماید: «اینکه دشمنان انواع مکرها و توطئه‌ها را برای از بین بردن اسلام و خاموش کردن نور الهی دارند، راه مقابله منطق و استدلال و اجرای عدالت اجتماعی به صورت عملی است. اسلام در سایه عوامل درونی خود (که عرض کردیم منطق و استدلال از یک سو و عدالت اجتماعی از سوی دیگر است)، بر دنیا سیطره خواهد یافت. نه از راه توطئه‌گری، نه از راه شمشیر و نه از راه کارهایی که دشمنان خدا در جاهای دیگر همیشه کرده‌اند و دشمنان جمهوری اسلامی همین حالا هم می‌کنند، بلکه از راه منطق و از راه اجرای عدالت. آیه قبلی هم این است که «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» (توبه/۳۲)؛ هرچه می‌خواهند، تهدید کنند. اینکه خدای متعال، کید دشمن را در مقابل اسلام ضعیف می‌شمارد، فقط کید کفار قریش در روزگار پیامبر نیست؛ این یعنی همه توطئه دشمن، یکجا، علیه جمهوری اسلامی؛ یعنی محاصره اقتصادی؛ یعنی توطئه تبلیغاتی گسترده در همه جا؛ یعنی فشارهای سیاسی؛ یعنی شب و روز نشستن صهیونیست‌های وسوسه‌گر با دیگر قدرت‌های ضد جمهوری اسلامی و علیه جمهوری اسلامی، شب و روز تلاش کردن؛ همه اینها را شامل می‌شود و قرآن می‌گوید که در مقابل پابندی این ملت به اسلام و راه خدا؛ در مقابل وحدت و همبستگی این ملت؛ در مقابل عشقی که این ملت را از روز اول به راه خدا و قرآن به حرکت واداشته است؛ در مقابل استقامت و صبر و حکمت و هوشیاری این ملت، همه این قدرتها، همه این توطئه‌ها، همه این خدعه‌گری‌ها و همدستی‌ها و همه این دشمنی‌ها، یکجا، محکوم به شکست است. مردم در دنیا به شدت تشنه عدالتند. امروز در کشورهایی که دم از دموکراسی می‌زنند، بی‌عدالتی از همه جا بیشتر است. در همین کشور آمریکا، با اینکه سال‌های متمادی می‌گذرد که رسماً برابری

حقوقی سیاه و سفید را روی کاغذ اعلان کرده‌اند، هنوز که هنوز است، میان سیاهان و سفیدان تبعیض حاکم است. در بعضی از کشورهای اروپایی، تبعیض هست. مسئله نژادی هنوز در آن جاها مطرح است. هنوز که هنوز است، قدرتمندان این کشورها (از جمله در امریکا) اگر در داخل ملاحظه کنند که کسی، چیزی و جماعتی، با اقتدار مطلق سرمایه‌داری آنها معارضة‌ای دارد، بی‌رحمانه می‌کوبندش! مردم، امروز تشنه عدالتند. وقتی در نظام جمهوری اسلامی عدالت باشد، از همه جای دنیا مردم گردن خواهند کشید؛ چشم به این حقیقت درخشان خواهند دوخت، آن را تحسین خواهند کرد و به آن جذب خواهند شد. آن وقت آیه شریفه ۳۳ معنا خواهد شد: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ».

ایشان در ادامه، غلبه با جنگ، زور و اجبار را باطل می‌دانند و این روش را روش زورگویان برمی‌شمارند؛ و روش دین خدا را روشی براساس مسلط شدن بر جان و دل انسان و پذیرش با رغبت بیان کرده و می‌فرمایند: «سؤالی در این آیه مطرح است که دین خدا چگونه بر روی زمین مسلط خواهد شد؟ آیا دین خدا با زور و با قدرت سیاسی و نظامی در سطح عالم، گسترش پیدا خواهد کرد؟ یقیناً نمی‌تواند این‌طور باشد؛ هنر این نیست که دین و عقیده‌ای را کسانی که صاحب آن عقیده‌اند و شمشیر در دستشان است و قدرت دارند، بر روی کشورها و نقاط متصرف خود، اشاعه و گسترش دهند و مردم را مجبور کنند که بر طبق این عقیده رفتار نمایند؛ دین باطل هم می‌تواند همین خصوصیات را پیدا کند. یعنی یک نفر عقیده غلطی را با شمشیر بر زندگی بشر مسلط کند؛ مثل اینکه تفکر مارکسیستی و روش زندگی کمونیستی، در چند سالی از سال‌های قرن حاضر، به زور بر کشورها و ملت‌هایی مسلط شد و مردم به شیوه کمونیستی زندگی می‌کردند. دین خدا این‌طور نمی‌خواهد که بر روی زمین، بر کشورها و ملت‌ها و ادیان دیگر غلبه پیدا کند. دین خدا بر دل‌ها مسلط می‌شود و با شمشیر و زور نمی‌شود بر دل مسلط شد. دل باید بفهمد، بپذیرد و از روی طوع و رغبت، زیر بار روش و عقیده و ایمانی برود. این‌طور که شد، آن وقت از منافع آن ایمان و عقیده دینی، بهره‌مند خواهد شد. با زور و شمشیر نمی‌شود؛ نه، اسلام چنین چیزی را نخواست است... اسلام، دو وسیله دیگر دارد که با کمک این دو وسیله می‌تواند بر همه ادیان عالم پیروز شود؛ همه دل‌ها را جذب کند و همه منطبق‌های پوشالی مقابل خود را شکست دهد. آن دو وسیله چیست؟ یکی عبارت است از منطق قوی و استدلال محکم و دلایل متقن که اسلام از آن برخوردار است؛ دیگری، عبارت از عدالت به معنای حقیقی کلمه و به صورت مطلق است. این دو ابزار برای پیشرفت اسلام است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶)



۶- زمان غلبه از نظر مفسران فریقین و امام خامنه‌ای

در مورد اینکه زمان این غلبه چه زمانی است و آیا این غلبه اتفاق افتاده است یا در آینده و در زمان خاص اتفاق می‌افتد یا منطبق بر هر زمانی باشد، نظرات مختلفی بیان شده است:

۶-۱- زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و صدر اسلام

با عنایت به سیاق آیه مبنی بر صدق نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ابطال همه ادیان با ظهور دین برحق ایشان، وعده ظهور اسلام در آیه ۳۳، زمان پیامبر را نیز شامل می‌شود؛ اگرچه مفاد آیه در همه جهان نمودار نشده است، اما دین اسلام در زمان خودش، بر همه ادیان مخالف خود غلبه کرده است، ولی نه در همه جا؛ چنان که یهود را از عربستان اخراج کرد، مسیحی‌های شام و مجاور آن را مغلوب و نابود ساخت، مجوس را در سرزمین خودشان مغلوب کرد و نیز بت پرستان ترک و هند را به دین اسلام متدین کرد. پس مفاد آیه ظاهر شده است و بر همه ادیان مسلط شده است. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۲/۱۶ و طوسی، بی تا: ۲۰۹/۵)

۶-۲- تحقق تدریجی و تکمیل آن در زمان حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه

الشریف)

طبق آیه ۳۳، وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است. سرعت پیشرفت اسلام در جهان و به رسمیت شناخته شدن این آئین در کشورهای مختلف اروپایی و نفوذ سریع آن در آمریکا و آفریقا، اسلام آوردن بسیاری از دانشمندان و مانند این‌ها، همگی، نشان می‌دهد که اسلام روبه سوی عالم‌گیر شدن پیش می‌رود، ولی طبق روایات مختلفی که در منابع اسلامی وارد شده، تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که «مهدی (علیه السلام)» ظهور کند و به برنامه جهانی شدن اسلام تحقق بخشد. (سیدبن قطب، ۱۴۱: ۳۵۵۸/۶ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۳/۷)

امام خامنه‌ای در بیاناتی باتوجه به اینکه نور بعثت، به تدریج، تمام عالم را فرا می‌گیرد و انسان‌ها هر روز بیش از گذشته به سمت ارزش‌ها می‌روند تا زمانی که کل عالم را در زمان ظهور فراگیرد. معنای غلبه در این آیه را به معنای تحقق تدریجی آن و تکمیل در زمان حضرت حجة (عج الله تعالی فرجه الشریف) می‌دانند. در این باره می‌فرمایند: «درست است که هدایت پیغمبر در طول قرن‌های متمادی هنوز همه بشریت را فرا نگرفته است؛ اما این چراغ فروزان، این شعله روزافزون در میان بشریت هست و به تدریج در طول سال‌ها و قرن‌ها، انسان‌ها را به سمت این چشمه نور هدایت می‌کند. و در تاریخ، بعد از بعثت پیغمبر و ولادت آن بزرگوار که نگاه کنید، همین تدبیر را ملاحظه

مطالعات
موضوعی

دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱



می‌کنید؛ انسانیت به سمتِ ارزش‌ها حرکت کرده است، ارزش‌ها را شناخته است، دین، به تدریج، گسترش پیدا خواهد کرد و شدت آن روز به روز بیشتر خواهد شد؛ تا اینکه **إِنْ شَاءَ اللَّهُ، يُظْهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ**، همهٔ عالم را فرا بگیرد و بشریت در جادهٔ هدایت و صراط مستقیم الهی حرکت حقیقی خودش را آغاز کند که در واقع، شروع زندگی بشر از آن روز است. آن روزی که حجت خدا بر مردم تمام خواهد شد و بشریت در این شاهراه بزرگ قرار خواهد گرفت.» (خاتمه‌ای، ۱۳۸۷)

۶-۳- زمان حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بسیاری معتقدند، باتوجه به محتوای آیه که مراد غلبهٔ اسلام و توحید بر تمام عالم و عالمیان است، و لکن تأویل آیهٔ شریفه هنوز محقق نگردیده و چون وعدهٔ الهی تخلف پذیر نیست و مسلماً این وعدهٔ منجز وقوع خواهد یافت؛ زمان آن هنگام ظهور قطب دائرةٔ امکان، حضرت حجة بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ چنانچه روایات فراوانی از مفسران فریقین در ذیل این آیه، نقل شده است. (فخرالدین رازی ۱۴۲۰: ۳۳/۳۳۱۶ و طوسی، بی تا: ۲۱۰/۵ و فیض کاشانی ۱۴۱۵: ۳۳۷/۲)

۶-۴- منطبق بر همهٔ زمان‌ها با تحقق شرایط آن

آیهٔ ۳۳ بیان‌کنندهٔ اراده و سنت الهی است که به عصر و طایفهٔ خاصی تعلق ندارد و این سنت، به قاعدهٔ تکامل و هدفداری خلق در هر زمان، مثل خورشید می‌درخشد و آنچه در مقابل دین بایستد، دین اسلام بر آن غلبه خواهد کرد. (مترجمان، ۱۳۷۷: ۱۵/۳۸۹)

امام خاتمه‌ای نیز باتوجه به مضمون این آیه در مورد دین اسلام و باتوجه به سنت همیشگی مبارزهٔ حق و باطل در هر زمان، این آیه را منطبق بر همهٔ زمان‌ها و با رعایت شرایط آن غلبه‌کنندهٔ نهایی معرفی می‌نماید. در بیانی می‌فرماید: «در این مصافی که وجود دارد، این مصاف حق و باطل، مصاف توحید و طاغوت (که ناگزیر چنین مصافی وجود دارد) آن که خدای متعال مقدر کرده است که پیروز بشود، جبههٔ حق است؛ یعنی شما، ملت ایران، اگر همان طور که تا حالا حرکت کرده‌اید، حرکت را ادامه بدهید، قطعاً بر دشمنانتان پیروز خواهید شد؛ یعنی بر آمریکا پیروز [خواهید شد].» (خاتمه‌ای، ۱۳۹۸)

در بیانی دیگر، باتوجه به صادق بودن خداوند در وعده‌ها، طبق آیات سورهٔ قصص و برگرداندن حضرت موسی به مادرش و در شرایط کنونی، زنده بودن دین اسلام و حرکت انقلابی جوانان منطقهٔ خاورمیانه، می‌فرماید: «امروز آمریکا



در منطقه غربی آسیا (یعنی همین منطقه شمال آفریقا و منطقه ای که اسم آن را "خاورمیانه" گذاشتند)، منزوی است. امروز اسلام در این منطقه زنده است. امروز جوانان با شعار اسلامی وارد میدان می شوند. یک روزی در سی سال پیش، چهل سال پیش، در همین کشورهای شمال آفریقا، اگر کسی می خواست از انگیزه های ملی و انقلابی حرفی بزند، به شعارهای چپ متوسل می شد؛ امروز این حرف ها دور افتاده است؛ این حرف ها به زباله دان تحویل داده شده است. امروز در این منطقه، حرف رائج، سکه رائج، سخن قاطع، اسلام است و قرآن. این کم دستاوردی است؟ این همان چیزی است که وقتی انقلاب اسلامی پیروز شد، جمهوری اسلامی به نام اسلام و قرآن در این منطقه پرچم برافراشت، آنها به خودشان لرزیدند. گفتند ممکن است چنین چیزی پیش بیاید؛ لذا تلاش کردند که نگذارند؛ اما علی رغم آنها، امروز پیش آمده. جوان امروز ما دارد این را در مقابل خودش می بیند. وقتی مادر حضرت موسی، موسی را به آب می انداخت، خداوند متعال دو وعده به او داد. فرمود: "إِنَّا رَأَوُوهُ إِیْکَ وَوَجَعَلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِینَ" (او را به تو برمی گردانیم و او را پیامبر مرسل خودمان قرار می دهیم) (قصص/ ۷) به فاصله کوتاهی بچه به مادر برگشت. خداوند می فرماید: "فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ کَیْ تَقْرَءَ عَیْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ لِنَتْلَمَّأَنَّ أَنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا"؛ (قصص، ۱۳) بچه را به مادر برگردانیم تا مادر یقین کند که وعده ما وعده درستی است. ما دو وعده داده بودیم؛ این اولی اش. پس ای مادر موسی! بدان که وعده دومی هم حق است؛ او پیغمبر مرسلی است که خواهد آمد و بساط فرعون را به هم خواهد ریخت. خدای متعال بخشی از وعده را نقد در اختیار مادر موسی گذاشت تا به آن وعده نسیه یقین کند. بخشی که خدای متعال به صورت نقد در اختیار ملت ایران قرار داده، خیلی بیشتر از این هاست. چه کسی تصور می کرد جوانان فلسطینی جرأت کنند به نام اسلام متشکل شوند؛ به نام اسلام شعار بدهند؛ به نام اسلام به نیروهای غاصبِ ظالم بی رحم صهیونیست حمله کنند؟ این اتفاق افتاده. در دو هفته گذشته در «یوم النکبة»، جوان ها مرزهای اسرائیل را برای اول بار، بعد از گذشت شصت سال، شکستند. این ها همان «لَتَعْلَمَنَّ أَنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا» است. این دارد نشان می دهد که بدانید وعده الهی که فرمود: «يُظهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» خدای متعال این دین را، این رسالت را بر همه فرآورده های فکری و دینی عالم پیروز خواهد کرد، درست است. خدا دارد این وعده های نقد را تحقق می بخشد؛ فقط شرطش این است که من و شما که در این راه سربازان پیشرو این حرکت در دوران معاصر بودیم، قدم مان را سست نکنیم، حواس مان جای دیگری نرود.» (خامنه ای، ۱۳۹۰)

باتوجه به آنچه تاکنون از دیدگاه‌های مختلف از مفسران بیان شد، نگارنده معتقد است، دیدگاه امام خمین‌ای دیدگاهی ممتاز و جامع نسبت به دیگر دیدگاه‌ها است؛ چراکه ایشان در صدد منطبق کردن آیه بر کیفیت و زمان خاصی نیست، بلکه آیه را نوعی سنت قطعی از طرف خداوند و منطبق بر همهٔ زمان‌ها می‌داند که در مصاف همیشگی حق و باطل، زمانی که پیروان دین اسلام با حرکت و مجاهدت، معتقد به اجرای عملی دین اسلام و اجرای عدالت اجتماعی و پاسخ صحیح به نیاز واقعی بشر باشند، تحقق آن عملی و پیروز میدان خواهند بود. که نمونهٔ بارز آن انقلاب اسلامی ایران و اثرگذاری آن بر کلّ جهان است؛ هرچند تحقق کامل و جامع آن در زمان ظهور بقیة الله الاعظم (روحی و ارواح العالمین فداه) خواهد بود.

۷-۱- شرایط تحقق غلبهٔ دین از منظر امام خمین‌ای

با بررسی که در تفاسیر متعدد انجام گرفت، اکثر مفسران به شرایط و ویژگی‌های تحقق این وعدهٔ الهی هیچ اشاره‌ای ننموده‌اند، ولی امام خمین‌ای معتقد است، هرزمانی عمل به شرایطی شود و پیروان دین اسلام معتقد و ثابت قدم در راه اجرای دین و عمل به آن باشند، تحقق این وعدهٔ الهی حتمی است؛ از جمله شرایط:

۷-۱- حکومت و نظام‌سازی

طبق شواهد دینی و تاریخی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اقدام به تأسیس حکومت و نظام اسلامی نمود و اهداف خود را از این طریق، توانست پیش ببرد و در برهه‌ای از زمان توانست بر تمام دین‌های غیرالهی و دین‌های الهی منحرف غلبه کند و آن‌ها را تحت سیطرهٔ اسلام درآورد؛ بنابراین یکی از شرایط جهت قلع و قمع کردن و پیروزی بر کافران و مستکبران، تشکیل «دولت» و «نظام‌سازی و قدرت» است.

آیه الله خمین‌ای در این موضوع می‌فرماید: «اسلام، بلاشک، قلع و قمع‌کنندهٔ ظلم و استکبار است؛ "يُظهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ". (توبه/ ۳۳) یقیناً اسلام می‌تواند کفر را، جبههٔ مقابل را شکست بدهد؛ اما کدام اسلام قادر به این کار است؟ آن اسلامی می‌تواند کفر را و استکبار را و ظلم را قلع و قمع کند یا او را محدود کند یا از تجاوز و تعدی او جلوگیری کند که نظام داشته باشد؛ دولت داشته باشد؛ نیروی نظامی داشته باشد؛ رسانه داشته باشد؛ سیاست داشته باشد؛ اقتصاد داشته باشد؛ ابزارهای فراوان در اختیار او باشد؛ اسلامی که توانسته نظام‌سازی کند و حکومت‌سازی کند، این اسلام می‌تواند مقاومت کند؛ وِإِلَّا يَكُ شَخْصًا، ولو مسلمان برجسته‌ای باشد یا جریان اسلامی مثل جریان‌هایی که در دنیا هستند، اگر به -سمت هدف



حکومت پیش نروند، هیچ خطری برای استکبار ندارند؛ چون هیچ کاری از دست آنها به این صورت، بر نمی آید؛ نمی توانند قلع و قمع کنند کفر و ظلم و استکبار را. شما این اسلامی را که قادر بر مقابله است، قادر بر مقاومت است، قادر بر سینه سپر کردن در مقابل جبهه کفر است، این اسلام را به دست آورده اید؛ با زحمت هم به دست آورده اید، اما چه طوری می خواهید حفظش کنید؟ در مقابل دشمن، این را باید نگه داشت؛ این را باید حفظ کرد؛ این چیزی نیست که [اگر] رهاش کنیم، خودش بماند؛ دشمن حمله می کند.» (خامنه ای، ۱۳۹۵)

۷-۲- مجاهدت و تلاش فی سبیل الله

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و پیروان ایشان برای رسیدن به اهداف عالی و فراگیر شدن دین اسلام، تلاش و جهاد شبانه روزی کردند. مسلمان و پیروان این دین حق نیز باید با الگوگیری به مجاهده و مقاومت در مقابل دشمنان بپردازند و به این وعده الهی اعتماد کامل داشته باشند.

علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) ذیل این آیه می نویسد: «خداوند در این آیه و آیه قبل از آن، مؤمنین را تحریض بر قتال با اهل کتاب کرده و وجوب آن بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه اراده او این است که دین اسلام در عالم بشریت، انتشار یابد و معلوم است که چنین امری به سعی و مجاهده نیازمند است؛ لذا مسلمانان باید بدانند که هر فتنه ای به پا شود (به مشیت خدا)، به نفع ایشان و به ضرر دشمنان ایشان تمام خواهد شد و با این حال، دیگر سزاوار نیست که سستی و نگرانی به خود راه داده و در امر قتال کوتاه بیایند؛ زیرا باید بدانند که اگر ایمان داشته باشند، خدا خواسته دست بالا قرار گیرند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/۳۲۹)

امام خامنه ای نیز در بیاناتی، شرط این پیروزی را مجاهدت و تلاش می داند و می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ.» (توبه/۳۳) خدای متعال این طور مقدر فرموده، [اما] من و شما می توانیم این نتیجه را عوض کنیم؛ چه طوری؟ کوتاهی نکنیم، همراهی نکنیم، در حرکتی که انجام می دهیم صداقت به خرج ندهیم، از خودمان مایه نگذاریم، مجاهدت و تلاش فی سبیل الله نکنیم. بله، اگر این کارها را نکنیم، این جبهه که به اصطلاح جبهه حق است، پیروز نخواهد شد؛ اما ملت ایران نشان دادند که این طوری نیستند؛ و هر چه می گذرد، این معنا واضح تر می شود. جوان های امروز ما از ماها که یک دوره ای دوره جوانی مان را در خدمت این مبارزه و مانند اینها گذراندیم، انگیزه شان بیشتر، معرفتشان بیشتر، آمادگی شان بیشتر است.» (خامنه ای، ۱۳۹۸)

۷-۳- اتحاد و وحدت

اتحاد یکی از دستورات الهی در قرآن و از اهداف مهم برنامه‌های بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است. همان‌گونه که حضرت در صدر اسلام برای همدل کردن مسلمانان و پرهیز از اختلاف و دشمنی، تلاش وافر نموده‌اند، در زمان کنونی نیز با شرط اتحاد، خصوصاً بین مذاهب مسلمانان، غلبه و پیروزی بر همه توطئه‌های دشمن اتفاق خواهد افتاد. ولی متأسفانه این امر، تاکنون، اتفاق نیفتاده و یکی از علل اصلی عقب ماندگی کشورهای مسلمان، مکر و حیلۀ دشمنان در به هم زدن اتحاد و یک دستی آن‌ها است.

امام خامنه‌ای در فرمایشی می‌فرماید: «درسی که ما از قرآن گرفته‌ایم، درسی که ما از اسلام گرفته‌ایم، درس ایستادگی و مجاهدت و وحدت و اتحاد است؛ اتحاد دل‌ها و دست‌ها با یکدیگر؛ مخصوص ملت ما هم نیست؛ اتحاد در دنیای اسلام. امروز شما ببینید، یکی از نقاطی که دشمنان ما بر روی آن به طور کامل تکیه می‌کنند، برافروختن اختلافات مذهبی است؛ شیعه و سنی. آدم‌هایی که نه به شیعه عقیده دارند نه به سنی عقیده دارند نه اصل اسلام را قبول دارند، طبق میل سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل می‌آیند پشت بلندگوها می‌ایستند، از توسعه تشیع اظهار نگرانی می‌کنند! شما چه می‌فهمید تشیع چیست؟! چه می‌فهمید تسنن چیست؟! شما به اصل دین اعتقادی ندارید. امروز سیاست استکبار و سیاست سرویس‌های جاسوسی این است که ماها را از هم بترسانند؛ شیعه را از سنی، سنی را از شیعه؛ اختلاف ایجاد کنند. راه غلبه بر دشمنان، اندیشیدن، فکر کردن، متحد شدن، دل‌ها را به هم نزدیک کردن، دست‌ها را در هم گره کردن است؛ و این‌طور است که به فضل پروردگار، «يُظْهِرُ عَلَى الدِّينِ كَلِمَةً» (توبه/۳۳) پیش خواهد آمد؛ و خدای متعال به فضل خود، به لطف خود، اهداف و دستورات و برنامه‌های این بعثت را بر همه توطئه‌های دشمن، پیروز خواهد کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱)

۷-۴- عشق و ایمان به هدف

رسیدن به هر پیشرفت و به دست آوردن هر نوع استقلال واقعی، از جمله استقلال سیاسی، عشق به هدف و ایمان به خواسته‌ها را می‌طلبد که با پیروی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و سیره او در دفاع از حقیقت و نور الهی، این غلبه و پیروزی به دست خواهد آمد؛ همان‌گونه که وعده الهی است.

امام خامنه‌ای در بیانی می‌فرماید: «همه پیشرفت‌های علمی دنیا نیز این‌گونه پیش آمده است که کسانی از روی عشق یا ایمان و یا هردو، کار کرده‌اند. یا باید عشق به کار باشد یا ایمان به ثواب الهی یا هردو با هم. و شما می‌توانید هردو را



با هم، داشته باشید. این‌گونه می‌شود که ملت ایران می‌تواند آن استقلال حقیقی و واقعی را که استقلال سیاسی مقدمه آن است و آن نیز به یک معنا پشتوانه و پشتیبان و نگهدارنده استقلال سیاسی است، تأمین کند. دشمن، دشمنی می‌کند و از او جز دشمنی هم انتظاری نیست. تبلیغاتی که رادیوهای دشمن می‌کنند و مطالبی که مطبوعات صهیونیستی جهانی می‌نویسند، ما کمترش را از آنها توقع نداریم. دشمن است دیگر! دشمن، بدجنسی می‌کند، خباثت می‌کند، تهمت می‌زند و دروغ می‌گوید. ادعا می‌کند که طرفدار انسانیت است؛ اما به دروغ. از او توقع بیش از این نیست. چیزی که برای ما لازم است، این است که خود ما در نقطه تحقق آرمان‌های اسلامی، قرار گیریم. آن کار و آن تعلیم، با آن نیت، با آن احساس و آن غیرت، انجام گیرد تا در آینده نزدیک، ان‌شاءالله، کشور در موضعی قرار گیرد که "لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ"، (توبه/۳۳) (خامنه‌ای، ۱۳۷۳)

۷-۵- آمادگی مادی و معنوی

یکی دیگر از شرایط، باتوجه به توطئه همه‌جانبه دشمنان اسلام و چشم امید همه مستضعفان عالم به این مکتب، آمادگی همه‌جانبه مادی و معنوی پیروان آن برای پیروزی و غلبه بر ادیان و مذاهب باطل است. همان‌گونه که امام خامنه‌ای در بیاناتی می‌فرماید: «همه متوجه شما هستند؛ هم قدرت‌های چپاولگر عالم و جهان‌خواران، هم مظلومان عالم، هم آن کسانی که در صحنه منتظرند تا ببینند کفه به سود کدام طرف سنگین‌تر خواهد شد. امروز ملت فلسطین، چشمشان به شماست. ملت‌های مظلوم و روشنفکران مسلمان، نگاهشان به سوی شماست. حتی کسانی هم که مسلمانی را نشناخته‌اند، در دلشان فروغ امید از سوی شما هست. این همان سکویی است که باید ملت مسلمان ایران و به دنبال آن، دیگر ملت‌ها به سوی "لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ" پرش و حرکت کنند. این، کار بزرگی است. این کار، قدرت ایمان، قوت اراده، توکل به خدا، آمادگی معنوی و مادی می‌خواهد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰)

در فرمایشی دیگر، برای رسیدن به هدف نهایی و عالم‌گیر شدن دین مقدس اسلام، برای جمع روحانیون می‌فرماید: «ما که هنوز به اهداف خودمان نرسیده‌ایم؛ ما که هنوز با آن صحنه عظیمی که از گسترش تفکر اسلامی پدید می‌آید و خدای متعال در آیات قرآنی، آن را ترسیم کرده است (که لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون)، خیلی فاصله داریم. راه، همین راه است؛ راه جهاد، راه تلاش، راه علم و عمل، راه اخلاص، راه صفا، راه ذکر و توجه به خدا، راه توسل به اهل بیت، راه زنده نگهداشتن یادگارها و ارزش‌های اسلامی؛ نه فقط در دل و ذهن، بلکه حتی در عمل؛ اینهاست که ما را به نتایج خواهد رساند.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰)



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

۶-۷- حرکت هدف‌دار، پیوسته و سنجیده

حرکت هدف‌دار، پیوسته، سنجیده و همراه با ایمان و اخلاص، به پیروی از رسول اکرم (صلوات الله علیه)، سیره و روش امام خمینی (رحمة الله علیه) و یکی از عوامل مهم موفقیت ایشان برای احیای دوباره اسلام بود و به طور قطع، شرط ادامه راه ایشان عمل و حرکت تا رسیدن به قلّه نهایی حرکت و عالم‌گیر شدن دین مقدس اسلام است.

در این موضوع امام خامنه‌ای می‌فرماید: «امام ما برای حیات دوباره اسلام، درست همان راهی را پیمود که رسول معظم (صلی الله علیه و آله) پیموده بود؛ یعنی راه انقلاب را. در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدف‌دار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمی‌شود؛ بلکه پیمودن و سنگر به سنگر پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار می‌گیرد. گفتن و نوشتن هم در خدمت همین حرکت درمی‌آید و تا رسیدن به هدف- (یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا و متلاشی ساختن قدرت شیطانی طاغوت)، ادامه می‌یابد: "هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ". (توبه/۳۳).» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹)

۸- نتیجه

دیدگاه‌های متفاوتی در تفاسیر فریقین برای کیفیت غلبه دین اسلام، زمان و شرایط آن طبق آیه ۳۳ توبه و آیات مشابه آن، بیان شده است. لیکن با این رویکرد که روزی اسلام غلبه خواهد کرد و منتظر چنین روزی باید بود، از جهتی صحیح و از جهتی منزوی کردن اسلام و اهداف آن و به عزلت بردن اسلام به زندگی فردی خواهد بود. بله، اگر این هدف، موتور حرکت و در جهت اراده الهی دانسته شود که هر زمان به دستورات الهی، خصوصاً در زندگی اجتماعی، عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم و کفر عمل شود و پیروان دین اسلام با مجاهده و تلاش و اتحاد، همان‌گونه که صدر اسلام در معیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اتفاق افتاد، به وظایف خود عمل کنند، هر زمان دین اسلام می‌تواند دین نهایی و غلبه‌کننده بر همه دین‌های پوشالی و مکاتب الحاد و کافر شود و تحقق تام و نهایی آن به اذن الله، هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود. این اندیشه‌ای است که امام خامنه‌ای به پیروی از امام خمینی (رحمة الله علیه) برای پیشبرد اهداف اسلام و غلبه بر مستکبرین عالم، عملی کرده است.



منابع

* قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). «التحریر والتنویر». بی جا: بی نا.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵). «لسان العرب». بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۳. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰). «تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل». بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴). «انوار درخشان». تهران: کتابفروشی لطفی.
۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵). «تفسیر نورالثقلین». قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). «المیزان فی تفسیر القرآن». تهران: دار الکتب السلامیه، چاپ پنجم.
۷. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن». تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). «جامع البیان فی تفسیر القرآن». بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.
۹. طنطاوی بن جوهری، محمد (۱۴۱۲). «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم». بیروت.
۱۰. طوسی، محمد (۱۴۰۲). «التبیان فی تفسیر القرآن». بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. طیب، سید عبدالحسین (بی تا). «اطیب البیان فی تفسیر القرآن». تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). «کتاب التفسیر». تهران: چاپخانه علمیه.
۱۳. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۱۵). «مفاتیح الغیب». بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۱۵. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵). «تفسیر الصافی». تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
۱۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵). «الجامع الأحکام القرآن». تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
۱۷. قطب، ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲). «فی ظلال القرآن». بیروت: دارالشروق.
۱۸. مترجمان (۱۳۷۷). «تفسیرهدایت». مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۱۹. مراغی، احمد بن موسی (بی تا). «تفسیرالمراغی». بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). «تفسیر نمونه». تهران: دارالکتب الاسلامیه تهران، چاپ اول.
۲۱. میدی، رشیدالدین (۱۳۷۱). «کشف الاسرار و عدة الابرار». تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
۲۲. خامنه ای، سید علی. دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای: www.farsi.khamenei.ir.
۲۳. جوادی آملی. عبدالله. www.rasekhoon.net.

مطالعات قرآنی
مؤسسه پژوهشی

دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

References

The Holy Quran

1. Ibn Ashur, Muhammad Ibn Tahir (Bita). "Al-Tahrir and Tanweer". Bi-ja: without
2. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1405). "Languages of the Arabs". Beirut: Darah Haya al-Trath al-Arabi, third edition
3. Baghwi, Hossein bin Masoud (1420). "Tafsir al-Baghwi al-Masami Ma'alim al-Tanzir". Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi
4. Hosseini Hamdani, Muhammad (1404). "Bright lights". Tehran: Lotfi bookstore
5. Hawizi, Abd Ali bin Juma (1415). "Tafsir Noor al-Saqlain". Qom: Ismailian, 4th edition
6. Tabatabaei, Mohammad Hossein (1417). "Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an". Tehran: Dar al-Katb al-Islamiya, fifth edition
7. Tabarsi, Fazl bin Hasan (B.T.A.). "Al-Bayan Assembly in Tafsir al-Qur'an". Tehran: Nasser Khosrow Publications
8. Tabari, Muhammad bin Jarir (1412). "Jamae al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an". Beirut: Dar al-Marafa, first edition
9. Tantawi bin Johari, Muhammad (1412). "Al-Jawahar in Tafsir Al-Qur'an Al-Karim". Beirut
10. Tusi, Muhammad (1402). "Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an". Beirut: The Revival of Arab Heritage
11. Tayeb, Seyyed Abdul Hossein (B.T.A.). "Atib al-Bayan in Tafsir al-Qur'an". Tehran: Islam Publications, second edition
12. Ayashi, Mohammad Bin Massoud (1380). "Kitab al-Tafsir". Tehran: Ilmia Printing House
13. Fakhrazi, Muhammad bin Omar (1415). "Mufatih al-Ghaib". Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, third edition
14. Farahidi, Khalil bin Ahmad (1408). Beirut: Al-Alami Publishing House, first edition
15. Faiz Kashani, Hilmasan (1415). "Tafsir al-Safi". Tehran: Sadr Library, second edition
16. Qurtubi, Muhammad bin Ahmad (1405). "Al-Jamae Al-Hakam Al-Qur'an". Tehran: Nasser Khosrow Publishing House, first edition
17. Qutb, Ibrahim Shazli (1412). "In the shadows of the Qur'an". Beirut: Dar al-Shorouk
18. Translators (1377). "Interpretation of guidance". Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation, first edition.
19. Maraghi, Ahmed bin Musa (Beita). "Tafsir al-Maraghi". Beirut: Arab Heritage Darah
20. Makarem Shirazi, Nasser (1374). "Sample Interpretation". Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya Tehran, first edition
21. Meybodi, Rashiduddin (1371). "Kashf Al-Asir and Kit Al-Abrar". Tehran: Amirkabir, fifth edition
22. Khamenei, Seyyed Ali. Office for Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei: ir. farsi.khamenei.www
23. Javadi Ameli Abdullah www.rasekhoon.net

Enmity in the Qur'anic tradition of Prophet Moses (pbuh), a model for protection of the Islamic revolution

Mahmoud Karimi¹, Nabiollah Salari²

Abstract

Enmity is one of the most important factors in the defense of the religious society and revolutionary values against dangers and one of the most effective factors in preserving any religious revolution. In the stories of the Holy Qur'an, the types of actions of the enemy against the prophets and nations and how the prophets faced the enemy are also mentioned in order to be a model for other revolutionary and religious societies. According to hadiths, the people of the Prophet of Islam (pbuh) have many similarities with the people of Israel, and the events of the people of Israel will also happen in the nation of the Prophet of Islam. Therefore, knowing the social political actions of the enemy in the life of Prophet Moses helps to preserve the revolutionary identity of the society and the religious system, in general, and to protect the revolution and the system of the Islamic Republic, in particular. The research method in this article is descriptive-analytical. According to this research, the political-social actions of the enemy that are mentioned in various chapters and verses of the story of Prophet Moses are 1- Social actions: denying the validity of religion and religious people by denying them, accusing them. Religious leaders, spreading rumors and suspicions, mocking, making excuses, introducing the religious community as the cause of problems, spending a lot of money to confront the religious system and destroy the youth force. 2- Political measures: demagoguery and media war, trying to gain consensus against the religious community, threats, bribery, offering negotiations and military action. Knowing these factors, the religious government designs strategies to deal with the enemy and takes necessary measures in order to preserve the principles and revolutionary values of the society.

Keywords: social political actions of the enemy; Islamic Revolution; Enmology; Quranic lessons; Qur'anic stories

1. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (corresponding author) (karimiimahmoud@gmail.com)

2. Graduated from Master's degree in Qur'anic and Hadith Sciences, Imam Sadiq University (A.S.), Tehran, Iran. nabi.salari@gmail.com



دشمن‌شناسی در سیره قرآنی حضرت موسی (ع)، الگویی برای صیانت از انقلاب اسلامی

محمود کریمی^۱

نبی‌الله سالاری^۲

چکیده

دشمن‌شناسی از مهم‌ترین عوامل دفاع از جامعه دینی و ارزش‌های انقلابی در مقابل خطرها و از عوامل اثرگذار در حفظ هر انقلاب دینی است. در قصص قرآن کریم، به نوع اقدامات دشمن علیه پیامبران و امت‌ها و چگونگی مواجهه پیامبران با دشمن نیز اشاره شده تا الگویی برای سایر جوامع انقلابی و دینی باشد. طبق احادیث، قوم پیامبر اسلام (ص)، شباهت‌های زیادی به قوم بنی اسرائیل دارد و اتفاقات بنی اسرائیل در امت پیامبر اسلام نیز رخ خواهد داد؛ لذا شناخت اقدامات سیاسی اجتماعی دشمن در سیره حضرت موسی، به حفظ هویت انقلابی جامعه و نظام دینی، به طور عام و به صیانت از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، به طور خاص، کمک می‌کند. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است. براساس این پژوهش، اقدامات سیاسی-اجتماعی دشمن که در سوره‌ها و آیات مختلف داستان حضرت موسی به آنها اشاره شده عبارت است از ۱- اقدامات اجتماعی: انکار حقانیت دین و دین‌داران با تکذیب، مورد اتهام قرار دادن رهبران دینی، شایعه‌سازی و شبهه‌پراکنی، تمسخر، بهانه‌جویی، معرفی جامعه دینی با عنوان عامل مشکلات، صرف هزینه‌های بسیار برای مقابله با نظام دینی و از بین بردن نیروی جوان. ۲- اقدامات سیاسی: عوام‌فریبی و جنگ رسانه‌ای، تلاش برای به دست آوردن اجماع علیه جامعه دینی، تهدید، تطمیع، پیشنهاد مذاکره و اقدام نظامی. با شناخت این عوامل، حاکمیت دینی راهکارهای مقابله با دشمن را طراحی و اقدامات لازم در راستای حفظ اصول و ارزش‌های انقلابی جامعه را اتخاذ می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اقدامات سیاسی اجتماعی دشمن؛ انقلاب اسلامی؛ دشمن‌شناسی؛ عبرت‌های قرآنی؛ قصص قرآن.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

karimiimahmoud@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

nabi.salari@gmail.com



۱- بیان مسئله

برخی از مباحث اجتماعی-سیاسی قرآن، چون وحدت جامعه، مبارزه با ظلم، برپایی قسط و عدل را دانشمندان و فقها مورد بررسی قرار داده‌اند و مضامین آن به شکل قانون در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی نیز گنجانده شده است. اما در قرآن، مباحث اجتماعی-سیاسی دیگری نیز وجود دارد که به صراحت، بیان نشده، بلکه با تدبّر، تأمل و ژرف‌اندیشی، می‌توان به آن‌ها رسید. یکی از مباحث سیاسی-اجتماعی که مورد نیاز جامعه انقلابی و دینی است، دشمن‌شناسی است. باتوجه به این که پیامبران، رهبران جامعه خود بوده‌اند و همواره با دشمنانی درگیر بوده‌اند، می‌توان با تدبّر در داستان‌های پیامبران در قرآن کریم، اقدامات سیاسی-اجتماعی دشمن را در مقابل جامعه انقلابی، استخراج کرد. دشمن‌شناسی یکی از توصیه‌های مهمّ مقام معظم رهبری، هم به مسئولان و هم به مردم است. در فرازی از سخنان ایشان آمده است: «هم دشمن را باید شناخت، هم شیوه‌های دشمنی را. راه و رسم‌ها و سمت‌وسوهایی را که این‌ها برای دشمنی در نظر گرفته‌اند، [همه] باید بدانند؛ مسئولین باید بدانند، مردم هم باید بدانند.» (سخنرانی رهبر انقلاب، در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۹ در دیدار با مردم قم) شناخت اقدامات سیاسی-اجتماعی دشمن در مقابله با نظام و جامعه دینی و تدبیر راهکارهای لازم برای مقابله با آن اقدامات، پیش‌نیاز رسیدن به قدرت نرم است. طبق برخی از احادیث، قوم پیامبر شباهت‌های زیادی به قوم بنی اسرائیل دارد و اتفاقاتی که در بنی اسرائیل رخ داده، در امت پیامبر اسلام نیز رخ خواهد داد. (ر.ک: هلالی، ۱۴۰۵: ۲/۵۹۹ و ابن ابی شیبّه، ۱۴۰۹: ۷/۴۸۱ و کشی، ۱۴۰۹: ۲۱ و ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/۵۷۶ و طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۸۶ و سیوطی، بی‌تا: ۱۹/۳۱۸ و متقی هندی، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۰۲ و شیخ حرعاملی، ۱۴۲۵: ۱/۳۵۵ و شیخ حرعاملی، ۱۳۶۲: ۱۰۶ و بحرانی، ۱۳۷۴: ۲/۲۶۷ و مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴/۲۸ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴/۷۸) لذا پرسش اصلی تحقیق در این مقاله به شرح زیر است: برطبق داستان حضرت موسی (ع) در قرآن کریم، دشمن چه اقدامات سیاسی-اجتماعی برای تضعیف و از بین بردن جامعه دینی اتخاذ کرده بود؟ باتوجه به اینکه تاکنون، پژوهشی مستقل در این موضوع، براساس سیره قرآنی حضرت موسی انجام نشده، می‌توان گفت وجه نوآوری این مقاله، آن است که اقدامات سیاسی-اجتماعی دشمن را از بخش‌های پراکنده داستان حضرت موسی در قرآن کریم، استخراج و جمع‌آوری کرده، دسته‌بندی و تحلیل می‌نماید. همچنین بیان سیره قرآنی حضرت موسی براساس ادبیات و گفتمان‌های معاصر، وجه دیگر نوآوری این پژوهش است.

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. منبع اصلی این مقاله قرآن کریم است و مطالب آن غالباً از آیات شریف قرآن با تدبّر در آیات و با استفاده از تفاسیر، برداشت شده است.

۲- پیشینه تحقیق

در مورد داستان حضرت موسی (ع) در قرآن کریم، پژوهش‌های زیادی انجام شده است. آن دسته از پژوهش‌هایی که به موضوع این مقاله نزدیک است، پژوهش‌هایی است که به جنبه‌های اخلاقی، تربیتی، شیوه‌های تبلیغی و رهبری حضرت موسی (ع) پرداخته‌اند؛ مانند، ۱- «بررسی الگوی هدایت قوم بنی اسرائیل به دست حضرت موسی (ع)». این پایان‌نامه به بیان الگوی رهبری حضرت موسی (ع) در مواجهه با بنی اسرائیل پرداخته و نشان می‌دهد که حضرت با تعامل مستقیم وحدت کلمه و صبر فراوان به هدایت قومش می‌پرداخت. (ر.ک: کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۴) ۲- «عبرت‌ها در نهضت حضرت موسی (ع)». این پایان‌نامه زندگی حضرت موسی را در قالب داستان و عبرت بیان می‌کند و به یکی از سیاست‌های دشمن با تعبیر «فرعون و سیاست اغفال مردم» نیز اشاره می‌کند. (اشراقی، ۱۳۸۳: ۱۱۳) ۳- «تأثیر الگوی پیامبران الهی بر مبارزات سیاسی امام خمینی با تأکید بر الگوی حضرت موسی (ع)». (بیگی ابهری، ۱۳۹۳) این پایان‌نامه چهار اصل توحیدمحوری، آگاهی‌بخشی، شجاعت و نرسیدن از طاغوت و وحدت کلمه را از اصول مبارزاتی پیامبران و امام خمینی بیان می‌کند. ۴- «تاریخ تحلیلی زندگانی حضرت موسی (ع)». (مه‌دوی، ۱۳۹۵) این پایان‌نامه به تحلیل سقوط دولت بنی اسرائیل و تبدیل جامعه دینی یوسف (ع) به جامعه فرعون، زوال قدرت بنی اسرائیل در مصر، ویژگی‌های جامعه منتظر بنی اسرائیل و بایدهای جامعه منتظر عصر کنونی می‌پردازد. ۵- «روش‌های تربیت در داستان حضرت موسی در قرآن». (مصباح‌الهدی، ۱۳۹۵) در این مقاله، بیان شده است که با دقت و واکاوی در داستان حضرت موسی (ع)، می‌توان روش‌های تربیتی را از آن استخراج کرد؛ روش‌هایی چون روش الگوسازی، محبت، موعظه، ابتلاء و امتحان. ۶- «روش‌های تبلیغی حضرت موسی (علیه السلام) در قرآن کریم». (ضیایی، ۱۳۷۱) در این مقاله، روش‌های تبلیغی حضرت موسی (ع) مانند روش‌های تدریجی، عاطفی، توجیه منطقی، برشمردن نعمت‌ها، تصفیه، مقابله به مثل، مقایسه، نقل قصص، بشارت و انذار و ارائه بینه، بیان شده است. ۷- «شیوه‌های تبلیغی حضرت موسی (علیه السلام)». (ملاحسینی قطرمی، ۱۳۹۵) در این مقاله، شیوه‌های تبلیغی حضرت موسی (ع) بیان شده که عبارت



است از کار گروهی و جلب همکاری هارون، آغاز تبلیغ از منشأ تبلیغ، برخورد شجاعانه با تهدیدها، امید دادن به مردم، توجه دادن به قیامت، تبری، هجرت، مبارزه با انحراف‌ها و خرافه‌ها.

می‌توان گفت پژوهش‌هایی که در مورد داستان حضرت موسی صورت گرفته، بیشتر به گزارش تاریخی و بیان مراحل مختلف زندگی حضرت موسی و شرح و تفصیل آن پرداخته‌اند. طبعاً در این پژوهش‌ها، برخی اقدامات سیاسی-اجتماعی دشمن، به صورت پراکنده بیان شده است. اما تاکنون، پژوهشی نظام‌مند و مستقل در موضوع اقدامات سیاسی - اجتماعی دشمن در سیره قرآنی حضرت موسی (ع) و با توجه به ادبیات سیاسی-اجتماعی معاصر، انجام نشده است.

۳- اقدامات سیاسی-اجتماعی دشمن برای ضربه زدن به جامعه دینی

مراد از اقدامات سیاسی-اجتماعی در این پژوهش، همان سیاست‌ها و روش‌هایی است که دشمن یک جامعه دینی برای ضربه زدن یا از بین بردن آن جامعه اتخاذ می‌کند. در این پژوهش، منظور از دشمن، فرعون و فرعونیان هستند و جامعه دینی، بنی اسرائیل به رهبری حضرت موسی (ع) است. نخست اقدامات اجتماعی دشمن براساس آیات شریف قرآن مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳-۱. اقدامات اجتماعی دشمن

در بین اقدامات اجتماعی دشمن در سیره قرآنی حضرت موسی، می‌توان به موارد ذیر اشاره کرد:

۳-۱-۱. انکار حقانیت دین و دین‌داران

آغاز جهان با رهبری پیامبران همراه بوده، اما در دوره‌هایی از تاریخ، نمرودها و فرعون‌ها با سوء استفاده از جهل مردم، زمام امور مردم را به دست گرفته‌اند. در این شرایط، خداوند متعال پیامبرانی مبعوث می‌کرد تا جامعه را براساس تفکر توحیدی، اداره کنند؛ اما نمرودها و فرعون‌ها به مخالفت و دشمنی با پیامبران برمی‌خاستند و آنان را انکار می‌کردند. برای نمونه، در مواجهه حضرت موسی (ع) با فرعون، انکار دین و دینداران با شیوه‌های ذیر صورت گرفته است:

۳-۱-۱-۱. تکذیب

تکذیب، نسبت دروغ دادن به کسی یا دروغ‌گو دانستن او است. (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۰۸/۱ و بستانی، ۱۳۷۵: ۷۲۳ و قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۶/۹۸) تکذیب در قرآن کریم، یکی از اقدامات آل فرعون برای انکار آیات الهی مطرح شده است.

(آل عمران/ ۱۱ و الأنفال/ ۵۴) حضرت موسی (ع) در مقابله با فرعون، وقتی معجزه (عصا و ید بیضاء) می‌آورد، فرعونیان در جواب می‌گویند: «هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ»، (النمل/ ۱۳) این پاسخ، هم تکذیب است، هم تهمت و هم شُبّهه. تکذیب است از آن جهت که حضرت موسی (ع) معجزه‌ای از جانب خدا آورد، ولی فرعونیان این معجزات را سحر دانستند؛ پس معجزه بودنِ کارِ حضرت موسی (ع) دروغ دانسته شد. تهمت است؛ چون وقتی این معجزات سحر باشد، یعنی حضرت موسی (ع) ساحر است نه پیامبر و شُبّهه است؛ چون مردمی که با دیدن این معجزات می‌خواستند به حضرت موسی (ع) ایمان بیاورند، با این شُبّهه (که کارِ حضرت موسی معجزه نیست، بلکه سحر است)، در معجزه بودنِ کارِ حضرت موسی (ع) شک می‌کنند؛ بنابراین همین عبارت ساده «هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ»، هم تکذیب است، هم تهمت و هم شُبّهه که در آیات زیادی که مربوط به داستان حضرت موسی (ع) است، در قرآن کریم آمده است. (ر.ک: الأعراف/ ۱۰۹ و ۱۳۲؛ یونس/ ۷۶ و الشعراء/ ۳۴ و غافر/ ۲۴ و الذاریات/ ۳۹) آیات دیگری که به تکذیب اشاره دارند، آیه ۲۱ از سوره نازعات و آیه ۴۸ از سوره مؤمنون است.

در آذر ۱۳۹۰، اتفاقی بسیار مهم در صدر اخبار جهان قرار گرفت؛ یک فروند هواپیمای جاسوسی، بدون سرنشین فوق پیشرفته آمریکایی، به نام RQ-۱۷۰ که از مرزهای شرقی وارد کشور شده بود، به دست نیروهای جنگ الکترونیک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تحت کنترل درآمد و به سلامت به زمین نشست. این خبر بلافاصله، به خبر اول اکثر رسانه‌های جهان تبدیل شد. با انتشار این خبر، مقامات آمریکایی که از قدرت اطلاعاتی و الکترونیکی نیروهای نظامی ایران و از افتضاح خود دستپاچه شده بودند، ابتدا یا سکوت کردند یا آن را تکذیب کردند، اما چندی بعد، با انتشار تصاویر این هواپیمای جاسوسی به دست نیروهای مسلح و پخش آنها از صداوسیما، مجبور به تأیید این خبر شدند.^۱ دشمنان جمهوری اسلامی ایران، همواره، تلاش دارند تا در جنگ رسانه‌ای، دستاوردهای انقلاب را تکذیب کنند. در این شرایط، رسانه ملی و سایر رسانه‌ها و ارگان‌های نظام، باید تدابیری بیندیشند تا نقشه‌های دشمن را خنثی کنند.

۳-۱-۱-۲. اتهام‌زدن به رهبران و نخبگان جامعه

علاوه بر آیاتی که تهمتِ ساحر بودن را متوجه حضرت موسی می‌کند، آیاتی که در آن، حضرت موسی (ع) مجنون دانسته می‌شود (الشعراء/ ۲۷ و الذاریات/ ۳۹) و نیز آیه‌ای



که در آن فرعون به ملامی گوید: «می خواهد با جادویش شمارا از سرزمینتان بیرون کند؛ پس شما چه نظر می دهید؟» (الشعراء/۳۵)، نوعی تهمت است. در آیه ۳۵ سوره شعراء، فرعون با بیان اینکه موسی می خواهد سرزمینشان را از دستشان بگیرد، قبطیان را علیه حضرت موسی تحریک می کند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷/۱۵: ۲۷۳) در حالی که درخواست حضرت موسی آزادی بنی اسرائیل بود، فرعون این تهمت را متوجه موسی کرد که جامعه را بر ضد او بسیج کند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/۲۱۷). برای قبطیان، حفظ سرزمین شان خیلی مهم بود و با هرکس که می خواست سرزمین شان را از دست آنان بگیرد، مقابله می کردند. پس فرعون آنان را ترسانید که موسی می خواهد شما را از وطن آواره نماید. (ر.ک: بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۲۳۹/۹) امروزه نیز دشمنان جمهوری اسلامی ایران، مانند آمریکا و انگلیس، با انواع اتهام ها، سعی دارند برای ضربه زدن به ایران، به اجماع جهانی دست یابند؛ اتهاماتی مانند نقض حقوق بشر، نقض حقوق زنان، نبود دموکراسی و تلاش ایران برای رسیدن به بمب هسته ای که موجب به خطر افتادن امنیت جهان می شود.

۳-۱-۳. شبهه پراکنی و شایعه سازی

پیش تر بیان شد که سحر دانستن معجزه حضرت موسی، نوعی شبهه پراکنی برای شک کردن مردم در ایمان آوردن به حضرت موسی بود. این شبهه پراکنی در حالی بود که خودشان به حق بودن معجزات حضرت موسی یقین داشتند: «هنگامی که معجزات روشن ما به سوی شان آمد، گفتند، این جادویی آشکار است و آنها را در حالی که باطن شان به الهی بودن آن معجزات یقین داشت، ستمکارانه و برتری جویانه انکار کردند.» (النمل: ۱۳ و ۱۴)

امروزه نیز دشمنان جمهوری اسلامی ایران، شبهه های زیادی برای به شک انداختن مردم، درباره نظام جمهوری اسلامی ایران، مطرح می کنند. در بخشی از سخنان رهبری جمهوری اسلامی آمده است: «دشمنان، مرتباً، امروز در زمینه های سیاسی، شبهه آفرینی می کنند؛ راجع به اینکه ایران چرا در منطقه حضور دارد. حالا مدعی کیست؟ آمریکا! که همه جا حضور فتنه گرانه و مفسدانه پیدا می کند؛ هر جا آمریکا هست، فساد هست؛ هر جا آمریکا هست، فتنه هست. دولت فتنه گر و فساد انگیز آمریکا به ما می گوید، شما چرا در منطقه حضور دارید! خُب، ما [اگر] در منطقه حضور داریم، باید از تو اجازه بگیریم؟ ما برای حضور در منطقه، بایستی با دولت های منطقه مذاکره کنیم؛ گفتگو کنیم؛ با شما چرا بیاییم گفتگو کنیم؟ هروقت خواستیم در آمریکا حضور پیدا کنیم، با شما باید گفتگو کنیم.» (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با مداحان اهل بیت، مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۷)

وقتی حضرت موسی (ع) نزد فرعون می‌رود و خود را رسولِ ربِّ العالمین معرفی می‌کند و برای فرعونیان معجزه می‌آورد، فرعونیان به او می‌خندند: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَاهُمْ مِنْهَا يَحْكُونَ»، (الزخرف/ ۴۷) چرا فرعونیان با دیدن معجزه می‌خندند؟ معجزه‌ای که انسان را مات و مبهوت می‌کند و سبب می‌شود که مردم به خدا ایمان بیاورند، چه جای خنده دارد؟ این درحالی است که باتوجه به آیه ۱۳ و ۱۴ سوره نمل، فرعونیان به حقانیت موسی یقین داشتند. شاید این خنده برای این بود که وانمود کنند حضرت موسی کار خاصی انجام نداده و این معجزات، سحر و جادو است. به عبارتی دیگر، خنده و تمسخر نشانه هوجوی گری مخالفان در عین باور داشتن حقانیت حضرت موسی (ع) است. (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۳: ۸۰/ ۴۶۰)

نمونه دیگری از تمسخر، آنجایی است که فرعون برای انکار حقانیت موسی، این‌گونه استدلال می‌کند: «مگر نه این است که من از این کسی که خوار و بی‌مقدار است و نمی‌تواند روشن و گویا سخن گوید، بهترم؟» (الزخرف/ ۵۲) این درحالی بود که موسی هرگز در آن زمان لکنت زبان نداشت؛ چراکه خداوند دعای او را مستجاب کرد و سنگینی زبانش را برطرف ساخت. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸۶/ ۲۱) باتوجه به این مطالب، مردم یک جامعه دینی نباید با تمسخر دشمن، خود را ببازند. تمسخر در دنیای امروز، ممکن است تمسخرِ حجاب و عفاف و دیگر ارزش‌های دینی دینداران باشد و دشمن، رفتاری‌های دینی را نشانه عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت جوامع محسوب کند. کسی که در مقابل تمسخرِ دشمن ضعیف باشد، چاره‌ای ندارد جز آنکه طوری رفتار کند که دشمن از او ایرادی نگیرد. چنین کسی همیشه در مقابل دشمن، ضعیف باقی خواهد ماند.

۳-۱-۲. بهانه جویی

وقتی حضرت موسی به همراه برادرش (هارون)، به سوی فرعونیان رفتند و معجزاتی را به آن‌ها نشان دادند، فرعونیان با این که به حق بودن معجزات حضرت موسی یقین داشتند (النمل/ ۱۴)، بهانه‌ای برای تکذیبِ موسی و هارون مطرح کردند و چون می‌دانستند که مردم، تکذیبِ بدون دلیل را نمی‌پذیرند، پس بهانه‌ای آوردند که عوام فریب نیز باشد و گفتند: «آیا به دو بشری که مانند خودمان هستند، ایمان بیاوریم؛ درحالی که قوم [و قبیله] آن دو بردگان ما هستند؟ در نتیجه هر دو را تکذیب کردند.» (المؤمنون/ ۴۷ و ۴۸). این بهانه، همانند بهانه کسانی که بت پرستیِ آباء و اجداد خود را دلیلی برای عدم ایمان آوردن خود مطرح می‌کردند (الانبیاء/ ۵۳)، برای مردم گمراه‌کننده بود.



امروزه، دشمنان جمهوری اسلامی ایران نیز با مطرح کردن بهانه‌های مختلف، مانند بهانه‌هسته‌ای، حقوق بشر، خشونت در دین و احکام دینی و... با ابزار جنگ رسانه‌ای، سعی می‌کنند با دلسرد کردن مردم، از پیشرفت نظام اسلامی جلوگیری کنند. در این شرایط، سیاست‌مقابله با دشمنان نباید از بین بردن بهانه‌های دشمن باشد. مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۲۵، در مورد پایان نداشتن بهانه‌های دشمن، می‌فرماید: «خُب، حالا قضیه هسته‌ای حل شده؛ ببینید تمام است قضیه؟ قضیه موشک‌ها پیش آمد؛ قضیه موشک‌ها حل بشود، قضیه حقوق بشر است؛ قضیه حقوق بشر حل بشود، قضیه شورای نگهبان است؛ قضیه شورای نگهبان حل بشود، قضیه اصل رهبری و ولایت فقیه است؛ قضیه ولایت فقیه حل بشود، قضیه اصل قانون اساسی و حاکمیت اسلام است؛ اینها است.» بنابراین، بهانه‌های دشمن تمامی ندارد.

۳-۱-۳. معرفی دین و جامعه دینی با عنوان عامل مشکلات

در داستان حضرت موسی، وقتی به فرعونیان آسیبی می‌رسید، حضرت موسی و همراهانش را علت مشکلات می‌دانستند: «و چون گزند و آسیبی به آنان می‌رسید، به موسی و همراهانش فال بد می‌زدند.» (الأعراف/۱۳۱) «وقتی بلا و آفتی به آنان اصابت می‌نمود، به موسی و مؤمنین نسبت می‌دادند.» (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۲۷۰/۵)

دشمنان اسلام همواره کوشیده‌اند تا مشکلات را به دین اسلام نسبت دهند؛ مثلاً در زمان آتاترک و رضاخان، اسلام علت عدم توسعه و پیشرفت، معرفی می‌شود و رضاخان برای رسیدن به پیشرفت، دست به کشف حجاب می‌زند؛ کاری که آتاترک در ترکیه انجام داد یا عامل خشونت در جهان، دین اسلام معرفی می‌شود؛ به طور مثال در بررسی به عمل آمده، مشخص شد که گزارش‌های پخش شده در غرب، پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چنین القا می‌کرد که مسلمانان نه تنها از تروریسم و کشتن بی‌گناهان حمایت می‌کنند، بلکه از دیدن مرگ غیرمسلمانان نیز خوشحال می‌شوند. (ر.ک: امینیان، ۱۳۸۷: ۱۲۱) وقتی دشمن با جنگ رسانه‌ای و عوام‌فریبی، مسلمانان را تروریست، مخالف حقوق بشر و آزادی و... معرفی می‌کند، می‌تواند اجماعی جهانی علیه یک کشور اسلامی، مانند جمهوری اسلامی ایران، به دست آورد.

۳-۱-۴. صرف بیشترین هزینه‌ها برای مقابله با جامعه دینی

وقتی حضرت موسی نزد فرعون رفت، معجزاتی را به فرعون و فرعونیان نشان

داد، اما در نهایت، فرعونیان حضرت موسی را تکذیب کردند و به او تهمتِ ساحر بودن زدند و قرار شد حضرت موسی با ساحران مقابله کند. فرعونیان برای مقابله با حضرت موسی، همه توان خود را به کار گرفتند و بهترین ساحران را از شهرهای مختلف گردآوردند: «نیروهای گردآورنده را به شهرها روانه کن تا هر جادوگر دانا را نزد تو آورند.» (الأعراف/ ۱۱۱ و ۱۱۲؛ الشعراء/ ۳۶ و ۳۷) وقتی ساحران نزد فرعون آمدند، در صورتِ پیروزی شان بر حضرت موسی، از فرعون درخواست پاداش کردند: «و جادوگران نزد فرعون آمدند [و] گفتند: آیا اگر پیروز شویم، حتماً برای ما پاداش و مزد قابل توجهی خواهد بود؟ گفت: آری، و یقیناً از مقربان خواهید بود.» (الأعراف/ ۱۱۳ و ۱۱۴؛ الشعراء/ ۴۱ و ۴۲) این آیات نشان می‌دهد، طاغوت‌ها و ستمگران، از عالمان و متخصصان مخالفِ حق حمایت می‌کنند و برای سرکوبی حق و مردان حق، سرمایه‌گذاری می‌کنند. (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۴۱/۴). فرعون برای مقابله با حضرت موسی، هرچه در توان داشت، هزینه کرد. امروزه نیز دشمنان اسلام برای مقابله با اسلام، هزینه‌های بسیاری صرف می‌کنند که برای نمونه، می‌توان به پهباد ۲۰۰ میلیون دلاری آمریکا اشاره کرد که در تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۳۰ به دست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساقط شد. ۱. همچنین «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا، بارها از دوران رقابت‌های انتخاباتی گفته که آمریکا بعد از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ تا کنون، ۷ تریلیون دلار در منطقه «خاورمیانه» (غرب آسیا) هزینه کرده، اما دستاوردی نداشته است. ۲. آمریکا در خاورمیانه هرچه توانست هزینه کرد تا جریان مقاومت را شکست دهد، اما در نهایت، جریان مقاومت پیروز شد.

۳-۱-۵. بی‌انگیزه کردن و از بین بردن نیروی جوان

وقتی حضرت موسی حق را به فرعونیان نشان داد، فرعونیان به جای اینکه ایمان بیاورند، دستور به کشتار فرزندان مؤمنان دادند: «هنگامی که حق را از سوی ما برای آنان آورد، گفتند، پسران کسانی را که به موسی ایمان آورده‌اند، بکشید و زنان شان را [برای بیگاری و خدمت] زنده بگذارید.» (غافر/ ۲۵) بدیهی است که یکی از اهرم‌های قدرت هر جامعه‌ای، نیروی جوان آن جامعه است. شاید دلیل اینکه فرعونیان گفتند «اقتُلُوا اَبْنَاءَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا» (غافر/ ۲۵)، برای از بین بردن نیروی جوان بود. در واقع، فرعون دست به يك مبارزه ریشه‌دار و عمیق می‌زند و تصمیم بر کاری می‌گیرد که در آینده، به کلی قدرت بنی اسرائیل را درهم بشکند و آن اینکه



مردان جنگی و مبارز را با کشتن فرزندان بنی اسرائیل ریشه‌کن سازد. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶/ ۶۰۹).

جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، بهترین جوانان خود را برای حفظ جامعه اسلامی، فدا کرد. اگر در گذشته فرعون از افزایش جمعیت دشمنانش (بنی اسرائیل) نگران بود و جوانان را می‌کشت (ر.ک: ضیایی، ۱۳۷۱: ۵۰)، امروزه، سیاست از بین بردن نیروی جوان به دست دشمن، از طریق جنگ نرم و تغییر سبک زندگی، با تبلیغ سیاست‌هایی چون فرزند کمتر، زندگی بهتر، ادامه می‌یابد. مقام معظم رهبری این سیاست را نسخه دشمنان می‌داند و می‌فرماید: «سیاست جمعیتی غربی‌ها که «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، سیاست اروپایی است، سیاست غربی است.» (بیانات رهبر انقلاب در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۷/۰۱/۰۱) «قضیه جمعیت یکی از همان نسخه‌های غربی است. اخیراً دستگاه تبلیغاتی دولت انگلیس خبیث تجویز نسخه هم کرده که ایران برای سی میلیون جمعیت، خیلی کشور خوبی خواهد بود! چشم‌تان چهار تا! ان شاء الله این جمعیت به ۱۵۰ میلیون هم خواهد رسید. سیاست‌های جمعیتی کشور (آنهایی که دنبال می‌کردیم) سیاست‌های غلطی بود.» (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۲)

فرزندآوری از توصیه‌های مهم دین اسلام است و احادیثی چون «ازدواج کنید تا عده شما بسیار شود، زیرا من در روز رستاخیز به فزونی شما بر امت‌های دیگر افتخار می‌کنم.» (ر.ک: قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۲/ ۹۲۰ و زمخشری، ۱۹۷۹: ۶۵۴ و مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷/ ۲۵۹) یا حدیث «وَاطْلُبُوا الْوَلَدَ فَإِنِّي أَكْثَرُكُمْ الْأُمَّمَ عَدَا» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲/ ۶۱۵ و شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/ ۱۵ و مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/ ۹۳) در اهمیت فرزندآوری نقل شده است.

۳-۲. اقدامات سیاسی دشمن

در باب اقدامات سیاسی دشمن در سیره قرآنی حضرت موسی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۳-۲-۱. جنگ رسانه‌ای

باتوجه به اینکه فرعونیان مادی‌نگر بودند (ر.ک: بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۵/ ۲۷۶)، فرعون برای انکار حضرت موسی، دست به عوام‌فریبی می‌زند و برای قومش چنین استدلال می‌کند: «ای قوم من! آیا حکومت و پادشاهی مصر ویژه من نیست و این نهرها از زیر [کاخ‌های] من به فرمان من روان نیستند؟ آیا [عظمت

و حشمت من و فقر و تهیدستی موسی را] نمی بینید؟ مگر نه این است که من از این کسی که خوار و بی مقدار است و نمی تواند روشن و گویا سخن گوید، بهترم؟ [اگر موسی عزت، سربلندی، کرامت و شخصیت دارد] پس چرا دستبندهای زرین و طلا بر او آویخته نشده است؟ یا چرا فرشتگانی [برای اثبات نبوتش] همراه او نیامده اند؟» (الزخرف/ ۵۱ - ۵۳). این عوام فریبی فرعون و انتشار آن در بین توده مردم که امروز از آن به جنگ رسانه‌ای تعبیر می شود، مؤثر واقع گردید، زیرا مردم با فریب خوردن در این جنگ رسانه‌ای، از فرعون اطاعت کردند: «پس او قومش را سبک مغز شمرد [و آنان را با وسوسه و اغواگری فریفت و خوارشان کرد]: در نتیجه از او اطاعت کردند.» (الزخرف/ ۵۴)

وقتی حضرت موسی نزد فرعون می رود و توضیحاتی درباره رب العالمین ارائه می دهد، فرعون که ادعا کرده بود «من پروردگار بزرگ تر شما هستم» (الأعلى/ ۲۴)، نسبت به جایگاه خود، احساس خطر می کند؛ چراکه رب العالمین را رقیب خود می بیند؛ رقیبی که می تواند مردم را از سلطه او خارج کند. پس برای اینکه رقیب خود، یعنی رب العالمین را از میان بردارد و فرمانروایی بر مردم را ادامه دهد، به وزیرش، هامان، دستور می دهد بنای بلندی بسازند و طبق برخی از اقوال، فرعون تیری به کمان گذاشت و به آسمان پرتاب کرد؛ تیر بر اثر اصابت به پرنده‌ای یا طبق توطئه قبلی خودش، خون آلود بازگشت. فرعون از آنجا پائین آمد و به مردم گفت: «بروید و فکرتان راحت باشد؛ خدای موسی را کشتیم!» (ر.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۳۶/۱۵ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳۷/۱۶)

امروزه، عوام فریبی در قالب جنگ رسانه‌ای نیز یکی از اقدامات اصلی دشمن است. بعد از جنگ جهانی دوم، دنیا به بلوک شرق و غرب تقسیم شده بود. در بلوک غرب، تفکر لیبرالیسم و سرمایه داری تسلط داشت؛ در بلوک شرق هم، اندیشه کمونیسم و سوسیالیسم حکومت می کرد و هردو بلوک با تباری ها و زدوبندهایی که با هم داشتند، بر بخش هایی از دنیا حکومت می کردند و البته هر کدام به نحوی، سعی می نمودند تا به تنهایی، حاکمیت سیاسی فکری و اقتصادی دنیا را به دست داشته باشند. (کربله، ۱۳۷۷: ۶۹) یکی از شاخص های اصلی بلوک شرق و غرب، به راه انداختن جنگ رسانه‌ای گسترده و توسعه تبلیغات منفی و افشاگرانه علیه یکدیگر بود. (رمضانی، ۱۳۸۵: ۱۷) با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اصطلاح بلوک شرق و غرب از میان رفت. (بابایی، ۱۳۸۴: ۸۲) و امروز، آمریکا به کمک قدرت رسانه‌ای که دارد، مردم جهان را به صورت یک جانبه فریب می دهد و جنگ رسانه‌ای تمام عیاری علیه ملت‌ها به راه انداخته است که



تغییر تفکر، باور و سبک زندگی مردم دنیا، هدف این جنگ است. در واقع، آمریکا همان سخن فرعون را بر زبان جاری می‌کند که گفت: «أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ». (الزخرف/۵۱) بدیهی است وقتی نظامی، مانند جمهوری اسلامی ایران، شکل می‌گیرد و فریاد نه شرقی نه غربی سر می‌دهد، آمریکا برای اینکه اثبات کند تنها او می‌تواند جهان را اداره کند، با این نظام به مقابله برمی‌خیزد؛ همان‌گونه که فرعون به مقابله با حضرت موسی و نظام دینی او برخاست.

مقام معظم رهبری درباره اهمیت جنگ رسانه‌ای می‌فرمایند: «دشمن یک جنگ اقتصادی همه‌جانبه‌ای را علیه ما شروع کرده. اتاق جنگ هم دارند؛ بادقت هم دارند بررسی می‌کنند؛ مأمور دارند و دائم در حال تحرکتند؛ در این تردیدی نیست؛؛ یک چنین جنگی ما داریم؛ لکن یک جنگ دیگری هم هست که از آن جنگ، خیلی اوقات، غفلت داریم؛ اهمیّت آن جنگ کمتر از جنگ اقتصادی نیست، بلکه گاهی زمینه‌ساز تأثیر جنگ اقتصادی است؛ آن جنگ چیست؟ آن جنگ، جنگ رسانه‌ای، جنگ فضاسازی عمومی، جنگ تبلیغاتی است؛ خیلی مهم است... حالا شما اشاره کردید به مسئله سگه و ارز و کاهش ارزش پول ملی و بالا رفتن قیمت ارزهای بیگانه؛ بله، این درست است؛ بخش مهمی از این به وسیله همین تبلیغات دارد اتفاق می‌افتد؛ یعنی همین تبلیغات است؛ همین رسانه‌ها ایند که دارند زمینه‌سازی می‌کنند؛ شما ناگهان می‌بینید که یک قیمت، دو برابر شد؛ [یعنی] به فاصله کمی، ارزش پول ملی نصف شد؛ مثلاً توان و قدرت خرید پول ملی در مدت کوتاهی نصف شد؛ این رسانه‌ها این کار را دارند انجام می‌دهند.» (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان در تاریخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۵)

۳-۲-۲. تلاش برای دست‌یافتن به اجماع علیه جامعه دینی

پیش‌تر بیان شد که با عبرت‌گرفتن از داستان حضرت موسی در قرآن کریم، روشن می‌شود که دشمن با عوام فریبی، بهانه‌های مختلف، نسبت دادن مشکلات به دین و جنگ رسانه‌ای، تلاش می‌کند تا اجماعی علیه دین اسلام و کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران، به دست آورد. برای مثال، وقتی فرعون به قوم خود می‌گوید: «ای قوم من! آیا حکومت و پادشاهی مصر ویژه من نیست و این نهرها از زیر [کاخ‌های] من به فرمان من روان نیستند؟ آیا [عظمت و حشمت من و فقر و تهیدستی موسی را] نمی‌بینید؟ مگر نه این است که...» (الزخرف/۵۱ - ۵۳)، علاوه بر عوام‌فریبی، تلاش می‌کند اجماع قوم خود برای مقابله با حضرت موسی را به دست آورد. همچنین وقتی فرعون قبطیان را علیه حضرت موسی تحریک

می‌کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۳/۱۵) و جمعیت را بر ضد او بسیج می‌کند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱۷/۱۵)، به دنبال به دست آوردن اجماع علیه موسی و بنی اسرائیل است.

مسلماً اجماع علیه یک جامعه دینی، اثرات منفی دارد؛ برای مثال، یکی از اثرات اجماع جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌ها و قطعنامه‌هاست؛ همان‌طور که مسلمانان در صدر اسلام، سه سال در شعب اُبی طالب تحریم بودند؛ البته عاقبت، جریان حق، در صورت مقاومت، پیروز خواهد شد؛ همان‌طور که بنی اسرائیل با صبر و استقامت در برابر فرعون پیروز شدند: «و وعده نیکوتر و زیباتر پروردگارت بر بنی اسرائیل به [پاداش] صبری که [بر سختی‌ها و بلاها] کردند تحقق یافت.» (الأعراف/ ۱۳۷)

۳-۲-۳. تهدید

تهدید، حربه دیگر طاغوت‌هاست. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۰۷/۸) فرعون حضرت موسی را تهدید می‌کند: «اگر معبودی جز من بگیری، قطعاً تو را از زندانیان [که زیر سخت‌ترین شکنجه‌اند]، قرار خواهم داد.» (الشعراء/ ۲۹) در واقع، فرعون با این سخن تند و تهدید ظالمانه، می‌خواست موسی (ع) را خاموش کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱۳/۱۵)

امروزه، جمهوری اسلامی ایران نیز با انواع و اقسام تهدیدها از سوی دشمنان مواجه است؛ تهدیدهای نظامی آمریکا با جمله معروف «همه گزینه‌ها روی میز است»، بارها از سوی دولت مردان آمریکایی تکرار شده است. با توجه به اینکه امام خمینی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌فرمایند: «جوان‌ها هم مطمئن باشند که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. بیخود صحبت از این است که اگر دخالت نظامی [کند]؛ مگر آمریکا می‌تواند دخالت نظامی در این مملکت بکند؟ امکان برایش ندارد.» (موسوی خمینی، ۵۱۶/۱۰)، نباید از تهدیدهای نظامی دشمن ترسید و آن را جدی گرفت.

۳-۲-۴. تطمیع

یکی دیگر از اقدامات دشمن، سیاست تطمیع است. از اقداماتی که فرعون با استفاده از آن، مردم را به خود جذب می‌کرد، تطمیع آنها با استفاده از اموال دنیایی، مانند زر و زیور، بود. این مطلب به گونه‌ای است که حضرت موسی (در قالب شکایت) به خداوند متعال عرضه داشت: «پروردگارا! فرعون و اشراف و سرانش را در زندگی دنیا زیور و زینت [بسیار] و اموال [فراوان] داده‌ای که [نهایتاً]



مردم را] از راه تو گمراه کنند.» (یونس/ ۸۸) علاوه بر این، فرعون که می دانست می تواند مردم را با مال دنیایی به خود نزدیک سازد، در انکار و تکذیب حضرت موسی، به اموال و مواهب دنیایی خویش و فقر حضرت موسی اشاره می کند: «ای قوم من! آیا حکومت و پادشاهی مصر ویژه من نیست و این نهرها از زیر [کاخ های] من به فرمان من روان نیستند؟ آیا [عظمت و حشمت من و فقر و تهیدستی موسی را] نمی بینید؟» (الزخرف/ ۵۱) باتوجه به مطالبی که بیان شد، سیاست تطمیع در صورت وجود مشکلات اقتصادی برای مردم، می تواند بسیار مؤثر واقع شود. دشمن می تواند با وارد کردن فشار اقتصادی به مردم و سپس معرفی خود و راهکارهای خود به عنوان حلال مشکلات اقتصادی و استفاده از جنگ رسانه ای، موجب گرایش مردم به سمت خود شود.

با گرایش مردم به دشمن، مذاکره با دشمن می تواند به راحتی به مطالبه عمومی تبدیل شود. با این کار، مردم به دشمن گرایش پیدا می کنند؛ در این حالت، اگر یک جامعه دینی برای حل مشکلات اقتصادی اش با دشمن وارد مذاکره شود، دشمن خود را در موضع بالایی می بیند که می تواند امتیازهای زیادی بگیرد. در جمهوری اسلامی ایران، در مقاطعی، دولت وقت، برای حل مشکلات اقتصادی، به مذاکره با دشمن روی آورده و پیشاپیش امتیازاتی به دشمن می دهد؛ اما در نهایت دشمن به توافقات خود عمل نمی کند. مقام معظم رهبری در مورد مذاکرات هسته ای، می فرمایند: «هدف از مذاکرات هسته ای، برداشته شدن تحریم ها بود که بسیاری از آنها برداشته نشد؛ ضمن اینکه اخیراً تهدید می کنند تحریم ها را با وجود تأیید قطعنامه سازمان ملل بازمی گردانند.» (دیدار با مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۲) ایشان همچنین با اشاره به بدعهدی و بی صداقتی ۳ کشور اروپایی در اوایل دهه ۸۰، بر سر مسئله هسته ای (مذاکرات سعدآباد) می فرمایند: «اروپایی ها باید ثابت کنند که این بار، قصد تکرار آن بدعهدی را ندارند.» (دیدار با مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۲)

۳-۲-۵. پیشنهاد مذاکره

وقتی دشمن در شرایط ضعف قرار می گیرد، برای خارج شدن از ضعف، سیاست هایی اتخاذ می کند. نمونه ای از این سیاست ها که در داستان حضرت موسی به آن اشاره شد، پیشنهاد مذاکره و پیمان شکنی، هنگام رسیدن به هدف، است. وقتی که عذاب های نُه گانه بر فرعونیان نازل می شود، فرعونیان دچار ضعف می شوند و چون نمی توانند مشکل شان را خودشان حل کنند، نزد حضرت موسی می آیند، با او مذاکره می کنند و بر سر مسائلی به توافق می رسند: «و هرگاه

عذاب بر آنان فرود آمد، گفتند: «ای موسی! پروردگارت را به پیمانی که با تو دارد [و آن مستجاب کردن دعای توسل] برای ما بخوان که اگر این عذاب را از ما برطرف کنی یقیناً به تو ایمان می‌آوریم و بنی اسرائیل را با تو روانه می‌کنیم.» (الأعراف/۱۳۴) «و وقتی گرفتار شدند [گفتند: «ای جادوگر! پروردگارت را بر پایه عهدی که با تو کرده [که اگر ایمان آوریم عذاب را از ما بردارد]، برای ما بخوان که بی‌تردید ما هدایت خواهیم یافت.» (الزخرف/۴۹) این مطلب نشان می‌دهد، اگر دشمن پیشنهاد مذاکره می‌دهد، احتمالاً در شرایط ضعف قرار دارد که مجبور شده پیشنهاد مذاکره بدهد. بعد از اینکه فرعونیان با حضرت موسی به توافق می‌رسند، عذاب از آن‌ها برداشته می‌شود، اما فرعونیان به وعده خود که ایمان آوردن و آزاد کردن بنی اسرائیل بود، عمل نمی‌کنند و به راحتی پیمان شکنی می‌کنند: «پس هنگامی که عذاب را تا مدتی که آنان به پایان مهلت آن می‌رسیدند از ایشان برطرف می‌کردیم، به دور از انتظار، پیمان‌شان را می‌شکستند.» (الأعراف/۱۳۵) در آیه دیگری می‌فرماید: «هنگامی که عذاب را از آنان برطرف می‌کردیم، ناگاه پیمان می‌شکستند.» (الزخرف/۵۰) این مطلب بیانگر فریب‌کاری دشمن است که در توافق، شرط می‌کند ابتدا باید همه مطالبات او به نحو کامل انجام شود تا بعد از آن، او به تعهداتش عمل کند؛ اما وقتی دشمن به هدفش رسید، به راحتی، پیمان شکنی می‌کند. پس اگر قرار است با دشمن مذاکره‌ای صورت گیرد، تعهدات باید گام به گام عملی شود. در مورد مذاکره هسته‌ای ایران و پنج به علاوه یک، مقام معظم رهبری با اشاره به پیمان شکنی دشمن، می‌فرماید: «لغو تحریم‌ها نباید به اجرای تعهدات ایران منوط شود. نگویند شما تعهدات را انجام دهید، بعد آژانس گواهی دهد تا تحریم‌ها لغو شود؛ ما این مسئله را مطلقاً قبول نداریم. اجرائیات لغو تحریم‌ها باید با اجرائیات تعهدات ایران متنظر باشد.» (سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار با مسؤولان نظام در تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۲)

۳-۲-۶. فریب‌کاری

اگر یک جامعه دینی دشمن‌شناس نباشد، به طور قطع، از دشمن ضربه می‌خورد. «هم دشمن را باید شناخت، هم شیوه‌های دشمنی را. راه و رسم‌ها و سمت‌وسوهای را که این‌ها برای دشمنی در نظر گرفته‌اند، [همه] باید بدانند؛ مسئولین باید بدانند، مردم هم باید بدانند.» (سخنرانی مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۹ در دیدار با مردم قم) بدیهی است که دستگاه دیپلماسی و سیاست‌مداران، باید دشمن‌شناس‌ترین افراد باشند؛ چراکه آن‌ها همواره با دشمن درگیر هستند. در مواجهه با دشمن باید همواره توجه کرد که یکی از ویژگی‌های



مهم دشمن فریب‌کاری است. از فریب‌کاری در قرآن کریم با واژه «عَرُور» (لقمان/ ۳۳ و فاطر/ ۵ و حدید/ ۱۴) یاد شده است. در میان لغت‌شناسان، برخی «العَرُور» را به معنی شیطان گرفته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۴۶/۴ و ابن‌عباد، ۱۴۱۴: ۵۱۱/۴): «عَرُور، هر آن چیزی است که انسان را فریب دهد از مال، جاه، شهوت و شیطان.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۴) برخی از لغت‌شناسان علت نامیده شدن شیطان به عَرُور را چنین بیان کرده‌اند: «شیطان به این دلیل عَرُور نامیده شده که انسان را به دوست داشتن چیزی وا می‌دارد که در واقع، آن چیز به او بدی می‌رساند.» (ر.ک: ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۳/۳۵۶ و ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/۵ و طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۴۲۱) و این یعنی فریب‌کاری. برخی دیگر از لغت‌شناسان، به معنی «فریب‌کاری» در واژه عَرُور اشاره کرده‌اند. (ر.ک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۵ و حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۷/۲۹۹ و مصطفوی، ۱۳۶۸: ۷/۲۰۸ و قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۵/۹۲ و ۹۳) شیطان، دشمن انسان و فریب‌کار است. شیطان با وعده دروغ، توانست آدم و حوا را فریب دهد. این مطلب یک آموزه سیاسی برای سیاستمداران است که باید به همه سخنان و اقدامات دشمن، به دیده فریب بنگرند. امام علی علیه السلام به این مطلب اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «گاه دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر کند؛ پس دوراندیش باش و خوشبینی خود را متهم کن.» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ۴۴۲ و مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳/۶۱۰) مقام معظم رهبری با توجه به این آموزه سیاسی، در جریان مذاکرات هسته‌ای ایران و پنج‌به‌علاوه یک به مذاکره‌کنندگان هسته‌ای ایران هشدار می‌دهند و می‌فرمایند: «خوشبین نیستم به مذاکره؛ لکن می‌خواهند مذاکره کنند، بکنند...» (سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۲) «گفتیم به طرف مقابل اعتماد نکنید؛ به لبخند او فریب نخورید؛ به وعده نقد که می‌دهد (وعده‌ی نقد، نه عمل نقد)، اعتماد نکنید؛ [چون] وقتی خرس از پل گذشت، برمی‌گردد و به ریش شما می‌خندد! این قدر اینها وقیحند.» (سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار با مداحان اهل بیت علیهم السلام در تاریخ ۱۳۹۴/۰۱/۲۰) وقتی دشمن ضعیف می‌شود، پیشنهاد مذاکره می‌دهد؛ اما باید توجه داشت که این پیشنهاد مذاکره نیز نوعی فریب‌کاری است. به همین دلیل، باید در مذاکره با دشمن، با توجه به دستورالعمل امیرالمؤمنین علی (ع)، خوشبینی خود را متهم کرد.

۳-۲-۷. اقدام نظامی

اقدام نظامی یکی از آخرین اقدامات دشمن برای رسیدن به پیروزی سیاسی است. در داستان حضرت موسی (ع)، وقتی موسی به سوی فرعون رفت، فرعون

اقدام نظامی را در دستور کار قرار نداد؛ حتی بعد از شکستِ ساحران نیز فرعون تصمیمی برای اقدام نظامی نگرفت؛ اما اشراف قوم فرعون او را به اقدام نظامی تشویق کردند؛ آن‌گاه که گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می‌کنی تا فساد کنند و تو و خدایان را واگذارند؟» (الأعراف/ ۱۲۷) پس فرعون تصمیم گرفت سخت‌ترین فشارها را بر بنی اسرائیل اعمال کند؛ پسران را بکشد و زن‌ها را زنده نگه دارد. (الأعراف/ ۱۲۷ و غافر/ ۲۵)

برای خنثی کردن تهدید نظامی دشمن، جامعه دینی باید همواره پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی را داشته باشد و در حالت آماده‌باش به سر برد. طبق آیه ۶۰ سوره انفال، هدف از فراهم کردن قدرت نظامی، ترساندن دشمنان است. هر اقدامی که دشمنان را بترساند، موافق با آیه ۶۰ سوره انفال است و هرسخن یا اقدامی که باعث ترس از دشمن شود، مخالف با این آیه است.

اگر مسئولان و نخبگان جمهوری اسلامی ایران برخلاف فرمایش امام خمینی و مقام معظم رهبری، مردم را از جنگ و قدرت نظامی دشمن بترسانند یا رسانه‌ها و روزنامه‌ها دوگانه‌هایی مانند دوگانه جنگ یا صلح را مطرح کنند که نشان دهنده ترس از جنگ با دشمن باشد، برخلاف سفارش قرآن عمل کرده‌اند.

۴- نتیجه‌گیری

۱. پیش‌نیاز دفاع از کیان یک جامعه و حفظ دستاوردهای نظام و جامعه انقلابی و دینی، شناخت اقدامات سیاسی و اجتماعی دشمن است تا با تدبیر و چاره‌جویی، راهکارهای لازم برای مقابله با آنها طراحی و پیش‌بینی شود.

۲. اقدامات اجتماعی دشمن برای ضربه‌زدن به دستاوردهای انقلابی یک جامعه دینی در سیره قرآنی حضرت موسی، عبارت است از: انکار حقانیت دین و دین‌داران از طریق تکذیب، اتهام‌زدن به رهبران و نخبگان جامعه، شایعه‌سازی، تمسخر، بهانه‌جویی، معرفی دین و جامعه دینی به عنوان عامل اصلی مشکلات، صرف حداکثر هزینه جهت مقابله با نظام دینی و تضعیف و از بین بردن نیروی جوان.

۳. اقدامات سیاسی دشمن برای ضربه‌زدن به دستاوردهای انقلابی یک جامعه دینی در سیره قرآنی حضرت موسی عبارت است از: جنگ رسانه‌ای، تلاش برای به‌دست آوردن اجماع علیه جامعه دینی، تهدید، تطمیع، پیشنهاد مذاکره و اقدام نظامی.

۴. دشمن معمولاً در شرایط ضعف، پیشنهاد مذاکره می‌دهد و می‌خواهد تمام مطالباتش انجام شود؛ اما وقتی مطالباتش انجام شد و به هدف رسید، پیمان‌شکنی می‌کند.



۵. یکی از سیاست‌های همیشگی دشمن، فریب‌کاری است؛ بنابراین، طبق فرمایش امام علی(ع)، رهبران و جامعه انقلابی و دینی در مواجهه با دشمن، باید خوشبینی خود را متهم کنند.

۶. قصص قرآنی یکی از ظرفیت‌های مغفول این کتاب آسمانی برای نشان دادن جاودانگی معارف قرآن و فرازمانی و فرامکانی بودن آموزه‌های آن، از جمله حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و انقلابی، است. با استفاده از درس‌ها و عبرت‌های موجود در قصص قرآن، می‌توان به راه‌حل بسیاری از مشکلات سیاسی-اجتماعی و صیانت از اصول و ارزش‌های انقلابی در دوران معاصر، دست یافت.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.
۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵). «عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة»، به کوشش مجتبی عراقی. قم: دار سید الشهداء للنشر.
۲. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹). «الکتاب المصنف فی الأحادیث و الآثار»، به کوشش کمال یوسف الحوت. ریاض: مکتبه الرشد.
۳. ابن اثیر جزری، محمد بن مبارک (۱۳۶۷). «النهایه فی غریب الحدیث و الأثر»، به کوشش محمود محمد طناحی. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۴. ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰). «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)»، به کوشش حسن بن احمد الموسوی و ابوالحسن بن مسیح. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). «الخصال»، به کوشش علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). «کمال الدین و تمام النعمه»، به کوشش علی اکبر غفاری. تهران: اسلامیه.
۷. ابن عباد، صاحب؛ ابن عباد، اسماعیل (۱۶۱۴). «المحیط فی اللغة»، به کوشش محمد حسن آل یاسین. بیروت: عالم الکتاب.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). «لسان العرب»، به کوشش جمال الدین میردامادی. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع و دار صادر.
۹. ابولفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، به کوشش محمد جعفر یاقحی و محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۰. اشراقی، صدیقه (۱۳۸۳). «عبرت ها در نهضت حضرت موسی (ع)». تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول دین شعبه تهران.
۱۱. امینیان، بهادر (۱۳۸۷). «اسلام ستیزی در غرب: دلایل و ویژگی ها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ۱.
۱۲. بابایی، رضا (۱۳۸۴). «تاریخ شرق و غرب معاصر». تهران: مطالعات راهبردی بوعلی.
۱۳. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین (۱۳۶۱). «مخزن العرفان در تفسیر قرآن». تهران: نهضت زنان مسلمان.
۱۴. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴). «البرهان فی تفسیر القرآن»، به کوشش قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثة. قم: مؤسسه بعثة.
۱۵. بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶). «جامع احادیث الشیعه (للبروجردی)». تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۱۶. بستانی، فؤاد افرام (۱۳۵۷). «فرهنگ ابجدی»، ترجمه مهیار رضایی. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۷. بیگی اهری، محسن (۱۳۹۳). «تأثیر الگوی پیامبران الهی بر مبارزات سیاسی امام خمینی با تأکید بر الگوی حضرت موسی (ع)». تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۸. حسینی زبیدی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۴). «تاج العروس من جواهر القاموس»، به کوشش علی هلالی و علی سیری. بیروت: دارالفکر.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). «مفردات ألفاظ القرآن»، به کوشش صفوان عدنان داوودی. بیروت: دارالقلم.
۲۰. رمضان، علی (۱۳۸۵). «سراب شرقی و غربی ناامید». تهران: خورشید.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹). «أساس البلاغة». بیروت: دار صادر.



۲۲. سیوطی، جلال الدین (بی تا). «جامع الأحادیث». بی جا: بی نا.
۲۳. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶). «خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام)، به کوشش محمد هادی امینی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۴. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). «نهج البلاغة (للصحي صالح)»، به کوشش صبحی صالح. قم: هجرت.
۲۵. شعیری، محمد بن محمد (بی تا). «جامع الأخبار (لشعيري)». نجف: مطبعة حيدرية.
۲۶. شيخ حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵). «إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات». بيروت: اعلمی.
۲۷. شيخ حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). «تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة»، تصحيح مؤسسة آل البيت عليهم السلام. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
۲۸. _____ (۱۳۶۲). «الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة»، به کوشش سيد هاشم رسولی محلاتی. تهران: نوید.
۲۹. ضیایی، علی اکبر (۱۳۷۱). "روش های تبلیغی حضرت موسی علیه السلام در قرآن کریم"، فصلنامه مشکوة، شماره ۳۶ و ۳۷، صص ۴۳-۷۰.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). «الميزان في تفسير القرآن». قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). «الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)»، به کوشش محمد باقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
۳۲. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵). «مجمع البحرين»، به کوشش احمد حسینی اشکوری. تهران: مرتضوی.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹). «كتاب العين». قم: نشر هجرت.
۳۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). «تفسیر نور». تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
۳۵. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲). «قاموس قرآن». تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۶. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹). «الخراج و الجرائح»، به کوشش مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام. قم: مؤسسة امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف.
۳۷. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸). «تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب»، به کوشش حسین درگاهی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
۳۸. کاظمی نجف آبادی، محمد رضا (۱۳۹۰). «بررسی الگوی هدایت قوم بنی اسرائیل توسط حضرت موسی (ع)». تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، دانشکده مدیریت و معارف اسلامی.
۳۹. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد (۱۴۰۹). «رياض السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين»، به کوشش محسن حسینی امینی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. کربله، بازبل (۱۳۷۷). «جامعه معاصر شوروی»، ترجمه حمیدرضا صادقی. تهران: مرزداران.
۴۱. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). «رجال الكشي. اختيار معرفة الرجال»، به کوشش محمد بن الحسن الطوسی و حسن مصطفوی. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۴۲. متقی هندی، علی المتقی بن حسام الدین (۱۴۱۹). «کنز العمال»، به کوشش محمود عمر الدمیاطی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأبرار». بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۴۴. مصباح الهدی، مصطفی (۱۳۹۵). "روش های تربیت در داستان حضرت موسی در قرآن"، فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۵۹ و ۶۰، صص ۱۴۰-۱۵۳.
۴۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). «التحقيق في كلمات القرآن الكريم». تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی.

۴۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). «تفسیر نمونه». تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۷. ملاحسینی قطرمی، محسن (۱۳۹۵). «شیوه‌های تبلیغی حضرت موسی علیه السلام»، ماهنامه مبلغان، شماره ۲۰۳، صص ۳۸-۴۷.
۴۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۶). «صحیفه امام». تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۹. مهدوی، ذوالفقار (۱۳۹۵). «تاریخ تحلیلی زندگانی حضرت موسی (ع)». قم: پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی.
۵۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸). «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی مؤسسه آل البيت عليهم السلام. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۵۱. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵). «کتاب سلیم بن قیس الهلالي»، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی محمد انصاری زنجانی خوئینی. قم: الهادی.

References

1. The Holy Quran, translated by Hossein Ansarian
2. Ibn Abi Jumur, Muhammad Bin Zain al-Din (1405). "Awali Al-Leali Al-Aziziyah in Al-Ahadith al-Diniya", by Mojtaba Iraqi. Qom: Dar Seyyed Al-Shohada Publishing House
3. Ibn Abi Shaiba, Abdullah bin Muhammad (1409). "Al-Katab al-Musnaf fi al-Ahadith and Al-Aqteor", by the efforts of Kamal Yusuf al-Hout. Riyadh: Al Rashd School
4. Ibn Athir Jazri, Muhammad Ibn Mubarak (1367). "Al-Nahiya fi Gharib Al-Hadith and Al-Athar", by Mahmoud Mohammad Tanahi. Qom: Ismailian Press Institute
5. Ibn Idris, Muhammad Ibn Ahmad (1410). "Al-Saraer al-Hawi for Tahrir Al-Fatawi (and Al-MuStarafat)", by the efforts of Hasan bin Ahmad Al-Musawi and Abul Hasan bin Masih. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Academic Field Teachers Society.
6. Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali (1362). "Al-Khasal", the effort of Ali Akbar Ghafari. Qom: Society of teachers
7. Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali (1395). "Kamal al-Din and all the blessings", by the efforts of Ali Akbar Ghafari. Tehran: Islamia
8. Ibn Abbad, Sahib; Ibn Abbad, Ismail (1414). "The environment in the language", the effort of Mohammad Hassan Al Yassin. Beirut: Alam al-Katab
9. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1414). "Languages of the Arabs", the efforts of Jamaluddin Mirdamadi. Beirut: Dar-Al-Fakr Lal-Taprah, Al-Nashar, Al-Tawzii, and Dar-Isdar
10. Abul Touh Razi, Hossein bin Ali (1408). "Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinnan fi Tafsir al-Qur'an", by Mohammad Jafar Yahaghi and Mohammad Mahdi Naseh. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation
11. Eshraqi, Siddiqa (2013). "Lessons in the movement of Prophet Moses (pbuh)". Tehran: Master's thesis, School of Principles of Religion, Tehran branch
12. Aminian, Bahadur (2007). "Anti-Islamism in the West: Reasons and Characteristics", Foreign Policy Quarterly, Year 22, Number 1
13. Babaei, Reza (1384). "History of the East and the Contemporary West". Tehran: Bo Ali Strategic Studies
14. Isfahani lady, Seyedah Nusrat Amin (1361). "Makhzn al-Ifan in Tafsir Qur'an". Tehran: Muslim Women's Movement
15. Bahrani, Seyyed Hashem bin Suleiman (1374). "Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an", by the efforts of the Islamic Studies Department of Al-Ba'ath Foundation. Qom: Ba'ath Institute
16. Boroujerdi, Agha Hossein (2016). "College of Shia Ahadith (Lalborujardi)". Tehran: Farhang Sabz Publications
17. Buštani, Fouad Afram (1357). "Abjadi Culture", translated by Mahyar Rezaei. Tehran: Islamic Publications
18. Beigi Abhari, Mohsen (2013). "The influence of the model of the divine prophets on Imam Khomeini's political struggles with an emphasis on the model of Prophet Moses (pbuh)". Tehran: Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Law and Political Sciences
19. Hosseini Zubeidi, Muhammad bin Morteza (1414). "Aj al-Arus Man Javaher al-Qamoos", by the efforts of Ali Hilali and Ali Siri. Beirut: Deralfikr
20. Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1412). "The Vocabulary of Al-Qur'an Words", by the efforts of Safwan Adnan Davoudi. Beirut: Dar al-Qalam
21. Ramezani, Ali (1385). "Mirage of Eastern and Western despair". Tehran: Khurshid
22. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1979). "The basis of rhetoric". Beirut: Dar Sader
23. Siyuti, Jalaluddin (Beita). "Collection of Ahadith". Bi-ja: Bi-na

24. Sharif al-Razi, Muhammad bin Hossein (1406). "Characteristics of the Imams (peace be upon them) (characteristics of the Commander of the Faithful, peace be upon them), by the efforts of Muhammad Hadi Amini. Mashhad: Aṣṭan Quds Razavi
25. Sharif al-Razi, Muhammad bin Hossein (1414). "Nahj al-Balagha (Lal Sobhi Saleh)", by the efforts of Sobhi Saleh. Qom: Hijra
26. Shayiri, Muhammad bin Muhammad (Beita). "Jamae-al-Akhbar (Lalshairi)". Najaf: Heydaria Press
27. Sheikh Haraami, Muhammad bin Hassan (1425). "Proofing God's Guidance with Texts and Miracles". Beirut: Alami
28. Sheikh Haraami, Muhammad bin Hassan (1409). "Detailing the means of the Shi'a to study the issues of the Shari'ah", edited by Al-Al-Bayt Foundation, peace be upon them. Qom: Al-Al-Bayt Foundation, peace be upon them
29. _____ (1362). "Al-Iqaz Man Al-Hujjaa Bal-Bruhan Ali-Reja'a", by Seyyed Hashem Rasouli Mahalati. Tehran: Navid
30. Ziyai, Ali Akbar (1371). "Preaching methods of Hazrat Musa (peace be upon him) in the Holy Qur'an", Mashkwa Quarterly, No. 36 and 37, pp. 43-70
31. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1417). "Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an". Qom: The Islamic Publications Office of the Qom Seminary Community of Teachers
32. Tabarsi, Ahmad bin Ali (1403). "Al-Hitjaj Ali Ahl al-Jajj (Lal-Tabarsi)", by the efforts of Mohammad Baqer Khorsan. Mashhad: Morteza Publishing
33. Tarihi, Fakhruddin bin Muhammad (1375). "Bahrain Assembly", by Ahmad Hosseini Ashkuri. Tehran: Mortazavi
34. Farahidi, Khalil bin Ahmad (1409). "The Book of Al-Ain". Qom: Emigration Publishing
35. Qaraati, Mohsen (2013). "The interpretation of light". Tehran: Lessons from Quran Cultural Center
36. Qorshi Banai, Ali Akbar (1412). "Qur'an Dictionary". Tehran: Islamic Library
37. Qutb al-Din Ravandi, Saeed bin Hibatullah (1409). "Al-Kharaj and Al-Jarah", by the efforts of Imam Al-Mahdi Foundation, peace be upon him. Qom: Imam Mahdi Institute
38. Qomi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza (1368). "Tafsir Kunz al-Daqaq and Bahr al-Gharaib", by Hossein Dargahi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization
39. Kazemi Najafabadi, Mohammad Reza (2019). "Investigation of the pattern of guidance of the Bani Israel by Hazrat Musa (pbuh)". Tehran: Master's thesis, Imam Sadegh University, Faculty of Management and Islamic Studies
40. Kabir Madani Shirazi, Seyyed Ali Khan bin Ahmad (1409). "Riyaz al-Salkin in the description of Seyyed al-Sajdin newspaper", by the efforts of Mohsen Hosseini Amini. Qom: Islamic Publications Office
41. Karbala, Basil (1377). "Soviet Contemporary Society", translated by Hamid Reza Sadeghi. Tehran: Marzadaran
42. Kashi, Muhammad Ibn Omar (1409). "Rajal al-Kashi, the option of knowing men", by the efforts of Muhammad bin Al-Hasan al-Tousi and Hassan Mostafavi. Mashhad: Publishing Institute of Mashhad University
43. Indian pious, Ali al-Muttaqi-bin Hussam al-Din (1419). "Kenz al-Amal", by the efforts of Mahmoud Umar al-Damiati. Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya
44. Majlesi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1403). "Bihar-al-Anwar Al-Jamaa Lederer Akhbar Al-Imam Al-Abrar". Beirut: Revival of Arab Heritage
45. Misbah Al-Hadi, Muṣṭafa (2015). "Education methods in the story of Prophet Moses in the Qur'an", Qur'anic Research Quarterly, No. 59 and 60, pp. 140-153
46. Muṣṭafavi, Hassan (1368). "Al-Thaqir in words

Socio-political positions of women from the point of view of contemporary commentators

Fereshte Sasani¹ Mohammed Hossein Tavanaei Sare²

Abstract

Women's socio-political positions are one of the most challenging issues. The current research aims to investigate the opinions of contemporary commentators in this topic by using the descriptive-analytical method. From the various reasons to prove or deny the right of women's political participation, it can be concluded from the Quran that women can participate in the governmental positions. So, regarding to the influence of time and place conditions, the expansion of women's social demands and the orders of the supreme leader in the social management of the country, more accuracy of opinion should be done in this field. Regarding to the fact that monotheistic thought assigns a special role to the family in the society and in the relationship between men and women, it can slightly balance the mentioned result.

In fact, many religious rules related to women's and men's rights have been made with regard to the sanctity of the family institution. So, the presence of women in the field of sovereignty and political participation is legitimate to the extent that it is compatible with the affairs of the family or the position of the woman in the family. In other words, preserving the family is the limit of women's political and social rights.

Keywords: Women, Political-Social Positions, Contemporary Commentators

مطالعات اجتماعی و سیاسی
فصلنامه علمی

دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

1. Fourth level student, Rafiat al-Muštafa seminary, Tehran, Iran (corresponding author). fereshtehsasani39@gmail.com.

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Dr. tavanaiecsareh@yahoo.com.



مناصب سیاسی - اجتماعی زنان از منظر مفسران معاصر

فربشته ساسانی^۱

محمد حسین توانایی سره دینی^۲

چکیده

مناصب سیاسی اجتماعی زنان از مسائل پرچالشی است که از دیرباز محل مناقشه اندیشمندان بوده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی آراء مفسران معاصر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، سعی در واکاوی این موضوع دارد. از مجموعه دلایلی که برای اثبات یا نفی حق مشارکت سیاسی زن قابل ارائه است، می توان این گونه نتیجه گرفت که از منظر قرآن، زن می تواند در تصدی مناصب حاکمیتی (غیر از ولایت عامه و قضاوت که شأن ولایی دارد) سهیم باشد و دلیل قاطع و خدشه ناپذیری بر عدم مشروعیت تصدی این مناصب از جانب زن در دسترس نیست و لازم است با عنایت به تأثیر شرایط زمان و مکان در استنباط، گسترش مطالبات اجتماعی از سوی زنان و فرمایشات مقام معظم رهبری در مدیریت اجتماعی کشور، تدقیق بیشتری در این زمینه انجام گیرد. باین همه، نکته مهمی که می تواند نتیجه یاد شده را اندکی متعادل یا حتی متحول سازد، آن است که اندیشه توحیدی در ساختار جامعه و در رابطه زن و مرد برای خانواده، نقش ویژه ای قائل است؛ در حقیقت، بسیاری از تشریحات مربوط به حقوق زن و مرد، بنابر قداست و حرمت نهاد خانواده و پاس داشت کیان آن صورت گرفته است؛ براین اساس، حضور زن در عرصه قدرت و حاکمیت و حق مشارکت سیاسی در سطوح مختلف آن، تا آنجا مشروعیت و مطلوبیت قرآنی دارد که با شئون خانواده یا موقعیت زن در خانواده سازگار باشد؛ به تعبیر دیگر، شاید بتوان گفت که حفظ و حراست از کانون خانواده حد و مرز حقوق سیاسی و اجتماعی زن محسوب می شود.

کلیدواژه ها: زنان؛ مناصب سیاسی - اجتماعی؛ مفسران معاصر

۱. طلبه سطح چهار، حوزه علمیه رفیعة المصطفی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

fereshtehsani39@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. Dr.tavanaicesareh@yahoo.com

۱- مقدمه

یکی از پرسش‌های مهم این است که آیا زنان از نظر مفسران معاصر حق تصدی مناصب سیاسیاجتماعی و حضور در عرصه‌های گوناگون حاکمیت و قدرت و ایفای نقش در مراحل مختلف شکل‌گیری، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و مدیریت اجرایی حکومت و حاکمیت را دارند یا خیر؟

این پرسش را که در واقع یک پرسش حقوقی است، می‌توان در حوزه کلاسیک فقه اسلامی و با توجه به ادله و منابع گوناگون فقهی، مورد تحلیل و بررسی قرار داد؛ همان‌گونه که نوع تحقیقات در این حوزه با تکیه بر دیدگاه‌های گران قدر فقهی نگارش یافته است. اما سعی نگارنده در این مقاله بر آن است که پرسش یادشده را تنها در پرتو آیات قرآن و آراء مفسران معاصر پاسخ گوید تا از این طریق، ضمن دریافت دیدگاه قرآن در این موضوع، زمینه‌ای برای نقد و عرضه مفاد احادیث و سایر ادله فقهی دیگر بر قرآن فراهم آید؛ اگرچه در مواردی از نظرات مفسران غیرمعاصر نیز برای مؤید استفاده گردیده است.

آراء مفسران معاصر با تمسک به آیات الهی که برخی به صراحت و یا ضمنی در خصوص حق مشارکت سیاسی زنان، اعلام موافقت نموده و برخی دیگر به‌گونه‌ای از آن‌ها بوی مخالفت استشمام می‌شود یا مطابق برداشت‌های تفسیری عدم جواز مشارکت را بیان می‌نماید، بر مدار موافقت و مخالفت می‌چرخد.

۲- پیشینه پژوهش

نقش جنسیت در احراز مناصب سیاسیاجتماعی یکی از مباحث پرچالشی است که به‌ویژه در چند دهه اخیر در آثار متفکران دینی، به‌طور جدی، مورد بررسی قرار گرفته است.

آصفی (۱۳۸۴) در مقاله «زن و ولایت سیاسی و قضایی»، ضمن بیان این موضوع که امروزه در جهان اسلام نمونه‌های فراوانی از مشارکت زنان در مدیریت کلان اجرایی وجود دارد، معتقد است که در این زمینه دیدگاه‌های فقهی متفاوتی از سلب مطلق، ایجاب مطلق و قول تفصیل وجود دارد و بیشتر فقیهان معاصر در مراتب ولایت، تفصیل قائل شده‌اند. آنگاه ایشان پیرامون دیدگاه فقیهان در دو منصب ولایت عام و قضاوت به بحث می‌پردازد و اظهار امیدواری می‌کند که در فرصتی دیگر به تبیین دیدگاه اسلام درباره جایگاه زن در جامعه بپردازد.

موسوی (۱۳۹۰) با بررسی موضوع «زن و مناصب حکومتی از منظر فقه امامیه» در پاسخ به این پرسش که آیا تصدی چنین مناصبی برای زنان جایز است یا خیر؟

می‌نویسد: «مشهور فقها تصدی این مناصب را از شئون ولایت عامه دانسته و با استناد به کتاب، سنت و دیگر ادله، ذکورت را شرط تصدی این مناصب دانسته‌اند. در مقابل، برخی دیگر ادله مشهور را در اثبات مدعا ناتمام دانسته‌اند.» وی با بررسی ادله هردو گروه، نتیجه می‌گیرد که ادله مشهور متقن بوده و تصدی این مقامات توسط زنان جایز نیست.

عترت دوست (۱۳۹۳) در رساله خود با موضوع «بررسی فقهی ولایت سیاسی زنان» با دفاع از اهمیت حضور زنان در ایفای نقش‌های اجتماعی، مشارکت آنان را در پنج حوزه تحدید نموده و ضمن انتقاد از عدم تبیین کافی مبانی فقهی این موضوع توسط فقها، معتقد است که این امر زمینه مقابله و اعتراض گروه‌های مختلف و نمایشی بودن پست‌های مدیریت سیاسی زنان را به دنبال داشته است. کیانی (۱۳۹۵) با بررسی «ولایت سیاسی زن از منظر فقه امامیه»، معتقد است که به دلایل متعدد فقهی، تصدی ولایت سیاسی و حقوقی زن ممنوع است؛ از این رو، هر منصب اجتماعی که شأن ولایی داشته باشد برای زنان جایز نیست. آنگاه با طرح موضوع ریاست جمهوری زنان، اعلام می‌دارد که این منصب صبغه ولایی ندارد، بلکه مدیریت اجرایی محسوب می‌شود؛ از این رو، زنان می‌توانند این مقام را تصدی نمایند.

ارسطا (۱۳۸۷) در مقاله «ولایت زن» به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا تصدی مشاغل همچون رهبری، ریاست جمهوری و وزارت برای زنان شرعاً جایز است یا خیر. آنگاه نویسنده به تقویت نظریه اکثریت فقهای امامیه، مبنی بر عدم جواز تصدی مناصب ولایی توسط زنان، پرداخته و ضمن اشاره به فلسفه این حکم با استناد به کتاب و سنت، پذیرش این امر را در شرایط استثنایی جایز می‌داند.

۳- بررسی مستندات قرآنی مخالفان

مخالفان تصدی مناصب سیاسی اجتماعی زنان با استناد به آیات قرآن، معتقدند در اندیشه وحیانی، تصدی حکمرانی و زمامداری برای زن ممنوع است؛ از این رو، لازم است، ادله آنان مورد واکاوی قرار گیرد.

برای بیان ممنوعیت ولایت و حکومت زنان و انحصار آن در حوزه مردان به آیاتی از قرآن استناد شده است که برخی از آنها عبارتند از:

۳-۱ آیه قیومیت (نساء/ ۳۴)

آیه قیومیت، یکی از آیات مورد استناد مخالفان پذیرش مناصب سیاسی و اجتماعی زنان است: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا



مِنْ أَمْوَالِهِمْ»

ترجمه: «مردان سرپرست و نگهدارندگان، از آن جهت که خداوند بعضی را بر بعضی برتری داده است و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند.»
مفردات آیه:

قوام صیغه مبالغه از قیام و در آیه شریفه به معنای محافظت و اصلاح است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۹۷/۱۲؛ زبیدی، ۱۴۱۰: ۵۹۶/۱۷)

راغب در مفردات نیز قوام را به معنای قیام با اختیار می‌داند؛ بنابراین، عبارت «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ...» به معنای اعلام مسئولیت مردان در حفظ و اصلاح امور زنان است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۶۹۰)

طریحی در مجمع‌البحرین و مطلع‌النیرین، می‌نویسد: خداوند در آیه شریفه، دو دلیل بر لزوم قیمومیت ولایی و سیاسی مردان بر زنان اقامه کرده است:

- برخورداری مردان از موهبتی الهی چون کمال عقل، حسن تدبیر و توانایی مضاعف در انجام اعمال و عبادات که حاصل آن تصدی مقاماتی چون نبوت، امامت، ولایت، جهاد، سهم‌الارث بیشتر و غیره است.

- پرداخت نفقه و مهریه از سوی مردان. و حال آنکه هر دو از ازدواج بهره می‌برند. البته این برتری به معنای آن نیست که فرد فرد مردان بر فرد فرد زنان برتری داشته باشند؛ زیرا چه بسا زنی که افضل از بسیاری از مردان باشد. (طریحی ۱۳۷۵: ۵۶۴/۳)

۳-۱-۱ سخن مفسران

آیه شریفه به صراحت از فضل و برتری مردان بر زنان سخن می‌گوید، اما کلام در وجه این برتری است.

ابن‌عاشور قائل به برتری ذاتی مردان بر زنان است و علت آن را نیاز زنان به مردان برای حفظ و حراست و واگذاری شئون مالی خود به آنان می‌داند. از نظر وی این امر رویه‌ای مرسوم در میان اقوام و ملل بوده و خدای متعال با عنایت به چنین پیشینه‌ای آن را دلیل قوامیت مردان بر زنان قرار داده است. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۱۴/۴)

ماحصل سخن ایشان بیان چند نکته است:

- بیان صیغه ماضی (أَنْفَقُوا)؛ گویا خداوند اعلام می‌دارد که هزینه‌کردن برای زنان از گذشته، امری شایع بوده است.

- با تعبیر (مِنْ أَمْوَالِهِمْ)، اعلام می‌نماید که در واقع، اموال در اختیار مردان است.

- اگرچه در دنیای امروز، زنان نیز نقش اقتصادی دارند، ولی همچنان مردان عنصر اصلی اقتصاد در دنیا به‌شمار می‌آیند.



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

نویسنده «تفسیر فرقان» برتری مردان بر زنان را مطابق حکمت و مصلحت فردی و اجتماعی دانسته نه از روی صدقه و انفاق، ولی معتقد است از آنجاکه تفضیل مردان بر زنان اعطای الهی است، اقتضای فضیلت ذاتی و فزونی کرامت ندارد؛ لذا مسئولیت آنان در مقایسه با زنان، افزایش می‌یابد. (صادقی تهرانی، ۱۳۹۰: ۴۱۷) جمعی هم قائل به برتری مردان بر زنان از ابعاد مختلف جسمی و روحی هستند: «این برتری به خاطر وجود خصوصیاتی در مرد است؛ مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات زنانه و دیگری داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده دفاع نماید.» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۳۷۰/۳)

نویسنده همچنین علت دوم قیومیت را انفاق دانسته و معتقد است که در جوامع امروزی، زنانی هستند که درآمد سرشاری حتی نسبت به مردان دارند، ولی از آنجاکه این امر عمومیت ندارد، قانون مبتنی بر آن وضع نشده است. مؤلف در عین تأکید بر برتری مردان به لحاظ جسمی و روحی، سرپرستی و قوامیت را دلیل شرافت و شخصیت برتر مردان نمی‌داند. همان‌طور که شخصیت انسانی یک معاون ممکن است از یک رئیس در جهات مختلف بیشتر باشد، اما رئیس برای تصدی کاری که به او محول شده از معاون خود شایسته‌تر است.

فضل‌الله نظریه برتری ذاتی مردان از نظر روحی و عقلی را از اساس، مخدوش دانسته و معتقد است زنان هر جا مسئولیتی پذیرفته‌اند، به خوبی، ایفای نقش کرده‌اند. ایشان غلبه عارضی (نه ذاتی) عواطف در زنان را دلیل برتری مردان می‌داند و شاهد آن را شهادت دو زن برابر با یک مرد دانسته؛ چراکه عواطف غالب موجب خطا در درک صحیح حوادث و رخدادها و امور اجتماعی است. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۳۶/۷) ولی این رأی و نظر همچنان مورد منازعه کسانی است که با استناد به آیه ۲۸۲ سوره بقره، «وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ... أَنْ تَضَلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى»، قائل به برتری عقلانی مردان بر زنان می‌باشند؛ زیرا آیه شریفه به صراحت اعلام می‌دارد که اگر یکی از زن‌ها دچار خطا و اشتباه شد، دیگری آن را اصلاح نماید. (رازی، ۱۴۰۸: ۳۵۷)

طباطبایی در تبیین قوامیت مردان در ذیل آیه ۳۴ سوره نساء تأکید می‌کند که مراد از این فضیلت، مجهز بودن آنان به تجهیز خاصی برای انتظام یافتن حیات دنیوی و تأمین معاش خانواده است نه به معنای فضیلت معنوی در تقرب الهی. ایشان و برخی دیگر از مفسران (طنطاوی، ۱۴۱۸: ۱۳۶/۳؛ شبر، ۱۳۷۹: ۱۱۴؛ حسینی طهرانی، ۱۳۸۷: ۷۸) از عمومیت علت ذکر شده در آیه، بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ



عَلَى بَعْضٍ، عمومیت قیّم بودن مردان بر زنان را نتیجه می‌گیرد نه صرفاً قیّمومیت مردان بر همسران خود را. اگرچه اذعان دارد که ادامه آیه «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ» مربوط به مناسبات خانوادگی است.

طباطبایی معتقد است که آن جهات عمومی که عموم مردان بر زنان قیّمومیت دارند، عبارت است از حکومت، قضاوت و جهاد که حیات جامعه به آنها بستگی دارد و اساس آنها بر نیروی تعقل است که در مردان قویتر است تا زنان و حال آن که زندگی زنان عاطفی و احساسی است و اساس آن لطافت و رقت است و قرآن کریم جانب عقل سلیم را بر عواطف و احساسات ترجیح داده، ولی در عین حال از اهمیت احساسات لطیف و زیبا که در سایه آن تربیت فرد و بنیان اجتماع سامان می‌گیرد، غفلت نکرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۴۳/۴-۳۴۷)

از نظر ایشان حکمت تفاوت مردان و زنان در بهره‌مندی از ارث و لزوم پرداخت نفقه به این دلیل است که مدیریت عقلی جهان بر مدیریت عاطفی غلبه نماید؛ حال آن که در مقام مصرف دوسوم از آن زنان و یک سوم در اختیار مردان است. وی معتقد است، بر این اساس، شریعت مسئولیت‌های اجتماعی چون حکومت و قضاوت را به مردان سپرده است؛ چراکه نیازمند عنصر تعقل است و باید از حاکمیت احساسات دور باشد و هر جا که زمینه سیطره عواطف و احساسات است، به زن اجازه حضور در اجتماع و تصدی این امور را داده است، زیرا که استعداد احساسی و عاطفی زن نسبت به مرد قوی تر است.

ایشان از مجموع مباحث روایی این نتایج را به دست آورده است:

- شیوه مرضی شارع، اشتغال زنان به تدبیر امور منزل و تربیت فرزندان است و حضور در اجتماع در موارد نیاز و ضرورت توصیه می‌شود. از نظر وی ابتدال در غرب مجوز آزادی زنان را صادر کرد و زمینه تباهی اخلاق و حیات اجتماعی را فراهم نمود.

- شیوه و روش اسلام مبتنی بر منع زنان از اموری چون حکومت، جهاد و قضاوت است.

- محرومیت زنان از حضور در برخی میدان‌های اجتماعی با امور دیگری چون نیکو همسر داری جبران شده است.

- مراد از فضیلت در آیه به معنای «فزونی» است نه فضیلت به معنای کرامت که آن در سایه تقوا حاصل می‌شود.

۳-۱-۲ تحلیل و بررسی

این که آیا تمایزات حقوقی بین زن و مرد، علاوه بر عرصه خانواده در عرصه اجتماع

هم هست یا خیر، منوط به آن است که آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» را مختص به حوزه مناسبات خانوادگی دانسته یا معتقد باشیم هر جا که اجتماعی مرکب از زنان و مردان باشد، مرد به دلیل عمومیت علتی که در آیه ذکر شده، برای سرپرستی اجتماع اولویت دارد که در این صورت، منظور از «رجال» و «نساء»، گروه مردان و گروه زنان است و نه همسران.

علتی که در آیه شریفه برای قوامیت مردان بیان شد، مرکب از دو مؤلفه است: فضیلت و انفاق.

اگرچه جزء نخست به تنهایی عام است، اما به انضمام جزء دوم که موضوع آن «انفاق» است، دایره آن محدود به گروه خاصی از مردان می شود که همسرانند. زیرا انفاق مرد به زن، به عنوان همسر، تنها در محدوده روابط خانوادگی و همسری است؛ بنابراین، واژه رجال به معنای «ازدواج» و واژه نساء به معنای «همسران» است. دلیل بر این برداشت، جمله «مَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» است. این جمله می رساند که مراد قیومیت همه مردان بر همه زنان نیست؛ چنان که یکی از مفسران معاصر می نویسد: «از نظر ما مسئله این گونه نیست، بلکه آیه کریمه فقط به دایره همسری اختصاص دارد، زیرا تنها حالتی که بر مرد واجب است که به زن انفاق کند، حالت زوجیت و همسری است؛ چون وقتی به پدر نگاه می کنیم، می بینیم بر او واجب است که بر دخترش به عنوان این که دختر اوست، انفاق کند نه به لحاظ جنسیت و زن بودنش. همین طور وقتی به مقوله ولایت و حاکمیت می نگریم، می بینیم ولایت تنها بر زنان نیست! مثلاً ولایت پیامبر بر مردان و زنان است و همچنین ولایت امام و ولایت فقیه بر هر دو است. پس ما حالتی که در آن مرد بودن و زن بودن ویژگی داشته باشد، نداریم؛ مگر حالت همسری.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۲۵) بنابراین صرف این احتمال که آیه مربوط به حریم خصوصی است، استدلال مخالفان را متزلزل می کند. (منتظری، ۱۴۱۵: ۳۵۰)

البته قرینه های موجود در آیه، نظیر سیاق و شأن نزول و آیه بعدی که حکمیت را به عنوان راهکار برون رفت از مشکلات بیان می کند نیز این قول را تقویت می کند؛ همان گونه که برخی از مفسران بر این نظر تصریح نموده اند (قرطبی، ۱۳۶۸: ۱۶۸/۵؛ فضل الله، ۲۲۸/۷) و ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی نیز از این تفسیر تبعیت کرده است.

شیخ طوسی نیز درباره آیه قوامیت که یکی از مهم ترین ادله مخالفان تصدی امور ولایی بانوان است، آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» را این گونه تفسیر می کند: «یعنی شوهران باید در ادای حقوق زنان شان که بر عهده آنان است، تلاش کنند.»



(طوسی، ۱۳۶۵: ۳/۳۸۵) در واقع شیخ الطایفه برخلاف برخی، اساساً از این آیه هیچ‌گونه برتری برای مرد استنباط نمی‌کند، بلکه مفاد این آیه را بیان وظیفهٔ مرد نسبت به زن دانسته، آن هم در چارچوب خانواده نه اجتماع.

آصفی در مقالهٔ مورد استناد، با اشاره به کلام الهی، «مَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» بیان می‌دارد که تعلیل مذکور در آیه به معنای برتری مطلق مردان بر زنان نیست، بلکه به برتری متوازن در هر دو جنس اشاره دارد. وی همچنین با بیان احتمالات مختلف در ارتباط با قوامیت مردان و نقد و بررسی آنها، نتیجه می‌گیرد که قیمومت مربوط به زندگی زناشویی است؛ آن هم نه در تمام شوون زندگی، بلکه در بخش محدودی از آن؛ مثل بیرون رفتن از منزل در مواردی که با حقی شوهر (روابط زناشویی) منافات داشته باشد و مانند آن، از مواردی است که بخش کوچکی از زندگی خانوادگی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین اگر کسی بخواهد با استناد به آیهٔ مذکور، برتری نوع مردان را بر زنان اثبات نماید و حقی حکمرانی را از زنان را به آن دلیل که مستلزم برتری زن بر مرد می‌شود نفی نماید؛ در این صورت، باید این مطلب را به غیرحکمرانی نیز تسری داده و قبول کند که زن مجاز به پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی دیگر نیز نیست؛ زیرا در این‌گونه مدیریت‌ها نیز احیاناً زن در موقعیتی فراتر از مردان قرار گرفته و حقی امر و نهی بر آنان را پیدا می‌کند.

حاصل آنکه آیهٔ شریفه دلالتی بر عدم صلاحیت و یا منع شرعی حاکمیت زن ندارد، زیرا منافاتی با آنکه زن در خانواده در حوزهٔ مدیریت و قوامیت مرد باشد، اما در بیرون از حریم خانواده، مدیریت و سلطهٔ اجرایی، قضایی و تقنینی بر همسر خویش داشته باشد، وجود ندارد. در نظام خانواده که نوع حکومت مرد بر زن بر پایهٔ طبیعت است و یکی از مظاهر آن حقوق و وظایف متقابل زوجین نسبت به یکدیگر است، از جهات گوناگون با نظام اجتماع که قراردادی است، تفاوت اساسی دارد؛ فلذا قیاس این دو با یکدیگر قیاس مع الفارق است. البته اطلاق و عمومیت کلام خدای متعال نیز مربوط به صنف مردان نسبت به زنان نیست، زیرا در آن صورت باید می‌فرمود: «مَا فَضَّلَهُمْ عَلَيْهِنَ» و از طرفی آیهٔ شریفه در مقام بیان تعیین حدود و قلمرو ولایت نیست تا به اطلاق آن تمسک شود. شرط تمسک آن است که متکلم در مقام بیان باشد و آن هم قابل احراز نیست و هیچ‌یک از فقها به ولایت عموم مردان بر زنان، بدون هیچ رابطهٔ نسبی و سببی، قائل نیستند و تخصیص این حکم به غیر از معصومان و حاکمان شرع (همسران)، تخصیص اکثر است که دور از شأن عقل است؛ بنابراین روشن است که دلالت آیه بر ولایت مرد بر زن ناتمام بوده و از طرفی آیهٔ شریفه دلالتی بر ولایت و قیمومت

جنس مردان بر جنس زنان ندارد؛ بدین ترتیب، استدلال به این آیه بر عدم جواز صلاحیت زنان برای زعامت و حکمرانی ناتمام است.

۳-۲ آیه حلیه (زخرف/۱۸)

آیه شریفه بیانگر دو نقطه ضعف اساسی در طبیعت زن است:

- گرایش به زینت و زیور به دلیل نقص عقلی

- ضعف منطق و استدلال در مقام مجادله و گفتگو

ره آورد این دو ویژگی، احساسی بودن زن است و از آنجاکه حکمرانی و ریاست مستلزم فکر و اندیشه و خردورزی است، زنان شایستگی لازم برای تصدی این مناصب را ندارند.

«أَوْ مَنْ يَنْشَأُ فِي الْحَيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ»

ترجمه: آیا کسی را که در لابه لای زینت‌ها پرورش می‌یابد و به هنگام جدال، قادر به تبیین مقصود خود نیستند، فرزند خدا می‌دانید؟

۳-۲-۱ سخن مفسران

طنطاوی در تفسیر خود می‌نویسد: «منظور آیه بیان کاستی ذاتی عقل و هوش زنان است که با سرشت آنان آمیخته و هنگام مخاصمه و مجادله، قادر به بیان حجت و اقامه برهان نیستند؛ لذا هنگام عجز و ناتوانی در دفاع از خود به گریه پناه می‌برند. آیا انتساب این جنس به خداوند حکیم شایسته است؟ چه بد داوری می‌کنند!» (طنطاوی، ۱۴۱۸: ۶۹/۱۳)

صاحب تفسیر «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» با وجود آنکه از آیه نقصان عقل زنان را نتیجه گرفته، اما به نکته ظریفی اشاره می‌کند که چون عرب همیشه به شجاعت و فصاحت و غلبه در حجت افتخار می‌نمود، پسران را به این دلیل، تکریم و زنان را به دلیل فقد این فضائل، تحقیر می‌نمود. (کاشانی، ۱۳۴۴: ۲۴۱/۱۰)

ابن عاشور در تفسیر «التحریر و التنویر»، نشو و نماي زنان را در زینت، کنایه از ضعف در مواجهه با مشکلات سخت دانسته و معتقد است که بین این دو ملازمه عرفی وجود دارد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۲۹/۲۵)

طباطبایی و برخی دیگر معتقدند که زنان و دختران به دلیل غلبه عاطفی و ضعف تعقل، علاقه شدیدی به زینت و زیور داشته و از تقریر حجت که اساسش قوه عاقله است، ضعیفند و در هنگام گفتگو و جدال، قادر به بیان مقصود خود نیستند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۴/۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۹/۲۱)

نتیجه طبیعی این آراء، بیان نقصان عقل و دین زنان است؛ اگرچه برخی سعی در



مهرورزی نموده و اعلام می‌دارند که در این تحقیر، تعریضی متوجه زنان نیست؛ چراکه شوق به زینت برای آنان جایز است. (طیب، ۱۳۷۸: ۱۳/۱۲) از این رو، زنان شایستگی تصدی و تولیت امور اجتماعی را ندارند؛ زیرا این امور نیازمند عقلانیت و توان اقامه دلیل و حجت و غلبه بر عواطف و احساسات است و زنان زود مغلوب احساسات خود می‌شوند و قدرت کافی و لازم برای اثبات مقصود خود به هنگام مخاصمه و مجادله را ندارند.

۳-۲-۲ تحلیل و بررسی

نگارنده معتقد است که این استدلال از اساس نادرست است؛ زیرا هم بر همه زنان قابل انطباق نیست، از آن جهت که برخی از آنان از درایت و عقلانیت بالایی برخوردارند و هم در مورد تمامی فعالیت‌های اجرایی، تقنینی و قضایی صدق نمی‌کند. از طرفی اگر کلام قرآن ناظر به بیان واقع است، از واقعیت زن در جامعه و نظام تربیتی عرب سخن می‌گوید نه از زن به عنوان یک انسان و فارغ از فرهنگ و وضعیت اجتماعی. آصفی معتقد است که خداوند، در این آیه، به بیان خصوصیات غالبی و عمومی مرد و زن پرداخته؛ در حالی که چه بسا زنانی هستند که در عهده دار شدن امور اجتماعی و سیاسی و قضایی و در امر قیمومت، از بسیاری مردان برتر می‌باشند! و قطعاً نمی‌توان از این آیه استفاده کرد که هر مردی از هر زنی برتر است و زن به سبب این ویژگی تکوینی، توان تصدی امور اجتماعی را ندارد. ایشان با اشاره به آیاتی نظیر «خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا» (نساء/۲۸) و «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَجَلٍ» (انبیا/۳۷) می‌فرماید: آیاتی از این دست بیانگر نقاط ضعف انسان‌ها در تکوین و خلقت‌شان است، ولی در عین حال از آنها نمی‌توان استفاده کرد که انسان توان تصدی امور را ندارد. (آصفی، ۱۳۸۴: ۸۵)

جوادی آملی نیز معتقد است که آیه شریفه در صدد بیان ناقص بودن زن، «عندالله» نیست، بلکه می‌خواهد بگوید زن «عندالجمعة» ناقص است؛ وی با اشاره به خطبه حضرت زهرا و حضرت زینب سلام الله علیهما در مسجد مدینه و مجلس یزید، می‌فرماید: «هِيَ فِي الْإِنْحِصَامِ مُبِينَةٌ»، ولی یک ولی خدا می‌خواهد که اینها را پیروانند نه مانند جامعه جاهلی که زنان را به گونه‌ای تربیت کردند که با آرایش و زیور به سر برند و در استدلال‌های علمی یا مجاهدت‌ها حضور نداشته باشند. بدیهی است اگر راه برای زن‌ها در یک نظام اسلامی مثل نظام کنونی باز باشد، معلوم می‌شود که خانم‌ها اگر رشدشان بیشتر نباشد، کمتر نیست. ۱.

بنابراین مفهوم آیه کریمه، انکار و ابطال عقیده مشرکان عرب است که فرشتگان را دخترانی پنداشته که خداوند سبحان به فرزندی برگزیده، اما خود از وجود آنان کراهت داشتند و برای خود نمی‌پسندیدند؛ فلذا خدای متعال با منطق و استدلال خودشان با آنان احتجاج نموده که آیا دخترانی را که برای خود نمی‌پسندید به فرزندی خداوند سبحان نسبت می‌دهید؟

۳- آیه تبرج (احزاب/۳۳)

آیه شریفه به زنان امر نموده که در خانه‌های خود بمانند؛ از این رو، تصدی هر مسئولیتی که مستلزم خروج از خانه و اختلاط با بیگانه است، به دلیل منافات با آیه برای زنان جایز نیست.

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»

ترجمه: «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم، زینت‌های خود را آشکار نکنید.»

مفردات آیه

واژه «قَرْنَ»، جمع مؤنث مخاطب و فعل امر ریشه «وَقَرَّ»، مصدر «وقار»، به معنای سنگین و آرام است و احتمال دارد از «قَرْنَ» به معنای ماندن باشد.

«تَبَرَّجْنَ» به معنای خودنمایی زنان و ظاهر کردن زیبایی و زینت کردن و صورت خویش برای مردان است. ریشه این واژه «بَرَجَ» و به دو معنای اصلی به کار می‌رود: «بروز و ظهور» و «ملجأ و مکان بلند»؛ تبرج از معنای نخست اخذ شده و بروج (برج‌های فلکی) به معنای دوم راجع است. (احمد بن فارس، ۱۴۰۴: ۲۳۸) به این اعتبار که زنی که خود را زیبا ساخته و محاسنش را برای نامحرمان ظاهر کرده، مانند برج خواهد بود؛ بنا بر شواهد قرآنی، به‌ویژه، آیه ۳۵ سوره احزاب، «تَبَرَّجْنَ» منحصر به زنان نیست و مردان مسلمان نیز ملزم به رعایت حدود شرعی‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۳/۱۶) البته مصادیقی از جلوه‌گری و خودنمایی زنان در قالب گفتار، رفتار و حرکات محرک و ناپسند به قصد دل‌ربایی از مردان در آیات و روایات نقل و بر نهی از آن‌ها تأکید شده است؛ هرچند که این مصادیق به تناسب عادات و فرهنگ‌ها، غالباً دستخوش تغییر است، ولی روح اصلی آن رفتار و منش غیرمتین (در برابر عفاف) مورد نظر است؛ از این رو، برخی از مفسران «تَبَرَّجْنَ» را اعم از حجاب و ستر می‌دانند. (طبرسی، ۱۳۸۲: ۲۴۲/۷)

مراد از «جاهلیت اولی»، همان جاهلیت قبل از اسلام است و «جاهلیت ثانیه»، جهالتی است که بعداً پیدا خواهد شد؛ همچون عصر ما. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳:



۲۹۰/۱۷) اما اینکه برخی از مفسران گفته‌اند، مراد از جاهلیت اولی زمان بین آدم و نوح یا زمان تولد حضرت ابراهیم یا فاصله بین زمان حضرت عیسی تا حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه است، سخنانی است که دلیلی بر درستی آن‌ها وجود ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۵/۱۶)

۳-۳-۱ سخن مفسران

طباطبایی معتقد است، این آیه برابری زنان پیامبر را با سایر زنان نفی می‌کند و مقام آنان را به همان شرطی که گفته شد، بالا می‌برد. آنگاه از پاره‌ای کارها نهی و به برخی دیگر امر می‌کند. این امر و نهی را متفرع بر کلمه «فا: پس» نموده، یعنی «پس در سخن خضوع نکنید و در خانه‌های خود بنشینید و با ناز و کرشمه سخن نگویند.» با اینکه این امور بین زنان پیامبر و سایر زنان مشترک است؛ بنابراین، ذکر «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ» برای تأکید است؛ یعنی چون شما مثل دیگران نیستید، باید در امتثال این تکالیف کوشش و رعایت بیشتری کنید و بیش از آنان، احتیاط به خرج دهید. (طباطبایی، ۴۶۱/۱۶)

نویسنده تفسیر نمونه هم با اعلام عمومیت این حکم، تکیه بر زنان پیامبر را از باب تأکید بیشتر می‌داند؛ مثل اینکه به شخص دانشمندی بگویند، تو که دانشمندی، دروغ نگو. مفهوم این سخن آن نیست که دروغ بر دیگران جایز است، بلکه مراد آن است که از دانشمند انتظار بیشتری می‌رود که ترک کذب کند. (مکارم شیرازی، ۲۹/۱۷) برخی دیگر از مفسران نیز عموم زنان را مشمول این حکم دانسته‌اند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷۹۶/۳؛ قرطبی، ۱۳۶۸: ۱۷۹/۷)

حسینی طهرانی هم معتقد است که دو مطلب قابل جمع نیست؛ نخست آنکه خدای متعال به زن‌ها امر کند که مستقر در بیوت باشید و از طرف دیگر اعلام کند که حضور در مجالس مردان، سخنرانی، خطبه خوانی، تنازع و تخاصم اشکال ندارد، چراکه این امور برای متصدیان امور عامه ضرورت دارد! شأن مجلس شورا نیز از همین قبیل است. ایشان ضمن انتقاد از اختصاص آیات به زنان پیامبر، لازمه این سخن را حرمت «تبرج» و ناز و کرشمه برای زنان پیامبر و مباح بودن آن برای سایر زن‌ها می‌داند که نتیجه آن قبول ضعف عقل و درایت همسران پیامبر نسبت به سایر زنان است. (حسینی طهرانی، ۱۳۸۷: ۱۷۶/۳-۱۷۷)

بنابراین، آیه شریفه یک قاعده کلی در ارتباط با بیگانه بیان می‌نماید که زنان باید در رفتار و گفتار و شیوه برخورد، به گونه‌ای رفتار کنند که هیچ متجاوزی توان عبور از مرز عفت و حجاب را نداشته باشد. (طبرسی، ۱۳۸۲: ۵۵۸/۸)

۳-۳-۲ تحلیل و بررسی

آیه شریفه، در خصوص، همسران پیامبر اکرم است؛ همان گونه که فراز *يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ*، به این مطلب تصریح می‌کند؛ یعنی مقام و موقعیت ویژه حضرت، موجب سلسله ملاحظات ویژه برای خویشان و همسران آن حضرت می‌شود و هدف آن حفظ حرمت حریم نبوی است که باید احترام و قداست آن در میان مسلمانان همچنان باقی بماند تا پس از آن حضرت از هرگونه سوءاستفاده و طمع‌ورزی که از آفات بیوت شریفه است، مصون باشد.

شهید مطهری نیز در تأیید این تحلیل، معتقد است که در خطاب به همسران پیامبر، بیشتر جهات سیاسی-اجتماعی در کار بوده است. اسلام خواسته است، همسران حضرت که در میان مسلمانان محترم بوده‌اند از احترام خود سوءاستفاده نمایند و ابزار دست عناصر ماجراجو واقع نشوند و سرّ عدم جواز ازدواج امهات المومنین، بعد از حضرت، همین است. یعنی همسر بعدی از شهرت زنش سوءاستفاده نکند. (مطهری، ۸۱: ۱۳۶۸-۸۰) اگرچه کلام ایشان منافاتی با عمومیت حرمت «تبرج» نیز ندارد. البته بر فرض آنکه همه زنان مسلمان مشمول پیام آیه باشند، برخی آن را امر ارشادی می‌دانند نه الزامی (طباطبایی، ۳۰۵/۱۶) به این مضمون که رویکرد شارع مقدس آن است که زنان ملازم خانه و خانواده خود باشند و از تجرّول و رفت و آمد بی دلیل و توأم با سبکی و عدم متانت و وقار خودداری کنند. چنان که ادامه آیه *(وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى)* مبین این معناست و هیچ فقیهی به مقتضای ظاهر آیه شریفه، فتوا به وجوب خانه‌نشینی و حرمت رفت و آمد زنان در جامعه، نداده است.

نویسنده کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی نیز معتقد است که از این آیه، استفاده می‌شود که ضرورت رعایت حجاب درباره همسران حضرت، مورد تأکید بیشتری است و این نکته قابل توجه است. (منتظری، ۱۴۰۹: ۱۱۹/۲-۱۲۰)

تاریخ و جریان زندگی همسران پیامبر و زنان مسلمان گواه این برداشت است که آنها نه تنها از منزل خارج شده، بلکه در فعالیت‌های متعدد جهادی، اقتصادی و پشتیبانی جبهه و جنگ نیز شرکت داشتند، برای مردم نقل روایت می‌کردند و مردان به حضورشان می‌رفتند که روایات آن حضرت را از ایشان بشنوند. امّ سلمه برای دفاع از ولایت، پای در مسجد می‌گذارد و در حضور حاکم وقت و حاضران شهادت می‌دهد. (کحاله، ۱۴۳۲: ۲۲۳/۵-۲۲۴) ولی تنها عایشه است که به خاطر همراهی با طلحه و زبیر در جنگ جمل، حوادث ناگواری برای جهان اسلام به وجود آورد و همگان او را سرزنش می‌کنند که به فرمان آیه شریفه *قَرَنِي فِي*



يُوتُكُنَّ، عمل نکرده است؛ البته خود او نیز در روزهای واپسین عمر، خویش را بر مخالفت با این دستور، مورد ملامت قرار می‌دهد. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۴)

از سوی دیگر، آیات امر به معروف و نهی از منکر که مسئولیت عمومی و نظارت همگانی را بر عهدهٔ آحاد مسلمانان، اعم از زن و مرد، می‌گذارد (توبه/۷۱)، با توجه به گسترهٔ معروف‌ها و منکرها و روش‌های مقابله با آن‌ها، می‌طلبد که زنان و مردان در مراکز و مجامع و صحنه‌های لازم حضور داشته باشند و این می‌تواند شاهد بر این معنا باشد که خانه‌نشینی همواره برای زن مسلمان یک ضرورت نیست، بلکه گاهی نقطهٔ مقابل آن ضرورت می‌یابد؛ نظیر وجود پلیس زن که مقامات انتظامی، مقام معظم رهبری را بر ضرورت تشکیل آن متقاعد کردند. همچنین آیات حجاب، نظیر «وَلْيُضِرَّ نَفْسَ الْمُجْرِمِينَ عَلَى جُيُوبِهِمْ...»، اگرچه به مدلول مطابقی، لزوم پوشش بدن زن و ناروایی التذاذ از او را می‌رساند، اما به مدلول التزامی دلالت بر جواز حضور زن در اجتماع دارد، زیرا اگر خانه‌نشینی واجب بود، نیازی به پوشش بدن نبود؛ چراکه اصل حاکم بر روابط خانوادگی ابداء زینت است نه اخفاء آن.

در تاریخ اسلام آمده روزی تعدادی از زنان خدمت پیامبر اکرم شرفیاب شده و عرض کردند که ما مایلیم در نماز مغرب و عشاء به امامت شما اقتدا کنیم، ولی برخی جوانان در میان راه موجب اذیت ما می‌شوند. در اینجا بود که وحی الهی آنان را از حضور در مساجد نهی نکرد، بلکه با ارائهٔ راهکاری، تحت عنوان پوشش (جلباب)، حضور آنان را مصونیت بخشید. (طباطبایی، ۱۶/۳۴۰)

این شواهد حاکی از آن است که آیهٔ «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ...» به معنای لزوم خانه‌نشینی زنان نیست، بلکه نهی از تبریجی است که عناصر آن عبارت است از قصد جلوه‌گری و خودنمایی، تکشف زن (که نمودهای مختلفی دارد) و جلب توجه مردان نامحرم.

مقام معظم رهبری در تبیین «تبرج»، می‌فرماید: «در اسلام «تبرج» ممنوع است. تبرج یعنی همان خودنمایی زنان در مقابل مردان برای جذب و فتنه‌انگیزی. هر جا و در هر سطحی که زن و مرد دچار این فتنه بشوند، برای این‌ها گمراهی و غفلت و لغزش به وجود خواهد آمد. شرع مقدس اسلام بنا گذاشته است که این گنداب را بخشکاند. آن‌هایی که شاخصهٔ زن را در زیور و آرایش و سبک‌سری و بازیچه قرار گرفتن در دست مردان می‌دانند، نمی‌توانند اساس هویت زنانه را در

۱. با ارائهٔ درخواست اصلاحیه نیروی انتظامی به مجلس و تصویب آن، از سال ۱۳۷۷ ورود پلیس زن رسمیت یافت.

منطق اسلام و در نظر اسلام درك کنند.» از این رو، لازم است آیه را به گونه ای تفسیر کرد که با سایر آیات و آموزه های قرآن مغایرت نداشته باشد.

تصدی مناصب اجتماعی با رعایت حجاب، حیا و حفظ موازین شرعی منافات ندارد؛ همانگونه که برخی از محققان، ذیل آیه شریفه، به روشنی، بیان می دارند که در قرآن هیچ دلیل صریح و روشنی بر حرمت تصدی امور اداری و سیاسی و قضایی زن وجود ندارد. (أصفی، ۱۳۸۴: ۹۲)

برای جمع بندی مطالب این بخش، به نظر می رسد، با عنایت به مجموعه ادله قرآنی مخالفان تصدی مناصب سیاسی اجتماعی زنان، می توان این گونه نتیجه گرفت که استدلال قاطع و خدشه ناپذیری بر عدم مشروعیت تصدی این مناصب از جانب زن در دست نیست؛ از این رو، لازم است با عنایت به تأثیر شرایط زمان و مکان در استنباط، گسترش مطالبات اجتماعی از سوی زنان و فرمایشات مقام معظم رهبری در مدیریت اجتماعی کشور، دقت بیشتری در این زمینه انجام گیرد.

۴- بررسی مستندات قرآنی موافقان

موافقان زمامداری و حکمرانی زنان با استناد به ادله، معتقدند زنان به دلیل برخورداری از قوه تدبیر و تعقل، قادرند تدبیر امور را به دست گرفته و متصدی حاکمیت و قدرت باشند؛ از این رو، در این بخش، ابتدا ادله موافقان تقریر شده و سپس به بررسی و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

۴-۱ آیه حکمرانی (نمل/۲۲-۲۴)

از آیاتی که مبین صلاحیت و شایستگی ایفای نقش زنان در زمینه های سیاسی و حکومتی است، آیات مربوط به حکمرانی ملکه سبا است که موافقان پذیرش مناصب سیاسی زنان، همواره به آن استناد نموده اند: «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَهِيَ عَرْشٌ عَظِيمٌ وَجَدْتُهُمْ يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنُ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَانَهُمْ فَصَدُّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ.»

ترجمه: [هدهد گفت: در سرزمین سبا] زنی را یافتم که بر آنها سلطنت می کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت. او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می کنند و شیطان اعمال شان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] بازداشته بود؛ در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند.

در این آیات، خداوند از زن عاقل، خردورز و بادرایتی سخن می گوید که بر سرزمین یمن حکومت می کند. وی هنگامی که با نامه جناب سلیمان مواجه شد، هیئت مستشاری را جهت رایزنی فرا می خواند، زیرا مدل حکمرانی وی مشورتی و



بر اساس خرد جمعی است نه استبدادی. مشاوران حکومت که به توانایی نظامی و تجهیزات تسلیحاتی خود مغرورند، اعلام آمادگی برای مقابلهٔ نظامی می‌نمایند. ولی آیات وحی از این فرمانروا چهره‌ای خردمند و دوراندیش را نمایش می‌دهد که با تحلیل آثار و پیامدهای ویرانگر جنگ، گام اول پیروزی را ارزیابی و شناخت دقیق دشمن می‌داند؛ زیرا جنگ به پیروزی یکی از دو طرف درگیر می‌انجامد و فاتح جنگ در سرزمین‌های اشغالی، فساد و خرابی به بار می‌آورد؛ از این رو، با تحلیل آثار و پیامدهای ویرانگر جنگ و محاسبهٔ ترس از شکست، موجب شد که جنگ را تا زمانی که راه‌های مسالمت مسدود نشده، به مصلحت ندانسته و با ارسال هدایا، دشمن از جمله پیامبران یا پادشاهان را بیازماید.

آنگاه که نشانه‌های قدرت حضرت را ادراک نمود، با قاطعیت و صراحت، اعلام می‌نماید که ما نه تسلیم سلیمان، بلکه همراه او تسلیم پروردگار عالم هستیم و از کیش شرک به آیین توحید گرویده و اسلام می‌آورد.

۴-۱-۱ سخن مفسران

گرچه مفسران در ذیل این آیات، کمتر به موضوع مدیریت زنان پرداخته‌اند، ولی نکاتی قابل ذکر است.

- قرآن کریم کتاب راهبری و هدایت انسان است. (بقره/۱) از این رو، همه معارف توحیدی، تاریخی، اخلاقی، قصص و مواظب آن در ارتباط با صلاح و فلاح انسان است نه افسانه‌پردازی و از آنجاکه باطل در کتاب الهی راه ندارد (فصلت/۴۲)، هر مطلبی که بیان می‌کند، حتماً در انتها با اعلام موضع، تأیید یا تکذیب خواهد کرد و بی‌اعتنا از کنار آن رد نمی‌شود.

- آیات ۴۰-۲۳ سورهٔ نمل از فرمانروایی بانویی در سرزمین یمن یاد می‌کند که دارای سلطنت عظیمی است و هرآنچه که یک حکومت بزرگ بدان نیازمند است، مانند ارادهٔ قوی، تصمیم راسخ، کشور پهناور، ذخایر فراوان، ارتش مجهز و مردم فرمانبر، در اختیار دارد. (طباطبایی، ۴۹۵/۱۵)

- جوادی آملی معتقد است که قرآن کریم در نقل قصهٔ فرمانروایی ملکهٔ سبا، نه تنها مذمتی بر او نکرده، بلکه تلویحاً آن را تأیید کرده است. این داستان پاسخی است به آنان که زن را فاقد روحیهٔ کاردانی، تدبیر، آینده‌نگری، سیاست‌مداری و گرایش به کمال می‌انگارند. (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۲۸۲-۲۸۶)

- اگرچه می‌توان گفت که لحن آیات اعلام و اخبار است نه تجویز و تأیید.
- اگرچه در جنس زنان شایستگی‌ها بسیار است و حتی خود این داستان

نشان می‌دهد که ملکه سبا از فهم و درایت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده، ولی با این همه، رهبری حکومت چندان با وضع روح و جسم آنها سازگار نیست که هدهد نیز از این مسئله تعجب کرد و گفت: «من آن زن و قوم و ملت او را دیدم که برای خورشید سجده می‌کنند.» (مکارم شیرازی، ۷۸/۱۵)

۴-۱-۲ تحلیل و بررسی

درباره ریاست ملکه سبا، ذکر نکات ذیل ضروری است:

- هم‌ردیفی خورشیدپرستی و ریاست بلقیس به آن معنا نیست که این دو هم‌سنخ و دارای حکم واحدند. نکوهشی هم که ذیل آیه نقل شده، مبنی بر اینکه شیطان اعمال آنها را زینت داده و آنها را از راه حق بازداشته، به شهادت ظاهر آیه مربوط به پرستش خورشید است نه ریاست و حکمرانی ملکه سبا. (نمل/۲۵)

- در طول تاریخ، زنان متهم به کم‌بهره‌گی از درایت و عقلانیت هستند، ولی آیات وحی ملکه سبا را فرمانروایی عاقل، دوراندیش، واقع‌گرا و خواستار حق و حقیقت معرفی می‌کند که در مواجهه با نامه جناب سلیمان از آن با احترام یاد نموده و با مشاوران خود به مشورت می‌نشیند که این امر حاکی از حسن تدبیر و شیوه صحیح کشورداری است. به‌گمان نگارنده، این بیان قرآنی اعلام یک موضوع منحصر به فرد و استثنایی نیست، بلکه بیان شیوه صحیح مدیریتی است که جنسیت‌بردار نیست.

- تاریخ گواه آن است که حاکمان، نوعاً در ارتباط با دیگران، حتی انبیاء الهی از موضع قدرت و تحکم برخورد کرده‌اند. ولی عقلانیت و تدبیر ملکه پس از شناخت شخصیت جناب سلیمان، موجب دوری از جنگ و خشونت گردید و این رفتار و ادب سیاسی، آرامش دنیوی و معنوی و سعادت را به مردم سرزمینش هدیه کرد.

- واقعیت آن است که عدم جواز تصدی زنان، عمدتاً برخاسته از نوع نگرشی است که درباره آنان وجود داشته و آن عبارت است از حفظ پوشش و تصدی امور منزل؛ همان‌گونه که برخی از اعظام نه براساس ادله عقلی و نقلی، بلکه صرفاً با تکیه بر مذاق شارع، حتی مرجعیت علمی زنان را هم بر نمی‌تابند. (خویی، ۲۲۶/۱۴۱۱:۱)

- از تحلیل داستان ملکه سبا می‌توان نگاه قرآن نسبت به شخصیت زن، جواز حکومت زنان، بررسی احادیث دال بر نقص عقلی زنان و همچنین پاسخگویی به شبهات را دریافت.

- مخالفان جواز حکومت زنان با تبیینی که از آیات و احادیث ارائه دادند، دلالت این داستان را بر جواز زعامت زنان نمی‌پذیرند. به نظر می‌رسد، موضع هر دو گروه



نیازمند بررسی‌های دقیق‌تری است تا بتوان قضاوت جامعی در این خصوص، ارائه داد، ولی پرداختن به این موضوع به دلیل قرآنی بودن شخصیت ملکه و شایستگی برای تبدیل شدن به یک الگوی هدایتی روشن است.

۴-۲ آیه شورا

موافقان تصدی مناصب سیاسی و اجتماعی از سوی زنان، قانون‌گذاری را یکی از عرصه‌های قدرت و حاکمیت دانسته که در قالب مجالس مشورتی، نقش مردم را در تعیین حق سرنوشت اجتماعی خود به نمایش می‌گذارد؛ اگرچه قرآن مدل خاصی از قانون‌گذاری را ارائه نمی‌کند، اما به لزوم مشورت پیامبر با مؤمنان (وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ) فرمان داده و رویکرد شورایی و پرهیز از استبداد و خودرأیی را پایه‌گذاری می‌نماید و این بدان معناست که شیوه شورا در هر زمان و در هر زمینه‌ای که به کار رود، زن و مرد، هر دو، حق مشارکت و اظهار نظر در آن را دارند؛ از این رو، برخی معتقدند در مناصب سیاسی فعلی که قدرت سیاسی و سلطه افراد مقید به شورای برخاسته از انتخاب مردم و نظارت مؤسسات نظارتی است، دلیلی بر عدم مشروعیت تصدی مناصب حاکمیتی از سوی زنان وجود ندارد. (مطهری، ۱۳۷۱: ۲؛ شمس الدین، ۱۳۸۸: ۸۳) البته می‌توان پاسخ داد که این استدلال فقط در مورد بعضی از مناصب سیاسی فعلی، مثل عضویت در مجالس شورایی، قابل قبول است نه در مورد دیگر مناصبی که در بردارنده قدرت و سلطه‌اند؛ اگرچه مشروعیت عضویت زنان در مجالس قانون‌گذاری و مانند آن هم از منظر برخی محل اشکال است. زیرا اعضای این مجالس در امور حکومتی نظیر عزل رئیس جمهور و رد و تأیید اعتبارنامه افراد و وزرا دخالت می‌کنند و این همان جایگاه اهل حل و عقد در صدر اسلام است. (ابوفارس، ۱۹۹۹: ۱۷۶)

بدیهی است بر فرض پذیرش این استدلال، به حضور حداقلی نمایندگان زن، این اشکال وارد نیست؛ چراکه گروه اقلیت از ولایت به معنای واقعی برخوردار نیستند.

۴-۳ آیه امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم بحث اصلاح عمومی و نظارت همگانی را با تعبیر «امر به معروف» و «نهی از منکر» مطرح و آن را یکی از مسئولیت‌های کلیدی و برجسته آحاد جامعه اسلامی شمرده و به نقش زنان در انجام این رسالت و مسئولیت خطیر، تصریح می‌نماید. ۲. به گونه‌ای که بعضی از محققان، دلیل مشروعیت تصدی مناصب

۱. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...

۲. الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ... (توبه/ ۷۱)

قضایی از سوی زنان را برخی ادلهٔ مطلق در بابِ وجوبِ امر به معروف و نهی از منکر دانسته و معتقدند که زنان برای انجام این تکالیف نه تنها مجاز، بلکه موظف به فراهم نمودن مقدمات آن هستند. (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۲۵۲) البته باید دانست، اگرچه زن و مرد در شمول برخی ادلهٔ وجوب، صراحت دارند، ولی از عموم مکلفین تمامی مراتب و مصادیق امر و نهی، از جمله قضاوت، خواسته نشده است؛ از این رو، باتوجه به سیره و فضای فرهنگی حاکم در اسلام، در بابِ منع شرعی از تصدی مناصب ولایی زنان، ظهور اطلاقی بدوی زائل می‌گردد.

نکته‌ای که غفلت از آن سزاوار نیست آن است که جواز تصدی مناصب سیاسی، قضایی و اجتماعی از سوی زنان، منافاتی با ناپسندی و کراهت آن از نظر اسلام، ندارد. اهمیت کانون خانواده و لزوم حفظ و حراست از آن، وظایف اختصاصی زنان در حوزهٔ مادری، همسری و خانه‌داری و مشکلات معاشرت در محیط‌های اجتماعی و افزایش احتمالی آثار سوء اختلاط و ازسویی لزوم حفظ عفاف و حجاب در جامعه، از جمله دلایل مرجوحیت مناصب سیاسی و اجتماعی زنان است. مؤید این برداشت، سیرهٔ پیامبر اکرم و ائمهٔ معصومین علیهم السلام در عدم ترغیب بانوان به حضور در عرصهٔ حاکمیت سیاسی است؛ بنابراین در شرایط برابر، اولویت (نه الزام) آن است که مناصب سیاسیاجتماعی (خصوصاً در مواردی که مخاطب زن نباشد) به مردان واگذار شود؛ زیرا که این واسپاری در راستای حفاظت از کيان خانواده و پاسداشت قداست آن و رعایت مصالح عمومی اجتماع است.

نتیجه‌گیری

از مجموعه دلایلی که برای اثبات یا نفی حقی مشارکت سیاسی زن ارائه شد، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که از منظر قرآن، زن همانند مرد می‌تواند در تعیین سرنوشت جامعه و در تصدی مناصب حاکمیتی سهیم باشد، اما با این همه، نکتهٔ مهمی که می‌تواند نتیجهٔ یادشده را اندکی متعادل یا حتی متحول سازد، آن است که اندیشهٔ توحیدی در ساختار جامعه و در رابطهٔ زن و مرد برای خانواده نقش ویژه‌ای قائل است؛ درحقیقت، بسیاری از تشریحات مربوط به حقوق زن و مرد، باتوجه به قداست و حرمت نهاد خانواده و پاسداشت کيان آن صورت گرفته است. اهمیت کانون خانواده در نگاه قرآن، ما را به این حقیقت مهم رهنمون می‌سازد که حقوق و وظایف افراد باید در پرتو محوریت خانواده تعریف و تبیین شود و نتیجهٔ آن تقویت و تحکیم نهاد خانواده باشد نه سست شدن و فروپاشی آن؛ براین اساس، حضور زن در عرصهٔ قدرت و حاکمیت و حقی مشارکت سیاسی در

سطوح مختلف آن، مانند سایر حقوق وی، تا آنجا مشروعیت و مطلوبیت قرآنی دارد که با شئون خانواده یا موقعیت زن در خانواده سازگار باشد؛ به تعبیر دیگر، شاید بتوان گفت که حفظ و حراست از کانون خانواده حد و مرز حقوق سیاسی و اجتماعی زن محسوب می‌شود؛ همچنان که در مورد مرد نیز همین حکم جاری است.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰)، «التحریر والتنوير»، جلد ۴. بیروت: موسسه التاريخ العربی.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹)، «تفسیر القرآن العظیم»، جلد ۳. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، «لسان العرب»، جلد ۱۲. بیروت: دار صار.
۴. ابوفارس، محمد عبدالقادر (۱۹۹۹)، «حقوق المراه المدنيه والسياسيه في الاسلام». الاردن: دارالفرقان.
۵. احمد بن فارس، ابوالحسين (۱۴۰۴)، «معجم مقاييس اللغة»، جلد ۱. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. ارسطا، محمد جواد (۱۳۸۷)، «زن و مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، ۱. تهران.
۷. آصفی، محمدمهدی (۱۳۸۴)، «زن و ولایت سیاسی و قضایی». مجله فقه اهل بیت. ش ۴۲، ۴۷-۱۰۰.
۸. آلوسی، محمود (۱۴۱۵)، «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی»، جلد ۱۲. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، «زن در آیین جلال و جمال». قم: اسراء.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، «وسائل الشیعه». قم: آل البیت.
۱۱. حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۳۸۷)، «رساله بدیعه». قم: نشر علامه طباطبائی.
۱۲. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۱)، «الاجتهاد والتقلید فی التنقیح فی شرح العروه الوثقی»، ج ۱. قم: مؤسسه الخوئی الاسلامیه.
۱۳. رازی، ابوالفتوح (۱۴۰۸)، «روح الجنان فی تفسیر القرآن». مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۴۱۶)، «مفردات الفاظ القرآن». بیروت: الدار الشامیه.
۱۵. زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۰)، «تاج العروس»، جلد ۱۷. بیروت: دارالفکر.
۱۶. شادلی قطب، سید ابراهیم حسین (۱۴۱۲)، «فی ظلال القرآن»، جلد ۵. بیروت: دارالشروق.
۱۷. شبر، عبدالله (۱۳۷۹)، «تفسیر القرآن الحکیم». تهران: اسوه.
۱۸. شمس الدین، محمدمهدی (۱۳۸۸)، «اهلیه المراه لتصدی السلطه»، ترجمه محسن عابدی. تهران: بعثت.
۱۹. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۹۰)، «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنه»، جلد ۷. تهران: فرهنگ اسلامی.
۲۰. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴)، «المیزان»، جلد ۴، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۲)، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، جلد ۳. تهران: طبع و نشر.
۲۲. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، «مجمع البحرین و مطلع النیرین»، جلد ۳. تهران: مرتضوی.
۲۳. طنطاوی، محمد (۱۴۱۸)، «التفسیر الوسیط للقرآن الکریم»، جلد ۱۳. قاهره: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، «تهذیب الاحکام»، جلد ۳. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، «أطیب البیان فی تفسیر القرآن»، جلد ۱۲. تهران: کتابفروشی اسلامی.
۲۶. عترت دوست، محمد (۱۳۹۳)، «بررسی فقهی ولایت سیاسی زنان»، رساله دکتری. قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۲۷. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۷۷)، «تفسیر الکبیر»، جلد ۲۷. بیروت: دارالسلام.
۲۸. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹)، «تفسیر من وحی القرآن»، جلد ۷. بیروت: دارالملاک للطباعة والنشر.
۲۹. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۰)، «تفسیر احسن الحدیث»، جلد ۱۰. تهران: بنیاد بعثت.



۳۰. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۸). «الجامع لاحکام القرآن»، جلد ۵. تهران: ناصرخسرو.
۳۱. کاشانی، فتح الله (۱۳۴۴). «منهج الصادقین فی الزام المخالفین»، جلد ۱۰. تهران: اسلامیه.
۳۲. کحاله، عمر رضا (۱۴۳۲). «اعلام النساء»، جلد ۵. بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۳. کیانی، سمیرا (۱۳۹۵). «ولایت سیاسی زن از منظر فقه امامیه». پایان نامه کارشناسی ارشد. شهرکرد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۳۴. مرتضوی، سید ضیاء (۱۳۷۵). «محقق اردبیلی و قضاوت زن». قم: مقالات کنگره محقق اردبیلی.
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). «مسأله حجاب». تهران: صدرا.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). «زن و سیاست، مجله پیام زن». شماره ۲. قم: ؟.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). «نکته‌ها و یادداشت‌هایی درباره زن در قرآن». مجله پژوهش‌های قرآنی، ۲۷ و ۲۸.
۳۸. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰). «شبهات و ردود حول القرآن الکریم». تهران: مؤسسه التمهید.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳). «تفسیر نمونه». جلد ۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹). «مبانی فقهی حکومت اسلامی»، جلد ۲. تهران.
۴۱. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵). «دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه». قم: تفکر.
۴۲. موسوی، سید ابوالحسن (۱۳۹۰). «زن و مناصب حکومتی از منظر فقه امامیه». پایان نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

References

The Holy Quran

1. Ibn Ashur, Muhammad Tahir (1420). "Al-Tahrir and Al-Tanwar", volume 4. Beirut: Al-Tarikh Al-Arabi Institute
2. Ibn Kathir, Ismail bin Omar (1419). "Tafseer al-Qur'an al-Azceem", Jad 3. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya
3. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1414). "Languages of the Arabs", volume 12. Beirut: Dar Sar
4. Abu Fars, Mohammad Abdul Qadir (1999). "Haqq al-Marah al-Madaniyyah and Politics in Islam". Al-Jordan: Dar al-Furghan
5. Ahmad bin Faris, Abul Hussein (1404). "The Dictionary of Al-Lagheh Comparisons", Volume 1. Qom: Islamic Propaganda Office
6. Aristotle, Mohammad Javad (1387). "Women and Political Participation", Political Science Quarterly, 1. Tehran
7. Asefi, Mohammad Mahdi (2004). "Woman and political and judicial province". Ahl al-Bayt Jurisprudence Magazine. Sh 42, 47-100
8. Alousi, Mahmoud (1415). "Ruh Al-Ma'ani in Tafsir Al-Qur'an Al-Azceem and Al-Saba Al-Mathani", Volume 12. Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi
9. Javadi Amoli, Abdullah (1388). "Woman in the Mirror of Glory and Beauty". Qom: Israa
10. Hor Ameli, Muhammad bin Hassan (1414). "Weasel al-Shia". Qom: Al El Bayt
11. Hosseini Tehrani, Mohammad Hossein (1387). "Badi'ah Treatise". Qom: Allameh Tabatabai Publishing
12. Khoi, Abu al-Qasim (1411). "Al-Ijtihad and Taqqlid fi-Tanqih fi Sharh al-Urwa al-Waghti", vol.1. Qom: Al-Khoei Islamic Institute
13. Razi, Abulfatuh (1408). "The Spirit of the Gentiles in Tafsir al-Qur'an". Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation
14. Ragheb Esfahani, Abolqasem (1416). "Vocabulary of Quranic Words". Beirut: Eldar Al-Shamiya
15. Zubeidi, Seyyed Mohammad Morteza (1410). "Taj al-Aros", volume 17. Beirut: Dar al-Fekr
16. Shazli Qutb, Seyed Ibrahim Hossein (1412). "Fi Zhalal al-Qur'an", Volume 5. Beirut: Dar al-Shurouq
17. Shabar, Abdullah (1379). "Tafsir al-Qur'an al-Hakim". Tehran: Asoeh
18. Shamsuddin, Mohammad Mahdi (2008). "Ahliyyah Al-Marah Lettsadi al-Sulta", translated by Mohsen Abedi. Tehran: Ba'ath
19. Sadeghi Tehrani, Mohammad (1390). "Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an with the Qur'an and Sunnah", volume 7. Tehran: Islamic culture
20. Tabatabai, Mohammad Hossein (1374). "Al-Mizan", volume 4, translated by Mohammad Bagher Mousavi Hamdani. Qom: Community of Modaresin Publications
21. Tabrasi, Fazl bin Hassan (1382). "Collection of Al-Bayan in Tafsir al-Qur'an", Volume 3. Tehran: Tabab and Nashr
22. Tarihi, Fakhreddin (1375). "Al-Bahrin Assembly and Al-Nireen Informer", Volume 3. Tehran: Mortazavi
23. Tantawi, Muhammad (1418). Al-Tafsir Al-Wasit for the Noble Qur'an", Volume 13. Cairo: Dar Nahda Masr for Printing and Publishing
24. Tusi, Mohammad bin Hassan (1365). "Tahzeeb Al-Ahkam", Volume 3. Tehran: Darul-e-Kitab al-Islamiya Publications
25. Tayeb, Abdul Hossein (1378). "Atib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", volume 12. Tehran: Islamic bookstore



26. Atrat Došt, Mohammad (2014). "Jurisprudential examination of the political guardianship of women", doctoral dissertation. Qom: Faculty of Theology and Islamic Studies
27. Fakhr Razi, Muhammad bin Omar (1377). "Tafsir al-Kabir", volume 27. Beirut: Dar al-Salaam
28. Fadlullah, Mohammad Hossein (1419). "My Commentary on the Revelation of the Qur'an", Volume 7. Beirut: Dar al-Mulak for printing and publishing
29. Qurashi, Ali Akbar (1370). "Tafseer Ahsan al-Hadith", Volume 10. Tehran: Ba'ath Foundation
30. Qurtobi, Muhammad bin Ahmad (1368). "Al-Jami Lahkam al-Qur'an", Volume 5. Tehran: Nasser Khosro
31. Kashani, Fathullah (1344). "Manhaj al-Sadiqin fi Zaam al-Makhalifiin", Volume 10. Tehran: Islamia
32. Kahale, Omar Reza (1432). "Ilam al-Nisa", volume 5. Beirut: Al-Rasalah Institute.
33. Kiani, Samira (2015). "Woman's political province from the perspective of Imami jurisprudence". Master's thesis. Shahrekord: Faculty of Literature and Human Sciences
34. Mortazavi, Seyed Zia (1375). "Ardabili researcher and women's judgement". Qom: Papers of Mohaghegh Ardabili Congress
35. Motahari, Morteza (1368). "Issue of hijab". Tehran: Sadra
36. Motahari, Morteza (1371). "Women and Politics, Payam Zan Magazine". Number 2. Qom
37. Motahari, Morteza (1380). "Notes and notes about women in the Qur'an", Qur'anic Research Magazine, 27 and 28
38. Marafet, Mohammad Hadi (2010). "Doubts and reactions around the Holy Qur'an". Tehran: Al-Tamhid Institute
39. Makarem Shirazi, Nasser (1353). "Sample Interpretation". Volume 3. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya
40. Montazeri, Hossein Ali (1409). "The Jurisprudential Foundations of Islamic Government", Volume 2. Tehran
41. Montazeri, Hossein Ali (1415). "Deserts in the field of al-faqih and jurisprudence of the Islamic jurisprudence". Qom: Thinking
42. Mousavi, Seyyed Abulhasan (2019). "Women and government positions from the perspective of Imami jurisprudence". Master thesis, Mashhad: Faculty of Theology and Islamic Studies



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱



Social Studies of the

Tow Quarterly

Qur'an

Vol. 1, No. 2, Autumn and Winter 2022-2023
Journal of Department of Education,
Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University



BU-ALI SINA
UNIVERSITY

Online ISSN: 0000-0000

Print ISSN: 0000-0000

➤ **The educational goals of peaceful coexistence from the perspective of the Holy Quran with an emphasis on the interpretation of "Al-Mizan"**

● Salman Rizwan Khah

➤ **Quranic requirements of active resistance with emphasis on Imam Khamenei's point of view**

● Mohammad Sotoudeh , Mohammad Ali Sadeghzadeh

➤ **Transformational solutions in prophetic cultural management with an emphasis on the Quranic thought of Imam Khamenei**

● Asghar Ayati , Abdullah Tavakoli

➤ **A comparative study of the quality, time and conditions of the domination of Islam, from the point of view of foreign commentators and its comparison with the thought of Imam Khamenei (with the focus on verse 33 of Repentance Surah)**

● Mohsen Khoshfar, Leila Ebrahimi

➤ **Enmity in the Qur'anic tradition of Prophet Moses (pbuh), a model for protection of the Islamic revolution**

● Mahmoud Karimi , Nabiollah Salari

➤ **Socio-political positions of women from the point of view of contemporary commentators**

● Fereshte Sasani , Mohammed Hossein Tavanaei Sare